بسم الله الرحمن الرحیم

عربی، زبان قرآن (۲)

علوم و معارف اسلامی

راهنمای معلّم

پایه یازدهم

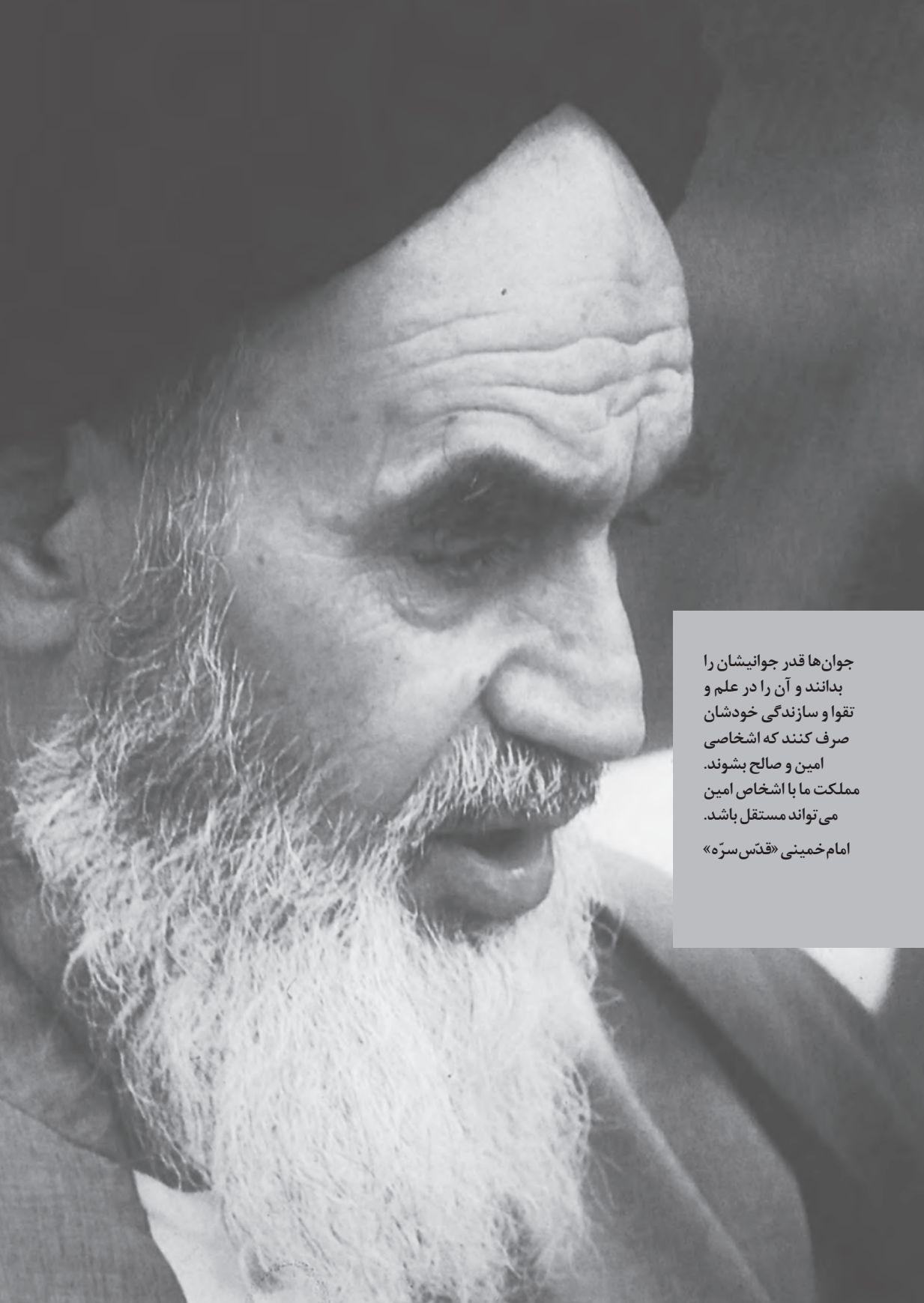
دورهٔ دوم متوسطه



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

نام کتاب: راهنمای معلّم عربی، زبان قرآن (۲)ـ پایهٔ یازدهم دورهٔ دوم متوسطه ـ ۱۱۱۳۹۰
پدیدآورنده: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف: فرزانه لبافی (مؤلّف) ـ گروه حکمت و معارف اسلامی
آماده سازی و نظارت بر چاپ و توزیع: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
شناسه افزوده آماده‌سازی: احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) ـ جواد صفری (مدیر هنری) ـ رضوان جهانی فریمانی (صفحه‌آرا) ـ فاطمه سادات مهدوی مقدم، کمند مهری، علیرضا ملکان، فریبا سیر و حمید ثابت‌کلاچاهی (امور آماده‌سازی)
نشانی سازمان: تهران: خیابان ایرانشهر شمالی ـ ساختمان شمارهٔ ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
تلفن: ۹ـ۸۸۸۳۱۱۶۱، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
وبگاه: www.chap.sch.ir و www.irtextbook.ir
ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران ـ کیلومتر ۱۷ جادهٔ مخصوص کرج ـ خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۵ـ۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۱۳۹ـ۳۷۵۱۵
چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ اول ۱۴۰۵

شابک ۰ـ۳ـ۹۸۰۵ـ۰۵ـ۹۶۴ـ۹۷۸
ISBN: 978_964_05_9803_0



جوان‌ها قدر جوانیشان را بدانند و آن را در علم و تقوا و سازندگی خودشان صرف کنند که اشخاصی امین و صالح بشوند. مملکت ما با اشخاص امین می‌تواند مستقل باشد.

امام خمینی «قدّس سرّه»

کلیهٔ حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلّق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به‌صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیهٔ فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوّز از این سازمان، ممنوع است و متخلّفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

فهرست

مقدمه ۲
اهداف برنامه درسی عربی ۴
روش ها و منابع یاددهی ــ یادگیری ۶
طرح درس ۷
بارم بندی امتحان کتبی عربی یازدهم علوم و معارف اسلامی ــ نوبت اوّل ۱۴
بارم بندی امتحان کتبی عربی یازدهم علوم و معارف اسلامی ــ نوبت دوم ۱۶
نمونه سؤال امتحانی نوبت اول ۱۸
توضیحات مشترک در تدریس عربی پایه یازدهم و چگونگی آموزش درس‌ها ۲۳
بودجه پیشنهادی ترم اول ۲۶
درس اول ۳۲
از اشعار منسوب به امام علی علیه السلام ۳۳
موضوعات درس اول ۳۴
دانستنی‌های دبیر ۵۲
اشتباهات رایج دانش‌آموزان و راهکار ۵۳
تمارین ۵۳
درس دوم ۵۸
از کلام امیرالمؤمنین در برتری قرآن ۵۹
موضوعات درس دوم ۶۰
دانستنی‌های دبیر ۶۵
اشتباهات رایج دانش‌آموزان و راهکار ۶۸
تمارین ۷۱
درس سوم ۷۵
شجاعت در حق ۷۶
موضوعات درس سوم ۷۸

دانستنی‌های دبیر ۸۳
اشتباهات رایج دانش‌آموزان و راهکار ۸۴
تمارین ۸۵
درس چهارم ۹۰
دروغ ۹۱
موضوعات درس چهارم ۹۳
دانستنی‌های دبیر ۹۷
اشتباهات رایج دانش‌آموزان و راهکار ۹۷
تمارین ۹۸
درس پنجم ۱۰۲
شگفتی‌های درختان ۱۰۳
موضوعات درس پنجم ۱۰۴
دانستنی‌های دبیر ۱۱۱
اشتباهات رایج دانش‌آموزان و راهکار ۱۱۴
تمارین ۱۱۵
درس ششم ۱۲۰
حاکم فروتن ۱۲۱
موضوعات درس ششم ۱۲۲
دانستنی‌های دبیر ۱۲۷
اشتباهات رایج دانش‌آموزان و راهکار ۱۲۷
تمارین ۱۲۸
بودجه بندی پیشنهادی ترم دوم ۱۳۳
نمونه سؤال امتحانی نوبت دوم ۱۳۷
درس هفتم ۱۴۴
آداب سخن گفتن ۱۴۵

موضوعات درس هفتم ۱۴۶
دانستنی‌های دبیر ۱۵۰
اشتباهات رایج دانش‌آموزان ۱۵۱
تمارین ۱۵۱
درس هشتم ۱۵۵
آنّه ماری شیمل ۱۵۶
موضوعات درس هشتم ۱۵۷
دانستنی‌های دبیر ۱۶۷
اشتباهات رایج دانش‌آموزان و راهکار ۱۶۸
تمارین ۱۷۰
درس نهم ۱۷۴
نامه چهل و پنجم از نهج‌البلاغه ۱۷۵
موضوعات درس نهم ۱۷۷
دانستنی‌های دبیر ۱۸۵
اشتباهات رایج دانش‌آموزان و راهکار ۱۸۷
تمارین ۱۸۷
درس دهم ۱۹۲
از آیات اخلاق ۱۹۳
موضوعات درس دهم ۱۹۴
دانستنی‌های دبیر ۲۰۰
اشتباهات رایج دانش‌آموزان و راهکار ۲۰۱
تمارین ۲۰۳
درس یازدهم ۲۰۷
ابن هیثم ۲۰۸
موضوعات درس یازدهم ۲۰۹

دانستنی‌های دبیر ۲۱۲
اشتباهات رایج دانش‌آموزان و راهکار ۲۱۲
تمارین ۲۱۲
درس دوازدهم ۲۱۷
معجزه پیامبران ۲۱۸
موضوعات درس دوازدهم ۲۱۹
مرور مفاهیم اصلی درس ۲۱۹
دانستنی‌های دبیر ۲۲۹
اشتباهات رایج دانش‌آموزان و راهکار ۲۳۰
تمارین ۲۳۱
منابع و مآخذ دانش افزایی ۲۳۴

بخش اول

کلیات برنامه درسی عربی زبان قرآن (۲)

کلیات

مقدمه

تعلیم و تربیت، زیربنای رشد و پیشرفت هر جامعه و مهم‌ترین بستر برای شکوفایی استعدادهای انسانی است. نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران نیز در راستای تحقق اهداف متعالی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و با اتکا به یافته‌های علمی و تجارب متخصصان حوزه برنامه‌ریزی درسی، به طراحی و تدوین برنامه‌های آموزشی و کتاب‌های درسی اهتمام ورزیده است. بی‌تردید، تحقق اهداف پیش‌بینی‌شده در این برنامه‌ها، در گرو نقش‌آفرینی آگاهانه و حرفه‌ای معلمان است؛ زیرا کتاب درسی، هرچند مهم‌ترین منبع آموزشی به شمار می‌آید، تنها در پرتو تدریس اثربخش، خلاقانه و هدفمند معلم، به یادگیری عمیق و پایدار خواهد انجامید.

از این‌رو، انتظار می‌رود دبیران گرامی، علاوه بر شناخت دقیق فلسفه، اهداف و رویکردهای حاکم بر برنامه درسی، همواره در مسیر ارتقای شایستگی‌های حرفه‌ای خود گام بردارند و با تعمیق دانش تخصصی، آشنایی با دستاوردهای نوین علوم تربیتی، بهره‌گیری از فناوری‌های آموزشی و به‌کارگیری روش‌های فعال یاددهی ــ یادگیری، زمینه تحقق هرچه بهتر اهداف آموزشی و تربیتی را فراهم آورند. چنین رویکردی، افزون بر ارتقای کیفیت آموزش، زمینه‌ساز پرورش نسلی توانمند، اندیشه‌ورز و برخوردار از مهارت‌های لازم برای ایفای نقش مؤثر در جامعه خواهد بود.

یکی از اصول بنیادین تعلیم و تربیت، توجه به تفاوت‌های فردی فراگیران است. هرچند همه دانش‌آموزان از استعداد یادگیری برخوردارند، اما ظرفیت‌ها، علایق، تجربه‌های زیسته و شیوه‌های یادگیری آنان یکسان نیست. برخی از طریق مشاهده، برخی با شنیدن، گروهی در تعامل و گفت‌وگو و شماری نیز در جریان فعالیت‌های عملی، یادگیری عمیق‌تری را تجربه می‌کنند. از این‌رو، طراحی و اجرای فرایند آموزش بر پایه روش‌های متنوع، انعطاف‌پذیر و متناسب با ویژگی‌های یادگیرندگان، ضرورتی انکارناپذیر است. چنین نگاهی، افزون بر افزایش مشارکت دانش‌آموزان، فرصت یادگیری مؤثر را برای همه آنان فراهم می‌سازد و از شکل‌گیری شکاف‌های آموزشی جلوگیری می‌کند.

درس عربی در رشته علوم و معارف اسلامی، صرفاً یک درس زبان‌آموزی نیست، بلکه از

مهم‌ترین دروس تخصصی این رشته به شمار می‌آید و نقش بنیادینی در فهم قرآن کریم، احادیث، متون اصیل اسلامی و دیگر منابع علمی مرتبط ایفا می‌کند. از این‌رو، آموزش این درس، نیازمند تسلط علمی دبیر، شناخت دقیق اهداف آموزشی و بهره‌گیری از شیوه‌های تدریس متناسب با ماهیت آن است. تجربه‌های آموزشی نشان می‌دهد که هرگاه آموزش عربی به حفظ قواعد و انتقال صرفِ اطلاعات محدود شود، انگیزه و اشتیاق دانش‌آموزان کاهش می‌یابد؛ اما هنگامی که یادگیری در فضایی فعال، هدفمند و مسئله‌محور شکل گیرد، دانش‌آموز ضمن درک کارکرد زبان، با علاقه و اعتماد بیشتری در فرایند یادگیری مشارکت خواهد کرد.

کتاب حاضر با هدف یاری‌رساندن به دبیران محترم در اجرای اثربخش برنامه درسی و تحقق اهداف آموزشی درس عربی تدوین شده است. این اثر، درصدد ارائه الگویی پیشنهادی برای طراحی و مدیریت فرایند تدریس است؛ الگویی که ضمن پاسداشت استقلال حرفه‌ای و خلاقیت دبیران، بتواند در تبیین مفاهیم، یکسان‌سازی نسبی ترجمه متون، تحلیل محتوای درس و پاسخ‌گویی به تمرین‌ها، زمینه وحدت رویه و انسجام بیشتر در آموزش را فراهم آورد. همچنین کوشش شده است مطالب این کتاب راهنما، برنامه‌ریزی آموزشی، طراحی فعالیت‌های یادگیری و مدیریت کلاس درس را برای دبیران تسهیل کند و آنان را در دستیابی به اهداف مورد انتظار برنامه درسی یاری رساند.

شایسته است دبیران ارجمند، پیش از آغاز تدریس و برنامه‌ریزی آموزشی، بخش «سخنی با دبیر» در ابتدای کتاب درسی را با دقت مطالعه کنند؛ زیرا این بخش، چارچوب نظری و اجرایی کتاب درسی را تبیین می‌کند و آگاهی از آن، بهره‌گیری مؤثرتر از ظرفیت‌های آموزشی کتاب و این راهنما را امکان‌پذیر می‌سازد.

در تدوین این کتاب، کوشش شده است نیازهای علمی و حرفه‌ای دبیر در تمامی مراحل تدریس مورد توجه قرار گیرد. از این‌رو، در آغاز هر درس، افزون بر هدف کلی، اهداف جزئی و انتظارات عملکردی نیز تبیین شده است تا مسیر آموزش روشن‌تر و منسجم‌تر باشد. همچنین با تأکید بر نقش معلم به‌عنوان تسهیل‌گر یادگیری، تلاش شده است ضمن تبیین فرایند یادگیری دانش‌آموز، چالش‌های احتمالی او در فهم مطالب پیش‌بینی شود و راهکارهای مناسب برای شکل‌گیری یادگیری فعال، معنادار و ماندگار ارائه گردد. بر همین اساس، در هر درس بخش‌هایی با عنوان «پیشنهادهای آموزشی در ترجمه درس»، «مرور مفاهیم اصلی»، «اشتباهات رایج دانش‌آموزان و راهکارهای آن» و «دانستنی‌های دبیر» گنجانده شده است. در پایان نیز پاسخ تمرین‌ها ارائه شده تا این کتاب بتواند

به‌عنوان راهنمایی جامع، کاربردی و قابل اعتماد، پشتوانه‌ای برای برنامه‌ریزی و اجرای مؤثر فرایند تدریس باشد.

امید است این اثر، به یاری خداوند متعال، بتواند در ارتقای کیفیت آموزش درس عربی، غنای فرایند یاددهی ـ یادگیری و تحقق اهداف برنامه درسی رشته علوم و معارف اسلامی، سهمی هرچند اندک داشته باشد و مورد استفاده و بهره‌مندی دبیران فرهیخته این سرزمین قرار گیرد.

اهداف برنامه درسی عربی

هدف غایی تعلیم و تربیت در نظام اسلامی، هدایت انسان به سوی قرب الهی، دستیابی به حیات طیبه و شکوفایی همه‌جانبه استعدادهای الهی اوست. در این میان، آشنایی با زبان عربی، به‌عنوان زبان قرآن کریم، سخن پیامبر اکرم(ص)، اهل‌بیت علیهم‌السلام و بخش عظیمی از میراث گران‌سنگ تمدن اسلامی، جایگاهی ممتاز در تحقق این هدف دارد. زبان عربی صرفاً ابزاری برای یادگیری یک زبان بیگانه نیست، بلکه دریچه‌ای برای فهم مستقیم منابع اصیل دین، تعمیق معرفت دینی و برقراری ارتباطی آگاهانه‌تر با معارف وحیانی است. از این‌رو، آموزش این درس باید فراتر از انتقال قواعد زبانی، زمینه انس بیشتر دانش‌آموزان با قرآن کریم، نماز، ادعیه، نهج‌البلاغه، صحیفه سجادیه و دیگر متون معتبر اسلامی را فراهم آورد و آنان را در مسیر رشد معنوی، تعمیق ایمان و نیل به حیات طیبه یاری رساند.

در آموزش زبان‌ها، به‌طور معمول، توسعه چهار مهارت بنیادینِ شنیدن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن، هدف کلان برنامه‌های آموزشی به شمار می‌آید. با این حال، با توجه به ماهیت برنامه درسی، اقتضائات دوره متوسطه و زمان اختصاص‌یافته به درس عربی، انتظار دستیابی کامل به همه این مهارت‌ها واقع‌بینانه نیست. از این‌رو، برنامه درسی حاضر با تأکید بر رویکردی متناسب با نیازهای دانش‌آموزان رشته علوم و معارف اسلامی، بیش از هر چیز بر تقویت مهارت خواندن، فهم و ترجمه متون عربی، در کنار آشنایی تدریجی با دیگر مهارت‌های زبانی، استوار است. بدیهی است که بهره‌گیری از روش‌های صحیح آموزشی و ایجاد انگیزه برای یادگیری، می‌تواند زمینه دستیابی دانش‌آموزان به سطوح بالاتری از شایستگی‌های زبانی را نیز فراهم آورد.

بر این اساس، مهم‌ترین اهداف برنامه درسی عربی عبارتند از :

۱ توانمندسازی دانش‌آموز در فهم و تحلیل متون عربی مرتبط با قرآن کریم، احادیث، نهج‌البلاغه، صحیفه سجادیه و دیگر متون متناسب با اهداف برنامه درسی، با درک مفاهیم اصلی و جزئی آنها.

۲ گسترش دامنه واژگان عمومی و تخصصی زبان عربی، به‌ویژه واژگان مرتبط با علوم و معارف اسلامی، به‌منظور افزایش توانایی درک و فهم متون.

۳ تعمیق شناخت قواعد صرفی و نحوی در حد نیاز، به‌گونه‌ای که دانش‌آموز بتواند از آنها در فهم، تحلیل و ترجمه صحیح متون عربی بهره گیرد و قواعد را به‌عنوان ابزاری برای فهم زبان به کار بندد، نه صرفاً مجموعه‌ای از محفوظات.

۴ تقویت مهارت ترجمه متون عربی به زبان فارسی با رعایت اصول زبانی، دقت در انتقال معنا و توجه به ظرافت‌های ساختاری و دستوری.

۵ تعمیق شناخت دانش‌آموز از فرهنگ و تمدن اسلامی و آشنایی با جلوه‌هایی از فرهنگ عربی در چارچوب آموزه‌های اسلامی و محتوای برنامه درسی.

۶ تقویت روحیه پژوهش، مسئولیت‌پذیری علمی، اخلاق پژوهشی و بهره‌گیری صحیح از منابع معتبر در فرایند یادگیری زبان عربی.

بدیهی است برنامه درسی دوره متوسطه، فرصت آموزش همه ظرفیت‌ها و ظرافت‌های زبان عربی را فراهم نمی‌آورد و انتظار دستیابی به مراتب عالی مهارت‌های زبانی در این دوره، با اهداف و امکانات برنامه درسی تناسب ندارد. از این‌رو، انتظار می‌رود دانش‌آموزان در پایان این دوره، توانایی فهم و ترجمه متون و عبارت‌های متناسب با سطح آموزشی خود را کسب کنند و آمادگی لازم برای ادامه مسیر یادگیری را به دست آورند. این شایستگی، افزون بر پاسخ‌گویی به نیازهای علمی و دینی آنان، زمینه موفقیت در رشته‌های دانشگاهی مرتبط با رشته علوم و معارف اسلامی یعنی رشته‌های الهیات، فقه، اصول، علوم قرآن و حدیث و زبان و ادبیات عربی را نیز فراهم خواهد ساخت. از این‌رو، آموزش دقیق، هدفمند و عمیق درس عربی در این دوره، نه‌تنها مقدمه‌ای برای فهم بهتر معارف اسلامی، بلکه پایه‌ای استوار برای موفقیت علمی دانش‌آموزان در مراحل بعدی تحصیل به شمار می‌آید.

روش‌ها و منابع یاددهی ــ یادگیری

تحقق اهداف برنامه درسی عربی، افزون بر تسلط علمی دبیر بر محتوای درس، مستلزم شناخت عمیق از اصول یاددهی ــ یادگیری، ویژگی‌های روان‌شناختی و شناختی فراگیران و بهره‌گیری از روش‌های آموزشی متناسب با اهداف و ماهیت این درس است. از این‌رو، آموزش زبان عربی نباید به انتقال قواعد و مفاهیم زبانی محدود شود، بلکه لازم است در قالب فرایندی هدفمند، تعاملی و یادگیرنده‌محور، زمینه شکل‌گیری یادگیری معنادار، کاربردی و پایدار را فراهم آورد.

یکی از پیش‌نیازهای طراحی و اجرای آموزش اثربخش، شناخت ویژگی‌ها، توانایی‌ها، پیش‌دانسته‌ها، علایق و نیازهای آموزشی دانش‌آموزان است. چنین شناختی، امکان انتخاب روش‌های مناسب، طراحی فعالیت‌های یادگیری متنوع و متناسب‌سازی فرایند آموزش با تفاوت‌های فردی را فراهم می‌کند. پیشنهاد می‌شود در نخستین جلسات آموزشی، فرصت‌هایی برای گفت‌وگو و معرفی دانش‌آموزان به زبان عربی فراهم شود تا آنان، متناسب با آموخته‌های پیشین خود، درباره هویت، علایق و توانایی‌هایشان سخن بگویند. در این مرحله، هدف اصلی، سنجش میزان تسلط زبانی یا پرهیز از خطاهای احتمالی نیست؛ بلکه مشاهده شیوه اندیشیدن، میزان آمادگی، اعتمادبه‌نفس، انگیزه و ظرفیت‌های یادگیری دانش‌آموزان است. این شناخت، مبنایی ارزشمند برای برنامه‌ریزی آموزشی و انتخاب راهبردهای مناسب تدریس خواهد بود.

طراحی آموزشی منسجم، تدوین طرح درس مبتنی بر اهداف برنامه درسی و رعایت بودجه‌بندی آموزشی، از دیگر عوامل مؤثر در ارتقای کیفیت تدریس به شمار می‌آید. انتخاب روش تدریس نیز باید بر پایه ماهیت محتوا، اهداف هر درس و ویژگی‌های یادگیرندگان صورت گیرد. روش‌های فعال و مشارکتی، همچون گفت‌وگوی آموزشی، پرسش و پاسخ هدفمند، یادگیری مشارکتی، حل مسئله، فعالیت‌های گروهی، ایفای نقش، تمرین‌های موقعیت‌محور و بهره‌گیری از متون اصیل، فرصت بیشتری برای تعامل، اندیشیدن، تمرین و کاربرد آموخته‌ها فراهم می‌آورند و یادگیری را از سطح حفظ مطالب، به سطح فهم، تحلیل و به‌کارگیری دانش ارتقا می‌بخشند.

در آموزش زبان عربی، توجه هم‌زمان به تفاوت‌های فردی و سبک‌های گوناگون یادگیری، ضرورتی انکارناپذیر است. دانش‌آموزان از نظر شیوه دریافت و پردازش اطلاعات یکسان نیستند؛ از این‌رو، بهره‌گیری از رسانه‌ها، ابزارها و فعالیت‌های آموزشی متنوع، زمینه مشارکت

مؤثرتر همه فراگیران را فراهم می‌سازد. استفاده از تصویر، نمودار، جدول، نقشه‌های مفهومی، فایل‌های صوتی، فیلم‌های آموزشی، بازی‌های یادگیری، فعالیت‌های عملی، تمرین‌های تعاملی و سایر رسانه‌های آموزشی، ضمن افزایش انگیزه و جذابیت کلاس، یادگیری را عمیق‌تر، ماندگارتر و اثربخش‌تر خواهد ساخت.

امروزه فناوری‌های آموزشی، بخش جدایی‌ناپذیر فرایند تعلیم و تربیت به شمار می‌آیند و بهره‌گیری آگاهانه از آنها می‌تواند کیفیت آموزش را به‌طور چشمگیری ارتقا دهد. استفاده هدفمند از نرم‌افزارهای آموزشی، محتوای چندرسانه‌ای، سامانه‌های یادگیری الکترونیکی، منابع دیجیتال، فرهنگ‌های لغت برخط و دیگر ظرفیت‌های فناوری، در صورتی که متناسب با اهداف آموزشی و نیازهای فراگیران به کار گرفته شوند، زمینه یادگیری فعال، تعامل بیشتر و تعمیق مفاهیم را فراهم خواهند ساخت.

دبیر نیز به‌عنوان راهبر و تسهیل‌گر فرایند یادگیری، شایسته است همواره در مسیر رشد حرفه‌ای گام بردارد و با مطالعه مستمر، بهره‌گیری از یافته‌های جدید علوم تربیتی، آشنایی با شیوه‌های نوین تدریس و ارتقای سواد فناورانه، توانمندی‌های علمی و آموزشی خود را توسعه دهد. بی‌تردید، پویایی علمی معلم، خلاقیت در طراحی موقعیت‌های یادگیری و تعهد حرفه‌ای او، از مهم‌ترین عوامل تحقق اهداف برنامه درسی و ارتقای کیفیت آموزش زبان عربی خواهد بود.

طرح درس

ضرورت و اهمیت طرح درس برای دبیر

طرح درس، جلوه‌ای از طراحی آگاهانه و هدفمند فرایند آموزش است که براساس اهداف برنامه درسی، ویژگی‌های یادگیرندگان، محتوای آموزشی، روش‌های تدریس و شیوه‌های ارزشیابی تنظیم می‌شود. درواقع، طرح درس نقشه راه معلم برای هدایت کلاس است؛ نقشه‌ای که مسیر حرکت از وضعیت موجود به اهداف مورد انتظار را ترسیم می‌کند و با ایجاد انسجام میان اجزای مختلف فرایند آموزش، زمینه یادگیری اثربخش، منظم و معنادار را فراهم می‌آورد و طی سال‌های اخیر دیده‌ایم که دبیران برتر در عرصه آموزش، کسانی بودند که طرح درس‌های بدیع و حساب شده داشته و آن را به خوبی اجرایی کرده‌اند؛ لذا تدریس موفق، حاصل بداهه‌پردازی در کلاس نیست بلکه

مرهون برنامه‌ریزی دقیق و پیش‌اندیشی در تمامی مراحل آموزش است. هر اندازه اهداف آموزشی، فعالیت‌های یادگیری، منابع مورد استفاده، زمان‌بندی، شیوه‌های ارزشیابی و نقش دبیر و دانش‌آموز از پیش با دقت بیشتری طراحی شوند، امکان تحقق اهداف برنامه درسی نیز افزایش خواهد یافت. از این‌رو، طرح درس نه یک فعالیت تشریفاتی، بلکه یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های شایستگی حرفه‌ای معلم به شمار می‌آید.

با وجود این، طرح درس نباید به الگویی ایستا و غیرقابل تغییر تبدیل شود. معلم حرفه‌ای، ضمن پایبندی به اصول طراحی آموزشی، همواره با توجه به شرایط کلاس، بازخوردهای حاصل از فرایند یادگیری، تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان و اقتضائات محیط آموزشی، در اصلاح و تکمیل طرح درس خود می‌کوشد. همان طور که می‌دانیم کشور عزیزمان درگیر تعطیلات مختلف ناشی از شرایط موجود است که تمامی این موارد ممکن است طرح درس را دچار تغییر کند و گاهی نیاز به کند کردن یا تسریع در روند تدریس احساس می‌شود. از همین‌رو، طرح درس را باید سندی پویا دانست که همگام با تجربه‌های آموزشی معلم تکامل می‌یابد و زمینه ارتقای مستمر کیفیت فرایند آموزش را فراهم می‌سازد.

ساختار معمول و شیوه نگارش طرح درس

یک طرح درس استاندارد، معمولاً شامل بخش‌های زیر است :

۱ــ مشخصات عمومی درس

در این بخش، اطلاعات پایه و هویتی طرح درس درج می‌شود؛ از جمله عنوان درس، پایه و رشته تحصیلی، شماره یا عنوان درس، موضوع جلسه، مدت‌زمان آموزش، تاریخ اجرا و در صورت نیاز، ارتباط آن با درس‌های پیشین یا سایر بخش‌های کتاب درسی. ثبت این اطلاعات، زمینه سازمان‌دهی و مستندسازی فعالیت‌های آموزشی را فراهم می‌آورد.

۲ــ پیش‌نیازهای یادگیری

در این بخش، دانش، مهارت‌ها و تجربه‌های پیشین مورد نیاز برای یادگیری درس مشخص می‌شود. آگاهی معلم از پیش‌نیازهای آموزشی، افزون بر تسهیل فرایند تدریس، امکان طراحی ارزشیابی آغازین و تشخیص آمادگی دانش‌آموزان برای ورود به مبحث جدید را فراهم می‌سازد.

۳ــ منابع و امکانات آموزشی

در این قسمت، منابع و ابزارهای مورد نیاز برای اجرای درس معرفی می‌شود؛ از جمله کتاب درسی، منابع تکمیلی، فرهنگ‌های لغت، نرم‌افزارها و محتوای چندرسانه‌ای، فایل‌های صوتی و تصویری، تخته هوشمند، رایانه، برگه‌های آموزشی و سایر امکاناتی که در ارتقای کیفیت یادگیری نقش دارند.

۴ــ اهداف آموزشی

اهداف آموزشی، مهم‌ترین بخش طرح درس به شمار می‌آیند و جهت‌گیری همه فعالیت‌های آموزشی را تعیین می‌کنند. این اهداف معمولاً در دو سطح تنظیم می‌شوند :

■ **هدف کلی** : بیانگر دستاورد اصلی مورد انتظار در پایان آموزش یک درس یا واحد یادگیری است.

■ **اهداف جزئی یا رفتاری** : بیانگر عملکردهای مشخص و قابل مشاهده‌ای هستند که انتظار می‌رود دانش‌آموز در پایان جلسه آموزشی به آنها دست یابد. این اهداف، ابعاد مختلف یادگیری شامل حوزه‌های شناختی، مهارتی و نگرشی را در بر می‌گیرند.

۵ ــ طراحی فرایند یاددهی ــ یادگیری

این بخش، هسته اصلی طرح درس است و چگونگی اجرای آموزش را تبیین می‌کند. مهم‌ترین مؤلفه‌های آن عبارتند از :

■ **محتوا و مفاهیم کلیدی** : تعیین مفاهیم، قواعد، واژگان و نکات اصلی که دانش‌آموز باید در طول جلسه آموزشی فراگیرد.

■ **راهبردهای یاددهی ــ یادگیری** : انتخاب روش‌های مناسب تدریس متناسب با اهداف درس؛ مانند گفت‌وگوی آموزشی، پرسش و پاسخ، یادگیری مشارکتی، حل مسئله، فعالیت‌های گروهی، ایفای نقش، آموزش مبتنی بر پروژه و سایر روش‌های فعال.

■ **فعالیت‌های یادگیری** : طراحی فعالیت‌های آموزشی در مراحل آغازین، حین تدریس و جمع‌بندی درس، به‌گونه‌ای که مشارکت فعال دانش‌آموزان، تعامل، تمرین و تثبیت یادگیری را امکان‌پذیر سازد.

■ **نقش معلم و دانش‌آموز** : تبیین مسئولیت‌ها و وظایف هر یک از طرفین در اجرای فعالیت‌های آموزشی و هدایت فرایند یادگیری.

۶ــ ارزشیابی یادگیری

ارزشیابی، بخشی جدایی‌ناپذیر از فرایند آموزش است و تنها به پایان درس محدود نمی‌شود. در یک طرح درس مطلوب، شیوه‌های ارزشیابی متناسب با اهداف آموزشی از پیش طراحی می‌شوند تا میزان تحقق یادگیری و کیفیت آموزش به‌طور مستمر بررسی شود. این بخش می‌تواند شامل ارزشیابی آغازین، ارزشیابی تکوینی در جریان تدریس و ارزشیابی پایانی باشد. همچنین ابزارها و شواهد گردآوری اطلاعات، مانند پرسش‌های شفاهی، مشاهده عملکرد، تکالیف، آزمون‌های کوتاه، فعالیت‌های گروهی، پروژه‌ها و سایر شیوه‌های مناسب، در این قسمت پیش‌بینی می‌شود.

۷ــ جمع‌بندی و فعالیت‌های تکمیلی

در پایان، معلم با جمع‌بندی مفاهیم اصلی، رفع ابهام‌های احتمالی و ارائه فعالیت‌های تکمیلی، زمینه تثبیت و تعمیق یادگیری را فراهم می‌سازد. تعیین تکالیف هدفمند، معرفی منابع مطالعاتی متناسب و پیش‌بینی فعالیت‌های یادگیری خارج از کلاس نیز می‌تواند در این بخش مورد توجه قرار گیرد.

اگرچه قالب‌های مختلفی برای نگارش طرح درس ارائه شده است، آنچه بیش از شکل ظاهری اهمیت دارد، انسجام منطقی میان اهداف، محتوا، راهبردهای یاددهی ــ یادگیری و شیوه‌های ارزشیابی است. طرح درسی اثربخش، سندی پویا و انعطاف‌پذیر است که متناسب با شرایط کلاس، ویژگی‌های دانش‌آموزان و بازخوردهای حاصل از فرایند آموزش، همواره قابلیت بازنگری، اصلاح و تکمیل دارد و معلم را در تحقّق هرچه بهتر اهداف برنامه درسی یاری می‌رساند.

یک نمونه طرح درس پیشنهادی

عنوان واحد	عربی زبان قرآن (۲)	
پایه و رشته	پایه یازدهم/ رشته علوم و معارف اسلامی	
تاریخ اجرا	.../.../...	مدت زمان برگزاری : ۴ جلسه ۶۰ تا ۷۵ دقیقه‌ای
شماره درس	درس نهم	موضوع : نواسخ (افعال ناقصه)
پیش‌نیازها	ــ تسلط بر صرف فعل ماضی، مضارع ــ شناخت صیغه‌ها ــ تسلط بر ساختار جمله اسمیه ــ تسلط بر موضوع اعراب اسم و انواع اعراب	

منابع و مواد آموزشی	کتاب درسی/ استفاده از کدهای رمزینه در کتاب درسی و فیلم‌های موجود در آن/ پاورپوینت/ تابلو و ماژیک/ کاربرگ
اهداف آموزشی	
هدف آموزشی کلان	دانش‌آموز با افعال ناقصه و عملکردشان آشنا شود. **انتظارات عملکردی** در پایان این درس انتظار می‌رود دانش آموز : ۱ــ بداند غرض از ناسخه بودن حروف و افعال چیست و یک دید کلی نسبت به موضوع نواسخ پیدا کند. ۲ــ از میان نواسخ، افعال ناقصه را شناخته باشد و بتواند آنها را بر سر جمله اسمیه وارد کند و عملکردشان را نشان دهد. ۳ــ بتواند فعل متصرف را از غیرمتصرف تشخیص دهد. ۴ــ هرگاه افعال ناقصه را در هر صیغه‌ای دید، شناسایی کند. ۵ ــ هرگاه افعال ناقصه را در هر ساختاری ــ چه ماضی و چه مضارع ــ دید، بشناسد. ۶ــ بتواند افعال ناقصه را به درستی ترجمه کند. ۷ــ بتواند هرکجا «کان» را دید، تأثیرش بر ترجمه جمله را دریابد و ترجمه دقیقی ارائه دهد.
اهداف جزئی	❊ **اهداف مرتبط با ترجمه متن درس** ۱ــ واژگان : دانش آموز حدود ۳۵ واژه کلیدی و ترجمه صحیح آنها در جمله را یاد گرفته، معنی کند و مفرد و جمع اسامی و مترادف و متضادهایی که در واژه نامه آمده است را به خاطر بسپارد. ۲ــ ترجمه متن : دانش آموز بتواند ترجمه روان و دقیق از متن ــ که برگرفته از نهج البلاغه است و نسبتاً دشوار است ــ ارائه دهد با توجه به همه ظرافت های ترجمه که تا کنون خوانده است. ۳ــ فهم متن : دانش آموز بتواند ۵ مورد سؤال صحیح و خطا درباره متن را تشخیص دهد. ❊ **اهداف نحوی و ساختاری** ۱ــ دانش آموز با معنا و مفهوم ناسخه بودن حروف و افعال آشنا شود. ۲ــ دانش آموز افعال ناقصه را بیاموزد و با عملکرد آنها در جمله آشنا شود. ۳ــ دانش آموز مفهوم متصرف یا غیرمتصرف بودن یک فعل را بیاموزد. ۴ــ دانش آموز صرف افعال ناقصه را در صیغه‌های چهارده‌گانه و ماضی و مضارعشان ببیند. ۵ ــ دانش آموز با ترجمه افعال ناقصه آشنا شود. ۶ــ دانش آموز یاد بگیرد که «کان» بر سر جمله چه تأثیری در ترجمه دارد.

روش‌ها و فعالیت‌های تدریس	**جلسه اول :** **شروع (ورودی) :** ضمن خوشامدگویی، کلاس را برای پرسش ترجمه درس آماده می‌کنیم. (در جلسه قبل به عنوان تکلیف، گفته شده که این درس ترجمه شود و لغاتش به خاطر سپرده شود.) پیشنهاد می‌کنم برای شروع، آزمونکی در حدّ نوشتن هشت لغت از بخش واژگان بر روی تخته، گرفته شود (حدود ۵ دقیقه). بخش میانی (فعّال‌سازی) : برای ترجمه، در قالب پرسش کلاسی، متن درس را ترجمه می‌نماییم (حدود ۳۰ دقیقه) و سپس در قالب فعالیت جمعی جملات شامل افعال ناقصه را از متن درس بیرون کشیده (حدود ۳ جمله است) و اسم و خبرشان را به همراه دانش آموزان شناسایی می‌نماییم (حدود ۲۵ دقیقه). پایان : مطالب را جمع بندی نموده به دانش آموزانی که دقیق ترین تشخیص‌ها را در بخش اسم و خبر داده‌اند، امتیاز مثبت می‌دهیم (حدود ۵ دقیقه). ۱۰ دقیقه ویژه احتمالات و تأخیر در اجرا و حضور غیاب
	جلسه دوم : **شروع (ورودی) (حدود ۵ دقیقه)** ایجاد انگیزه و سؤال : قبلاً به ساختار جملات توجه کرده بودیم و آموخته بودیم که جملات یا اسمیه هستند یا فعلیه و چنانچه اسمیه باشند دارای دو رکن مبتدا و خبرند که هردو مرفوعند اما شاید تاکنون با جملاتی مواجه شده باشید که آنها را متفاوت ببینید مثلاً مبتدا یا خبرشان را منصوب ببینید. چند نمونه جملات دارای نواسخ را از متن دروس و تمارین قبلی به عنوان نمونه می‌آوریم مثل : إنّ اللّهَ تعالی جمیلٌ/ إنّ المرءَ مخبوءٌ تحتَ لسانه/ لکنّ سلمانَ رفضَ/ یجب أن یکونَ عاملاً بما یقول/ کان صادقَ الوعد/ صارَ بالحقِّ و الإیمانِ مقروناً. پرسش‌های پیش برنده : علت این تفاوت چیست؟ اگر دقت کنیم متوجه می‌شویم که ابتدای این جملات، حروف یا افعال خاصی هستند. شاید اینها بر جملات اسمیه تأثیر گذاشته‌اند و باعث تغییر در اعراب شده‌اند! **بخش میانی (فعّال‌سازی) :** اکنون نواسخ را معرفی می‌نماییم و از این میان افعال ناقصه را به طور کامل تدریس می‌کنیم و کارکرد بقیه نواسخ را به جلسات بعدی موکول می‌نماییم (توضیحات کامل برای تدریس، ذیل درس نهم ارائه شده است) (حدود ۳۰ دقیقه). پس از تدریس افعال ناقصه، جملات متعددی که شامل انواع مختلف افعال ناقصه هستند را ارائه می‌دهیم و از دانش آموزان می‌خواهیم به صورت فردی یا گروهی، اسم و خبر و صیغه خود آنها را تشخیص دهند. در این بخش می‌توانیم پاورپوینت‌های جذابی آماده کنیم و جملات را روی تابلو نشان دهیم و پس از پاسخ دانش‌آموزان، جواب را ارائه نماییم و با امتیاز دادن به کسانی که تشخیص درست داده اند، ایجاد انگیزه و نشاط نماییم. از این طریق تمامی دانش آموزان را با هوش‌های چندگانه (هوش زبانی ــ لغوی، هوش فضایی، هوش جنبشی ــ بدنی، هوش موسیقایی، هوش میان فردی و...) به‌کار گرفته‌ایم (حدود ۲۰ دقیقه). پایان : مطالب را جمع بندی نموده، از دانش آموزان می‌خواهیم برای جلسه بعد، تمارین را انجام دهند (حدود ۵ دقیقه). در هر جلسه حدود ۱۰ دقیقه هم برای حضور و غیاب و احتمالاتی که زمان بندی را تغییر می‌دهد، در نظر می‌گیریم.

روش‌ها و فعالیت‌های تدریس	**جلسه سوم :** **شروع (ورودی) :** ابتدا قواعد درس نهم را به صورت تئوری می‌پرسیم تا دوره‌ای کوتاه داشته باشیم (حدود ۱۰ دقیقه) : **بخش میانی (فعّال‌سازی) :** این درس شامل ۶ تمرین است که هرکدام دربردارنده چندین مورد سؤال است. حدوداً هر چهار عبارت را از یک دانش‌آموز می‌پرسیم و رفع اشکال می‌کنیم (حدود ۳۰ تا ۵۰ دقیقه). پایان : مطالب را جمع بندی نموده، از دانش‌آموزان می‌خواهیم برای جلسه بعد، مطالعه کامل کرده باشند تا بتوانیم کارگروهی انجام داده و سپس امتحان برگزار کنیم (حدود ۵ دقیقه). در این جلسه نیز حدود ۱۰ دقیقه هم برای حضور و غیاب و احتمالاتی که زمان بندی را تغییر می‌دهد، در نظر می‌گیریم.	
	جلسه چهارم : **شروع (ورودی) :** ابتدا از دانش‌آموزان می‌خواهیم بر سر گروه های دو یا سه نفره بنشینند (حدود ۳ دقیقه). **بخش میانی (فعّال‌سازی) :** اکنون از دانش‌آموزان می‌خواهیم تمامی قواعد، تمرینات و ترجمه درس را به سرعت دوره نموده و با یکدیگر مرور نمایند. در این هنگام خودمان به عنوان ناظر، فعالیت آنها را کنترل می‌کنیم و اشکالات یا اشتباهات احتمالی را رفع می‌کنیم (حدود ۳۰ دقیقه). **پایان :** در نهایت از دانش‌آموزان می‌خواهیم سر جای خود بنشینند و برگه‌های امتحانی را پخش می‌کنیم و امتحان را برگزار می‌نماییم (حدود ۳۵ دقیقه). ۷ دقیقه ویژه احتمالات و تأخیر در اجرا و حضور غیاب	
ارزشیابی و شاخص‌های آن	نوع ارزشیابی	ارزشیابی شکل‌دهنده (تکوینی) : (در جریان تدریس) ۱ــ ارزشیابی پایانی به صورت شفاهی و طرح مسئله در پای تابلو یا انجام کار فردی یا گروهی عملی ــ بتوانند رئوس مطالب درس را شرح دهند. ــ مفهوم و مضمون اصلی درس چیست؟ ــ قادر به قرائت صحیح متن درس باشند. ــ قادر به ترجمه صحیح متن درس باشند. ــ واژگان و لغات جدید درس را بیاموزند. ــ قادر به حل تمرینات درس باشند. ــ دانش‌آموزان قادر به شناخت انواع فعل‌های ناقصه در صیغه‌های مختلف همراه با اسم و خبرشان باشند.

ارزشیابی و شاخص‌های آن	نوع ارزشیابی	ارزشیابی تراکمی : در بین درس با سؤالاتی که مربوط به موضوع درس است میزان یادگیری دانش‌آموزان محک زده می‌شود و درس با این سؤالات ادامه و پایان می‌یابد. در پایان با چند سؤال کوتاه از چند دانش‌آموز ارزشیابی صورت می‌گیرد، مثلاً معنی این لغات را بگویید! کارکرد نواسخ را توضیح دهید و افعال ناقصه را نام ببرید و اعراب اسم و خبرشان را بیان کنید و....
	ابزارهای ارزیابی	آزمونک، پروژه، تکلیف کتبی، گفت‌وگو، فعالیت عملی
بازخورد و بهبود	نقاط قوت	شایسته است در حین تدریس و نیز پس از پایان تدریس، نقاط قوت یادداشت شود تا در سال‌های آینده فراموش نشود و چنانچه دیگر همکاران بخواهند از این طرح درس کمک بگیرند، نتیجه مطلوبی بگیرند لذا از این رهگذر در زمینه بهبود سطح دانش در کشور ایفای نقش و انجام وظیفه نماییم.
	نقاط ضعف	در حین تدریس و نیز پس از پایان تدریس، نقاط ضعف یادداشت شود تا برای سال‌های آینده اصلاحات ضروری، انجام شود تا روند آموزش ارتقا یابد.
	پیشنهادهای اصلاحی	به دنبال ثبت نقاط قوت و ضعف می‌توانیم پیشنهادات اصلاحی خود را در این ردیف ثبت نماییم.
فایل خام این طرح درس را می‌توانید در کد QR ذیل همین جدول بیابید.		

بارم‌بندی امتحان کتبی عربی یازدهم علوم و معارف اسلامی ــ نوبت اوّل (از درس اوّل تا پایان درس ششم)

این بارم‌بندی با توجه به سال تحصیلی ۱۴۰۵ــ ۱۴۰۴ درج شده است. لطفاً در هر سال بررسی فرمایید که تغییری ایجاد شده است یا خیر!

مهارت‌های زبانی	موضوع	نمره
الف : مهارت واژه‌شناسی	نوشتن معنای کلمه از عربی به فارسی در جمله (زیر کلمات خط کشیده می‌شود.)	۲
	مترادف و متضاد (همانند تمرینات کتاب)	
	تشخیص کلمه ناهماهنگ از نظر معنا در میان چهار کلمه (دو مورد)	
	نوشتن مفرد یا جمع اسم (در حدّ اسم‌های موجود در کتاب‌های هفتم تا یازدهم)	
ب : مهارت ترجمه به فارسی	ترجمه جمله‌های عربی به فارسی	۶
	انتخاب گزینه درست در ترجمه جمله عربی به فارسی (دو جمله)	
	تکمیل ترجمه ناقص	
ج : مهارت شناخت و کاربرد قواعد	ترجمه فعل‌های ماضی ساده، ماضی استمراری، ماضی منفی، مضارع منفی، امر، نهی، و مستقبل و نیز مصدر در جمله	۱۰
	تشخیص مصدر و نوع آن	
	تشخیص نوع اسم مشتق (اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مبالغه، صفت مشبهه، اسم تفضیل، اسم مکان و زمان و اسم آلت)	
	تشخیص اسم‌های دارای اعراب فرعی و علامت اعراب آنها	
	تشخیص اسم‌های دارای اعراب تقدیری و علامت اعراب آنها	
	تشخیص اسم‌های دارای اعراب محلّی و علامت اعراب آنها	
	تشخیص اعراب فعل مضارع و علامت‌های آن	
	«تشخیص فعل ماضی، مضارع، امر و نهی، نفی، مستقبل و مصدر مناسب برای جای خالی در جمله»، یا «تشخیص نوع فعل»، یا «تشخیص کلمه ناهماهنگ از نظر نوع در میان چند کلمه» و «ذکر صیغه فعل در حدّ ۰/۲۵ نمره»	
	اعراب و تحلیل صرفی (۲ نمره) سؤال تحلیل صرفی به صورت صحیح و غلط (دو گزینه‌ای) طرح گردد.	
د : مهارت درک و فهم	سؤال جورکردنی از مفهوم واژگان «وصل کردن کلمات ستون اوّل به توضیحات ستون دوم» (دو مورد) یا ارائه سه کلمه که یکی اضافه است و دو جمله دارای جای خالی که باید جای خالی با کلمه مناسب کامل شود. یا پر کردن جاهای خالی با گزینه‌های مناسب (سؤال دو گزینه‌ای)	۲
	درک مطلب (ارائه متن و طرّاحی چهار سؤال با چهار کلمه پرسشی خوانده شده) یا (ارائه چهار جمله و تعیین درست و نادرست آنها براساس مفهوم هر جمله یا براساس متن ارائه شده در برگه امتحانی)	

بارم‌بندی امتحان کتبی عربی یازدهم علوم و معارف اسلامیـ نوبت دوم (از درس اوّل تا پایان درس دوازدهم)

این بارم بندی با توجه به سال تحصیلی ۱۴۰۵ــ ۱۴۰۴ درج شده است. لطفاً در هر سال بررسی فرمایید که تغییری ایجاد شده است یا خیر!

مهارت‌های زبانی	موضوع	نمره
الف : مهارت واژه‌شناسی	نوشتن معنای کلمه از عربی به فارسی در جمله (زیر کلمات خط کشیده می‌شود.)	۲
	مترادف و متضاد (همانند تمرینات کتاب)	
	تشخیص کلمه ناهماهنگ از نظر معنا در میان چهار کلمه (دو مورد)	
	نوشتن مفرد یا جمع اسم (در حدّ اسم‌های موجود در کتاب‌های هفتم تا دهم)	
ب : مهارت ترجمه به فارسی	ترجمه جمله‌های عربی به فارسی	۶
	انتخاب گزینه درست در ترجمه جمله عربی به فارسی (دو جمله)	
	تکمیل ترجمه ناقص	
ج : مهارت شناخت و کاربرد قواعد	ترجمه فعل‌های ماضی ساده، ماضی استمراری، ماضی منفی، مضارع منفی، امر، نهی و مستقبل و نیز مصدر در جمله	۱۰
	تشخیص مصدر و نوع آن	
	تشخیص نوع اسم مشتق (اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مبالغه، صفت مشبهه، اسم تفضیل، اسم مکان و زمان و اسم آلت)	
	تشخیص انواع اعراب اسم و علامت‌های آنها	
	تشخیص اعراب فعل مضارع و علامت‌های آن	
	تشخیص فعل مضارع مرفوع، منصوب و مجزوم	
	تشخیص جملات شرطیه	
	تشخیص افعال ناقصه و اسم و خبر آنها	
	تشخیص افعال مقاربه و اسم و خبر آنها	
	تشخیص حروف مشبهة بالفعل و اسم و خبر آنها	

ج : مهارت شناخت و کاربرد قواعد	تشخیص لا نفی جنس و اسم و خبر آن	۱۰
	تشخیص فعل سالم و غیر سالم (مهموز، مضاعف و معتل)	
	«تشخیص فعل ماضی، مضارع، امر و نهی، نفی، مستقبل و مصدر مناسب برای جای خالی در جمله»، یا «تشخیص نوع فعل»، یا «تشخیص کلمه ناهماهنگ از نظر نوع در میان چند کلمه» و «ذکر صیغه فعل در حدّ ۲۵/۰ نمره»	
	اعراب و تحلیل صرفی (۲ نمره) سؤال تحلیل صرفی به صورت صحیح و غلط (دو گزینه‌ای) طرح گردد.	
د : مهارت درک و فهم	سؤال جورکردنی از مفهوم واژگان «وصل کردن کلمات ستون اوّل به توضیحات ستون دوم» (دو مورد) یا ارائه سه کلمه که یکی اضافه است و دو جمله دارای جای خالی که باید جای خالی با کلمه مناسب کامل شود. یا پر کردن جاهای خالی با گزینه‌های مناسب (سؤال دو گزینه‌ای)	۲
	درک مطلب (ارائه متن و طرّاحی چهار سؤال با چهار کلمه پرسشی خوانده شده) یا (ارائه چهار جمله و تعیین درست و نادرست آنها براساس مفهوم هر جمله یا براساس متن ارائه شده در برگه امتحانی)	

نمونه سؤال امتحانی نوبت اوّل

به نام خداوند بخشنده مهربان		
امتحانات نوبت اول	**سال تحصیلی : ۱۴۰۵ــ۱۴۰۴**	
دبیرستان :	نام درس : عربی زبان قرآن (۲)	**مدت امتحان : ۹۰دقیقه**
پایه : یازدهم	تاریخ امتحان : ...../...../.....	
نام و نام خانوادگی :	شماره دانش‌آموزی :	نمره :

ردیف	**تعداد سؤالات : ۱۴ تا** **صفحه : ۱ از ۴**	بارم
	مهارت واژه شناسی	
۱	تَرجِم الکلمات الّتی تحتَها خطٌّ : الف) یَجِبُ علی المُتکلِّم أن لا یُجادِلَ المُخاطِبینَ بِتَعَنُّتٍ. ب) قد حالفَ الحقَّ لایبغی به بَدَلاً. ج) تَوَسَّلْ بِالنبیِّ فَکُلُّ خَطبٍ یَهون . د) إستَعینوا بِهِ عَلی لَأْوَائِکُم	۱
۲	أُکتُب المترادف و المتضادّ فی الکلمات الّتی تحتها خطّ : الف) داؤُکَ مِنکَ و لاتَشعُرُ ب) أجَّلَ الأُستاذُ الإمتحانَ لِمُدَّةِ أسبوعٍ واحِدٍ. الف) مترادف : ..... ب)متضاد :.....	۰/۵
۳	اکتبِ الجمع أو المفرد للکلمات التّالیة : الف) حَرَثَة : ..... ب) خُطَّة :	۰/۵
	مهارت ترجمه به فارسی	
۴	ترجم الجملات التالیة بالفارسیَّة. الف) قیمةُ کُلِّ امرئٍ ما یُحسِنُهُ.(۰/۵) ب) فَأَوْفوا الکَیلَ و المیزانَ وَ لاتَبخَسوا النّاسَ أَشیاءَهُم وَ لا تُفسِدوا فی الأرضِ. (۰/۷۵) ج) فَکِّرْ ثُمَّ تَکَلَّمْ تَسلَمْ مِنَ الزَّلَلِ.(۰/۵) د) یُنادی مُنادٍ یَومَ القِیَامةِ إنَّ کُلَّ حارِثٍ مُبْتَلًی فی حَرْثِهِ وَعاقِبَةِ عَمَلِهِ غَیرَ حَرَثَةِ القُرآنِ. (۱) هـ) وَ کَم یُسرٍ أتَی مِن بَعدِ عُسرٍ فَفَرَّجَ کُربَةَ القَلبِ الشَّجیِّ. (۰/۷۵) و) یَسیرُ الدّنیِ خَیرٌ مِن کَثیرِ الدُّنیا. (۰/۵) ز) إن هَرَبْتَ مِنَ الواقِعِ فَسَوفَ تُواجِهُ مَشاکِلَ و صُعوباتٍ کثیرةً و تُضطَرُّ إلی الکِذبِ عِدَّةَ مَرّاتٍ. (۱)	۵

۵	انتخِبِ التّرجمةَ الصّحيحة : ۱ــ لَبِسنا مَلابسَ شَتَويَّةً لِبْسَةَ الإسكيمو . الف) لباس‌های زمستانی را مانند اسکیموها پوشیدیم. ب) در زمستان لباس‌هایی مانند لباس اسکیموها پوشیدیم. ۲ــ كاتِمُ العِلمِ، يَلعَنُهُ كُلُّ شيءٍ حَتَّى الحوتُ فی البَحرِ الف) پنهان کردن دانش همه چیز حتی ماهی بزرگ در دریا را نفرین می‌کند. ب) هر چیزی حتی نهنگ در دریا پنهان‌کنندهٔ دانش را نفرین می‌کند.	۰/۵
۶	كمّلِ الفراغات بالتّرجمة المناسبة : الف) ذو الشَّرَفِ لا تُبْطِرُهُ مَنزِلَةٌ نالَها وَ إنْ عَظُمَتْ. صاحب شرف هرقدر هم که جایگاهی که به آن دست یافته والا باشد، منزلتش او را .... ب) مادِحُ الرَّجُلِ بِما لَيسَ فيهِ مُستَهزِئٌ بِهِ. ستایش کنندهٔ انسان به آنچه در او نیست .....اوست.	۰/۵
	مهارت شناخت و کاربرد قواعد	
۷	تَرجِم المَصدر و الأفعالَ الّتی تحتَها خطٌّ الف) جَلَستُ جَلْسَةً . ب) لا تَقْفُ ما لَيسَ لَكَ بِهِ عِلمٌ. ج) مَن كانَ يَسوقُ السيّارة فی ذلک الوقت؟ د) ما تَزَيَّنَ مُتَزَيِّنٌ بِمِثلِ طاعةِ اللّهِ. هـ) فَاشتَشفوهُ مِن أدوائِكُم. و) هَل تَراهُم خُلِقوا مِن فِضَّةٍ ز) سَيَنْسَحِبُ العَدُوُّ فی القِتالِ. ح) ما يُريدُ اللّهُ لِيَجعَلَ عليكُم مِنَ حَرَجٍ.	۲
۸	۱ــ عيِّن الجامِد و المُشتَق و نَوعَهُ فی الكلمات الّتی تحتها خطٌّ : (۰/۵) عَجِبتُ لِغَفلَةِ الحُسّادِ عَنْ سَلامةِ الأَجْسَادِ ۲ــ عيِّن المَصدرَ و نوعَهُ. (۰/۵) الف) عَلى كُلِّ النّاسِ أن يَتَعايَشوا مَعَ بَعضِهِم تَعايُشاً سِلمِيّاً. ب) المَعرِفَةُ نورُ القَلبِ. ۳ــ عيِّنْ الفِعلَ المُتعدّی و اُذكُرْ صيغتهُ (۰/۵) غَيِّروا العَادَاتِ تَسهُلْ عليكمُ الطّاعاتُ.	۱/۵
۹	۱ــ عيِّن المُشتقّات و اذكُرْ نوعَهُ فی ما يلی : (۱) الف) الكِذبُ مِفتاحُ كلِّ شرٍّ. ب) و اعلَموا أنَّهُ مُصَدَّقٌ. ج) إنَّ اللّهَ هُوَ الرَزّاقُ. د) أتقَى النّاسِ مَن قالَ الحَقَّ. ۲ــ عيِّن الإسمَ الفاعِل و الإسمَ المَفعول و الصّفةَ المُشَبَّهةَ ثُمَّ تَرجِمْها.(۱) «مُتَعَلِّم ــ أصفَرــ مُجَهِّز ــ ثَقيل»	۲

١٠	إنتَخِب الجوابَ الصَّحيح. الف)صَلَّيتُ فی .....طهرانَ. المساجِدِ ○ مساجِدَ ○ مساجِدِ ○ ب) اولئکَ فی جنِاتٍ..... مُکرَمونَ ○ مُکرَمانَ ○ مُکرَمینَ ○ ج) أوصیکُم بـ.....اللّهِ و نَظمِ أمرِکُم تَقوی ○ تقوَی ○ التّقویَ ○ د)الذین آمَنوا و عَمِلوا ..... الصّالِحاتَ ○ الصّالِحاتُ ○ الصّالِحاتِ ○ هـ) یا قَومَنا أَجیبوا .....اللّهِ . داعیَ ○ داعیُ ○ داعیاً ○ و) عاتِبْ .....ـک بِالإحسانِ إلیهِ. أخو ○ أخی ○ أخا ○	١/٥
١١	اکتُبِ الإعرابَ و علامةَ الإعرابِ و نوعَ الإعرابِ فی الأفعالِ التالیةِ : الف) لانَجزَعْ إذا ما نابَ خَطبٌ ب) إنَّ اللّهَ یُحِبُّ الذینَ یُقاتِلونَ فی سبیله	١
١٢	أکمِلِ الجَدوَل : الف) نِعمَتانِ مَجهولَتانِ الأمنُ و العافیةُ . ب) و اتَّخِذوا مِن مَقامِ إبراهیمَ مُصلّی ج) اولئکَ عَلی هُدًی مِن رَبِّهِم د) مَنِ أفسَدَ دینَه أفسَدَ مَعادَه **الإسم** | **محل الإعرابی** | **الإعراب** | **علامة و نوع الإعراب** مَجهولَتانِ | | | إبراهیمَ | | | هُدًی | | | مَنْ | | |	٢
١٣	أُکتُبِ التّحلیل الصّرفیّ للکلماتِ الّتی تحتها خطٌّ. « بِذِکرِاللّهِ تُستَنزَلُ الرحمةُ»، «فیه هُدًی لِلمُتَّقینَ» **فعل** | **ماضی/ مضارع/ امر** | **مجرد/مزید/ باب** | **لازم/متعدی** | **معلوم/ مجهول** تُستَنزَلُ | | | متعدی | **اسم** | **مفرد/ مثنی/ جمع** | **مذکر/ مونث** | **معرفه/ نکره** | **جامد/ مشتق** المُتَّقینَ | | مذکر | |	١

	مهارت درک و فهم	
۱۴	إقرأ النَّصَّ التّالیَ ثُمَّ أجِبِ الأسئلة : «لِلکَلامِ آدابٌ یَجِبُ علَی المُتَکَلِّمِ أن یَعْمَلَ بِها و یدعُوَ المُخاطَبینَ بِکلامٍ جَمیلٍ إلَی العَمَلِ الصّالِحِ و یَجِبُ أن یَکونَ عامِلاً بِما یَقولُ لِیُغَیِّرَ سُلوکَهُم، و إنْ کان کلامُ المُتَکَلِّمِ علَی قَدرِ عُقولِ المُستمِعینَ یُمکِنُ أن یُقنِعَهُم و یَکسِبَ مَوَدَّتَهُم». ۱) لماذا یَجِبُ أن یَکونَ المُتَکَلِّمُ عامِلاً بِما یَقولُ؟ ۲)کیف یُقنَعُ المُستَمِعون و تُکسَبُ مَوَدَّتُهُم؟ ۳)عَیِّن الاسمَ المَفعولِ فی النَّصِّ. ۴) عَیِّن الإعرابَ و نوعَ الإعرابِ لکلمةِ «المُستَمِعینَ».	۱
	وَفَّقَکم اللّه	۲۰

راهنمای تصحیح آزمون

ردیف	راهنمای تصحیح آزمون	بارم
	تعداد سؤالات : ۱۴ تا — صفحه : ۱ از ۲	
۱	الف) مچ گیری (۰/۲۵) ب) هم پیمان شده است. (۰/۲۵) ج) مشکلی (۰/۲۵) د) تنگی/ شدّت/ محنت (هرکدام نوشته شود صحیح است). (۰/۲۵)	۱
۲	الف) متضادّ : صحَّة / شفاء (۰/۲۵) ب)مترادف : أخَّرَ (۰/۲۵)	۰/۵
۳	الف) حَرَثَة :حارِث (۰/۲۵) ب) خُطَّة : خُطَط (۰/۲۵)	۰/۵
۴	الف) ارزش هر انسانی به آن چیزی است که آن را نیکو انجام می‌دهد.(۰/۵) ب) پس پیمانه و ترازو را کامل دهید و اموال مردم را کم ندهید و در زمین تباهی نکنید. (۰/۷۵) ج) بیندیش سپس سخن بگو تا از لغزش در امان بمانی. (۰/۵) د) در روز قیامت ندا دهنده‌ای ندا می‌دهد : همانا هر کشاورزی گرفتار در بذر خود و سرانجام کارش است بِه‌جز بذرافشانان قرآن.(۰/۷۵) هـ) و چه بسیار گشایشی که بعد از سختی آمد/ پس اندوه قلب غمگین را برطرف کرد.(۰/۷۵) و) اندک دین‌داری بهتر از بسیارِ دنیا است. (۰/۵) ز) اگر از واقعیت بگریزی، با سختی‌ها و مشکلات بسیاری روبه رو خواهی شد و چندین بار به دروغگویی ناگزیر می‌شوی. (۰/۷۵)	۴/۵

۵	۱ــ الف ۲ــ ب هرکدام ۰/۲۵ نمره	۰/۵
۶	الف) او را او را دچار عجب نمی‌کند ب) مسخره کننده هرکدام ۰/۲۵ نمره	۰/۵
۷	الف) یک‌بار نشستن (۰/۲۵) ب) پیروی نکن (۰/۲۵) ج) می‌راند (۰/۲۵) د) زینت نکرد (۰/۲۵) هـ) از آن شفا بطلبید(۰/۲۵) و) آفریده شده‌اند/خلق شده‌اند (۰/۲۵) ز) به زودی عقب نشینی خواهد کرد (۰/۲۵) ح) نمی‌خواهد (۰/۲۵)	۲
۸	۱ــ الحسّاد : صیغه مبالغه (۰/۲۵) سلامة : مصدر ثلاثی مجرد (۰/۲۵) ۲ــ الف) تَعایُشاً : مصدر نوع (۰/۲۵) ب) المَعرِفَةُ : مصدر میمی (۰/۲۵) ۳ــ غَیِّروا (۰/۲۵) : للمخاطبینَ (۰/۲۵)	۱/۵
۹	۱ــ الف) مِفتاحُ : اسم آلت (۰/۲۵) ب) مُصَدَّقٌ : اسم مفعول (۰/۲۵) ج) الرَزّاقُ : صیغه مبالغه (۰/۲۵) د) أتقَی : اسم تفضیل (۰/۲۵) ۲ــ مُتَعَلِّم : اسم فاعل/ تحصیل کرده (۰/۲۵) ــ أصفَر : صفت مشبهه/ زرد (۰/۲۵) ــ مُجَهَّز : اسم مفعول/ تجهیز شده، آماده (۰/۲۵) ــ ثَقیل : سنگین(۰/۲۵)	۲
۱۰	الف) مساجِدِ (۰/۲۵) ب) مُکرَمینَ (۰/۲۵) ج) تقوی(۰/۲۵) د) الصّالِحاتِ (۰/۲۵) هـ) داعیَ (۰/۲۵) و) أخا(۰/۲۵)	۱/۵
۱۱	الف) لاتَجزَعْ : مضارع مجزوم(۰/۲۵) اصلی به سکون(۰/۲۵) ب) یُقاتِلونَ : مضارع مرفوع(۰/۲۵) فرعی به نون(۰/۲۵)	۱
۱۲	هر قسمت از جدول (۰/۲۵) نمره دارد.	۲

الإسم	محل الإعرابی	الإعراب	علامة ونوع الإعراب
مَجهولَتانِ	صفت	مرفوع	فرعی به الف
إبراهیمَ	مضاف الیه	مجرور	فرعی به فتحه
هُدًی	مجرور به حرف جرّ	مجرور	تقدیری
مَنْ	مبتدا	مرفوع	محلّی

۱۳	هرکدام از قسمت های رنگی (۰/۲۵) نمره دارد. **فعل** | **ماضی/ مضارع/ امر** | **مجرد/ مزید/ باب** | **لازم/ متعدی** | **معلوم/ مجهول** تُستَنزَلُ | مضارع | مزید باب استفعال | متعدی | مجهول اسم | مفرد/ مثنی/ جمع | مذکر/ مونث | معرفه/ نکره المُتَّقینَ | جمع سالم | مذکر | معرفه	۱/۵
۱۴	۱) یَجِبُ أن یَکونَ المُتَکَلِّمُ عامِلاً بِما یَقولُ لِیُغَیِّرَ سلوکَ المستمعین. (۰/۲۵) ۲) إنْ کان کلامُ المُتَکَلِّمِ علَی قَدرِ عُقولِ المُستمِعینَ یُمکِنُ أن یُقنِعَهُم و یَکسِبَ مَوَدَّتَهُم.(۰/۲۵) ۳)المُخاطَبینَ (۰/۲۵) ۴) مضاف الیه و مجرور فرعی به یاء (۰/۲۵)	۱
	وَفَّقَکم اللّه	۲۰

فایل پی‌دی‌اف این آزمون را می‌توانید با اسکن کد زیر دریافت کنید :

توضیحات مشترک در تدریس عربی پایه یازدهم و چگونگی آموزش درس‌ها

نکاتی در آموزش ترجمه

در برنامه درسی عربی رشته علوم و معارف اسلامی، ترجمه صرفاً مهارتی زبانی نیست، بلکه ابزاری برای فهم متون اصیل دینی و برقراری ارتباط آگاهانه با معارف اسلامی به شمار می‌آید. از آنجا که بخش مهمی از منابع معرفتی اسلام، از جمله قرآن کریم، نهج‌البلاغه، صحیفه سجادیه و ادعیه مأثور، به زبان عربی است، تقویت توانایی خواندن، فهم و ترجمه متون، از مهم‌ترین اهداف آموزش این درس محسوب می‌شود. از این‌رو، فرایند آموزش ترجمه باید به‌گونه‌ای طراحی شود که دانش‌آموز به‌تدریج از ترجمه‌های آماده بی‌نیاز گردد و با تکیه بر دانسته‌های زبانی خود، به فهم مستقل متن دست یابد.

در این مسیر، شایسته است معلم پیش از ارائه ترجمه صحیح، فرصت کافی (به عنوان تکلیف در منزل) در اختیار دانش‌آموزان قرار دهد تا با اتکا به دانش پیشین، واژگان آموخته‌شده و قواعد

زبان، خود به ترجمه متن بپردازند. ارزش این مرحله، بیش از آنکه در دستیابی به ترجمه‌ای بی‌نقص باشد، در فعال‌سازی فرایند اندیشیدن، تقویت قدرت تحلیل، کشف روابط میان اجزای جمله و افزایش اعتمادبه‌نفس دانش‌آموز نهفته است. پس از ارائه ترجمه‌های دانش‌آموزان، بررسی، تحلیل و اصلاح خطاها می‌تواند به فرصتی ارزشمند برای تعمیق یادگیری و رفع سوءبرداشت‌های احتمالی تبدیل شود.

در اصلاح ترجمه‌ها نیز پیشنهاد می‌شود دانش‌آموزان به‌جای پاک کردن خطاهای خود، صورت صحیح عبارت را با رنگی متفاوت در کنار یا زیر نوشته پیشین ثبت کنند. حفظ سابقه خطاها، امکان بازنگری در روند یادگیری را فراهم می‌آورد و به دانش‌آموز کمک می‌کند تا الگوهای خطاهای خود را شناسایی کرده، با تمرین هدفمند، آنها را به‌تدریج اصلاح کند. این شیوه، علاوه بر تقویت خودارزیابی، زمینه شکل‌گیری یادگیری پایدار و آگاهانه را نیز فراهم می‌سازد.

از آنجا که فضای کتاب درسی برای درج ترجمه‌ها و اصلاحات دانش‌آموزان محدود است، می‌توان با اختصاص برگه‌های تکمیلی یا دفترچه‌ای ویژه، امکان ثبت ترجمه‌ها، اصلاحات و یادداشت‌های آموزشی را فراهم کرد. همچنین مناسب است فضای کافی برای بازنویسی و اصلاح ترجمه‌ها در نظر گرفته شود تا دانش‌آموز بتواند روند پیشرفت خود را در طول سال تحصیلی مشاهده و ارزیابی کند. در جلسات بعد نیز ترجمه مجدد متن، بدون مراجعه به یادداشت‌های پیشین، می‌تواند میزان تثبیت یادگیری و تسلط دانش‌آموز را به‌خوبی آشکار سازد.

یکی دیگر از فعالیت‌های مؤثر در تعمیق مهارت ترجمه، انجام تمرین‌های خلاقانه بر پایه ساختارهای زبانی متن است. برای مثال، می‌توان از دانش‌آموزان خواست زمان یا ساختار فعل‌های متن را تغییر دهند و سپس اثر این تغییر را بر معنای جمله بررسی کنند. چنین فعالیت‌هایی، ضمن تقویت درک روابط صرفی و نحوی، موجب افزایش انعطاف ذهنی و تسلط بیشتر بر ساختار زبان می‌شود. البته این‌گونه تمرین‌ها در شمار اهداف اصلی برنامه درسی قرار ندارند؛ از این‌رو، مناسب است به‌عنوان فعالیت‌های تکمیلی، اختیاری یا انگیزشی مورد استفاده قرار گیرند و مبنای ارزشیابی رسمی یا تعیین نمره قرار نگیرند.

در مجموع، آموزش ترجمه زمانی اثربخش خواهد بود که از سطح معادل‌یابی واژگان فراتر رود و به فرایندی برای فهم معنا، تحلیل ساختارهای زبانی و کشف پیام متن تبدیل شود. در چنین رویکردی، دانش‌آموز نه‌تنها توانایی ترجمه صحیح را به دست می‌آورد، بلکه مهارت خواندن دقیق، اندیشیدن

درباره متن و بهره‌گیری آگاهانه از معارف اسلامی را نیز در خود پرورش می‌دهد؛ مهارتی که می‌تواند زمینه انس بیشتر او با متون اصیل دینی و استمرار یادگیری در مراحل بعدی تحصیل را فراهم سازد.

نکته لغت و واژه شناسی

واژگان، بنیادی‌ترین عنصر در فهم و تحلیل متون عربی به شمار می‌آیند و دامنه واژگانی دانش‌آموز، تأثیر مستقیمی بر کیفیت خواندن، ترجمه و درک مطلب دارد. از این‌رو، آموزش واژگان نباید به حفظ معانی فهرست‌شده در پایان درس محدود شود، بلکه لازم است در بستر متن و در فرایند خواندن و فهم معنا صورت گیرد.

هرچند واژگان جدید هر درس پس از متن اصلی ارائه شده‌اند، ممکن است دانش‌آموزان در هنگام مطالعه، با واژه‌هایی در متن یا تمرین‌ها مواجه شوند که معنای آنها را به خاطر نیاورند یا پیش‌تر نیاموخته باشند. در چنین مواردی، مناسب است معلم دانش‌آموزان را به شناسایی این واژه‌ها و ثبت منظم آنها ترغیب کند.

پیشنهاد می‌شود دانش‌آموزان واژه‌های ناآشنا را در هر صفحه شماره‌گذاری کرده و معنای آنها را در حاشیه همان صفحه یا در محل مناسبی خارج از متن یادداشت کنند. شایسته است از نوشتن معادل فارسی در میان سطرها یا در کنار واژه‌های متن پرهیز شود؛ زیرا این شیوه، تمرکز بر خواندن پیوسته متن را کاهش می‌دهد و مانع شکل‌گیری ارتباط طبیعی میان واژه و بافت معنایی آن می‌شود. در مقابل، ثبت معانی در حاشیه صفحه، ضمن حفظ یکپارچگی متن، امکان مراجعه سریع به واژه را نیز فراهم می‌آورد.

تأکید بر یادگیری واژگان در بستر متن، سبب می‌شود دانش‌آموز علاوه بر فراگیری معنای واژه، با کاربرد، ساختار و نقش آن در جمله نیز آشنا شود. تکرار مواجهه با واژگان در متن‌های گوناگون، مرور مستمر و به‌کارگیری آنها در فعالیت‌های آموزشی، به تثبیت آموخته‌ها و گسترش تدریجی گنجینه واژگانی دانش‌آموز می‌انجامد و زمینه را برای فهم عمیق‌تر متون عربی فراهم می‌سازد.

از این‌رو، شایسته است آموزش واژگان همواره در خدمت فهم متن قرار گیرد و از تبدیل آن به فعالیتی صرفاً مبتنی بر حفظ معادل‌های فارسی پرهیز شود؛ زیرا هدف نهایی، پرورش توانایی دانش‌آموز در خواندن، فهم و تحلیل مستقل متون عربی است، نه صرفاً به خاطر سپردن فهرستی از معانی واژه‌ها.

نکات تجزیه و ترکیب

تجزیه و ترکیب کردن عبارات در زبان عربی یا به اصطلاح تخصصی تحلیل صرفی و اعراب کلمات، هنری است که هر دانش آموزی به آن مجهز باشد، صرف و نحو عربی را به خوبی یاد گرفته است و می‌تواند آن را به شکل کاربردی مورد استفاده قرار دهد و هر تمرین یا سؤالی به هر شکل و سطحی به او ارائه شود، برایش دشوار نخواهد بود لذا لازم است این موضوع به خوبی با دانش‌آموزان تمرین شود. از این روست که در کتاب یازدهم به دفعات شاهد تمارین اعراب و تحلیل صرفی خواهیم بود. تا پایان کتاب یازدهم نکات متعددی مربوط به صرف و نحو آموزش داده می‌شود و انتظار می‌رود که نهایتاً دانش آموزان بتوانند ساختار کلمات و ساختار جملات را به خوبی شناسایی کنند. انتظار می‌رود تا پایان تدریس کتاب پایه یازدهم دانش آموزان در زمینه صرف و نحو به این موضوعات تسلط یابند :

در زمینه صرف فعل : فعل، زمان فعل، صیغه، ثلاثی مجرد و مزید و باب آن، معرب و مبنی، لازم و متعدی، معلوم و مجهول، اعراب فعل مضارع، تامّ و ناقص، نوع نواسخ، متصرف و غیرمتصرف، سالم و غیرسالم، نوع غیرسالم

در زمینه صرف اسم : اسم، تعداد، جنس و نوع آن، معرفه نکره و نوع معرفه، معرب و مبنی، جامد و مشتق، نوع جامد غیرمصدری یا مصدری (و نوع مصدر)، نوع مشتق، صحیح الآخر یا مقصور منقوص ممدود، منصرف غیرمنصرف

در زمینه نحو نیز شناسایی این نقش های اعرابی و نوع اعراب کلمات مورد انتظار است :

مبتدا و خبر (نوع خبر)، فاعل یا نایب فاعل، مفعول به، صفت، مضاف الیه، جار و مجرور، ظرف، نواسخ و اسم و خبرشان

بودجه‌بندی پیشنهادی تدریس ترم اول

کتاب عربی یازدهم رشته معارف دارای دوازده درس می‌باشد. هر درس لازم است طی سه یا چهار جلسه تدریس شود البته با توجه به حجم دروس ممکن است برخی دروس با زمان کمتر یا بیشتر، پیش بروند اما به‌طور متوسط برای هر درسی بین سه تا چهار جلسه در نظر گرفته می‌شود؛ اگر در هر هفته دو جلسه کلاس برگزار شود به‌طور متوسط در هر ماه بین هشت تا ده جلسه کلاس خواهیم داشت.

بر این اساس یک بودجه‌بندی و طرح پیشنهادی ارائه می‌کنیم :

ماه	هفته	جلسه	کلاس
مهر	اوّل	یک	برنامه کلاس : دوره پایه دهم یعنی صص ۵ تا ۷ از درس اول، به صورت پرسش و پاسخ و کار جمعی و نهایتاً رفع اشکالات احتمالی تکلیف : ۱ــ برای جلسه بعد از دانش آموزان بخواهید کلماتی که معنای آنها را در متن درس یک نمی‌دانند، پیدا کنند و با شماره‌گذاری، در حاشیه متن درس بنویسند و سعی کنند آنها را به خاطر بسپارند و متن را با تلاش خودشان ترجمه کرده، به سؤالاتش پاسخ دهند و آماده ارائه باشند. ۲ــ پیش مطالعه موضوع مصدر رباعی و مصدر میمی و مصدر صناعی
		دو	برنامه کلاس : ۱ــ رفع اشکال ترجمه متن درس یک به همراه سؤالات ناظر به متن در قالب پرسش کلاسی ۲ــ تدریس موضوع مصدر رباعی و مصدر میمی و مصدر صناعی تکلیف : ۱ــ حل تمارین ثانی و ثالث از درس یک به همراه یافتن لغات ناآشنا و شماره‌گذاری و حاشیه‌نویسی معنای واژه ۲ــ پیش مطالعه موضوع مصدر مرّه و نوع
	دوم	سه	برنامه کلاس : ۱ــ تدریس موضوع مصدر مرّه و نوع ۲ــ رفع اشکال تمارین ثانی و ثالث در قالب پرسش کلاسی تکلیف : ۱ــ حل بقیه تمارین درس یک (کلماتی که در تمارین، به لحاظ معنا ناآشنا هستند پیدا شوند و با شماره‌گذاری در کنار صفحه حاشیه نویسی شود). ۲ــ دوره و مطالعه کل درس یک
		چهار	برنامه کلاس : ۱ــ رفع اشکال بقیه تمارین درس یک در قالب پرسش کلاسی (۳۰ دقیقه) ۲ــ دوره کل درس یک در قالب کارگروهی (دو یا سه نفره) تکلیف : مطالعه کامل درس یک برای امتحان

مهر	سوم	پنج	برنامه کلاس : ۱ــ امتحان درس ۱ (آزمون کوتاه با نهایتاً ۳۰ دقیقه زمان) ۲ــ تدریس موضوع اسم فاعل و اسم مفعول و صیغه مبالغه از درس دو تکلیف : ترجمه متن درس ۲ به همراه یافتن لغات ناآشنا و شماره گذاری و حاشیه نویسی معنای واژه
		شش	برنامه کلاس : ۱ــ رفع اشکال ترجمه متن درس ۲ به همراه سؤالات ناظر به متن در قالب پرسش کلاسی (۳۰ دقیقه) ۲ــ تدریس موضوع صفت مشبهه، اسم تفضیل، اسم زمان و مکان و آلت تکلیف : حل تمامی تمارین درس ۲ به همراه یافتن لغات ناآشنا و شماره گذاری و حاشیه‌نویسی معنای واژه
	چهارم	هفت	برنامه کلاس : رفع اشکال تمامی تمارین درس ۲ در قالب پرسش کلاسی تکلیف : مرور کامل درس ۲ برای امتحان
		هشت	برنامه کلاس : ۱ــ کارگروهی بر روی درس ۲ (۳۰ دقیقه) ۲ــ امتحان کوتاه از درس ۲ (نهایتاً بین ۳۰ تا ۴۰ دقیقه) تکلیف : ترجمه متن درس ۳ به همراه یافتن لغات ناآشنا و شماره گذاری و حاشیه‌نویسی معنای واژه
آبان	اول	نه	برنامه کلاس : رفع اشکال ترجمه متن درس ۳ به همراه سؤالات ناظر به متن در قالب پرسش کلاسی تکلیف : پیش مطالعه قواعد درس ۳
		ده	برنامه کلاس : تدریس کل قواعد درس ۳ تکلیف :حل تمامی تمارین درس ۳ به همراه یافتن لغات ناآشنا و شماره گذاری و حاشیه‌نویسی معنای واژه
	دوم	یازده	برنامه کلاس : رفع اشکال تمارین درس ۳ در قالب پرسش کلاسی تکلیف : مطالعه و دوره کامل درس ۳ برای امتحان
		دوازده	برنامه کلاس : ۱ــ کارگروهی بر روی درس ۳ (۳۰ دقیقه) ۲ــ امتحان کوتاه از درس ۳ (نهایتاً بین ۳۰ تا ۴۰ دقیقه) تکلیف : ترجمه متن درس ۴ به همراه یافتن لغات ناآشنا و شماره گذاری و حاشیه‌نویسی معنای واژه

آبان	سوم	سیزده	برنامه کلاس : ۱ــ رفع اشکال ترجمه متن درس ۴ به همراه سؤالات ناظر به متن در قالب پرسش کلاسی ۲ــ عباراتی از متن درس ۴ جدا شود که نقش‌های اعرابی‌اش خوانده شده سپس بر روی این عبارات کار و تمرین شود تکلیف : ۱ــ پیش مطالعه قواعد درس ۴ ۲ــ دبیر محترم بخش‌هایی از دروس قبلی که دانش آموز با نقش‌های آنها آشناست جدا کرده به عنوان تمرین اضافه به دانش آموزان ارائه شود تا اعراب کنند.
		چهارده	برنامه کلاس : ۱ــ تدریس قواعد درس ۴ ۲ــ رفع اشکال تمرین‌های اضافه‌ای که داده شده بود در قالب پرسش کلاسی تکلیف : حل تمارین درس ۴ به همراه یافتن لغات ناآشنا و شماره‌گذاری و حاشیه‌نویسی معنای واژه
	چهارم	پانزده	برنامه کلاس : رفع اشکال تمارین درس ۴ در قالب پرسش کلاسی تکلیف : مطالعه و دوره کامل درس ۴ برای امتحان
		شانزده	برنامه کلاس : ۱ــ کارگروهی بر روی درس ۴ (۳۰ دقیقه) ۲ــ امتحان کوتاه از درس ۴ (نهایتاً بین ۳۰ تا ۴۰ دقیقه) تکلیف : ترجمه متن درس ۵ به همراه یافتن لغات ناآشنا و شماره‌گذاری و حاشیه‌نویسی معنای واژه
آذر	اوّل	هفده	برنامه کلاس : ۱ــ رفع اشکال ترجمه متن درس ۵ به همراه سؤالات ناظر به متن در قالب پرسش کلاسی ۲ــ دبیر محترم بخش‌هایی از دروس قبلی که دانش آموز با نقش‌های آنها آشناست جدا کرده به عنوان تمرین اضافه به دانش آموزان ارائه شود تا اعراب کنند. تکلیف : ۱ــ پیش مطالعه قواعد درس ۵ ۲ــ اعراب جملات انتخابی از متن درس ۵
		هجده	برنامه کلاس : ۱ــ تدریس قواعد درس ۵ ۲ــ رفع اشکال تمرین اضافه‌ای که داده شده بود در قالب پرسش کلاسی تکلیف : حل تمامی تمارین درس ۵ به همراه یافتن لغات ناآشنا و شماره‌گذاری و حاشیه‌نویسی معنای واژه

آذر	دوم	نوزده	برنامه کلاس : رفع اشکال تمارین درس ۵ در قالب پرسش کلاسی تکلیف : مرور کامل درس ۵ برای امتحان
		بیست	برنامه کلاس : ۱ــ کارگروهی بر روی درس ۵ (۳۰ دقیقه) ۲ــ امتحان کوتاه از درس ۵ (نهایتاً بین ۳۰ تا ۴۰ دقیقه) تکلیف : ترجمه متن درس ۶ به همراه یافتن لغات ناآشنا و شماره‌گذاری و حاشیه‌نویسی معنای واژه
هر ماه چهار هفته و دو روز است یعنی برخی ماه‌ها بیش از هشت جلسه کلاس خواهیم داشت. در واقع سه ماه مهر و آبان و آذر معمولاً دارای سیزده هفته آموزشی است که با احتساب دو جلسه در هفته، معادل ۲۶ جلسه می‌شود.		بیست و یک	برنامه کلاس : ۱ــ رفع اشکال ترجمه متن درس ۶ به همراه سؤالات ناظر به متن در قالب پرسش کلاسی (با توجه به کم بودن حجم متن و نیز کم بودن حجم قواعد، می‌توان به تدریس قواعد درس ۶ هم پرداخت). ۲ــ تدریس قواعد درس ۶ تکلیف : حل تمارین درس ۶ به همراه یافتن لغات ناآشنا و شماره‌گذاری و حاشیه‌نویسی معنای واژه
		بیست و دو	برنامه کلاس : رفع اشکال تمارین درس ۶ در قالب پرسش کلاسی تکلیف : دوره درس ۶ برای امتحان
		بیست و سه	برنامه کلاس : ۱ــ کارگروهی بر روی درس ۶ (۳۰ دقیقه) ۲ــ امتحان کوتاه از درس ۶ (نهایتاً بین ۳۰ تا ۴۰ دقیقه) تکلیف : دوره دروس ۱ تا ۶ در جلسات باقیمانده
		آخرین جلسه ترم اول	برنامه کلاس : حل نمونه سؤالات امتحانی سال‌های گذشته تکلیف : (برای اولین جلسه ترم دوم) ۱ــ ترجمه متن درس ۷ به همراه یافتن لغات ناآشنا و شماره‌گذاری و حاشیه‌نویسی معنای واژه ۲ــ پیش مطالعه قواعد درس ۷
از جلسه ۲۴ به بعد، جلسات را هم برای تعطیلات احتمالی در نظر می‌گیریم هم می‌توانیم دوره ترم اول را شروع نماییم. در صورت صلاحدید و اقتضای زمان، می‌توانیم به بودجه بندی ترم دوم هم ورود نماییم.			

بخش دوم

راهنمای تدریس عربی زبان قرآن (۲)

درس اول

هدف کلی : دانش‌آموز با جامد مصدری و جامد غیرمصدری آشنا شود.

اهداف جزئی

۱ دانش‌آموز با دوره کوتاهی از دروس سال گذشته، برای دروس سال جدید آماده شود.
۲ دانش‌آموز با اسم‌های جامد مصدری و غیر مصدری آشنا شود.
۳ دانش‌آموز روش تشخیص انواع مصدر از هم را بیاموزد.
۴ دانش‌آموز با ترجمه انواع مصادر آشنا شود.
۵ دانش‌آموز با اوزان افعال رباعی مجرد در ماضی، مضارع، امر و مصدر آشنا شود.

انتظارات عملکردی

در پایان این درس انتظار می‌رود دانش‌آموز :
۱ دروس سال گذشته را به خاطر بیاورد و بتواند از آن مطالب، بهره ببرد.
۲ اسامی جامد مصدری و غیر مصدری را تشخیص دهد.
۳ انواع مصدر را از یکدیگر بشناسد.
۴ بتواند مصادر را به درستی ترجمه کند.
۵ فعل رباعی را شناسایی کند و زمان و مصدر آن را تشخیص دهد.

پیشنهادات آموزشی برای دبیر در ترجمه درس اول

معمولاً دانش‌آموزان در ترجمه شعر، مشکل دارند گرچه این شعر، متن سختی ندارد ولی نیاز به‌همراهی بیشتر دبیر، احساس می‌شود. این شعر شامل جملات اسمیه ساده‌ای است که برای یادآوری این مبحث، می‌توان از این جملات بهره برد.

در بخش واژگان نیز دانش‌آموزان را به مفرد و جمع کلمات توجه دهید :

بدل جمعش أبدال، جِرم جمعش أجرام، عَظم جمعش عِظام، کفء یا کفُو جمعش أکفاء، لحم

جمعش لُحوم است. در میان واژگان داخل متن و تمارین کلمات مَوتَی و أموات را می‌بینیم که هردو، جمعِ مَیت به معنای مُرده هستند.

در واژگان، مترادف و متضاد نیز مطرح شده است که دانستن آنها بسیار حائز اهمیت است :

داء = مَرَض شفاء = صحّة داء ≠ شفاء و صحّة مرض ≠ شفاء و صحّة

از اشعار منسوب به امام علی علیه‌السلام

درد و درمان

درمان تو در توست و آنچه می‌بینی و درد تو از توست و درک نمی کنی

آیا گمان می‌کنی که تو پیکری کوچک هستی؟ درحالی‌که جهان بزرگ‌تر در تو به‌هم پیچیده شده است!

مردم همتا هستند

مردم از جهت پدران، همتا هستند پدرشان آدم و مادر حوّاست!

و ارزش هر انسانی به آن چیزی است که آن را نیکو انجام می‌دهد و مردان با کارها نامدارند[1]

پس با دانش رستگار شو و جانشینی برای آن مخواه! مردم مرده هستند و اهل دانش، زنده![2]

تفاخر (فخر فروشی)

ای که بخاطر نادانی، به خاندان افتخار کننده‌ای مردم فقط مال یک مادر و یک پدر هستند

آیا آنها را (این طور) می‌بینی که از نقره یا آهن یا مس یا طلا آفریده شده‌اند؟

بلکه آنها را (این طور) می‌بینی که از یک گِل آفریده شده اند/ آیا (آنها)[3] جز گوشت و استخوان و عصب هستند؟

افتخار کردن فقط برای عقلی ثابت و حیا و پاکدامنی و ادب است!

۱ــ مردان با اعمال و کارهایشان نامدار می‌شوند.

۲ــ در ابیات فوق به این نکته ترجمه دقت کنید. خبر هرچند جمع باشد، مفرد ترجمه می‌شود.

۳ــ در پایه دهم آموختیم که گاهی ممکن است مبتدا با یک قرینه، حذف گردد. این عبارت به شکل «هل هم سوی لحم...» بوده است که ضمیر «هم» مبتداست ولی چون در مصرع قبلی آمده است و نیز بخاطر وزن شعری در این مصرع حذف شده است.

حل تمارین ناظر به متن

صحیح و خطا را برحسب متن درس مشخص کن!

۱ درمان ما درماست و ما به آن نگاه می‌کنیم و درد ما از ماست و ما آن را درک نمی کنیم. صحیح

۲ طالب دانش در میان نادانان همچون زنده میان مردگان است. صحیح

۳ افتخار کردن فقط برای عقل و حیا و پاکدامنی و ادب است! صحیح

۴ ارزش هر انسانی به کارهای نیک‌اش است. صحیح

۵ فخرفروشی به خاندان منطقی است. خطا

موضوعات درس اول

۱ یادآوری ۲ جامد مصدری و جامد غیرمصدری ۳ انواع مصدر

مقدمه

با توجه به اینکه در این درس، هم دوره دروس گذشته اتفاق افتاده است، هم درس جدیدی آموزش داده شده است، زمان بیشتری برای تدریس می‌طلبد که لازم است دبیر گرامی در بودجه‌بندی، این نکته را در نظر داشته باشد. برای بالا رفتن سرعت کار پیشنهاد می‌شود از دانش‌آموزان بخواهید پیش از شروع تدریس، به عنوان تکلیف کلاسی حتما بخش یادآوری را به‌طور کامل مطالعه کنند و شما در کلاس مطالب را در قالب پرسش و پاسخ مرور نمایید و کاستی‌ها و ضعف‌های احتمالی در معلومات دانش‌آموزان را مرتفع کنید؛ سپس وارد آموزش جامد و انواعش شوید.

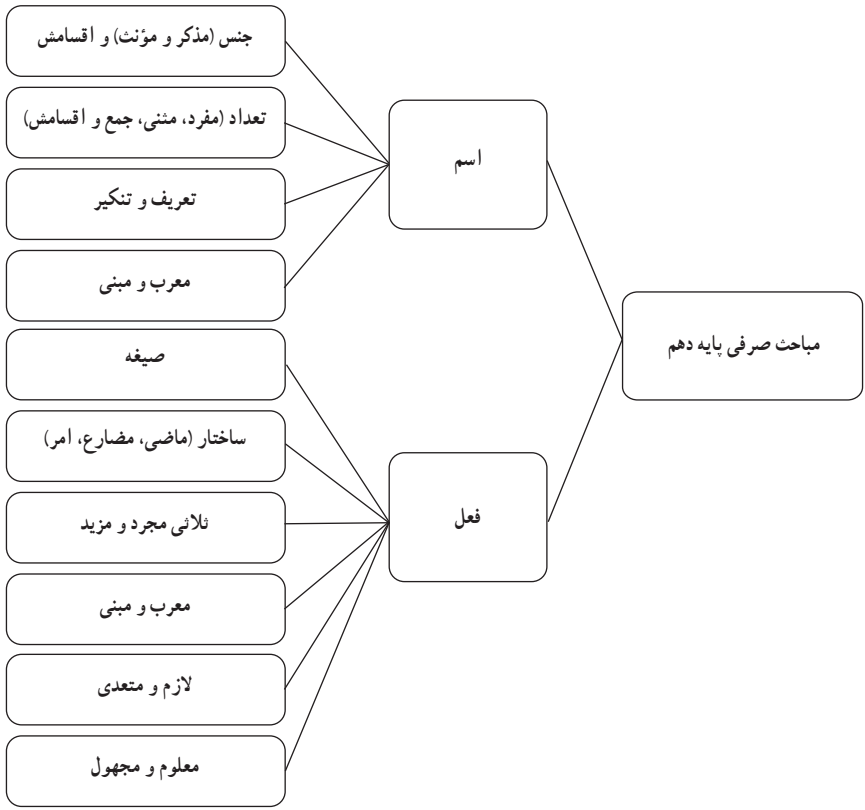
مرور مفاهیم اصلی درس

یادآوری

دانش‌آموزان در پایه دهم با معانی اولیه یعنی علم صرف و نحو آشنا شدند. علم صرف علم شناسایی ساختار کلمه است و یکی از مهم‌ترین وظایفش تکثیر کلمه است؛ یعنی اوّلاً یک کلمه را فارغ از اینکه در جمله در چه جایگاهی قرار دارد، بررسی می‌کند؛ ثانیاً آن کلمه را با تغییراتی تبدیل به کلمات دیگر می‌کند تا بتواند معانی متعددی از آن بدست آورد مثل عَلِمَ، یَعلَمُ، عالِم، مَعلوم، یُعَلِّمُ، مُعلِّم و....

علم نحو نیز علم شناسایی ساختار جمله یا علم اعراب و بناست. به‌عبارتی در علم نحو بررسی می‌کنیم که یک کلمه در هرکجای جمله، چه نقشی دارد و به واسطه آن نقش، چه اعرابی می‌گیرد؟

در پایه دهم از مباحث صرفی با این موضوعات آشنا شده‌اند :

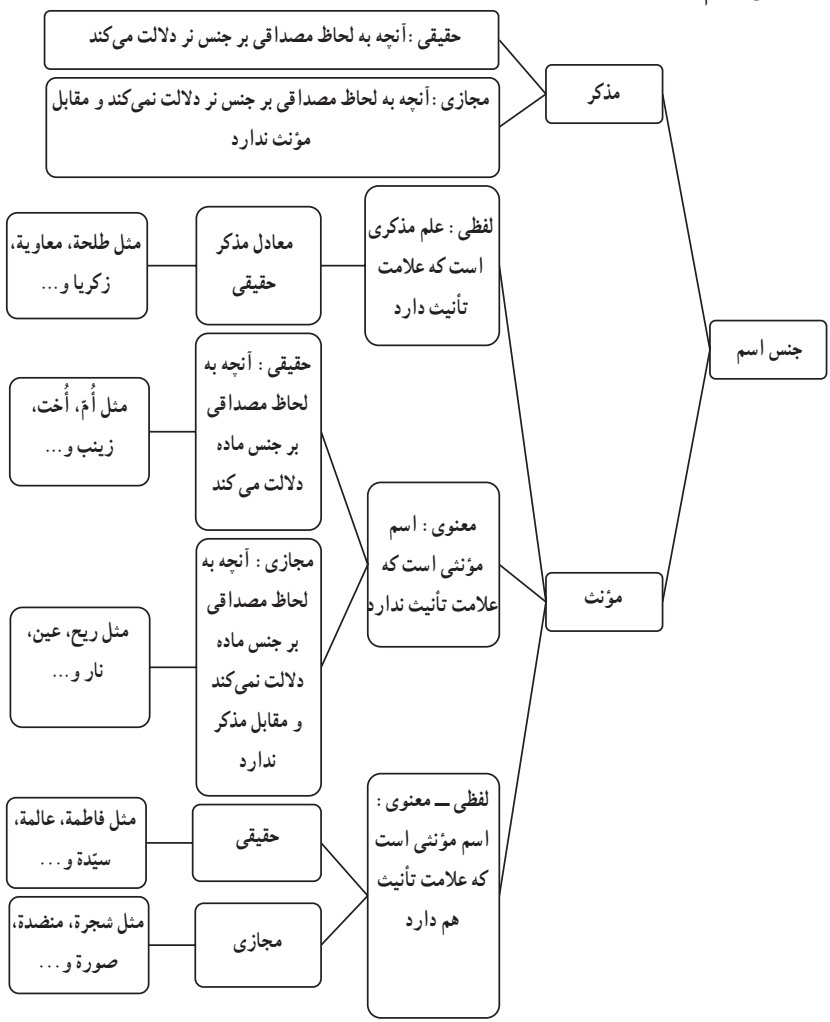


از موضوعات نحوی نیز با موارد زیر آشنا هستند :

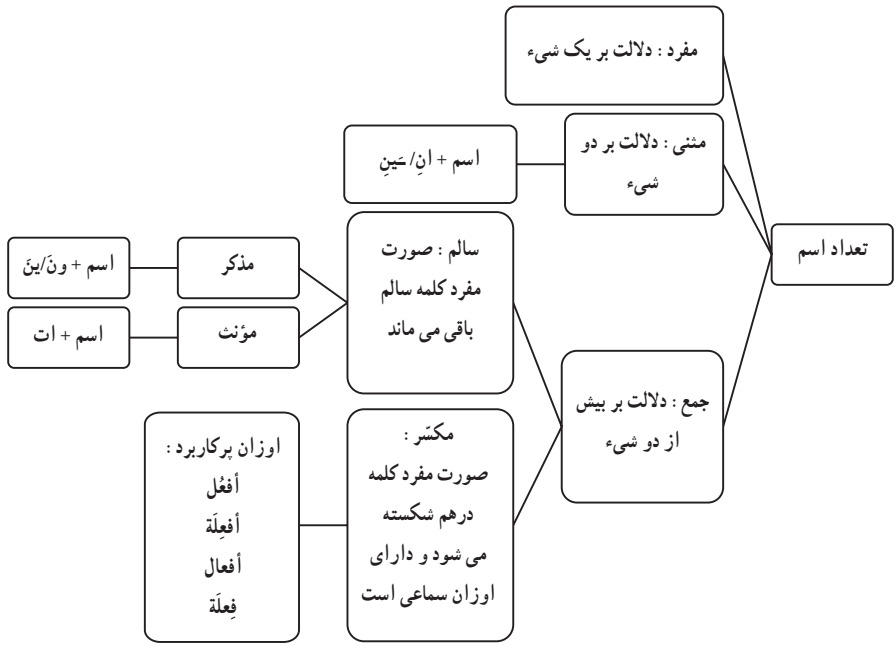
فاعل، نایب فاعل، مفعولبه، مبتدا، خبر، ظرف (به شکل اجمالی)، جار و مجرور، صفت، مضاف الیه

آنچه در کتاب دهم از مباحث فوق آمده است، مختصراً مطرح می‌نماییم تا دبیر محترم، هم خودش اشراف داشته باشد هم بتواند برای دانش‌آموزان مرور نماید :

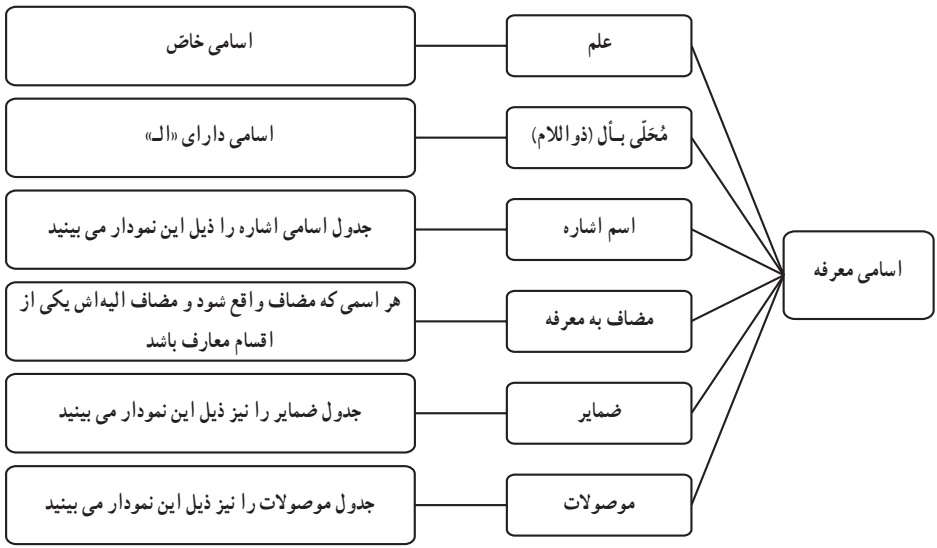
جنس اسم



تعداد اسم



تعریف و تنکیر



اسامی اشاره

اسم اشاره	نزدیک	دور
مفرد	مذکر : هذا (این) مؤنث : هذه (این)	مذکر : ذلک (آن) مؤنث : تلک (آن)
مثنی	مذکر : هذانِ ــ هذَینِ (این دو) مؤنث :هاتانِ ــهاتَینِ (این دو)	مذکر : ذانِکَ ذَینِکَ (آن دو) مؤنث : تانِکَ تَینِک (آن دو)
جمع	هؤلاء (اینها) (مشترک بین مذکر و مؤنث)	اولئکَ (آنها) (مشترک بین مذکر و مؤنث)
اشاره به مکان	هُنا / هَهُنا (اینجا)	هُناکَ / هُنالِکَ / ثَمَّ (آنجا)

ضمایر

ضمایر	ضمایر منفصل		ضمایر متصل		
	مرفوعی	منصوبی	مرفوعی		منصوبی و مجروری
			فعل ماضی	فعل مضارع	
للغائب	هو	إیّاه	ذهب (هو مستتر)	یذهبُ (هو مستتر)	ـهُ
للغائبَینِ	هما	إیّاهما	ذهبا	یذهبانِ	ـهما
للغائبِینَ	هم	إیّاهم	ذهبوا	یذهبونَ	ـهم
للغائبة	هی	إیّاها	ذهبَت (هی مستتر)	تذهبُ (هی مستتر)	ـها
للغائبتَینِ	هما	إیّاهما	ذهبَتا	تذهبانِ	ـهما
للغائبات	هنّ	إیّاهنّ	ذهبنَ	یذهبنَ	ـهنَّ
للمخاطب	أنتَ	إیّاکَ	ذهبتَ	تذهبُ (أنتَ مستتر)	کَ

ضمایر	ضمایر منفصل		ضمایر متصل		
	مرفوعی	منصوبی	مرفوعی		منصوبی و مجروری
			فعل ماضی	فعل مضارع	
للمخاطبَینِ	أنتما	إیّاکما	ذهبتما	تذهبانِ	کما
للمخاطبِینَ	أنتم	إیّاکم	ذهبتم	تذهبونَ	کم
للمخاطبة	أنتِ	إیّاکِ	ذهبتِ	تذهبینَ	کِ
للمخاطبَتَینِ	أنتما	إیّاکما	ذهبتما	تذهبانِ	کما
للمخاطبات	أنتنّ	إیّاکنّ	ذهبتنَّ	تذهبنَ	کنَّ
للمتکلم وحده	أنا	إیّایَ	ذهبتُ	أذهبُ (أنا مستتر)	ی
للمتکلم مع الغیر	نحن	إیّانا	ذهبنا	نذهبُ (نحن مستتر)	نا

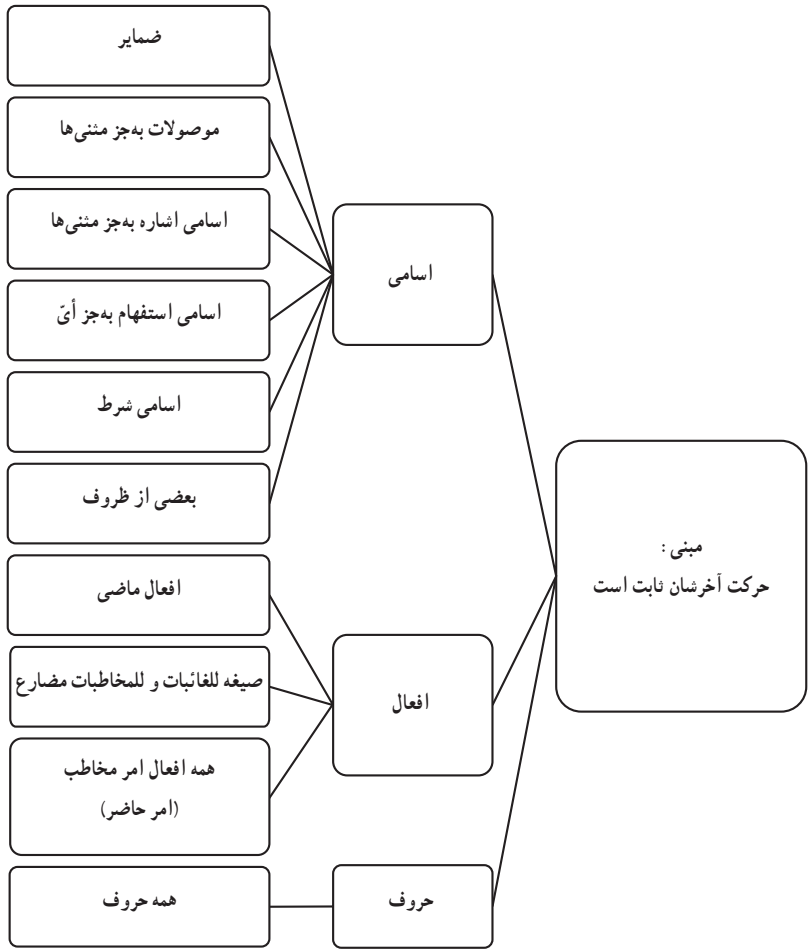
موصولات

موصولات عام (مشترک)	عاقل	مَن	
	غیرعاقل	ما	
موصولات خاص	مفرد	مثنی	جمع
مذکر	الّذی	اللّذانِ ــ اللّذَینِ	الّذینَ
مؤنث	الّتی	اللّتانِ ــ اللّتَینِ	اللّاتی/اللّواتی/ اللّائی/ اللّوائی

معرب و مبنی

هر کلمه‌ای که جزء مبنی‌ها نباشد، مبنی است.[۱]

۱ــ دانش‌آموز با اعداد مبنی آشنا نشده است و جزء اهداف آموزشی نیست.



صیغه و ساختار افعال

ثلاثی مجرد	فعل ماضی	فعل مضارع	فعل امر
للغائب	ذَهَبَ	یَذْهبُ	
للغائبَینِ	ذَهَبَا	یَذْهبانِ	
للغائبینَ	ذَهَبُوا	یَذْهبونَ	

ثلاثی مجرد	فعل ماضی	فعل مضارع	فعل امر
للغائبة	ذَهَبَت	تَذهبُ	
للغائبتَينِ	ذَهَبَتا	تَذهبانِ	
للغائبات	ذَهَبنَ	يَذهبنَ	
للمخاطب	ذَهَبتَ	تَذهبُ	إذهَب
للمخاطبَينِ	ذَهَبتما	تَذهبانِ	إذهبا
للمخاطبينَ	ذَهَبتم	تَذهبونَ	إذهبوا
للمخاطبة	ذَهَبتِ	تَذهبينَ	إذهبى
للمخاطبتَينِ	ذَهَبتما	تَذهبانِ	إذهبا
للمخاطبات	ذَهَبتنَّ	تَذهَبنَ	إذهَبنَ
للمتكلم وحده	ذَهَبتُ	أذهَبُ	
للمتكلم مع الغير	ذَهَبنا	نَذهَبُ	

ثلاثی مجرد و مزید

همه افعال دارای سه یا چهار حرف اصلی هستند. افعالی که دارای سه حرف اصلی هستند، ثلاثی و افعالی که دارای چهار حرف اصلی هستند، رباعی نام دارند. افعالی که در صیغه للغائب ماضی، علاوه بر حروف اصلی، دارای حرف یا حروفی زائد هستند، رباعی نام دارند؛ پس افعال در زبان عربی ذیل یکی از این چهار دسته واقع می‌شوند :

۱ ثلاثی مجرد ۲ ثلاثی مزید ۳ رباعی مجرد ۴ رباعی مزید

اما دانش‌آموزان ثلاثی مجرد و ثلاثی مزید را به‌طور کامل آموزش دیده‌اند و از رباعی فقط با تعریفش آشنا شده‌اند. اکنون اوزان ثلاثی مجرد را می‌بینیم :

اوزان فعل ماضی ثلاثی مجرد	اوزان فعل مضارع ثلاثی مجرد	مصادر ثلاثی مجرد
فَعَلَ	یَفعَلُ	سماعی
فَعَلَ	یَفعِلُ	
فَعَلَ	یَفعُلُ	
فَعِلَ	یَفعَلُ	
فَعِلَ	یَفعِلُ	
فَعُلَ	یَفعُلُ	

ثلاثی مزید را نیز در جدول زیر به‌طور خلاصه آورده‌ایم :

ثلاثی مزید					
ماضی	مضارع	امر حاضر	مصدر (باب)	تعداد حروف زائد	معنای غالب باب
أفعَلَ	یُفعِلُ	أفعِلْ	اِفعال	۱حرف (همزه)	تعدیه
فَعَّلَ	یُفَعِّلُ	فَعِّلْ	تَفعیل	۱ حرف (تکرار عین الفعل)	تعدیه
فاعَلَ	یُفاعِلُ	فاعِلْ	مُفاعَلَة/ فِعال	۱حرف (الف)	مشارکت (یکی فاعل و یکی مفعول) غالباً متعدی
تَفاعَلَ	یَتَفاعَلُ	تَفاعَلْ	تَفاعُل	۲حرف (ت+الف)	مشارکت(هردو در معنا فاعل و در ظاهر، معطوف)/ غالباً لازم
تَفَعَّلَ	یَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلْ	تَفَعُّل	۲حرف (ت +تکرار عین الفعل)	مطاوعه

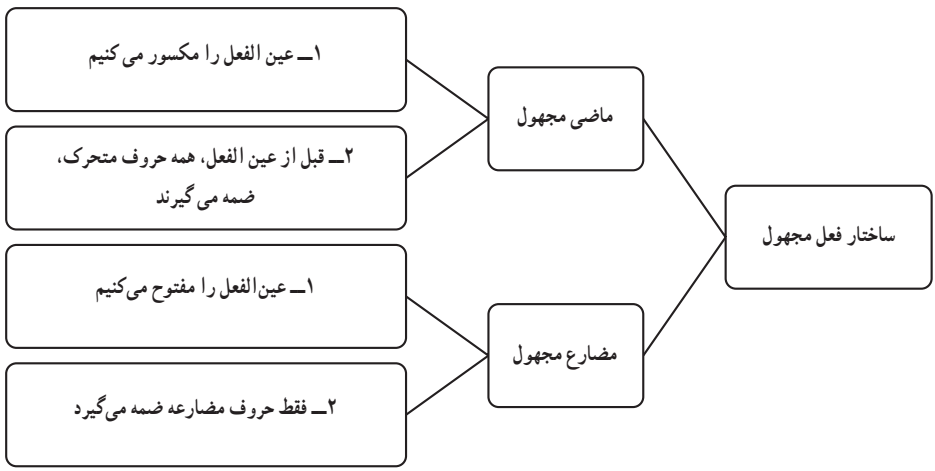
ثلاثی مزید					
إنفَعَلَ	يَنفَعِلُ	إنفَعِلْ	اِنفِعال	۲حرف (همزه + ن)	مطاوعه + صددرصد لازم
إفتَعَلَ	يَفتَعِلُ	إفتَعِلْ	اِفتِعال	۲حرف (همزه + ت)	مطاوعه/ غالباً لازم
إستَفعَلَ	يَستَفعِلُ	إستَفعِلْ	اِستِفعال	۳حرف(همزه+س+ت)	طلب + مفعول را دارای صفتی یافتن غالبا متعدی

لازم و متعدی

افعالی که معنای‌شان با ملازمت و همراهی فاعل کامل می‌شود و اثر آن فعل، از فاعل فراتر نمی‌رود، لازم هستند؛ نظیر فعل «ضَحِکَ» به معنای «خندید» که به‌طور مثال با فاعل «علی» معنای کاملی را افاده می‌کند : «ضَحِکَ علیٌّ : علی خندید» اما افعالی که اثرشان از فاعل فراتر رفته و به مفعول می‌رسد، متعدی نام دارند؛ مثل : «أضحَکَ علیٌّ فاطمةَ : علی، فاطمه را خنداند». فعل «أضحَکَ» بدون واسطه حرف جرّ بر «فاطمة» تأثیر می‌گذارد؛ لذا یک فعل متعدی است.

معلوم و مجهول

فعلی که فاعلش شناخته شده باشد، معلوم و فعلی که فاعلش ناشناخته باشد، مجهول نام دارد.
افعال مجهول از فعل متعدی ساخته می‌شوند و ساختار خاصی در ماضی و مضارع دارند :



روش مجهول کردن جمله

۱ حذف فاعل

۲ جایگزینی مفعول به‌جای فاعل (نایب فاعل)

۳ تبدیل ساختار فعل از معلوم به مجهول مطابق الگوی فوق

۴ فعل را به لحاظ جنس (مذکر و مؤنث) با نایب فاعل متناسب می‌کنیم.

مراحل مجهول کردن جملاتی که مفعول به در آنها ضمیر است :

۱ صیغه ضمیری که مفعول واقع شده است را پیدا می‌کنیم.

۲ فعل را به صیغه آن ضمیر می‌بریم و مجهول می‌کنیم.

۳ مثل : أضحَکَها : أُضحِکَت (ضمیر للغائبة داریم لذا فعل همین صیغه را مجهول می‌نماییم.)

مرور موضوعات نحوی پایه دهم

علم نحو درباره یک کلمه، به سه سؤال پاسخ می‌دهد : ۱ هر کلمه در جمله چه نقشی دارد؟ ۲ به واسطه آن نقش، چه اعرابی می‌گیرد؟ ۳ آن اعراب را چطور نشان می‌دهد؟

در پایه دهم تعدادی از نقش‌ها با اعرابشان آموزش داده می‌شود و در واقع تا حدی به دو سؤال اول پاسخ می‌دهیم اما برای سؤال سوم ــ که هر کلمه اعرابش را چطور نشان می‌دهد ــ فقط به بیان اعراب اصلی مرفوع، منصوب و مجرور اکتفا شده است و بقیه انواع اعراب را در پایه یازدهم آموزش می‌دهیم. در زمینه نقش کلمات، با ارکان اصلی جملات شروع کرده ایم و به دانش‌آموز یاد داده ایم که در زبان عربی هر جمله‌ای یا فعلیه است یا اسمیه و هر کدام از این دو دارای ارکان و متعلقاتی هستند.

اجزاء و متعلقات جمله فعلیه

جمله فعلیه همواره دارای دو رکن اصلی فعل و فاعل است و جمله اسمیه دارای دو رکن اصلی مبتدا و خبر. هر دو دارای متعلقاتی نیز هستند و هرکدام از ارکان یا متعلقات، جایگاهی در جمله دارند.

فاعل، انجام دهنده کار یا دارنده صفت است و هر فعل معلومی دارای فاعل است. نقش فاعل همواره مرفوع است و جایگاه فاعل در جمله، بعد از فعل می‌باشد. نایب فاعل نیز نظیر فاعل است با این تفاوت که همواره بعد از فعل مجهول می‌آید. فاعل و نایب فاعل به سه شکل می‌آیند : ۱ــ اسم ظاهر ۲ــ ضمیر بارز ۳ــ ضمیر مستتر

مفعول به یکی دیگر از نقش‌هایی است که در پایه دهم آموزش داده شده است. چنانچه اثر یک فعل، از فاعل گذشته و به مفعول برسد؛ یا به عبارتی معنای فعل با فاعل کامل نشود، نیاز به مفعول‌به هم پیدا می‌کند. مفعول‌به اسمی است که اثر فعل را بدون واسطه حرف جرّ پذیرفته است و یک نقش منصوبی است. جایگاه آن نیز غالباً بعد از فعل است اما گاهی بر فعل هم مقدم می‌شود. بر فاعل نیز می‌تواند مقدم گردد. در زبان فارسی معمولاً مفعول‌به با کلمه «را» پیدا می‌شود اما چنانچه کلمه‌ای در زبان فارسی به‌صورت متمم می‌آمد ولی در عربی، حرف جر نداشت، آن کلمه هم مفعول‌به است به‌طور مثال در جمله «علّمتُ عليّاً الدَّرسَ : درس را به علی یاد دادم.» کلمه «الدَّرسَ» در ترجمه با «را» همراه شده است و مفعول‌به است اما کلمه «عليّاً» در ترجمه «به علی» متمم است اما در عربی بدون حرف جرّ آمده است لذا مفعول‌به است. اینها اجزای جمله فعلیه هستند.

اجزاء و متعلقات جمله اسمیه

جمله اسمیه نیز دارای دو رکن مبتدا و خبر است و این دو نقش، هر دو مرفوع‌اند. مبتدا تقریباً معادل نهاد در فارسی و خبر غالباً معادل گزاره در فارسی است. در برخی جملات نیز مبتدا و خبر معادل مسندالیه و مسند هستند و شاهد رابطه اسنادی هستیم. به‌طور مثال در جمله «عليٌّ يذهبُ إلى المدرسة : علی به مدرسه می‌رود.» کلمه «عليٌّ» در زبان عربی مبتدا و در زبان فارسی، نهاد است و کلمه «يذهب» خبر عربی و گزاره فارسی است. در جمله «عليٌّ قائمٌ : علی ایستاده است.» کلمه «عليّ» همچنان مبتدای عربی و نهاد و مسندالیه در فارسی است و کلمه «قائمٌ» خبر عربی و گزاره و مسند در فارسی است و در این عبارت شاهد رابطه اسنادی هستیم.

خبر به سه شکل می‌آید :

۱ــ خبر مفرد : هرگاه یک تک اسم خبر بدهد، خبر مفرد داریم و معمولاً در خبر مفرد شاهد رابطه اسنادی هستیم نظیر جمله «عليٌّ قائمٌ» که توضیح داده شد.

۲ــ خبر جمله : هرگاه یک جمله خبر بدهد، خبر جمله داریم که خود نیز به دو شکل می‌آید :

الف) خبر از نوع جمله اسمیه : هرگاه جمله‌ای اسمیه خبر واقع شود، نوع خبر، جمله اسمیه است؛ مثل : «الخیرُ قلیلُه کثیرٌ : نیکی، کمش زیاد است.» کلمه «الخیرُ» مبتدا و جمله اسمیه «قلیلُه کثیرٌ» خبر است که در واقع در داخل خود نیز دارای ساختار مبتدا و خبری است یعنی «قلیلُ» مبتدا و «کثیرٌ» خبر مفرد است.

ب) خبر از نوع جمله فعلیه : هرگاه یک فعل، خبر بدهد، خبر از نوع جمله فعلیه است؛ مثل : «الطّاعةُ تُطفئُ غضب الرَّبِّ : طاعت، خشم پروردگار را خاموش می‌کند.» کلمه «الطّاعةُ» مبتدا و « تُطفئُ غضب الرَّبِّ» خبر از نوع جمله فعلیه است.

۳ــ خبر شبه جمله : این نوع خبر، خود بر دو قسم است :

الف) جارّ و مجرور : دسته‌ای از حروف هستند که هرگاه بر سر یک اسم بیایند، آن را مجرور می‌کنند. این حروف که موسوم به جارّ هستند، عبارتند از : «فی، لِـ ، بِـ ، کَـ ، عَلَی، عَن، مِن، إلَی». هرگاه ترکیب جارّ و مجرور، خبر واقع شود، نوع خبر، شبه جمله است؛ نظیر : «سرورُ المؤمنِ بِطاعةِ ربِّه : شادی مؤمن به طاعت کردن پروردگارش است.» در این جمله کلمه «سرورُ» مبتدا و «بطاعةِ» خبر از نوع شبه جمله یعنی جارّ و مجرور است.

ب) ظرف : ظرف اسمی است که زمان یا مکان وقوع فعل را بیان می‌کند و هیچ حرف جرّی بر سر آن نیامده است. هرگاه ظرف، خبر بدهد، نوع خبر، شبه جمله خواهد بود؛ نظیر : «الحیَّةُ تحتَ العُشبِ : مار زیر گیاه است.» در این جمله «الحیّةُ» مبتدا و «تحتَ» ظرف و خبر از نوع شبه جمله است.

سایر متعلقات جمله

دانش‌آموزان تا پایان پایه دهم علاوه بر نقش‌هایی که تاکنون گفتیم، با صفت و مضاف‌الیه نیز آشنا شده‌اند. صفت به بیان ویژگی یک اسم می‌پردازد و در چهار چیز تابع موصوف است : اعراب، جنس، تعداد و تعریف و تنکیر. دانش‌آموزان با صفت جمله آشنا نیستند و در پایه دوازدهم فراخواهند گرفت.

مضاف‌الیه نیز در دوره اول متوسطه آموزش داده شده است. مضاف و مضاف‌الیه ترکیب دو اسم است که اولی به دومی اضافه شده است مثل «کتابُ طالبٍ : کتابِ دانش‌آموز» که کلمه «کتاب» به «طالب» اضافه شده لذا «کتاب» مضاف و «طالب» مضاف‌الیه است.

شروع آموزش درس اول

جامد

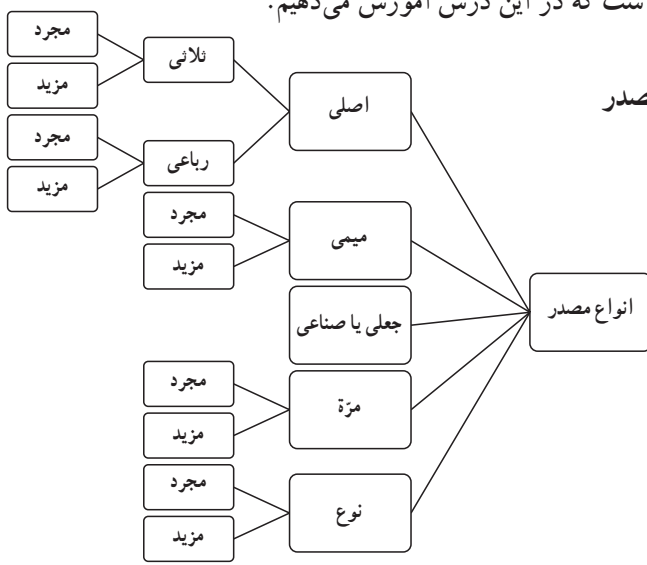
همان‌طور که دیدیم در سال گذشته از تقسیمات اسم، جنس، تعداد، معرفه نکره و معرب و مبنی آموزش داده شد. اکنون یکی دیگر از تقسیمات اسم یعنی تقسیم به جامد و مشتق و انواع هرکدام آموزش داده می‌شود. در کتب آموزشی برای «اسم جامد» تعاریفی ارائه شده است که ناقص هستند و هرکدام اشکالاتی دارند و ابهاماتی ایجاد می‌کنند. سعی می‌کنیم به نحوی اسم جامد را توضیح دهیم که از این مشکلات دور شویم.

اسامی دو دسته هستند : جامد و مشتق. هرکدام از جامد و مشتق نیز دارای انواع و اقسامی هستند. اسامی جامد اسامی هستند که مشتق نیستند. در این درس جامد و اقسامش را آموزش می‌دهیم و مشتقات را در درس بعدی خواهیم دید.

جامد مصدری

مصدر اسمی است که بر انجام دادن کاری یا پذیرفتن حالتی بدون مفهوم زمان و شخص دلالت می‌کند[1]؛ یعنی مصدر، ماضی، مضارع ندارد و دلالت بر صیغه خاصی هم نمی کند. مصدر دارای انواعی است که در این درس آموزش می‌دهیم.

انواع مصدر



۱ــ کتاب آموزش صرف، عبدالرسول کشفی، درس ۳۳، ص ۲۵۴

مصدر اصلی
مصادر اصلی عبارت‌اند از :

اوزان مصادر اصلی					
ثلاثی	مجرد	سماعی (بسیار زیاد)			
	مزید	افعال	تَفعیل	مُفاعَلَة	افتَعال
		انفِعال	تَفَعُّل	تَفاعُل	استِفعال
رباعی	مجرد	فَعلَلَة / فِعلال			
	مزید	آموزش داده نمی شود			

مصادر ثلاثی مجرد بسیار زیاد هستند و قاعده‌مند نمی‌باشند لذا سماعی هستند؛ یعنی برای پیدا کردن یا شناختن آنها باید یا به قدری آنها را شنیده باشیم که حفظ شده باشیم یا به کتاب لغت مراجعه کنیم. انتظار می‌رود که دبیر گرامی از این درس به بعد، هر مصدر ثلاثی مجردی را که در متن دروس یا تمرینات مشاهده می‌کند، یک یادآوری برای دانش‌آموزان داشته باشد خصوصا اگر در بخش واژه‌نامه آمده باشد. پیشنهاد می‌شود چند مورد مصدری که در درسنامه کتاب مطرح شده است را حتما مرور کنید :

فَرَح :«شادی»/قُعُود :«نشستن»/جَوَلان :«گشت‌زدن، گشتن»/کِتَابَة :«نوشتن»/سؤال :«پرسیدن» / رَدّ : «برگرداندن» / إبَاء :«امتناع کردن» / صُرَاخ : «فریاد زدن / یاری طلبیدن»

مصادر ثلاثی مزید را در سال گذشته آموزش دادیم لذا به جدول اکتفا می‌کنیم فقط به دانش‌آموزان تأکید کنید که مصادر ثلاثی مزید نیز جزء مصادر اصلی به شمار می‌آیند.

بیان این نکته نیز لازم است که مصادری که وزن ثابتی دارند و قاعده‌مند هستند، قیاسی به شمار می‌آیند؛ پس بر خلاف مصادر ثلاثی مجرد ــ که سماعی هستند ــ مصادر ثلاثی مزید و رباعی قیاسی و قاعده‌مندند.

پیش از این، افعال رباعی مجرد تدریس نشده بود؛ لذا لازم است در این درس وقت بیشتری برایش بگذارید تا دانش‌آموزان از حفظ وزن آن غافل نشوند اما رباعی مزید اساسا از اهداف آموزشی رشته علوم و معارف اسلامی نیست.

مصدر میمی

مصدری است که به لحاظ معنا تفاوتی با مصدر اصلی ندارد و مترادف مصدر اصلی است اما ساختار خاص خود را دارد که در آن، حتما یک «میم» زائد وجود دارد. مصدر میمی در ثلاثی مجرد در چهار وزن به کار رفته است : «مَفعَل، مَفعِل، مَفعَلَة، مَفعِلَة» نظیر : «مَجمَع (:جمع شدن)، مَوعِد (: وعده دادن)، مَرحَمَة (:مهربانی کردن)، مَغفِرَة (:آمرزیدن)

اما مصدر میمی در ثلاثی مزید از روی فعل مضارع و بدین ترتیب ساخته می‌شود :

۱ به جای حروف مضارعه «مُـ» می‌گذاریم.

۲ عین الفعل (یا حرف ماقبل آخر) را مفتوح می‌کنیم. نظیر :

یَستَخرِجُ ← مُستَخرَج (:استخراج کردن)/یُکرِمُ ← مُکرَم (:گرامی داشتن)/یَنحَدِرُ ← مُنحَدَر (:سرازیر شدن)

مصدر صناعی

در تعریف مصدر صناعی گفته شده است : «از اضافه شدن «**تاء تأنیث**» به «**اسم منسوب**» ساخته می‌شود.» اما اسم منسوب چیست؟ اسم منسوب در عربی معادل همان اسم منسوب فارسی است؛ به‌طور مثال در زبان فارسی چنانچه بخواهیم بگوییم شخصی اهل تهران است و او را به شهر تهران منتسب کنیم، از ساختار «تهران+ی» استفاده می‌کنیم و او را «تهرانی» می‌نامیم یا مثلاً وقتی شخصی معمولاً در مسجد نماز می‌خواند و می‌خواهیم او را به مسجد نسبت دهیم، می‌گوییم «مسجدی» یا کاری که منسوب به دولت است می‌گوییم «دولتی». در زبان فارسی از اضافه کردن حرف «ی» به یک اسم، اسم منسوب می‌سازیم. در عربی نیز به همین طریق با اضافه کردن «یاء مشدّد» به انتهای اسم، اسم منسوب مذکر می‌سازیم؛ مثل : «ایران+یّ = ایرانیّ : مردی اهل ایران» و در صورتی که به انتهای آن «ة» نیز اضافه شود، اسم منسوب مؤنث ساخته می‌شود؛ مثل : « ایران+یّة = ایرانیّة : خانمی اهل ایران»

ساختار مصدر صناعی دقیقا شبیه به اسم منسوب مؤنث است؛ یعنی «اسم + یّ + ة» پس تفاوت در کجاست؟ در معنای مصدری! به‌طور مثال کلمه «إیرانیَّة» هم می‌تواند به معنای «خانم اهل ایران» باشد هم می‌تواند به معنای «ایرانی بودن» باشد؛ چنانچه در معنای اول به‌کار رود، اسم منسوب مؤنث است و در معنای دوم، مصدر صناعی است؛ لذا مهم‌ترین نکته در مصدر صناعی، معنای مصدری است پس اگر کلمه‌ای در ظاهر ساختار مصدر صناعی را داشت اما به عنوان صفت به‌کار

رفته بود، مصدر صناعی نیست؛ زیرا مصدر هیچ‌گاه معنای صفتی نمی‌دهد؛ مثلاً در عبارت «اللّغةُ العربیّة : زبان عربی» کلمه «العربیّة» در معنای صفتی به‌کار رفته است؛ پس اسم منسوب مؤنث است اما در جمله «أعلَمیَّتُه سببُ مقبولیَّتِه : داناتر بودنِ او سبب پذیرفته شدن اوست» کلمات «أعلمیَّة» و «مقبولیَّة» معنای مصدری دارند لذا مصدر صناعی هستند.

نکته : از انواع اسم‌ها می‌توان مصدر صناعی ساخت به شرط اینکه معنای مصدری داشته باشد مثلاً از اسم فاعل، اسم مفعول، افعل تفضیل، مصدر میمی و... می‌توان مصدر صناعی ساخت نظیر : عالَمیَّة، مسئولیَّة، أرجَحِیَّة، مَصدَریَّة و...

مصدر مرّة

دلالت بر یکبار وقوع فعل می‌کند. یعنی هرگاه بخواهیم از یکبار انجام گرفتن کاری سخن بگوییم از ساختار مصدر مرّة استفاده می‌کنیم؛ به‌طور مثال : «جلستُ جَلسَةً : یکبار نشستم» کلمه «مرّة» به معنای دفعه و مرتبه است. اما ساختار مصدر مرّة چیست؟

۱ اگر فعلی از ثلاثی مجرّد داشته باشیم و بخواهیم از «یکبار وقوع آن» سخن بگوییم، باید حروف اصلی آن فعل را بر وزن «فَعْلَة» ببریم. دقت کنید کلمه «مرَّة» خود نیز بر همین وزن است. در مثال فوق فعل «جلس» از ثلاثی مجرد است لذا آن را بروزن «فَعْلَة» می‌بریم که «جَلْسَة» می‌شود.

مصدر فعل «جلس» کلمه «جُلوس» است و مصدر مرّه‌اش«جَلْسَة» می‌شود؛ اما اگر فعلی مصدرش بر همین وزن «فَعْلَة» باشد، چگونه می‌توان از آن مصدر مرّة ساخت؟ مثلاً «رَحِمَ» فعلی از ثلاثی مجرد است که مصدرش «رَحمَة» بروزن « فَعْلَة» است؛ پس چطور می‌توان از آن، مصدر مرّة ساخت؟

پاسخ این است که در چنین شرایطی لازم است قرینه‌ای بیاید که دلالت بر یکبار وقوع فعل کند مثلاً می‌توان آن مصدر را با عدد یک همراه کرد؛ به‌طور مثال : «رَحمتَنی رَحمَةً واحدةً : یکبار بر من رحمت کردی»

۲ اگر فعلی از غیر ثلاثی مجرد[1] داشته باشیم، ساختار مصدر مرّه‌اش بدین ترتیب است که به مصدر اصلی حرف «ة» اضافه می‌کنیم به‌طور مثال کلمه «اکتساب» به معنای «کسب کردن» است اما کلمه «اکتسابة» که ساختار «اکتساب+ة» را دارد، به معنای «یکبار کسب کردن» است؛ پس ساختار مصدر مرّة در غیر ثلاثی مجرد «مصدر اصلی + ة» است.

۱ــ غیر ثلاثی مجرد یعنی ثلاثی مزید، رباعی مجرد، رباعی مزید

اکنون یک سؤال پیش می‌آید؛ چنانچه مصدری به «ة» ختم شده باشد ــ نظیر باب مفاعلة و باب فعلَلَة ــ چگونه مصدر مرّة بسازیم؟ در این صورت نیز باید قرینه‌ای بر تعداد بیاوریم مثل : «شاهدتُه مشاهدةً واحدَةً : او را یکبار مشاهده کردم» که کلمه «واحدة» قرینه ای است که مصدر مره بودنِ «مشاهدة» را به ما نشان می‌دهد. اگر کلمه «واحدة» نمی‌آمد، جمله بدین شکل ترجمه می‌شد : «شاهدتُه مشاهدةً : او را قطعا مشاهده کردم»

مصدر نوع

مصدر نوع دلالت بر کیفیت و نحوه وقوع فعل می‌کند. نام دیگر آن، مصدر «هیئة» است؛ به‌طور مثال : «جلستُ جِلْسَةَ الوَقور : همچون انسان باوقار نشستم». اما ساختار مصدر نوع چیست؟

۱ اگر فعلی از ثلاثی مجرّد داشته باشیم و بخواهیم «چگونگی وقوع آن» را بگوییم، باید حروف اصلی آن فعل را بر وزن «فِعْلَة» ببریم. در مثال فوق فعل «جلس» از ثلاثی مجرد است لذا آن را بروزن « فِعْلَة» می‌بریم که «جِلْسَة» می‌شود.

۲ اگر فعلی از غیر ثلاثی مجرد داشته باشیم، ساختار مصدر نوعش بدین ترتیب است که مصدر اصلی را با صفت یا مضاف الیه همراه می‌کنیم؛ به‌طور مثال کلمه «اجتهاد» به معنای «تلاش کردن» است اما کلمه «اجتهاد العلماء» که ساختار «مصدر اصلی + مضاف الیه» را دارد، به معنای «همچون تلاش علما» است و «اجتهاداً بالغاً» که ساختار «مصدر اصلی + صفت» را دارد، به معنای «کاملاً تلاش کردن» است.

سؤالی که پیش می‌آید این است که اگر فعلی مصدرش بر وزن «فِعْلَة» باشد، چگونه می‌توان از آن مصدر نوع ساخت؟ در این حالت هم لازم است قرینه ای بیاید که دلالت بر نحوه وقوع فعل کند مثلاً می‌توان آن مصدر را با صفت همراه کرد؛ به‌طور مثال : «خَبَرتُه خِبْرَةً حِکمیَّةً : او را حکیمانه آزمایش کردم[۱]»

مصدر مجهول

در فارسی فعل‌های معلوم و مجهول دارای مصادر مختلف هستند؛ مثلاً فعل «گشود» دارای مصدر «گشودن» و فعل «گشوده شد» دارای مصدر «گشوده شدن» است اما در زبان عربی مصدر هردو یکی است یعنی فعل «فَتَحَ» و «فُتِحَ» هر دو یک مصدر دارند؛ «فَتْح»

۱ــ آموزش صرف عبد الرسول کشفی، ص ۲۵۸

دانستنی‌های دبیر

۱ رباعی مزید دارای سه باب است :

ماضی	مضارع	امر	مصدر
تَفَعلَلَ تَزَلزَلَ (لرزید)	یَتَفَعلَلُ یَتَزَلزَلُ	تَفَعلَلْ تَزَلزَلْ	تَفَعلُل تَزَلزُل
اِفعَنلَلَ اِحرَنجَمَ (خم شد)	یَفعَنلِلُ یَحرَنجِمُ	اِفعَنلِلْ اِحرَنجِمْ	اِفعِنلال اِحرِنجام
اِفعَلَّلَ اِطمَأنَّ اِطمَأنَّ (آرام شد)	یَفعَلِّلُ یَطمَئِنُّ یَطمَئِنُّ	اِفعَلِّلْ اِطمَئِنَّ اِطمَئِنَّ	اِفعِلّال اِطمِئنان

افعال در باب‌های رباعی مزید همواره لازمند و همگی برای مطاوعه و اثرپذیری به‌کار می‌روند. این ابواب بسیار کم کاربرد هستند لذا جزء اهداف آموزشی کتاب نیستند.

۲ وزن اصلی مصدر میمی «مَفعَل» است ولی در مثال واوی که حرف علّه در مضارع آنها حذف می‌شود، بر وزن «مَفعِل» ساخته می‌شود؛ مثل : وَعَدَ/یَعِدُ مَوعِد (: وعده دادن) اما در غیر مثال‌های واوی، مصدر میمی می‌تواند بر اوزان «مَفعِل»، «مَفعَلَة» و «مَفعِلَة» بیاید. اینکه کدام وزن کاربرد دارد، سماعی است نظیر : مَصیر، مَحَبَّة و مَغفِرَة

۳ مصدر مرّه همواره از افعالی ساخته می‌شود که با جوارح حسی انجام می‌شود نظیر «جَلْسَة : یکبار نشستن» لذا افعالی که دلالت بر فعل باطنی می‌کنند همچون «العلم و الجهل و الجُبن»، یا دلالت بر صفتی ثابت کنند مثل «الحُسن، الکَرَم و البُخل» مصدر مره ندارند.

۴ مصدر نوع با ساختار «مصدر اصلی + ة + صفت یا مضاف الیه» هم کاربرد دارد نظیر : «انتفضَ المظلومون انتفاضةً قویّةً»

اشتباهات رایج دانش‌آموزان و راهکار

۱ دانش‌آموزان در موارد متعددی مصدر را با فعل اشتباه می‌گیرند زیرا فعل نیز انجام کار یا پذیرفتن حالت است اما اشاره به این نکته بسیار مهم است که مصدر، اسم است و دلالت بر زمان ماضی یا مضارع نمی‌کند. به عبارتی فعل، هم صیغه دارد هم زمان! اما مصدر نه صیغه دارد نه زمان؛ به‌طور مثال «ذهاب» به‌معنای «رفتن» نه دلالت بر رفتن در زمان خاصی دارد نه دلالت بر رفتنِ شخص خاصی؛ پس مصدر است.

۲ دانش‌آموزان اصطلاح «اسم منصوب» را شنیده‌اند و اکنون با «اسم منسوب» رو به رو شده اند. بسیار پیش می‌آید که این دو را باهم اشتباه می‌گیرند. «اسم منصوب» اسمی است که در جمله، در جایگاهی قرار گرفته است که به واسطه آن جایگاه، منصوب شده است اما «اسم منسوب» اسمی است که فارغ از اینکه در جمله چه نقشی دارد، برای نسبت دادن به‌کار می‌رود. حتما بر تفاوت این دو مورد تأکید فرمایید.

۳ بسیاری از دانش‌آموزان هر اسمی را مختوم به «ـيَّة» می‌بینند، مصدر صناعی به‌شمار می‌آورند؛ حتما بر این دو نکته تأکید کنید که اولاً باید آن اسم، معنای مصدری داشته باشد؛ ثانیاً نباید صفت برای اسم مؤنث واقع شده باشد.

۴ برخی از دانش‌آموزان در حفظ نکات اولیه دقت کافی نمی‌کنند و نهایتاً در شناخت مصدر مرّة و نوع، وزن فَعلَة و فِعلَة را جابه‌جا می‌گیرند و مصادر را به اشتباه تشخیص می‌دهند. این مشکل را می‌توان با یک رمزگذاری حل کرد : مَرَّة خود نیز بر وزن فَعلَة است!

تمارین

تمرین اول : جملات زیر را ترجمه کن و مصدر و نوعش را مشخص کن.

۱ معرفت نور قلب است. المعرفة : مصدر میمی

۲ (از بین) رفتن دیده بهتر از کوری بصیرت است. ذهاب : مصدر ثلاثی مجرد
عمی : مصدر ثلاثی مجرد البصیرة : مصدر ثلاثی مجرد

۳ کمال انسان، عقل اوست و ارزش او، فضیلت اوست. کمال، عقل، قیمة، فضل : مصدر ثلاثی مجرد

۴ فضیلت مرد از گفتارش شناخته می‌شود. فضل، قول : مصدر ثلاثی مجرد

۵ لباس‌های زمستانی را همچون اسکیمو پوشیدیم. لِبسَة : مصدر نوع

۶ گفتاری پسندیده و گذشت، بهتر از صدقه‌ای است که آزار دادن، به دنبالش می‌آید.

قول : مصدر ثلاثی مجرد/ مغفرةٌ : مصدر میمی/ صدقة : مصدر ثلاثی مجرد/ أذًی : مصدر ثلاثی مجرد

۷ قرآن بر آزادی عقیده تأکید می‌کند. حرّیّة : مصدر صناعی

۸ بر همه مردم واجب است که با یکدیگر، مسالمت‌آمیز همزیستی داشته باشند.

تعایشاً : مصدر نوع

۹ در میهمانی یکبار نشستم. قَعدَةً : مصدر مرّة

۱۰ هنگامی که زمین به گونه خاص خود لرزانده شود. زِلزالَ : مصدر نوع

تمرین دوم : جدول زیر را همان طور که در مثال است، پر کن.

الماضي	المصدر	وزن المصدر
كَرَّمَ	تکریم	تفعیل
كَتَبَ	كِتابَة	فِعالَة
اِستَخْرَجَ	اِستِخراج	اِستِفعال
سَمِعَ	سَمْع	فَعل
شَارَكَ	مُشارَكَة	مَفاعَلَة
تَأَثَّرَ	تَأَثُّر	تَفَعُّل
اِنْقَطَعَ	اِنقِطاع	اِنفِعال
أصلَحَ	اِصلاح	اِفعال
عَلَّمَ	تَعليم	تَفعيل
اِنْفَتَحَ	اِنفِتاح	اِنفِعال

الماضي	المصدر	وزن المصدر
إنتَبَهَ	اِنتِباه	اِفتِعال
إستشهَدَ	اِستِشهاد	اِستِفعال
قَاتلَ	مُقاتَلَة / قِتال	مُفاعَلَة / فِعال
جَلَسَ	جُلُوس	فُعُول
قَعَدَ	قُعُود	فُعُول
تَخَاصَمَ	تَخاصُم	تَفاعُل
تَعَلَّمَ	تَعَلُّم	تَفَعُّل
إستَثمَرَ	اِستِثمار	اِستِفعال

تمرین سوم : افعال و مصادر زیر را ترجمه کن.

ماضی	مضارع	امر و نهی	مصدر
أنقَذَ : نجات داد	يُنقِذُ : نجات می‌دهد	أنقِذْ : نجات بده	اِنقاذ : نجات دادن
اِبتَعَدَ : دور شد	لا يبتَعِدُ : دور نمی‌شود	لا تَبتَعِدْ : دور نشو	اِبتِعاد : دور شدن
اِنسَحَبَ : عقب‌شینی کرد	سَيَنسَحِبُ : به زودی عقب‌نشینی خواهد کرد	لا تَنسَحِبْ : عقب‌نشینی نکن	اِنسِحاب : عقب‌نشینی کردن
اِستَخدَمَ : به کار گرفت	يَستَخدِمُ : به‌کار می‌گیرد	اِستَخدِمْ : به‌کار بگیر	اِستِخدام : به کار گرفتن
جالَسَ : همنشینی کرد	يُجالِسُ : همنشینی می‌کند	جالِسْ : هم نشینی کن	مُجالَسَة : هم نشینی کردن
تَذَكَّرَ : به یاد آورد	يَتَذَكَّرُ : به یاد می‌آورَد	لا تَتَذَكَّر : به یاد نیاور	تَذَكُّر : به یاد آوردن
تَعايَشَ : همزیستی کرد	يَتَعايَشُ : همزیستی می‌کند	تَعايَشْ : هم زیستی کن	تَعايُش : همزیستی کردن
قد حَرَّمَ : حرام کرده است	يُحَرِّمُ : حرام می‌کند	لا تُحَرِّمْ : حرام نکن	تَحريم : حرام کردن
وَسوَسَ : وسوسه کرد	يُوَسوِسُ : وسوسه می‌کند	وَسوِسْ : وسوسه کن	وَسوَسَة : وسوسه کردن

تمرین چهارم : جملات زیر را ترجمه و سپس اعراب کن و نوع خبر را مشخص کن.

۱ مؤمن، روشش میانه روی و سنّتش خِرَد است.

المؤمن : مبتدا و مرفوع سیرتُه القصدُ : خبر از نوع جمله اسمیه سیرةُ : مبتدا و مرفوع ـه : مضافالیه القصدُ : خبر مفرد و مرفوع سنّة : مبتدا و مرفوع ـه : مضافالیه الرّشدُ : خبر مفرد و مرفوع

۲ شریف‌ترین دانش، چیزی است که در اعضا و ارکان ظاهر شود.

أشرفُ : مبتدا و مرفوع العلمِ : مضاف الیه و مجرور ما : خبر مفرد ظهر فی الجوارح و الأرکان : جمله صله ظهر : فعل و فاعلش هو مستتر فی‌الجوارح : جار و مجرور

الأرکان : معطوف (هنوز دانش‌آموزان نخوانده‌اند)

۳ بهترین ستایش، ستایشی است که بر زبان نیکان جاری شود.

خیرُ : مبتدا و مرفوع الثّناء : مضاف الیه و مجرور ما : خبر مفرد جری علی السنّة الأبرار : جمله صله جری : فعل و فاعلش هو مستتر علی السنّة : جار و مجرور

الأبرارِ : مضاف‌الیه و مجرور

۴ ناسپاسی نیکی موجب محرومیت می‌شود.

کفرانُ : مبتدا و مرفوع الإحسانِ : مضاف الیه و مجرور

یوجب الحرمان : خبر از نوع جمله فعلیه

یوجِبُ : فعل و فاعلش هو مستتر الحرمانَ : مفعول‌به و منصوب

۵ عادت بر هر انسانی سلطه دارد.

للعادة : خبر (مقدم) از نوع شبه جمله علی کلِّ : جار و مجرور انسانٍ : مضاف‌الیه و مجرور سلطانٌ : مبتدا (مؤخَّر) و مرفوع

تمرین پنجم : فعل لازم و متعدی و مفعول به را در عبارات زیر مشخص کن.

۱ هرگاه در غیر خود، خلقی ناپسند دیدی، پس نمونه‌های آن را از خودت دور کن.

رأیتَ : فعل متعدی خُلُقاً : مفعول‌به تجَنَّب : فعل متعدی أمثالَ : مفعول‌به

۲ هرکس نعمت‌ها را ناسپاسی کند، گرفتاری‌ها بر او فرو می‌آید.
کفر : فعل متعدی النّعم : مفعول به حلّت : فعل لازم
۳ عادت‌ها را تغییر دهید تا بندگی کردن‌ها بر شما آسان شود.
غیِّروا : فعل متعدی العادات : مفعول‌به تسهُل : فعل لازم
۴ هرکس اندوهش زیاد شود، بدنش بیمار می‌گردد.
کثُرَ و سَقِمَ : فعل لازم
۵ هرکس رازش را فاش کند، در امان نمی‌ماند.
لا یسلم : فعل لازم أذاعَ : فعل متعدی سرَّ : مفعول به

درس دوم

هدف کلی : دانش‌آموز اسم مشتق و انواع آن را بیاموزد.

اهداف جزئی :

۱ دانش‌آموز راه تشخیص مشتق از جامد را بیاموزد.
۲ دانش‌آموز انواع مشتق را یاد بگیرد.
۳ دانش‌آموز تفاوت انواع مشتقات با یکدیگر را بیاموزد.

انتظارات عملکردی

در پایان این درس انتظار می‌رود دانش آموز :

۱ بتواند مشتق را از جامد تشخیص بدهد.
۲ انواع مشتق را یاد گرفته باشد و تشخیص بدهد.
۳ قادر باشد مشتقات را از یکدیگر تمیز دهد.

پیشنهادات آموزشی برای دبیر در ترجمه درس دوم

در متن این درس، چند مصدر ثلاثی مجرد وجود دارد که شایسته است مورد توجه قرار گیرد. (زیادة و نقصان و هدی و خلق : مصدر مجهول ثلاثی مجرد/ فضل و عمًی و شفاء و الکفر و النّفاق، الغیّ، الضّلال، حبّ، حرث : مصدر معلوم ثلاثی مجرد). بعد از تدریس قواعد نیز خوب است به این متن برگردید و از دانش‌آموزان بخواهید مشتقات آن را پیدا کنند. (أمیر : صفت مشبهه، المومنین : اسم فاعل، الناصح : اسم فاعل، الهادی : اسم فاعل، المحدّث : اسم فاعل، أکبر : اسم تفضیل، العباد : جمع عبد صفت مشبهه، شافع : اسم فاعل، مشفَّع : اسم مفعول، قائل : اسم فاعل، مصدَّق : اسم مفعول، منادٍ : اسم فاعل، حارث : اسم فاعل، مبتلًی : اسم مفعول، حرَثَة : جمع حارث و اسم فاعل)

در بخش واژگان نیز دانش‌آموزان را به مفرد و جمع کلمات توجه دهید :

داء جمعش أدواء، حارث جمعش حرَثَة است.

از کلام امیرالمؤمنین در برتری قرآن

بدانید که این قرآن :

همان نصیحت کننده ایست که گمراه نمی‌سازد و هدایتگریست که گمراه نمی‌کند و سخنگویی است که دروغ نمی‌گوید؛ و کسی با قرآن همنشینی نکرد مگر آنکه از نزد او، با یک افزایش یا یک کاستن برخاست؛ افزایش در هدایت شدن یا کاستن از کوری.

و بدانید که بعد از قرآن، بر کسی فقری (تنگدستی) نیست و قبل از قرآن بی نیازی برای کسی نیست؛ پس از بیماری‌هایتان از آن (قرآن) شفا بطلبید و بر محنت‌هایتان از آن (قرآن) یاری بجویید پس بی گمان در آن، شفایی از بزرگ‌ترین درد است و آن (بزرگ‌ترین درد) کفر و نفاق و سرکشی و گمراهی است.

پس به وسیله آن (قرآن) از خداوند درخواست کنید و با دوستن داشتن آن به سوی او (خداوند) توجه نمایید؛ همانا بندگان به سوی خداوند متعال توجه نکردند با (چیزی) مثل آن (هیچ چیزی مثل قرآن مناسب برای روی آوردن به سوی خداوند نیست).

و بدانید که آن (قرآن) شفاعتگری پذیرفته شده[1] و گوینده‌ای تصدیق شده است؛

و (بدانید) که هرکس قرآن در روز قیامت برای او شفاعت نماید، در آن (روز قیامت) شفاعت شده است(شفاعتش پذیرفته شده است) و هرکس قرآن در روز رستاخیز از او شکایت کند، (آن شکایت) به زیان او تأیید می‌گردد.

در روز قیامت ندا دهنده‌ای ندا می‌دهد : آگاه باشید! همانا هر کشاورزی گرفتار در بذر خود و سرانجام کارش است به‌جز بذرافشانان قرآن؛ پس از بذرافشانان آن و پیروانش باشید!

حل تمارین ناظر به متن

سؤالات را براساس متن درس پاسخ دهید :

۱ دو ویژگی از ویژگی‌های قرآن در امر هدایت را ذکرکن!

هو النّاصح الّذی لا یغُشُّ و الهادی الّذی لا یُضلُّ و المحدِّثُ الّذی لا یکذبُ.

۲ ویژگی هم نشینی انسان با قرآن چیست؟

ما جالس القرآنَ أحدٌ إلاّ قام عنه بزیادة فی هدًی و نقصانٍ مِن عمًی.

۱ــ مُشَفَّع به معنای کسی است که شفاعتش پذیرفته شده است.

۳ ندای منادی در روز قیامت چیست؟
ألا إنّ کلّ حارث مبتلًی فی حرثه و عاقبة عمله غیر حرثة القرآن، فکونوا من حرثته و أتباعه!
۴ در نظر امام علیه السلام بزرگ‌ترین درد در انسان چیست؟
أکبرُ الدّاء هو الکفر و النّفاق و الغیّ و الضّلال.

موضوعات درس دوم

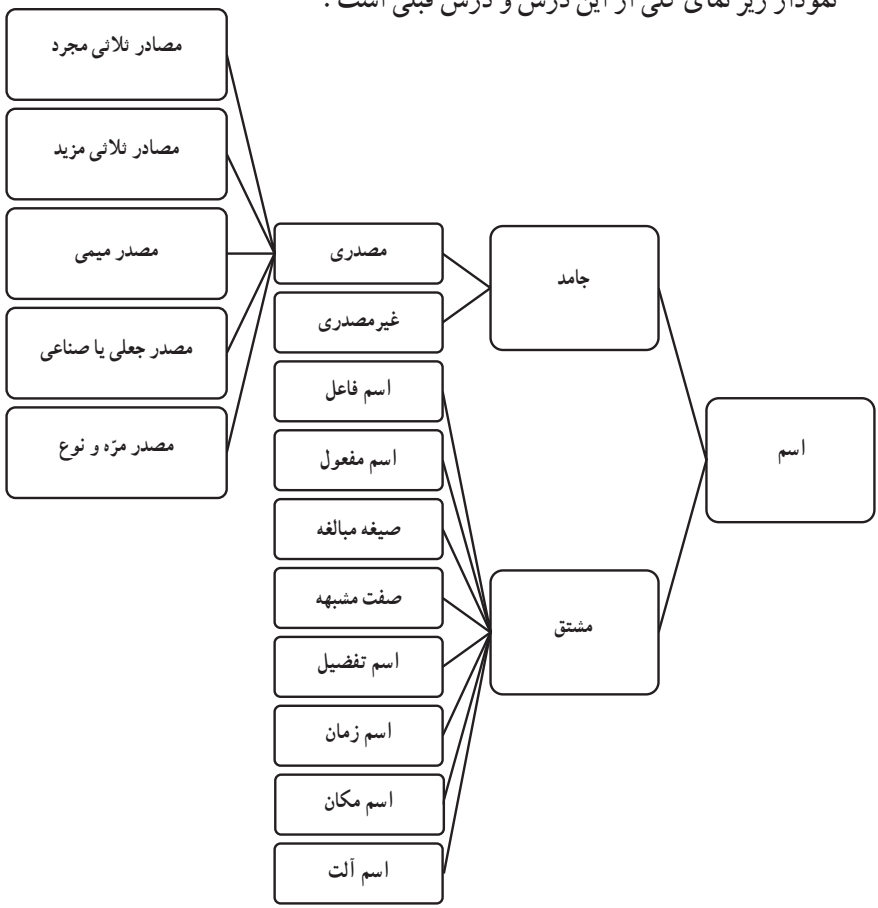
آموزش اسامی مشتق شامل : ۱ اسم فاعل ۲ اسم مفعول ۳ صیغه مبالغه
۴ صفت مشبهه ۵ اسم تفضیل ۶ اسم زمان و اسم مکان ۷ اسم آلت

مقدمه

در درس گذشته یک دسته‌بندی جدید برای اسم ارائه شد و آن، تقسیم اسم به جامد و مشتق است. اسامی جامد معرفی شدند و انواع مصادر مطرح شد؛ اکنون می‌خواهیم اسامی مشتق را آموزش دهیم. یادگیری درست و دقیق اسامی مشتق بسیار مهم است زیرا پیش‌نیاز مهمی در بسیاری از موضوعات نحوی است؛ لذا وقت کافی بگذارید و تمرین زیاد انجام دهید. برای تمرین بیشتر در این موضوع، نیاز به کتاب کار نیست بلکه از دانش‌آموزان بخواهید اسامی جامد و مشتق را در دروس قبلی پیدا کنند. در دروس بعدی نیز می‌توانید گاهی این موضوع را مرور کنید و به عنوان یک تمرین اضافه و فوق برنامه به آن، بازگشت داشته باشید تا به حافظه بلند مدت برود.

مرور مفاهیم اصلی درس

نمودار زیر نمای کلی از این درس و درس قبلی است :



اسم فاعل

اسم فاعل اسمی است که معنای انجام دهنده کار را دارد. اسم فاعل از روی فعل ساخته می‌شود و بسیار مهم است که آن فعل، ثلاثی مجرد باشد یا غیرثلاثی مجرد. اگر فعلی ثلاثی مجرد باشد، اسم فاعلش بر وزن فاعِل ساخته می‌شود؛ به‌طور مثال اسم فاعل از فعل شَکَرَ، شاکِر / صَبَرَ، صابِر/ فَتَحَ، فاتِح و...

چنانچه فعلی ثلاثی مجرد نباشد؛ یعنی ثلاثی مزید یا رباعی باشد، اسم فاعلش از فعل مضارع و بدین ترتیب ساخته می‌شود :

۱ به‌جای حروف مضارعه (أ ـ ی ـ ن) حرف میم مضموم (مُ) می‌گذاریم.

۲ عین الفعل را کسره می‌دهیم.

یُخرِجُ (فعل ثلاثی مزید باب افعال) ← مُخرِج (خارج کننده)

یَتَکاثَرُ(فعل ثلاثی مزید باب تفاعُل) ← مُتکاثِر (فزاینده)

یَتَقَدَّمُ (فعل ثلاثی مزید باب تفعُّل) ← مُتَقَدِّم (پیشرفته)

یُتَرجِمُ (فعل رباعی مجرد) ← مُتَرجِم (ترجمه کننده)

اسم مفعول

اسم مفعول بر شخص یا شیئی که کاری بر او واقع شده است، دلالت می‌کند و تقریباً معادل صفت مفعولی در زبان فارسی است. اسم مفعول نیز از روی فعل ساخته می‌شود و همچنان مهم است که آن فعل، ثلاثی مجرد باشد یا غیر ثلاثی مجرد. اگر فعلی ثلاثی مجرد باشد، اسم مفعولش بر وزن مَفعول ساخته می‌شود؛ به‌طور مثال اسم مفعول از فعل شَکَرَ، مَشکور / قَبِلَ، مَقبول/ فَتَحَ، مَفتوح و...

چنانچه فعلی ثلاثی مجرد نباشد؛ یعنی ثلاثی مزید یا رباعی باشد، اسم مفعولش از فعل مضارع و بدین ترتیب ساخته می‌شود :

۱ به‌جای حروف مضارعه (أ ـ ی ـ ن) حرف میم مضموم (مُ) می‌گذاریم.

۲ عین الفعل را فتحه می‌دهیم.

یُخرِجُ (فعل ثلاثی مزید باب افعال) ← مُخرَج (خارج شده)

یُکَرِّمُ (فعل ثلاثی مزید باب تفعیل) ← مُکَرَّم (تکریم شده)

یَتَعَلَّمُ (فعل ثلاثی مزید باب تفعُّل) ← مُتَعَلَّم (یادگیرنده)

یُتَرجِمُ (فعل رباعی مجرد) ← مُتَرجَم (ترجمه شده)

نکته (۱) : اسم مفعول فقط از افعال متعدی ساخته می‌شود و افعال لازم، اسم مفعول ندارند.

نکته (۲) : وزن اسم مفعول در غیرثلاثی مجرد دقیقاً مشابه وزن مصدر میمی در غیرثلاثی

مجرد است. به عبارتی روش ساخت هردو یکسان است؛ پس در ظاهر یک کلمه ممکن است هم مصدر میمی باشد هم اسم مفعول؛ نظیر «مُستَخرَج». دقت داشته باشید اگر این کلمه به تنهایی داده شده باشد، هردو بر آن قابل اطلاق است اما اگر در جمله باشد حتماً باید به معنای آن توجه کنیم. چنانچه معنای مصدری داشته باشد، مصدر میمی و اگر معنای صفت مفعولی داشته باشد، اسم مفعول است؛ پس کلمه «مُستَخرَج» اگر در جمله به معنای «خارج کردن» باشد مصدر میمی و اگر به معنای «خارج شده» باشد، اسم مفعول است. ذکر این نکته نیز لازم است که اگر چنین کلمه‌ای از یک فعل لازم ساخته شده باشد، حتماً مصدر میمی است؛ چراکه اسم مفعول از فعل لازم ساخته نمی‌شود؛ مثلاً کلمه «مُنحَدَر» به معنای «سرازیر شدن» و مصدر میمی است و نمی‌تواند اسم مفعول باشد؛ زیرا از باب انفعال است که همواره لازم است.

صیغه مبالغه

صیغه مبالغه دلالت بر کثرت و زیادی صفتی در شخص یا شیئی می‌کند و در واقع زیادی یک صفت در اسم فاعل را نشان می‌دهد؛ مثل : «عَلّامة : بسیار دانا» که اسم فاعلش «عالِم» است.

صیغه مبالغه اوزان بسیاری دارد که سماعی هستند اما معروف‌ترین آنها «فَعّال، فَعّالَة، فَعُول» هستند مثل : «غَفّار=بسیار آمرزنده/ عَلّامة= بسیار دانا/ صَبُور= بسیار صبر کننده»

صفت مشبهه

صفت مشبهه اسم مشتقی است که دارای معنای صفتی بوده و از فعل لازم مشتق می‌شود. در ثلاثی مجرد اوزان متعددی دارد که سماعی هستند و در کتاب درسی تعدادی از آنها آموزش داده شده است. اوزان پرکاربرد صفت مشبهه که در کتاب آمده است عبارتند از : فَعَل، فَعیل، فُعال، فَعال،فَعِل، فَعلان. یک وزن قیاسی هم وجود دارد؛ هرگاه صفتی بر رنگ، عیب یا زینت دلالت کند، در مذکر بر وزن أفعَل و در مؤنث بر وزن فَعلاء می‌آید.

نکته : اگر کلمه‌ای بر این اوزان باشد اما معنای صفتی نداشته باشد، صفت مشبهه به شمار نمی‌آید مثل : نَخیل : درخت خرما

اسم تفضیل

اسم تفضیل اسم مشتقی است که برتری یک صفت را در یک شخص یا شیء نسبت به دیگری بیان می کند و معادل صفت تفضیلی و صفت عالی در فارسی است. صفت تفضیلی در فارسی

با افزودن «تر» و صفت عالی با افزودن «ترین» به انتهای یک اسم ساخته می‌شود؛ نظیر «نیکوتر/ نیکوترین» اما در زبان عربی یک ساختار دارد؛ هردو برای مذکر بر وزن «أفعَل» و برای مؤنث بر وزن «فُعلَی» می‌آید؛ مثل «أحسَن/حُسنَی»

نکته (۱) : اگر بخواهیم اسمی را بر وزن أفعَل ببریم که دارای ریشه مضاعف است (یعنی دوتا از حروف اصلی اش یکسان است مثل : ق ل ل)، حروف یکسانش در هم ادغام و مشدّد می‌شود؛ به‌طور مثال : أقلَل = أقَلّ (کمتر)/ أحبَب = أحَبّ (محبوبتر) / أشدَد = أشَدّ (محکمتر)

در این اسامی وزن کلمه همان «أفعَل» است اما به دلیل ادغامی که اتفاق می‌افتد، اندکی تغییر در ظاهرش می‌بینیم و بعضی از دبیران برای اینکه دانش آموز، این اوزان را بهتر پیدا کند، بدین شکل می‌گویند که وزن «أفعَل» گاهی در برخی ریشه‌ها به صورت «أفَلّ» دیده می‌شود.

نکته (۲) : چنانچه اسمی که معتل اللام است (یعنی سومین حرف ریشه اش «واو» یا «یاء» است؛ مثل ب ق ی) بخواهد بر وزن «أفعَل» برود، دستخوش تغییرات اعلالی می‌شود. مراحل اعلال را ببینید :

أبقَی ← أبقی (قلب به الف اتفاق می‌افتد زیرا حرف علّه متحرّک ماقبل مفتوح قلب به الف می‌شود)

در نتیجه ظاهراً وزن این اسامی شبیه به «أفعَی» می‌شود و برخی دبیران برای سهولت در یادگیری و به نوعی رمزگذاری، این وزن را به دانش‌آموزان می‌گویند گرچه وزن اصلی همان «أفعَل» است.

نکته (۳) : کلمات «خَیر» و «شَرّ» که بر وزن «فَعْل» هستند، در چند معنا کاربرد دارند و هرکدام از آنها ذیل یکی از مشتقات یا جامدات قرار می‌گیرند :

۱ خیر به معنای نیک و شرّ به معنای بد؛ در این صورت معنای صفتی داشته و صفت مشبهه به شمار می‌آیند.

۲ خیر به معنای بهتر و نیکوتر/ بهترین و نیکوترین و شرّ به معنای بدتر/بدترین؛ در این صورت معنای صفت تفضیلی و صفت عالی دارد و اسم تفضیل به شمار می‌آید و در اصل «أخیَر» و «أشَرّ» بوده است.

۳ خیر به معنای خوب بودن و شرّ به معنای بد بودن؛ در این صورت جامد و مصدر ثلاثی مجرد است.

اسم زمان و اسم مکان

اسم زمان و مکان دو اسم مشتقی هستند که دلالت بر زمان یا مکان وقوع فعل می‌کنند و اوزان مشترکی دارند. روش ساخت آنها در ثلاثی مجرد بر وزن مَفعَل و مَفعِل و مَفعَلَة است البته وزن مَفعَلَة مختص اسم مکان است. به‌طور مثال از فعل «کَتَبَ» اسم زمان «مَکتَب : زمان نوشتن» و اسم مکان «مَکتَب/مَکتَبَة : محلّ نوشتن» است.

اسم زمان و مکان در غیرثلاثی مجرد بر وزن اسم مفعول ساخته می‌شود؛ یعنی به‌جای حروف مضارعه، «مُ» می‌گذاریم سپس عین الفعل را مفتوح می‌کنیم؛ مثل ساخت اسم زمان و مکان از فعل «یَجتَمِعُ» که به صورت «مُجتَمَع : زمان یا مکان جمع شدن» می‌گردد.

اسم آلت

اسم آلت یا ابزار دلالت بر ابزار انجام فعل می‌کند و در سه وزن «مِفعَل، مِفعَلَة، مِفعال» بسیار پرکاربرد است. این سه وزن در یک بیت شعر آمده است : «اسم آلت که بر آلت دالّ است/ مِفعَل و مِفعَلَة و مِفعال است» نظیر : مِبرَد (سوهان)، مِکنَسَة (جارو)، مِفتاح (کلید)

دانستنی‌های دبیر

۱ اسم فاعل دارای معنای حدوثی است یعنی اگر اسمی بر وزن «فاعِل» باشد اما معنای ثبوت و استمرار داشته باشد، دیگر اسم فاعل نیست بلکه صفت مشبهه است؛ به‌طور مثال کلمه «طاهِر» به معنای «پاک» معنای ثبوت و استمرار دارد لذا صفت مشبهه است اما کلمه «کاتِب» به معنای «نویسنده» معنای حدوثی دارد یعنی شخص، گاهی در حال نوشتن است گاهی نیست، لذا اسم فاعل است. دانش‌آموزان تمامی اسامی که بر وزن فاعل هستند را اسم فاعل می‌دانند و ضرورتی ندارد که دبیر محترم ذهن آنها را درگیر معنای ثبوت کند.

۲ هرگاه از فعل‌های لازم اسم فاعل بسازیم، معنای آنها معادل صفت مفعولی فارسی است. به عبارتی در زبان عربی از فعل‌های لازم اسم مفعول نمی سازند ولی اسم فاعلشان معنای صفت مفعولی در فارسی را دارد مثلاً کلمه «مُنکَسِر» اسم فاعل از فعل «انکَسَر» است که یک فعل لازم است. این کلمه به معنای «شکسته شده» و معادل صفت مفعولی فارسی است.

۳ افعال ثلاثی مجردی که اجوف هستند، اسم فاعلشان تغیراتی دارد؛ یعنی حرف «واو» و

«یاء» بعد از حرف کشیده «الف» واقع شده، قلب به همزه می‌شود مثل : قالَ ← قائِل/ سارَ ← سائِر

۴ اسم فاعل و اسم مفعول در افعال معتلّ ثلاثی مزید نیز گاهی تغییرات اعلالی دارند و گاهی خیر. گستره این موضوع زیاد است لذا پیشنهاد می‌کنم برای اطلاعات بیشتر به کتاب صرف ساده مراجعه نمایید.

۵ صیغه مبالغه فقط از ثلاثی مجرد ساخته می‌شود.

۶ «ة» در وزن «فعّالَة» نشانه تأنیث نیست بلکه «تاء مبالغه» نام دارد لذا این وزن برای مذکر و مؤنث یکسان است مثل : المعلّم العلّامَة/ المعلّمة العلّامَة

۷ دیگر اوزان مهم در صیغه مبالغه عبارتند از : مِفعال (مِفضال : بسیار فاضل)/ فِعّیل (صِدّیق : بسیار راستگو)/ فُعُّول (قُدُّوس : بسیار منزّه)/ مِفعیل (مِسکین : بسیار نیازمند)/ فَعِل (حَذِر : بسیار محتاط)/ فَعیل (عَلیم : بسیار دانا)/ فُعَلَة (هُمَزَة : بسیار عیبجو)/ فَیعُول (قَیُّوم : بسیار پابرجا)

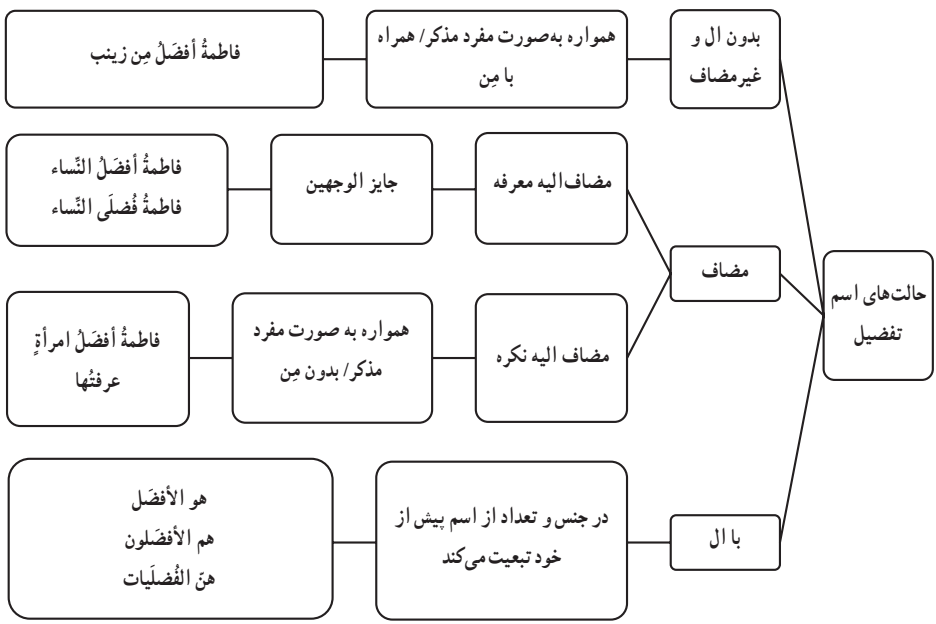
۸ تعریف دقیق صفت مشبهه این است که صفتی است که بر معنایی (ثبوتی :) پایدار و ثابت در موصوف دلالت می‌کند؛ به عبارتی برخلاف اسم فاعل که عمل را در حال یا زمان خاصی نشان می‌دهد، صفت مشبهه حالت یا ویژگی را نشان می‌دهد که در ذات یا طبیعت آن شخص یا شیء ثابت و مستقر است. ثبوت در صفت مشبهه به معنای دوام واقعی و دائمی و همیشگی نیست بلکه به معنای یک جور پایداری نسبی در ذات و سرشت موصوف است که دربرابر وصف‌های موقت و زودگذر است. به‌عبارت دیگر صفت مشبهه صفتی است که به صورت حالت درونی، ویژگی شخصیتی یا صفتی ذاتی از فاعل است نه صرفاً فعلی که در لحظه اتفاق افتاده باشد و این، معنای ثبوت در صفت مشبهه است؛ به‌طور مثال «کاتِب» اسم فاعل در حال حاضر است که یا همین الان در حال نوشتن است یا توانمندی نوشتن را دارد اما صفتی مثل «فَرِح :خوشرو و شادمان» به ظاهر حالتی گذرا را نشان می‌دهد اما در اصطلاح، صفتی نسبی است که جزء ویژگی‌ها و حالات درونی شخص است نه فعلی گذرا؛ به عبارتی به شخصی اطلاق می‌شود که غالباً انسانی شاد و خوش‌رو است نه اینکه در یک لحظه خوشحال شده باشد پس ثبوت به معنای دوام مطلق زمانی نیست بلکه پایداری نسبی یک ویژگی درونی در موصوف است و معمولا از فعل لازم ساخته می‌شود.

۹ ساختاری که برای صفت مشبهه در کتاب بیان شده است، ساختار صفت مشبهه در ثلاثی مجرد است. صفت مشبهه در غیرثلاثی مجرد دقیقاً شبیه به ساختار اسم فاعل در غیرثلاثی مجرد

است؛ یعنی ابتدا به‌جای حروف مضارعه «مُـ» می‌گذاریم سپس به عین الفعل کسره می‌دهیم. در این صورت چگونه می‌توان تشخیص داد که یک کلمه، صفت مشبهه است یا اسم فاعل؟ پیش تر گفتیم چنانچه معنای ثبوتی داشته باشد، صفت مشبهه و در غیر این صورت، اسم فاعل است؛ مثلاً کلمه «مُؤمِن» دارای معنای صفتی و ثبوت نسبی است لذا اصلا اسم فاعل نیست بلکه صفت مشبهه است اما لازم نیست این موضوع برای دانش‌آموزان مطرح شود زیرا تشخیص آن، برایشان بسیار دشوار است و بهتر است در دوران دانشگاه به‌طور تخصصی این موضوعات را بیاموزند.

۱۰ ساختار اسم تفضیل که در کتاب آموزش داده شده است، مربوط به ساخت اسم تفضیل از ثلاثی مجرد است. اما اسم تفضیل در غیر ثلاثی مجرد بدین ترتیب ساخته می‌شود که مصدر منصوب آن فعل را بعد از کلماتی نظیر «أکثر» و«أکبَر» و «أشَدّ» و «أعظَم» قرار می‌دهند؛ مثل وقتی که می‌خواهیم برای فعل «أحسَنَ» از باب افعال، اسم تفضیل بسازیم، بدین شکل می‌شود : «أکثَرُ إحساناً : نیکوکارتر»

۱۱ اما اینکه اسم تفضیل کجا به‌صورت أفعَل (مذکر) و کجا به‌صورت فُعلَی (مؤنث) به‌کار می‌رود، در نمودار زیر ترسیم شده است :



۱۲ اگر بخواهیم از یک فعل معتل ناقص در غیرثلاثی مجرد اسم زمان یا مکان بسازیم، قلب به الف اتفاق می‌افتد؛ مثلا اسم مکان از فعل «یَستَشفِی» به شکل «مُستَشفَی» به معنای «بیمارستان» است.

اشتباهات رایج دانش‌آموزان و راهکار

۱ در صفت مشبهه معنای صفتی بسیار مهم است اما برخی از دانش‌آموزان به این امر توجه نمی‌کنند و فکر می‌کنند هرچه در این اوزان باشد، صفت مشبهه است مثلاً کلمه «طبیب» بر وزن «فَعیل» است اما به معنای «پزشک» است و معنای صفتی ندارد لذا اصلاً صفت مشبهه نیست. برای حل این مشکل، تأکید بر معنای صفتی در تشخیص صفت مشبهه بسیار مهم است.

۲ دانش‌آموزان در تشخیص اینکه کلمات «خیر» و «شرّ» صفت مشبهه هستند یا اسم تفضیل، مشکل دارند. گام اول در حل این مشکل، توجه دادن به معناست. اگر دارای معنای «تر/ترین» باشیم، قطعاً اسم تفضیل است. گام دوم توجه به برخی قرائن است؛ مثلاً هرگاه بعد از آنها کلمه «مِن» بیاید، قطعا در حال مقایسه و در نتیجه تفضیلی است؛ «خیرٌ مِن... : بهتر از...» و «شرٌّ مِن... : بدتر از...» دارای معنای تفضیلی است.

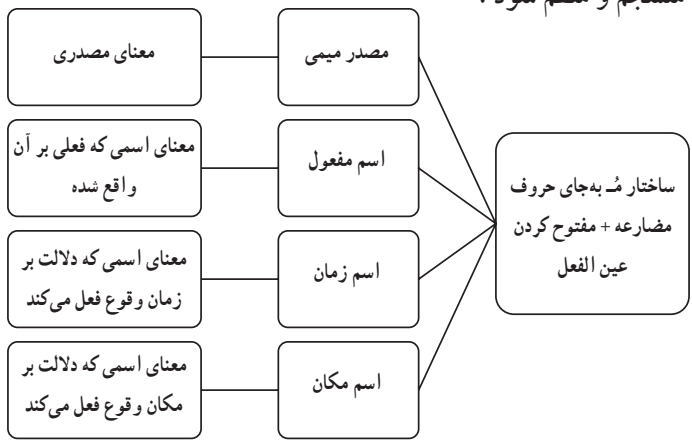
۳ وزن «أفعَل» میان صفت مشبهه و اسم تفضیل اشتراک دارد و این امر باعث می‌شود دانش‌آموزان گاهی به خطا بیفتند. پیشنهاد می‌شود بر این نکته تأکید کنید که هرگاه این وزن بر رنگ، عیب و زینت دلالت کند، قطعا صفت مشبهه است مثل : أحمَر(قرمز)، أعوَج (کج) و أزهَر (درخشان)

۴ یکی از مواضعی که برای دانش‌آموزان بسیار ایجاد اشکال و خطا می‌کند، تشابه اسم بر وزن «أفعَل» در صفت مشبهه و اسم تفضیل با فعل ماضی باب افعال یعنی «أفعَلَ» است. لازم است ابتداءاً دانش‌آموزان به معنای فعلی و اسمی در این کلمات توجه کنند. چنانچه متوجه نشدند باید به نکات دیگر توجه کرد؛ مثلا اگر آن کلمه به حرکت ضمه (أفعَلُ) ختم شود یا اسم است یا فعل مضارع صیغه متکلم وحده. در اینجا نگاه کنید که دارای قرائنی دال بر صیغه متکلم وحده داریم یا خیر و اینکه آیا درحال مقایسه میان دو چیز است یا خیر. اما اگر به کسره ختم شده باشد (الأفعَلِ) بی تردید اسم است نه فعل. اما اگر مختوم به فتحه باشد (أفعَلَ) یا فعل ماضی باب افعال است یا اسم. در اینجا نیز باید به قرائن در جمله توجه کنیم و معنا و مقایسه میان دو چیز را مد نظر قرار دهیم. بهترین راهکار

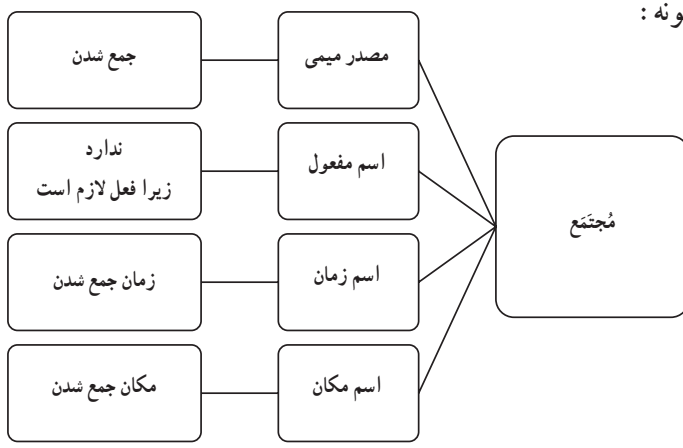
در این موضوع نشان دادن نمونه‌های بیشتر و حل تمرین است.

۵ همان‌طور که دیدید اوزان اسم زمان و مکان با مصدر میمی مشترک است؛ از این‌رو می‌تواند دانش‌آموز را درگیر کند. حتماً هنگام تدریس این موضوع به دانش‌آموزان یادآوری کنیم که چنانچه معنای مصدری داشته باشیم با مصدر میمی مواجهیم لذا اسم جامد داریم و اگر معنای زمانی و مکانی داشته باشیم، اسم زمان و مکان و مشتق داریم.

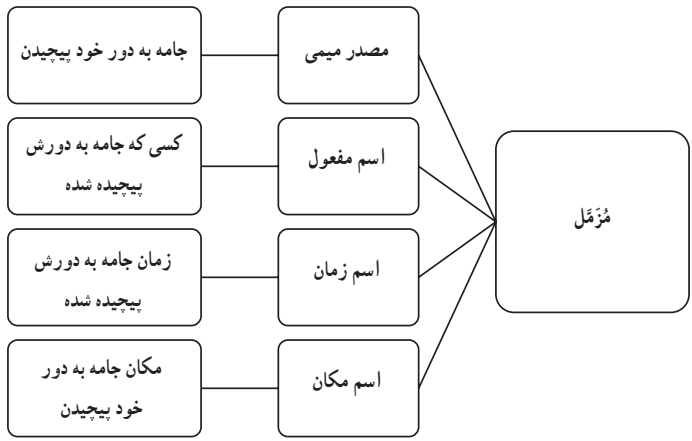
۶ همان‌طور که تاکنون آموزش دادیم وزن اسم مفعول در غیرثلاثی مجرد مشترک است با مصدر میمی در غیرثلاثی مجرد و اسم زمان و مکان در غیرثلاثی مجرد. این تشابه نیز دانش‌آموزان را دچار سردرگمی می‌کند لذا در پایان تدریس این موضوع لازم است نموداری ترسیم گردد تا ذهن دانش‌آموزان منسجم و منظم شود :



یک نمونه :



نمونه‌ای دیگر :



۷ دانش‌آموزان پیشتر با ظرف آشنا شده‌اند و آن را اسمی می‌دانند که دلالت بر زمان یا مکان وقوع فعل می‌کند. تفاوت ظرف با اسم زمان و مکان چیست؟

اولاً ظرف بودن یک نقش نحوی است و اسم زمان و مکان یک رویکرد صرفی است.

ثانیاً به یاد داشته باشید که میان این دو یک رابطه عموم و خصوص من وجه است یعنی :

الف) برخی از ظروف، اسم زمان یا مکان هستند مثل : جلستُ مَجلِسَ أبی

ب) برخی از ظروف، اسم زمان یا مکان نیستند مثل : رأیتُه خارِجَ البیت

ج) برخی از اسم زمان و مکان‌ها ظرف هستند مثل : جلستُ مَجلِسَ أبی

د) برخی از اسم زمان و مکان‌ها ظرف نیستند. مثل : صلّیتُ فی المَسجِد

آنچه در اینجا مهم است این است که ظرف دربردارند معنای «فی : در» است و این کلمه «فی» در ظاهر نمی‌آید. چنانچه اسم زمان و مکان معنای «فی» را داشت ولی در ظاهرش «فی» نبود و به‌صورت منصوب هم آمده بود، قطعاً ظرف است و در غیر این صورت نقش دیگری دارد؛ پس لزوماً اسم زمان و مکان، ظرف نیستند.

۸ وزن «مِفعَل و مِفعَلَة» در اسم آلت با وزن «مَفعَل و مَفعَلَة» فقط در حرکت میم تفاوت دارد. گاهی دانش‌آموزان توجه لازم را نمی کنند و اینها را با یکدیگر اشتباه می‌گیرند لذا لازم است بر این حرکات تأکید بیشتری شود.

۹ یکی دیگر از مشکلات دانش‌آموزان تشخیص جامد و مشتق بودن اسامی جمع مکسر است. بسیار مهم است که بر این نکته تأکید کنیم که در اسامی جمع مکسر باید به مفردشان رجوع کنیم تا دریابیم که جامد یا مشتقند؛ به‌طور مثال کلمه «عُلَماء» جمع «عالِم» است پس مشتق و اسم فاعل است اما کلمه «رِجال» جمع «رَجُل» است پس جامد غیرمصدری است.

تمارین

تمرین اول : جامد و مشتق و نوعش را مشخص کن و جملات زیر را اعراب نما.

۱ الغَفلَة : جامد مصدر ثلاثی مجرد/ الحُسّاد : مشتق صیغه مبالغه (مفردش الحَسود است)/ سلامة : جامد مصدر ثلاثی مجرد / الأجساد : جامد غیرمصدری (مفردش الجَسَد است)

عجبتُ : فعل و فاعلش ضمیر بارز تُ / لغفلة : جار و مجرور به کسره/ الحُسّاد : مضاف الیه و مجرور/ عن سلامة : جار و مجرور به کسره/ الأجساد : مضاف الیه و مجرور

۲ الحقود : مشتق صیغه مبالغه/ معذِّب : مشتق اسم فاعل/ النّفس : جامد غیرمصدری/ مُتضاعِف : مشتق اسم فاعل/ الهَمّ : جامد مصدر ثلاثی مجرد

الحقود : مبتدا و مرفوع/ معذِّب : خبر اول از نوع مفرد و مرفوع به ضمه/ النفس : مضاف الیه و مجرور/ متضاعف : خبر دوم از نوع مفرد و مرفوع به ضمه/ الهمّ : مضاف الیه و مجرور

۳ أحَبّ : مشتق اسم تفضیل/ العباد : مشتق صفت مشبهه (مفردش العبد است)/ الله : جامد غیرمصدری/ أطوَع : مشتق اسم تفضیل/ ضمایر «هم» و «ـه» مبنی هستند اما جامد و مشتق مبحثی مرتبط با اسامی معرب است.

أحَبّ : مبتدا و مرفوع/ العباد : مضاف الیه و مجرور/ إلی اللهِ : جار و مجرور به کسره/ أطوع : خبر مفرد و مرفوع به ضمه/ ـهم : مضاف الیه و مجرور/ له : جار و مجرور به کسره

۴ أقبح : مشتق اسم تفضیل/ المعاصی : جامد مصدری مصدر میمی (مفردش مَعصِیَة است)/ قطیعة : جامد مصدر ثلاثی مجرد/ الرّحم : جامد مصدر ثلاثی مجرد

أقبح : مبتدا و مرفوع/ المعاصی : مضاف الیه و مجرور/ قطیعة : خبر مفرد و مرفوع به ضمه/ الرّحم : مضاف الیه و مجرور

۵ لسان : جامد غیرمصدری/ العاقل : مشتق اسم فاعل/ وراء : جامد غیرمصدری/ قلب :

جامد غیرمصدری/ الأحمق : مشتق صفت مشبهه (دلالت بر عیب می‌کند لذا صفت مشبهه است)
لسان : مبتدا و مرفوع به ضمه/ العاقل : مضاف الیه و مجرور/ وراء : خبر از نوع شبه جمله (ظرف)/ قلب : مضاف الیه و مجرور/ ـه : مضاف الیه و مجرور/ قلب : مبتدا و مرفوع به ضمه/ الأحمق : مضاف الیه و مجرور/ وراء : خبر از نوع شبه جمله (ظرف)/ لسان : مضاف الیه و مجرور/ ـه : مضاف الیه و مجرور

تمرین دوم : جاهای خالی را کامل کن سپس اسم فاعل و اسم مفعول را مشخص کن.

کلمه		ترجمه	اسم فاعل	اسم مفعول
یُعَلِّمُ : یاد می‌دهد	مُعَلَّم	یاد گیرنده		□
یَعلَمُ : می‌داند	عالِم	دانشمند	□	
یُفتَکِرُ : می‌اندیشد	مُفتَکِر	اندیشمند	□	
یُجَهِّزُ : آماده می‌کند	مُجَهَّز	تجهیز شده		□
یَضرِبُ : می‌زند	مَضرُوب	کتک خورده		□
یَتَعَلَّمُ : یاد می‌گیرد	مُتَعَلِّم	یاد گرفته	□	

تمرین سوم : ترکیب‌های زیر را ترجمه کن.

أمّارةٌ (صیغه مبالغه) بالسّوء (جامد مصدری) : بسیار امر کننده به بدی
سائقُ (اسم فاعل) السَّیّارَة (اسم آلت) : راننده ماشین
حمّالة (صیغه مبالغه) الحطب (جامد غیرمصدری) : بسیار حمل‌کننده هیزم
لکلّ (جامد غیرمصدری) صبّار (صیغه مبالغه) : برای هر بسیار صبر کننده‌ای
یا ستّار (صیغه مبالغه) العیوب (صفت مشبهه) : ای بسیار پوشاننده عیب‌ها
رَسّامُ (اگر وزن فَعّال بر شغل یا آلت دلالت کند، دیگر صیغه مبالغه نیست و صفت مشبهه به شمار می‌آید اما دانش‌آموزان در این باره آموخته ای ندارند) الصُّوَر (جامد غیرمصدری) : نقّاش
الرّجل (جامد غیرمصدری) الصّبور (صیغه مبالغه) : مرد بسیار صبرکننده
الطّفل (جامد غیرمصدری) الخَجول (صیغه مبالغه) : کودک بسیار خجالتی

علّام (صیغه مبالغه) الغیوب (صفت مشبهه) : بسیار آگاه به نهان‌ها

إنّ‌الله (جامد غیرمصدری) هو(موضوع جامد و مشتق مربوط به اسامی معرب است) الرّزّاق (صیغه مبالغه) : بی گمان خداوند همان بسیار روزی‌دهنده است

هو کَذّاب (صیغه مبالغه) : او بسیار دروغگوست

یا غفّار(صیغه مبالغه) الذّنوب (جامد غیرمصدری) : ای بسیار آمرزنده گناهان

الطَّیّارُ (اگر وزن فَعّال بر شغل یا آلت دلالت کند، دیگر صیغه مبالغه نیست و صفت مشبهه به شمار می‌آید اما دانش‌آموزان در این باره آموخته‌ای ندارند) الإیرانیّ(جامد غیرمصدری) : خلبان ایرانی

هو (موضوع جامد و مشتق مربوط به اسامی معرب است) التّوّاب(صیغه مبالغه) : او بسیار آمرزنده است

الولد(جامد غیرمصدری) العَجول (صیغه مبالغه) : پسر بسیار عجول

البائع (اسم فاعل) الصّدوق (صیغه مبالغه) : فروشنده بسیار راستگو

تمرین چهارم : صفت مشبهه‌ها را مشخص کن و وزن آنها و ترجمه‌شان به فارسی را بنویس.

صفت مشبهه	وزن	ترجمه
ثقیل	فَعیل	سنگین
أصفَر	أفعَل	زرد
صَعْب	فَعْل	سخت
نَضِر	فَعِل	تر و تازه
قریب	فَعیل	نزدیک
خَضراء	فَعلاء	سبز

ثلج : برف ــ جامد غیرمصدری /تمر : خرما ــ جامد غیرمصدری / جزر : هویج ــ جامد غیرمصدری/ عقرب : عقرب ــ جامد غیرمصدری/ عنب : انگور ــ جامد غیرمصدری/ بستان : بوستان ــ جامد غیرمصدری/ ثعلب : روباه ــ جامد غیرمصدری/ حریق : آتش‌سوزی ــ جامد

مصدری/ عِبَر : عبرت‌ها ــ جامد غیرمصدری/ قمیص : پیراهن ــ جامد غیرمصدری/ سمع : شنیدن ــ جامد مصدری/ زمان : وقت ــ جامد غیرمصدری/ أسنان : دندان‌ها ــ جامد غیرمصدری/ نِسیان : فراموشی ــ جامد مصدری/ مهرجان : جشنواره ــ جامد غیرمصدری/ سمک : ماهی ــ جامد غیرمصدری/ صِغَر : کودکی ــ جامد مصدری/ حرباء : آفتاب پرست ــ جامد غیرمصدری/ ذَنَب : دُم ــ جامد غیرمصدری/ وَزیر : وزیر ــ جامد غیرمصدری/ خَوف : ترس ــ جامد مصدری/ خَریف : پاییز ــ جامد غیرمصدری

تمرین پنجم : احادیث نبوی را ترجمه کن سپس زیر اسم فاعل و صفت مشبهه را (هرگاه دیدی) خط بکش.

۱ هرکس بگوید من دانا هستم پس او نادان است.

عالم و جاهل : اسم فاعل

۲ سرور قوم خادم آنها در سفر است.

سیِّد : صفت مشبهه است اما دانش‌آموزان وزن آن را نخوانده اند/ خادم : اسم فاعل

۳ همنشین صالح بهتر از تنهایی است و تنهایی بهتر از همنشین بد!

الجلیس و الخیر : صفت مشبهه/ الصالح : اسم فاعل

۴ پنهان‌کننده دانش، همه چیز حتی نهنگ در دریا و پرنده در آسمان او را لعنت می‌کنند.

کاتم : اسم فاعل

۵ علم، گنجینه‌هایی است و کلیدهایش پرسش است پس بپرسید تا خداوند شما را رحمت کند، همانا به چهار نفر پاداش داده می‌شود : پرسشگر، گوینده، شنونده و دوستدار آنها

السائل و المتکلم و المستمع و المحبّ : اسم فاعل

درس سوم

هدف کلی : دانش‌آموز اعراب فرعی در اسامی مثنی، جمع مذکر سالم و اسماء خمسه را بیاموزد.

اهداف جزئی :

۱ دانش‌آموز معنا و مفهوم اعراب ظاهری در اسم را یاد بگیرد.
۲ دانش‌آموز با معنا و مفهوم اعراب اصلی و فرعی در اسامی آشنا شود.
۳ دانش‌آموز اعراب فرعی در اسامی مثنی را یاد بگیرد.
۴ دانش‌آموز اعراب فرعی در اسامی جمع مذکر سالم را بیاموزد.
۵ دانش‌آموز با اسماء خمسه آشنا شود.
۶ دانش‌آموز با اعراب فرعی در اسماء خمسه آشنا شود.

انتظارات عملکردی :

در پایان این درس انتظار می‌رود دانش‌آموز :

۱ معنای اعراب ظاهری در اسم را درک کرده باشد.
۲ مفهوم اعراب اصلی و فرعی در اسامی را فهمیده باشد.
۳ اعراب فرعی در اسامی مثنی را تشخیص دهد.
۴ در اسامی جمع مذکر سالم اعراب فرعی را بیابد.
۵ اسماء خمسه را حفظ شده و آموخته باشد.
۶ اعراب فرعی در اسماء خمسه را یاد گرفته باشد.

پیشنهادات آموزشی برای دبیر در ترجمه درس سوم

در متن این درس هم اسم مثنی داریم هم اسامی خمسه. پیشنهاد می‌شود هنگام ترجمه، از دانش‌آموزان بخواهید این کلمات را رنگی کنند تا در زمان تدریس بتوانید به عنوان نمونه‌هایی در متن از آنها استفاده کنید.

در بخش واژگان نیز دانش‌آموزان را به مفرد و جمع کلمات توجه دهید :

بطل جمعش أبطال، میزان جمعش موازین است. برخی اصطلاحات هم مطرح شده است که باید یاد گرفته شود :

أطرقت رأسها : سرش را پایین انداخت/ أفوا الکیل : پیمانه را کامل دهید/ من تقصدین؟ : منظورت کیست؟ / حملک : تو را واداشت/ ما أنت و غیرک؟ : تو را با دیگران چه کار؟/ ویلٌ لنا : وای بر ما

در واژگان، مترادف جور نیز بیان شده است : جور = ظلم. به کلمه «رغب عن» نیز توجه دهید. این عبارت به معنای «از آن روی گردان شد» است. فعل «رغب» هرگاه با «عن» همراه شود به معنای «رویگردانی و تنفر» است ولی اگر با «فی» همراه شود، به معنای «علاقمندی» خواهد بود.

شجاعت در حق

سوده دختر عماره از زنان مؤمن مخلص در علاقه به امیرالمؤمنین علیه‌السلام بود و در صفّین حاضر شده بود و قهرمانان را به جنگ با معاویه تشویق کرده بود (حرف «واو» در اینجا ــ و قد حضرت ــ باعث شده است که تأثیر فعل «کانت» به فعل «حضرت» و «هیّجت» هم سرایت کند پس ساختار «کانت قد حضرت» و «کانت قد هیّجت» و به عبارتی ماضی بعید داریم). بعد از شهید شدن امام علی علیه‌السلام به سوی معاویه رفت برای اینکه از ستمی که بر او جاری شده است، شکایت کند. پس معاویه گفت :«آیا تو همان گوینده در روز صفین نیستی :

علی و حسین و گروهش را یاری کن — و برای هند و پسرش خواری را بخواه

همانا امام، برادر پیامبر، محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله — پرچم هدایت و گل‌دسته ایمان است

(سوده) گفت : «بله، از کسانی نیستم که از حق رویگردانند یا به دروغ عذرخواهی کردند.»

(معاویه) گفت : «چه چیز تو را بر آن واداشت؟»

(سوده) گفت : «عشق علی (ع) و پیروی از حق!»

(معاویه) گفت : «نیازت را بگو به من!»

(سوده) گفت : «استاندار تو بسر بن أرطاة از طرف تو به ما روی آورد پس مردان ما را کشت و اموالمان را گرفت و از ما می‌خواهد که علی علیه‌السلام را دشنام دهیم. اگر او را برکنار کنی، از تو سپاسگزاری می‌کنیم (فعل شرط و جواب شرط هرچند ماضی باشند، می‌توانیم مضارع ترجمه کنیم) وگرنه از تو به خداوند شکایت می‌کنیم.

(معاویه) گفت : «آیا مرا تهدید می‌کنی؟»

پس سرش را پایین انداخت سپس سرود :

«معبود درود فرستاد بر جسمی که او را دربرگرفت قبری، پس عدل در آن (قبر) مدفون شد

با حق همپیمان شد درحالی‌که به‌جای آن جایگزینی نمی‌جست پس با حق و ایمان همنشین شد»

(معاویه) گفت : «منظورت کیست؟»

(سوده) گفت : «علی بن ابی طالب علیه‌السلام!»

(معاویه) گفت : «چه کرد تا نزد تو این چنین شد؟»

(سوده) گفت : «روزی رفتم برای اینکه به او (علی علیه‌السلام) شکایت کنم از یکی از کارگزارانش. او را ایستاده یافتم درحالی که نماز می‌خواند. بعد از اینکه از نمازش فارغ شد، با مهربانی گفت : «نیازی داری؟» پس او را از شکایتم باخبر کردم پس به شدّت به درد آمد و گریست سپس دستانش را به سوی آسمان بالا برد پس گفت :«خدایا! بی‌گمان تو بر من و آنها شاهدی که من آنها را نه به ظلم کردن بر خَلقت و نه به ترک کردن حقّت امر نکردم.»

سپس نوشت :«پس پیمانه و ترازو را کامل دهید و اموال مردم را کم ندهید و در زمین تباهی نکنید...»

هنگامی که این کتابم (نامه‌ام) به تو رسید پس آنچه در دستت است را حفظ کن تا اینکه کسی بیاید که آن را از تو بگیرد. والسّلام!

پس معاویه گفت : «برای او بنویسید به انصاف و عدل (با او رفتار کنند!)»

(سوده) گفت : «آیا به‌طور خاص برای من یا برای قومم به‌طور عامّ؟»

(معاویه) گفت :«تو را با دیگران چه کار؟!»

(سوده) گفت : « چیزی را برای خودم نمی‌خواهم، اگر عدلی همه‌گیر است می‌پذیرم وگرنه خیر!»

(معاویه) گفت :«وای بر ما! بی‌گمان پسر ابوطالب، جرأت را به شما چشانده است! برای او و قومش بنویسید!»

حل تمارین ناظر به متن

سؤالات زیر را بر حسب متن درس پاسخ بده!

۱ در کدام جنگ سوده حاضر شد؟

حضرت سودة فی صفّین.

۲ سوده در روز صفین چه کرد؟

سودة هیّجت الأبطال علی قتال معاویة بالأشعار الجمیلة.

۳ آیا سوده عدل و انصاف را برای خودش می‌خواست؟

لا، أرادت سودةُ عدلاً شاملاً لقومها!

۴ در روز صفین چه چیزی سوده را به سرودن شعر درباره علی علیه‌السلام واداشت؟

حبُّ علیّ بن أبی طالب و اتّباع الحقّ حمل سودةَ علی ذلک.

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام چطور شد وقتی که سوده او را از شکایتش باخبر کرد؟

تألّم علیّ علیه‌السلام بشدّة و بکی و أخذ اللهَ شاهداً لنفسه و کتب رسالةً لعامله.

موضوعات درس سوم

۱ علائم اعراب ۲ اعراب اصلی ۳ اعراب فرعی

مقدمه

در پایه دهم آموزش دادیم که در درس عربی می‌خواهیم یک کلمه را هم به لحاظ صرفی بررسی کنیم هم به لحاظ نحوی. در دو درس ابتدای این کتاب، با رویکرد صرفی به موضوعات جامد و مشتق درباره اسم پرداختیم. اکنون می‌خواهیم یک اسم را در جمله مورد بررسی قرار دهیم. در پایه دهم گفتیم علم نحو درباره یک کلمه به سه پرسش جواب می‌دهد :

۱ یک کلمه در جمله چه نقشی گرفته است؟

۲ به واسطه آن نقش چه اعرابی می‌گیرد؟

۳ آن اعراب را چطور نشان می‌دهد؟

در پایه دهم با برخی نقش‌های کلمه آشنا شدیم؛ نظیر : مبتدا، خبر، فاعل، مفعول به، ظرف، جار و مجرور

با صفت و مضاف الیه نیز در دوره اول متوسطه آشنا شده بودیم.

اکنون در این درس می‌خواهیم به سؤال دوم بپردازیم که این نقش‌ها چه اعرابی دارند و آن را چطور نشان می‌دهند؟ در واقع به دو سؤال بعدی علم نحو پاسخ می‌دهیم.

مرور مفاهیم اصلی درس

یادآوری

در پایه دهم بحث معرب و مبنی را آموزش دادیم و گفتیم هرکلمه یا معرب است یا مبنی. معرب یعنی کلمه‌ای که می‌تواند با تغییر نقش، اعراب‌های متفاوت را به انحاء مختلف نشان دهد و در مقابل، مبنی کلمه‌ای است که با تغییر نقش، نمی‌تواند اعراب آن نقش را نشان دهد و در ظاهر، حرکت انتهای آن کلمه، ثابت است.

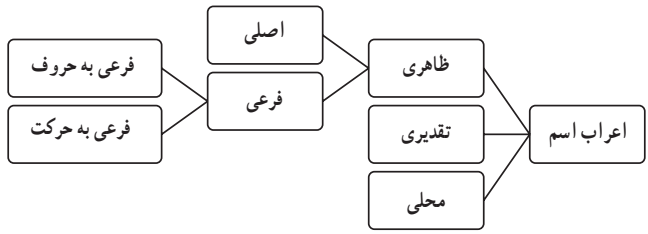
اجمالاً گفته شد که یک اسم می‌تواند اعراب‌های «رفع، نصب، جرّ» و یک فعل می‌تواند اعراب‌های «رفع، نصب، جزم» را بگیرد.

علامت‌های اعراب

هر یک از اعراب‌های «رفع، نصب، جرّ، جزم» در کلمات مختلف به شکل‌های مختلف بروز پیدا می‌کند. در این درس و درس‌های چهار و پنج علائم اعراب در اسم را بررسی می‌کنیم و در دروس شش، هفت و هشت نشانه‌های اعراب فعل را بیان می‌کنیم.

انواع علامت‌های اعراب

علائم اعراب در اسم به‌طور کلی در سه دسته قرار می‌گیرند :



اعراب ظاهری یعنی در ظاهر کلمه علامتی می‌بینیم که نشان اعراب آن کلمه است. اعراب ظاهری خود بر دو قسم اعراب اصلی و فرعی است. اعراب اصلی در اسم بدین ترتیب است :

اعراب اصلی رفع در اسم یعنی اینکه انتهای آن اسم حرکت «ُ» یا «ٌ» داشته باشد؛ مثل : المسلمُ (چنین اسمی مرفوع به ضمّه است)/ مسلمٌ (چنین اسمی مرفوع به تنوین رفع است)

اعراب اصلی نصب در اسم یعنی اینکه انتهای آن اسم حرکت «َ» یا «ً» داشته باشد؛ مثل : المسلمَ (چنین اسمی منصوب به فتحه است)/ مسلمًا(چنین اسمی منصوب به تنوین نصب است)

اعراب اصلی جرّ در اسم یعنی اینکه انتهای آن اسم حرکت «ِ» یا «ٍ» داشته باشد؛ مثل : المسلمِ (چنین اسمی مجرور به کسره است)/ مسلمٍ(چنین اسمی مجرور به تنوین جرّ است)

پس هرگاه اسمی در حالت رفعی حرکت «ُ» یا «ٌ» بگیرد یا در حالت نصبی حرکت «َ» یا «ً» بگیرد و یا در حالت جرّی حرکت «ِ» یا «ٍ» بگیرد، اعراب ظاهری اصلی گرفته است.

اعراب فرعی یعنی اینکه یک اسم نمی‌تواند اعراب‌های اصلی را نشان دهد اما به جای آنها نشانه‌های دیگری دارد که در ظاهر کلمه بروز پیدا می‌کند. پنج دسته از اسامی هستند که اعراب فرعی (یا نیابی) می‌گیرند :

۱ اسامی جمع مذکر سالم
۲ اسامی مثنی
۳ اسامی خمسه با شرایطی خاص
۴ اسامی جمع مؤنث سالم فقط در حالت نصبی
۵ اسامی غیرمنصرف در حالت جرّی و شرایط خاص
۶ در این درس با سه مورد اول آشنا می‌شویم :

جمع مذکر سالم : در دوره اول متوسطه آموزش دادیم که اکثر اسامی مذکر با الحاق «ونَ» یا «ینَ» به آنها جمع بسته می‌شوند؛ مثل : مسلم + ونَ= مسلمونَ / مسلم + ینَ= مسلمینَ. اما توضیحی داده نشد که در چه جایگاهی «ونَ» می‌گیرد و در چه جایگاهی «ینَ». اکنون زمان مناسب برای توضیح این موضوع است. هرگاه این اسم در جایگاه‌های مرفوعی نظیر مبتدا، خبر، فاعل یا نایب فاعل قرار بگیرد، با «ونَ» جمع بسته می‌شود و در واقع حرف «واو» علامتی است که جایگزین ضمه شده است؛ به‌طور مثال : «جاء المعلّمونَ» که کلمه «المعلّمونَ» فاعل و مرفوع به واو فرعی است.

اما هرگاه در جایگاه‌ها و نقش‌هایی قرار بگیرد که منصوب یا مجرور شود، با «ینَ» جمع بسته می‌شود و حرف «ی» علامت اعراب نصب و جرّ در این اسامی است. جایگاه‌های منصوبی مثل : مفعول به و نقش‌های دیگری که در آینده تدریس خواهد شد. جایگاه‌های مجروری مثل : مضاف الیه و مجرور به حرف جرّ.

به این دو نمونه نگاه کنید :

رأیتُ المعلّمینَ : کلمه «المعلّمینَ» مفعول به و منصوب به یاء فرعی است.

سلّمتُ علی‌المعلّمینَ : کلمه «المعلّمینَ» مجرور به حرف جرّ است و جرّش اصلی نیست بلکه فرعی به یاء است.

نکته : اسامی جمع مذکر سالم هرگاه مضاف واقع شوند، حرف «نون» که در انتهای آنهاست، حذف می‌شود مثل : معلّمون+المدرسةِ= معلّمو المدرسةِ / معلّمینَ + المدرسةِ= معلّمِی المدرسةِ

درباره تنوین نیز این نکته وجود دارد که هنگام اضافه شدن، حذف نون اتفاق می‌افتد به عبارتی کلمه‌ای مثل «مُعَلِّمٌ» اگر مضاف واقع شود مثل «مُعَلِّمُ المدرَسَةِ» حذف نون اتفاق افتاده است زیرا اگر تنوین را باز کنیم به چنین شکلی می‌رسیم : «مُعَلِّمُنْ المَدرَسَة» که «نون» حذف می‌شود و «مُعَلِّمُ المَدرَسَةِ» باقی می‌ماند.

مثنی : در دوره اول متوسطه این موضوع را نیز آموزش دادیم که همه اسامی مفرد با الحاق «انِ» یا «یَنِ» به آنها مثنی می‌شوند؛ مثل : مسلم + انِ= مسلمانِ/ مسلم + یَنِ= مسلمَینِ. در اینجا نیز نگفتیم در چه جایگاهی «انِ» می‌گیرد و در چه جایگاهی «یَنِ». هرگاه یک اسم مثنی در جایگاه‌های مرفوعی قرار بگیرد، با «انِ» می‌آید و در واقع حرف «الف» علامتی است که جایگزین ضمه شده است؛ به‌طور مثال : «جاءالمعلّمانِ» که کلمه «المعلّمانِ» فاعل و مرفوع به الف فرعی است.

اما هرگاه در جایگاه‌هایی واقع شود که منصوب یا مجرور هستند، با « یَنِ» مثنی می‌شود و حرف «ی» علامت اعراب نصب و جرّ در این اسامی است.

به این دو نمونه توجه کنید :

رأیتُ المعلّمَینِ : کلمه «المعلّمَینِ» مفعول به و منصوب به یاء فرعی است.

سلّمتُ علی المعلّمَینِ : کلمه «المعلّمَینِ» مجرور به حرف جرّ است و جرّش فرعی به یاء است.

نکته : اسامی مثنی نیز هرگاه مضاف واقع شوند، حرف «نون» که در انتهای آنهاست، حذف می‌شود مثل : معلّمانِ+المدرسةِ = معلّما المدرسةِ/ معلّمَینِ+المدرسةِ = معلّمَی المدرسةِ

اسماء خمسه : اسماء خمسه (اسامی پنجگانه) عبارتند از : «أب (پدر)، أخ (برادر)، حم (فامیل همسر)، فم (دهان)، ذو (صاحب)»

این اسامی در ظاهر ساختاری متفاوت دارند و در اعراب نیز متفاوت از بقیه اسامی معرب هستند. اسامی خمسه هرگاه در جایگاه‌های مرفوعی قرار بگیرند با حرف «واو» مرفوع می‌شوند یعنی رفعشان را با حرف «واو» نشان می‌دهند. هرگاه در جایگاه‌های منصوبی قرار بگیرند، نصبشان را با «الف» نشان می‌دهند و هرگاه در نقش‌های مجروری ظاهر شوند، جرّشان را با حرف «ی» نشان می‌دهند. پس به‌طور مثال در حالت رفعی به شکل «أبوکَ، أخونا، حموکِ، فوکَ، ذوالحجّة» ظاهر می‌شوند، در حالت نصبی به صورت «أباکَ، أخانا، حماکِ، فاکَ، ذاالحجّة» و در حالت جرّی به شکل «أبیکَ، أخینا، حمیکِ، فیکَ، ذی‌الحجّة» می‌آیند.

دو نکته را در اینجا باید بیان کرد :

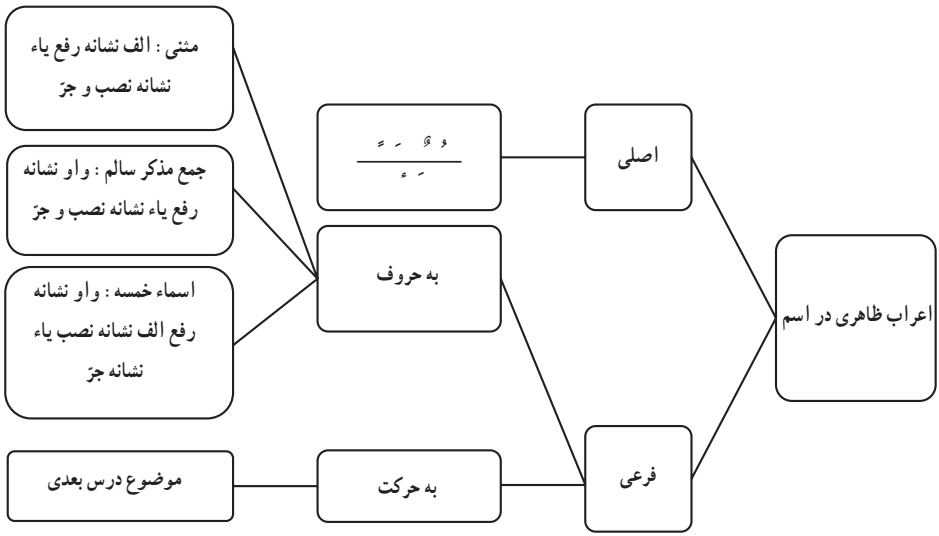
اسماء خمسه درصورتی اعراب فرعی می‌گیرند، که **اوّلاً مفرد باشند ثانیاً مضاف واقع شوند**. در نمونه‌های فوق دیدیم که همه این اسامی هم مفرد بودند هم مضاف واقع شده بودند.

■ اگر مفرد نباشند چگونه اعراب می‌گیرند؟ اگر مفرد نباشند یا مثنی هستند یا جمع مکسّر. درصورتی که مثنی باشند همان اعراب اسامی مثنی را می‌گیرند یعنی با «الف» مرفوع و با «ی» منصوب و مجرور می‌شوند مثل : «أبَوانِ/أبَوَینِ، أخَوانِ/أخَوَینِ، حمَوانِ/حمَوَینِ، فَمانِ/فَمَینِ، ذوانِ/ذَوَینِ»

چنانچه جمع مکسّر باشند، اعراب اصلی می‌گیرند؛ مثل :«آباءُ، آباءَ، آباءِ/ إخوانُ، إخوانَ، إخوانِ و...»

■ اگر مضاف واقع نشوند، چگونه اعراب می‌گیرند؟ در این صورت نیز اعراب اصلی می‌گیرند مثل : «ذهب الأبُ/ رأیتُ الأخَ / سلّمتُ علی الحمِ»

جمع‌بندی نموداری اعراب ظاهری در درس سوم



دانستنی‌های دبیر

۱ گفتیم اسامی مثنی و جمع مذکر سالم هرگاه مضاف واقع شوند، حرف «نون» در آنها حذف می‌شود. چنانچه مضاف الیه، ضمیر «ی» متکلم وحده باشد، تغییرات خاصی در آنها ایجاد می‌شود. نمونه‌های زیر را ببینید :

الف) معلّمون+ی= معلّموی (که با تغییرات اعلالی نهایتا تبدیل به معلّمِیَّ می‌شود) در این حالت دارای اعراب تقدیری است نه فرعی. اعراب تقدیری نیز در درس پنجم تدریس می‌شود.

ب) معلّمینَ+ی= معلّمِیَّ . در این حالت دو تا «ی» در کنار هم افتاده اند؛ یکی حرف «ی» که نشانه اعراب نصب یا جرّ است و دیگری ضمیر «ی» متکلم وحده. بدین ترتیب در هم ادغام می‌شوند و تشدید می‌گیرند و «معلّمِیّ» باقی می‌ماند. اگر دقت کنید حرف «ی» که نشانه اعرابی است، برجای خود باقی مانده است پس اعراب ظاهری فرعی داریم.

ج) معلّمانِ+ی= معلّمایَ. در این حالت نیز اعراب فرعی داریم و حرف «الف» که نشانه فرعی مرفوع بودن است، باقی است لذا در این حالت هم اعراب فرعی داریم.

د) معلّمَینِ+ی= معلّمَیَّ. در این حالت نیز دو تا «ی» در کنار هم افتاده اند؛ یکی حرف «ی» که نشانه اعراب نصب یا جرّ است و دیگری ضمیر «ی» متکلم وحده. در اینجا هم ادغام می‌شوند و تشدید می گیرند و «معلّمَیَّ» باقی می ماند. پس همچنان حرف «ی» که نشانه اعرابی است، برجای خود باقی مانده است پس اعراب ظاهری فرعی داریم. تفاوت مثنی و جمع مذکر در این حالت چیست؟ در حالت جمع مذکر، حرف میم کسره دارد (معلّمِیَّ) اما در حالت مثنی، حرف میم، فتحه دارد (معلّمَیَّ).

۲ در درس پنجم به موضوع اعراب تقدیری می‌پردازیم اما اینجا اجمالاً عرض می کنم که اگر اسماء خمسه در حالتی که مفرد و مضاف هستند، مضاف به یاء متکلم وحده باشند، اعرابشان تقدیری می‌شود.

۳ کلمه «فم» در حالتی که اعراب فرعی بگیرد، حرف «میم» از انتهای آن حذف می‌شود و این را در نمونه‌های فوق دیدیم.

اشتباهات رایج دانش‌آموزان و راهکار

۱ دانش‌آموزان در اکثر موارد تفاوت اصطلاحات ضمه، فتحه، کسره را رفع، نصب، جرّ متوجه نمی‌شوند. همچنین نمی‌دانند کجا باید اصطلاحات مرفوع، منصوب و مجرور را به‌کار ببرند. توضیحات زیر می‌تواند موضوع را برای آنها روشن کند :

به حرکت «ُ» ضمه، به حرکت «َ» فتحه و به حرکت «ِ» کسره می گویند.

اسمی که مبنی بر ضم باشد، مضموم است.

اسمی که مبنی بر فتح باشد، مفتوح است.

اسمی که مبنی بر کسر باشد، مکسور نام دارد.

به حرکت «ٌ» تنوین رفع، به حرکت «ً» تنوین نصب و به حرکت «ٍ» تنوین جرّ می گویند.

به اسم معربی که حرکت ضمه یا تنوین رفع گرفته باشد، یک اسم مرفوع می گویند.

به اسم معربی که حرکت فتحه یا تنوین نصب گرفته باشد، یک اسم منصوب می گویند.

به اسم معربی که حرکت کسره یا تنوین جرّ گرفته باشد، یک اسم مجرور می گویند.

۲ یکی دیگر از اشتباهات رایج دانش‌آموزان مربوط به اعراب فرعی حرف «الف» است. «الف»

در مثنی‌ها نشانه رفع و در اسماء خمسه نشانه نصب است. شایسته است در هنگام تدریس، توجه جدی به این نکته بدهید و در نمونه‌ها و مثال‌های متعدد، مطلب را برای دانش‌آموز تثبیت نمایید.

۳ درباره اعراب فرعی حرف «ی» نیز دانش‌آموزان را توجه دهید که برای مثنی و جمع مذکر سالم، حرف «ی» مشترکاً نشانه نصب و جرّ است اما در اسماء خمسه فقط نشانه جرّ است.

۴ دانش‌آموزان در تشخیص مثنی و جمع مکسّر کلمه «أخ» بسیار به مشکل می‌خورند. بهتر است که اینها را در کنار هم به دانش‌آموزان نشان دهید تا متوجه آنها شوند :

مفرد	أخ	
مثنی	أخَوانِ	أخَوَينِ
جمع مکسّر	إخوان/ إخوَة	

کلمه «أخَوان و إخوان» معمولاً مورد اشکال دانش‌آموزان است. توجه دانش‌آموزان را ابتداءًا به سمت حرکت همزه ببرید سپس این را توضیح دهید که کلمه «إخوان» با هر سه حرکت ضمه، فتحه و کسره ظاهر می‌شوند یعنی به سه صورت «إخوانُ، إخوانَ، إخوانِ» اما کلمه «أخَوانِ» حتماً به کسره ختم می‌شود.

تمارین

تمرین اول : آنچه در عبارات زیر می‌آید را همان‌طور که در مثال است، مشخص کن.

الکلمة	الاعراب	علامة الاعراب	نوع الاعراب	نوع الاسم
اللّٰهُ	رفع	ضمه	اصلي	مفرد
رَحْمَةِ	جرّ	کسره	اصلی	مفرد
ذُو	رفع	واو	فرعی به حروف	مفرد
الْفَضْلِ	جرّ	کسره	اصلی	مفرد
الْفِكْرُ	رفع	ضمه	اصلی	مفرد

الكلمة	الاعراب	علامة الاعراب	نوع الاعراب	نوع الاسم
اَلْمُتَّقِينَ	جرّ	یاء	فرعی	جمع مذکر
اَلْهِدَایَتَیْنِ	جرّ	یاء	فرعی	مثنی
اَلتَّفَکُّرُ	رفع	ضمه	اصلی	مفرد
اَلْمُخْلَصِینَ	جرّ	یاء	فرعی	مثنی
ذُو	رفع	واو	فرعی	مفرد
حَالَتَیْنِ	جرّ	یاء	فرعی	مثنی

تمرین دوم : کلمه صحیح را بر حسب فعل ماضی مشخص کن.

فعل ماضی	فعل مضارع	فعل امر	مصدر	اسم فاعل
وافَقَ	یُوافِقُ*	وافِق*	التَّوفیق مصدر تفعیل	المُوافِق*
	یُوَفِّقُ : ماضی اش وَفَّقَ	وَفِّقْ : ماضی اش وَفَّقتَ	الموافَقَة*	الموَفِّق اسم فاعل باب تفعیل
تَقَرَّبَ	یُقَرِّبُ : ماضی اش قَرَّبَ	قَرِّبْ : ماضی اش قَرَّبتَ	التَّقَرُّب*	المقَرِّب اسم فاعل باب تفعیل
	یَتَقَرَّبُ*	تَقَرَّبْ*	التقریب مصدر تفعیل	المتَقَرِّب*
تَعارَفَ	یَتَعَرَّفُ : ماضی اش تَعَرَّفَ	تَعارَفْ*	المُعارَفَة مصدر مفاعلة	المُتَعارِف*
	یَتَعارَفُ*	اِعرِفْ : ماضی اش عَرَفتَ	التَعارُف*	المُعَرِّف اسم فاعل باب تفعیل
اِستَغَلَ	یَستَغِلُ : ماضی اش انسَغَلَ	اِستَغِلْ ×	الاِستِغال مصدر انفعال	المُستَغِل*
	یَستَغِلُ*	اِنسَغِلْ : ماضی اش اِنسَغَلتَ	الاِستِغال*	المُنسَغِل اسم فاعل باب انفعال
اِنفَتَحَ	یَفتَتِحُ : ماضی اش اِفتَتَحَ	اِنفَتِحْ*	الاِستِفتاح مصدر باب استفعال	المُتَفَتِّح اسم فاعل باب افتعال
	یَنفَتِحُ*	تَفَتَّحْ : ماضی اش تَفَتَّحتَ	الانفِتاح*	المُنفَتِح*

فعل ماضی	فعل مضارع	فعل امر	مصدر	اسم فاعل
اِستَرجَعَ	يَستَرجِعُ*	اِستَرجِعْ*	الاِرتِجاع مصدر باب افتعال	المُستَرجِع*
	يَرتَجِعُ : ماضی اش اِرتَجَعَ	راجِعْ : ماضی اش راجَعتَ	الاِسترجاع*	المُرَجِّع اسم فاعل باب تفعیل
نَزَّلَ	يُنزِلُ : ماضی اش أنزَلَ	اِنزِلْ : ماضی اش نَزَلتَ	النُّزول مصدر ثلاثی مجرد	المُنَزِّل*
	يُنَزِّلُ*	نَزِّلْ*	التَّنزيل*	النّازِل اسم فاعل ثلاثی مجرد
أكرَمَ	يُكرِمُ*	أكرِمْ*	الاِكرام*	الأكرَم اسم تفضيل
	يُكَرِّمُ : ماضی اش كَرَّمَ	كَرِّمْ : ماضی اش كَرَّمتَ	التَّكريم مصدر باب تفعيل	المُكرِم*

تمرین سوم : جملات را ترجمه کن سپس جدول زیر را همان‌طور که در مثال است، تکمیل کن.

۱ صداقت برادر عدالت است.

۲ صاحب شرافت (انسان شریف)، جایگاهی که به آن می‌رسد، او را دچار عجب نمی‌کند اگرچه بزرگ باشد(آن جایگاه)

۳ دو نعمت ناشناخته‌اند : امنیت و سلامتی.

۴ مسلمان کسی است که مسلمانان از دست و زبانش در امان هستند.

کلمه	جایگاه کلمه	اعراب	نشانه اعراب
الصِّدْقُ	مبتدا	رفع	ضمه
أَخُو	خبر مفرد	رفع	واو
الْعَدْلِ	مضاف اليه	جرّ	كسره
ذُو	مبتدا	رفع	واو
مَنْزِلَةٌ	فاعل	رفع	تنوين رفع
نِعْمَتَانِ	مبتدا	رفع	الف
مَجْهُولَتَانِ	خبر مفرد	رفع	الف

کلمه	جایگاه کلمه	اعراب	نشانه اعراب
الْمُسْلِمُ	مبتدا	رفع	ضمه
الْمُسْلِمُونَ	فاعل	رفع	واو
بِدِ	مجرور به حرف جرّ	جرّ	کسره

اعراب بقیه کلماتی که مورد سؤال نیستند :

۱ الشّرف : مضاف الیه و مجرور به کسره/ لا تبطر : خبر از نوع جمله فعلیه/ ه : مفعول به/ نالَ : فعل و فاعلش هو مستتر (جمله وصفیه)/ ـها : مفعول به/ عظمت : فعل و فاعلش هی مستتر

۲ الأمن : خبر مفرد برای مبتدای محذوف (برخی نیز این چنین کلماتی را بدل می‌دانند)/ العافیة : معطوف

۳ من : خبر مفرد/ سلم‌المسلمون : جمله صله/ ه : مضاف‌الیه/ لسان : معطوف/ ه : مضاف الیه

تمرین چهارم : جملات زیر را ترجمه کن سپس اعراب کن.

مرگ بر هر زنده‌ای می‌آید.

از علامت‌های رها شدن، نیک شمردن عمل ناپسند است.

(هیچ) تزیین کننده ای با (چیزی) نظیر طاعت خداوند تزیین نکرد.

بهترین‌ها با خوب طاعت کردن شناخته می‌شوند.

الكلمة	الْمَوْتُ	يَأْتِي	عَلَى كُلِّ	حَيٍّ	
الإعراب	مبتدا و مرفوع به ضمه	خبر جمله فعلیه فاعل هو مستتر	جار و مجرور	مضاف‌الیه و مجرور	
الكلمة	مِنْ عَلَامَاتِ	الْخِذْلَانِ	اسْتِحْسَانُ	الْقَبِيحِ	
الإعراب	خبر مقدم از نوع شبه جمله (ج م)	مضاف الیه و مجرور به کسره اصلی	مبتدای مؤخر و مرفوع به‌ضمه اصلی	مضاف‌الیه و مجرور به کسره اصلی	
الكلمة	مَا تَزَيَّنَ	مُتَزَيِّنٌ	بِمِثْلِ	طَاعَةِ	اللَّهِ

الكلمة	الْمَوْتُ	يَأْتِي	عَلَى كُلِّ	حَيٍّ	
الإعراب	فعل	فاعل و مرفوع به ضمه اصلی	جار و مجرور به کسره اصلی	مضاف‌الیه و مجرور به کسره	مضاف‌الیه و مجرور به کسره اصلی
الكلمة	بِحُسْنِ	الطَّاعَةِ	يُعْرَفُ	الْأَخْيَارُ	
الإعراب	جار و مجرور به کسره اصلی	مضاف الیه و مجرور به کسره اصلی	فعل	نایب فاعل و مرفوع به ضمه	

تمرین پنجم : برای تحلیل صرفی! (براساس تمارین قبلی)

فعل	ماضي مضارع/امر	مجرد مزيد	باب	لازم متعدي	معلوم مجهول	معرب مبني
تَزَيَّنَ	ماضی	ثلاثی مزید	تفعُّل	متعدّی	معلوم	مبنی
يُعْرَفُ	مضارع	ثلاثی مجرد	....	متعدی	مجهول	معرب
عَظُمَتْ	ماضی	ثلاثی مجرد	....	لازم	معلوم	مبنی
يَتَعَارَفُ	مضارع	ثلاثی مزید	تفاعُل	لازم	معلوم	معرب
يَأْتِي	مضارع	ثلاثی مجرد	....	لازم	معلوم	معرب

اسم	مفرد/مثنی/جمع	مذکر/مؤنث	معرفه/نکره	جامد/مشتق	معرب/مبني
الْمَوْت	مفرد	مذکر	معرفه ذواللام	جامد مصدری مصدر ثلاثی مجرد	معرب
عَلَامَات	جمع مؤنث سالم	مؤنث	معرّف بالإضافة	جامد غیرمصدری	معرب
مُتَزَيِّن	مفرد	مذکر	نکره	مشتق اسم فاعل	معرب
حُسْن	مفرد	مذکر	معرّف بالإضافة	جامد مصدری مصدر ثلاثی مجرد	معرب
الْقَبِيحِ	مفرد	مذکر	معرفه ذواللام	مشتق صفت مشبهه	معرب

درس چهارم

هدف کلی : دانش‌آموز با اعراب فرعی در اسامی جمع مؤنث سالم و غیرمنصرف آشنا شود.

اهداف جزئی :

۱ دانش‌آموز اعراب اصلی و فرعی در جمع مؤنث سالم را بیاموزد.
۲ دانش‌آموز با اسامی غیرمنصرف آشنا شود.
۳ دانش‌آموز اعراب اصلی و فرعی در اسامی غیرمنصرف را یاد بگیرد.

انتظارات عملکردی :

در پایان این درس انتظار می‌رود دانش‌آموز :
۱ اعراب اصلی و فرعی را در جمع مؤنث سالم تشخیص دهد.
۲ اسم منصرف و غیرمنصرف را از یکدیگر تمیز دهد.
۳ بداند اسامی غیرمنصرف چه مواقعی اعراب اصلی می‌گیرند.
۴ یاد گرفته باشد که در چه شرایطی اسامی غیرمنصرف اعراب فرعی می‌گیرند.

پیشنهادات آموزشی برای دبیر در ترجمه متن درس

در درس گذشته به موضوع اعراب اصلی و اعراب فرعی در اسامی جمع مذکر سالم، مثنی و اسماء خمسه پرداختیم. در متن این درس موارد متعدد اعراب اصلی و چند مورد جمع مذکر سالم داریم. شایسته است که در هنگام ترجمه، دانش‌آموزان را به این موارد توجه دهید و از آنها بخواهید نقش و اعراب تعدادی از کلمات را تشخیص دهند و از همین راه، ترجمه دقیق‌تری ارائه دهند.

در بخش واژگان نیز دانش‌آموزان را به مفرد و جمع کلمات توجه دهید :
خُطَّة جمعش خُطَط، زاویة جمعش زوایا است.

در واژگان، مترادف و متضاد نیز مطرح شده است که دانستن آنها بسیار حائز اهمیت است :
أجَّلَ = أخَّرَ تأجیل = تأخیر صعوبة ≠ سهولة مَقال = قَول = کلام

به یاد داشته باشیم : تعجیل ≠ تأجیل

ممکن است فعل «اضطرّ» مورد سؤال دانش‌آموزان قرار بگیرد. حروف اصلی این فعل «ض ر ر» است. وقتی به باب افتعال رفته است به صورت «اِضتَرَرَ» درمی‌آید. دو نکته در اینجا وجود دارد : اول اینکه دو حرف تکراری درهم ادغام می‌شوند و فعل به «اضترَّ» تبدیل می‌شود (این نکته در درس دوازدهم خوانده می‌شود). دوم اینکه قاعده‌ای در باب افتعال وجود دارد که چنانچه فاءالفعل حرف «ض» باشد، «تاء» باب تبدیل به «طاء» می‌شود و نهایتا «اضطرّ» می‌شود.

دروغ

دروغ کلیدی برای هر بدی است. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله

مردی به سوی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله آمد و گفت : «خُلقی را به من بیاموز که خیر دنیا و آخرت را برای من جمع کند.»

پس فرمود : «دروغ نگو!»

امام علی علیه‌السلام فرمود : «بهترین برادرانت کسی است که تو را با صداقتِ گفتارش به راستیِ گفتار دعوت کند و تو را با نیکویی اعمالش به بهترین اعمال فرابخواند.»

بنابراین در زندگی، با خودت و با دیگران صادق باش و هرگز از واقعیت فرار نکن پس اگر از واقعیت بگریزی، با سختی‌ها و مشکلات بسیاری روبه‌رو خواهی شد و چندین بار به دروغگویی ناگزیر می‌شوی و بعد از آن، دروغگویی ات برای دیگران، آشکار می‌شود پس در زندگی ات شکست می‌خوری.

این، قصه‌ای کوتاه است که نتیجه دروغگویی را برایت روشن می‌کند :

چهار دانشجو قرار گذاشتند که در امتحان غایب شوند پس تلفنی با استاد تماس گرفتند و به او گفتند : «یک لاستیک ماشینمان ترکید و چرخ یدکی نداریم و ماشینی که ما را به دانشگاه برساند، پیدا نمی‌شود و ما الان در راه و دور از دانشگاه هستیم و در وقت مشخص شده، قادر به حضور در امتحان نخواهیم بود. استاد موافقت کرد که امتحان را برای مدت یک هفته برای آنها به تأخیر بیندازد. پس دانشجویان از آن (تأخیر امتحان) خوشحال شدند زیرا نقشه‌شان برای عقب انداختن امتحان، موفق شد.

در هفته آینده در وقت معیّن برای امتحان حاضر شدند و استاد از آنها خواست که در سالن امتحان بنشینند سپس برگه‌های امتحان را بر آنها پخش کرد.

وقتی به سؤالات نگاه کردند، تعجّب کردند؛ زیرا آنها (سؤالات) این چنین بود :

۱ چرا تایر منفجر شد؟

۲ کدام تایر از ماشینتان منفجر شد؟

۳ این اتفاق در کدام راه رخ داد؟

۴ ترتیب نشستنتان در ماشین چیست؟

۵ چگونه توانستید مشکلتان را حل کنید؟

۶ هنگام ترکیدن لاستیک ساعت چند بود؟

۷ چه کسی از شما در آن زمان ماشین را می‌راند؟

۸ آیا ضمانت می‌کنی که دوستانت مثل جواب‌های تو پاسخ دهند؟

دانشجویان خجالت کشیدند، پشیمان شدند و از کارشان عذرخواهی کردند. استاد آنها را نصیحت کرد و گفت :

«هرکس دروغ بگوید، موفق نمی‌شود.» دانشجویان با استاد پیمان بستند که دروغ نگویند و با پشیمانی به او گفتند : «درسی آموختیم که هرگز آن را فراموش نخواهیم کرد!»

حل تمارین ناظر به متن

به سؤالات زیر بر اساس متن درس پاسخ بده.

۱ آیا استاد با دانشجویان موافقت کرد که امتحان را برای مدت دو هفته به تأخیر بیندازد؟

لا، وافق الأستاذ أن يؤجّل الإمتحان لمدّة أسبوع واحد.

۲ آن مرد به رسول خدا ﷺ چه گفت وقتی به سویش آمد؟

قال الرّجلُ :«علّمنی خُلقا یجمع لی خیر الدّنیا و الآخرة.»

۳ دانشجویان با پشیمانی به استادشان چه گفتند؟

قالوا :«تعلّمنا درساً لن ننساهم أبداً.»

۴ چه کسی گفت : «هرکس دروغ بگوید، موفق نمی‌شود.»؟

قال الأستاذ هذا الكلام.

۵ دانشجویان چگونه با استاد تماس برقرار کردند؟

اتّصل الطلابُ الأستاذَ هاتفیّاً.

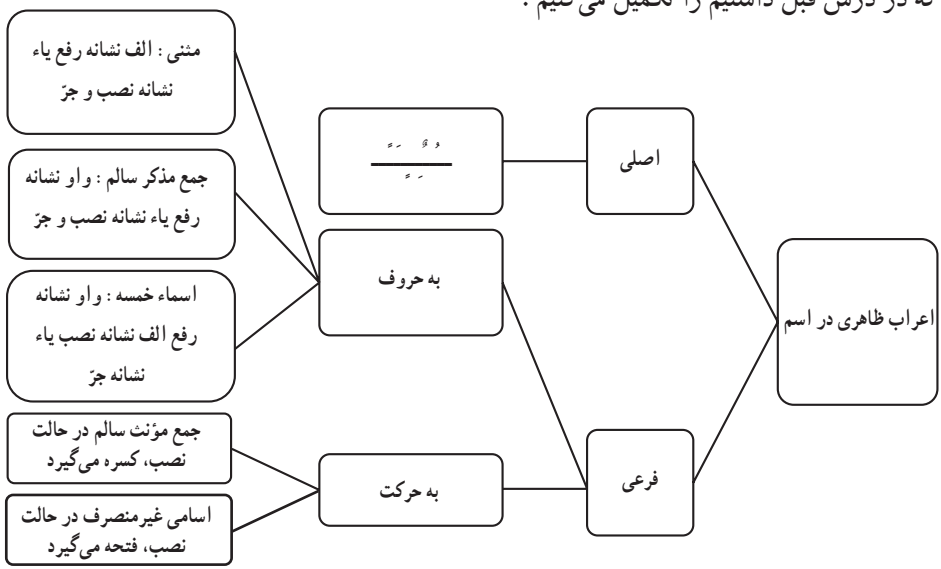
۶ چرا دانشجویان خوشحال شدند؟
فرح الطلاب لتأجيل الأمتحان و نجاحِ خُطّتِهم.

موضوعات درس چهارم

اعراب فرعی : جمع مؤنث سالم و اسم غیرمنصرف

مقدمه

در درس گذشته تعریف اعراب ظاهری ــ فرعی را ارائه کردیم. ارائه تعریف دقیق کمک بسیار مهمی برای فهم بهتر دانش‌آموزان است پس از آنها بخواهید در مرحله نخست، تعاریف را به دقت به خاطر بسپارند و بفهمند. گفتیم اعراب ظاهری اعرابی است که نمود و بروزی در ظاهر کلمه دارد و خود بر دو قسم اصلی و فرعی است. در اعراب اصلی حرکات اصلی ضمه، فتحه کسره و تنوین‌هایشان نماد اعراب رفع، نصب و جرّ هستند اما در اعراب فرعی، یا حروف، جایگزین علائم اصلی می‌شوند یا حرکتی دیگر، جایگزین حرکت اصلی می‌گردد. اعراب فرعی به حروف را در درس گذشته بیان کردیم و در این درس، بناست که اعراب فرعی به حرکات را بیان نماییم. اکنون نموداری که در درس قبل داشتیم را تکمیل می‌کنیم :



مرور مفاهیم اصلی درس

جمع مؤنث سالم

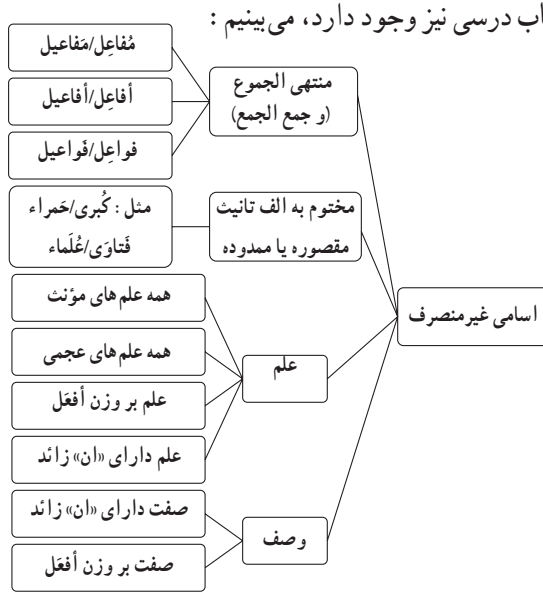
پیشتر آموزش دادیم که اسامی مؤنث با الحاق «ات» به آنها جمع بسته می‌شوند. اکنون می‌خواهیم بدانیم اسامی جمع مؤنث سالم اعراب‌های رفع، نصب و جرّ را چگونه نشان می‌دهد؟

جمع مؤنث سالم اعراب رفع و جرّ را با حرکات اصلی نشان می‌دهد یعنی در حالت رفعی، ضمه یا تنوین رفع می‌گیرد؛ مثل : المسلماتُ / مسلماتٌ. در حالت جرّی نیز کسره یا تنوین جرّ می‌گیرد؛ مثل : المسلماتِ / مسلماتٍ

اما در حالت نصبی نمی‌تواند فتحه یا تنوین نصب را نشان دهد و به جای آن، کسره یا تنوین جرّ می‌گیرد یعنی اعرابش درحالت نصبی، فرعی به کسره یا فرعی به تنوین جرّ است به‌طور مثال : «رأیتُ المسلماتِ/مسلماتٍ» کلمه «المسلماتِ/مسلماتٍ» نقش مفعول‌به را دارد لذا منصوب فرعی به کسره است.

غیرمنصرف

اسامی غیرمنصرف از جمله اسامی معرب هستند و انواع متعددی دارد. بسیار ضروری و مهم است که در ابتدا دانش‌آموزان انواع اسم غیرمنصرف را به خاطر بسپارند. دسته‌بندی این اسامی را در نمودار زیر که در کتاب درسی نیز وجود دارد، می‌بینیم :



توضیحات نمودار غیرمنصرف‌ها

۱ درباره جمع‌الجمع و صیغه منتهی‌الجموع حفظ شش وزن نام برده برای دانش‌آموز کفایت می‌کند و از آنها تعریف و توضیحی برای این عناوین مطالبه نمی‌شود.

۲ در پایه دهم «الف» مقصوره و «الف» ممدوده را آموزش دادیم. گفتیم اگر اسمی به «ا» ختم شود، اسم مقصور نام دارد و چنانچه این «ا» زائد بر سه حرف اصلی باشد، نشانه تأنیث است، لذا آن اسم، مؤنث خواهد بود؛ مثلاً کلمه «هُدَی» که «ا» در آن، اصلی و مذکر است و «الف» نشانه تأنیث نیست اما «دُنیا» که سه حرف اصلی اش «د ن ی» است و حرف «ا» زائده است، مؤنث است.

درباره الف ممدوده هم عرض کردیم که اگر اسمی به «اء» ختم شود، درصورتی که «ا»، زائده باشد، اسم ممدود نام دارد. در اسم ممدود ضروری است که «ا» زائد باشد، در غیر این صورت اساساً ممدود نخواهد بود مثلاً کلمه «ماء» که «ا» در آن، اصلی است، اصلاً ممدود نیست اما کلمه «قرّاء» که دارای حروف اصلی «ق ر ء» است و حرف «ا» در آن زائد است، ممدود است. اما اسامی ممدود نیز بر دو قسم مذکر و مؤنث هستند. چنانچه همزه در آنها اصلی باشد، مذکر هستند مثل «قرّاء»، اما اگر همزه هم در آنها زائد باشد، نشانه تأنیث بوده و لذا آن اسم، مؤنث خواهد بود مثلاً کلمه «زَهراء» دارای حروف اصلی «ز ه ر» است و «اء» در آن، زائده است، لذا «اء» نشانه تأنیث و «زهراء» مونث است.

نکته این است که اسامی مقصور و ممدودی که مؤنث باشند، غیرمنصرف هم هستند.

۳ علم مؤنث‌ها یعنی تمامی اسامی خاص بانوان، اعم از عربی و غیرعربی غیرمنصرفند.

۴ علم عجمی یعنی اسامی علمی که عربی نیستند. فرقی نمی‌کند متعلق به کدام زبان باشد، همین که عربی نباشد، غیرمنصرف است هرچند در قرآن هم بکار رفته باشد نظیر اسامی عبری «آدم، ابراهیم، اسماعیل و...» که در قرآن کاربرد فراوانی دارند اما غیرمنصرفند.

۵ اسم علم یا صفت (صفت مشبهه و اسم تفضیل) که بر وزن «أفعَل» باشد، غیرمنصرف است مثل : أحمَد، أکبَر، أعظَم، أحمَر و...

۶ اسم علم یا صفت مشبهه‌ای که دارای «ان» زائد باشد مثل : «عثمان، سلمان، عطشان و...» همگی غیرمنصرفند.

چند نکته و استثنا

علم‌های مؤنث و علم‌های عجمی اگر سه حرفی باشند و حرف وسط آنها ساکن باشد

(ساکن‌الوسط) منصرف خواهند بود، مثلاً کلمه «هند» یک علم مؤنث است ولی سه حرفی است و حرف وسطش یعنی «ن» ساکن است؛ لذا منصرف است.

در پایه دهم آموختیم که اسامی شهرها و کشورها و قبائل، مؤنث معنوی هستند. اکنون یک نکته اضافه می‌کنیم که این اسامی، غیرمنصرف نیز هستند.

همه اسامی پیامبران، غیرمنصرفند بجز هفت مورد : محمّد ﷺ، هود، لوط، نوح، صالح، شیث، شعیب.

اعراب اسم غیرمنصرف

اسامی غیرمنصرف در حالت رفعی و نصبی اعراب اصلی می‌گیرند؛ یعنی در حالت رفعی با ضمه و در حالت نصبی با فتحه ظاهر می‌شوند، مثل : فاطمةُ / فاطمةَ اما در حالت جرّی نمی‌تواند با کسره ظاهر شود و اعرابش فرعی به حرکت خواهد بود. اسم غیرمنصرف در حالت جرّی به جای کسره، فتحه می‌گیرد؛ مثلاً در عبارت «سلّمتُ علی فاطمةَ» اعراب کلمه «فاطمة» مجرور به حرف جرّ فرعی به فتحه است.

یکی از نکات اسامی غیرمنصرف این است که هرگز تنوین نمی‌گیرند!

نکته دیگری که باید بدانیم این است که اعراب فرعی در مثنی‌ها، جمع مذکر سالم‌ها و جمع مؤنث سالم‌ها استثنا ندارد، یعنی مثلاً مثنی‌ها همیشه با «الف» مرفوع می‌شوند و هرگز نمی‌توانند اعراب اصلی بگیرند. اما اسماء خمسه و غیرمنصرف‌ها استثنا دارند، مثلاً اسماء خمسه اگر مضاف نباشند، اعرابشان اصلی می‌شود، مثلاً اگر در عبارت «رأیتُ أباً حنوناً» کلمه «أباً» مفعول به و منصوب به فتحه اصلی است. اسامی غیرمنصرف هم در دو جایگاه، استثنا دارند :

۱ وقتی مضاف واقع شوند (یعنی اگر مضاف الیه داشته باشند) اعراب جرّشان اصلی به کسره خواهد بود؛ مثلاً : «صلیّتُ فی مَساجِدِ طهرانَ» در این عبارت کلمه «مساجد» صیغه منتهی‌الجموع و غیرمنصرف است و کلمه «طهران» نیز اسم شهر و غیرمنصرف است. هر دو در جایگاه مجروری قرار گرفته‌اند. «مساجد» مجرور به حرف جرّ و «طهران» مضاف‌الیه و مجرور است. کلمه «مساجد» چون مضاف واقع شده است، کسره‌اش را گرفته است و با اعراب اصلی، مجرور شده است ولی کلمه «طهران» مجرور فرعی به فتحه است.

۲ وقتی «ال» بگیرند نیز اعراب جرّشان اصلی به کسره است؛ مثلا : در عبارت «صلّیتُ فی المساجدِ» کلمه «المساجد» مجرور به حرف جرّ است و چون «ال» دارد، اعرابش اصلی شده است.

دانستنی‌های دبیر

منتهی‌الجموع چیست؟ جمع مکسّری که یکی از شش وزن ذکر شده را داشته باشد، منتهی‌الجموع نام دارد. همگی این شش وزن غیرمنصرف هستند.

جمع‌الجمع چیست؟ اسمی که دوبار جمع بسته شده باشد، جمع‌الجمع نام دارد. مثلاً کلمه «ید» در هنگام جمع بسته شدن «أیدی» می‌شود اما می‌توانیم همین کلمه «أیدی» را نیز جمع ببندیم که «أیادی» می‌شود. کلمات «أیدی» و «أیادی» هردو «دست‌ها / دستان» ترجمه می‌شوند اما در واقع جمع‌الجمع دلالت بر نُه و بیشتر می‌کند و بیانگر کثرت و فراوانی افراد یک مجموعه است. جمع‌الجمع گاهی به‌صورت جمع سالم هم استفاده می‌شود که سماعی است؛ به‌طور مثال : «أفضَل» جمعش «أفاضِل» و جمع‌الجمعش «أفاضِلونَ» است یا «بَیت» جمعش «بیوت» و جمع‌الجمعش «بیوتات» است.[۱] اما یادتان باشد که تنها درصورتی جمع‌الجمع، غیرمنصرف است که بر اوزان منتهی‌الجموع باشد و جمع سالم‌ها منصرف خواهند بود.

تفاوت منتهی‌الجموع با جمع‌الجمع چیست؟ هر جمع‌الجمعی (اگر جمع مکسر باشد) منتهی‌الجموع است اما هر منتهی‌الجموعی، جمع‌الجمع نیست مثلاً کلمه «مَساجِد» بر وزن «مَفاعِل» است پس منتهی‌الجموع است اما جمع‌الجمع نیست.

اشتباهات رایج دانش‌آموزان و راهکار

۱ بسیاری از دانش‌آموزان نکته ای که درباره اسامی انبیا گفتیم را برعکس حفظ می‌کنند یعنی فکر می‌کنند اسامی این هفت پیامبر، غیرمنصرف است و بقیه منصرف. راهکارش این است که یادشان بیاورید نام مبارک «محمّد» که در میان این هفت اسم است، همواره با تنوین دیده اند[۲] درحالیکه غیرمنصرف‌ها هرگز تنوین نمی‌گیرند.

۲ گفتیم اسامی جمع مؤنث سالم در حالت نصبی فرعی به کسره می‌شوند و اسامی غیرمنصرف در حالت جرّی فرعی به فتحه می‌شوند. برخی از دانش‌آموزان این دو را با یکدیگر خلط می‌کنند و به خطا می‌افتند. برای اینکه این دو مورد به درستی در ذهن جا بیفتد، لازم است یک مثال را حتماً حفظ کنند؛ به‌طور مثال کلمه «مسلماتٍ» را حفظ کنند تا بدانند که جمع مونث با کسره و تنوین جرّ

۱ــ ر.ک. آموزش صرف، عبدالرسول کشفی، درس ۳۷

۲ــ نظیر آیه « و ما محمّدٌ إلاّ رسول» که در کتاب‌های درسی بسیار دیده و شنیده اند یا در اذان می‌گوییم «أشهد أنّ محمّداً رسول الله»

کاربرد دارد پس منصوب به فتحه نمی‌تواند باشد؛ غیرمنصرف هم که برعکس است. بدین ترتیب این مطلب در ذهن ماندگار می‌شود.

۳ این نکته که اسامی غیرمنصرف در حالتی که مضاف واقع شوند یا «ال» بگیرند، اعرابشان در هر سه حالت، اصلی خواهد بود و کسره را می‌پذیرند، در امتحانات تشریحی کمتر مورد سؤال قرار می‌گیرد. از این رو بسیاری از دانش‌آموزان این نکته را فراموش می‌کنند و در حافظه بلند مدتشان ماندگار نمی‌شود. هنگامی که به کنکور می‌رسند، این نکته آنان را درگیر می‌کند. برای حل این مشکل لازم است اولاً در امتحانات تشریحی توجه داشته باشید که حتماً از این نکته، سؤال بدهید تا دانش‌آموزان اهمتیش را کم رنگ نبینند ثانیاً در متون درسی هرگاه با این مورد مواجه شدید، حتماً یادآوری کنید.

تمارین

تمرین اول : آنچه در عبارات زیر به دنبال می آید، آن‌چنان که در مثال است، مشخص کن.

کلمه	اعراب	علامت اعراب	نوع اعراب	نوع اسم
الصَّالِحاتِ	مفعول به و منصوب	کسره	فرعي به حرکت	جمع مؤنث سالم
مَغْفِرَةٌ	مبتدا و مرفوع	تنوین رفع	اصلی	مفرد مؤنث
أجْرٌ	معطوف و مرفوع	تنوین رفع	اصلی	مفرد مذکر
الْمُتَّقین	مجرور به حرف جرّ	ی	فرعی به حرف	جمع مذکر سالم
الکافرین	مجرور به حرف جرّ	ی	فرعی به حرف	جمع مذکر سالم
سَلاسِلَ	مفعول به و منصوب	فتحه	اصلی	غیرمنصرف (منتهی الجموع)
مَقامِ	مجرور به حرف جرّ	کسره	اصلی	مفرد مذکر
إبْراهیمَ	مضاف الیه و مجرور	فتحه	فرعی به حرکت	غیرمنصرف(علم غیرعربی/اسم انبیا)
جَنَّاتٍ	مجرور به حرف جرّ	تنوین جرّ	اصلی	جمع مؤنث سالم
مُکرَمون	خبر مفرد و مرفوع	واو	فرعی به حرف	جمع مذکر سالم

تمرین دوم : احادیث را ترجمه کن سپس آنچه از تو خواسته شده را مشخص کن.

۱ از جمله بدترین بندگان خدا کسی است که همنشینی با او مورد اکراه است بخاطر گفتار زشتش.

فعل مجهول : تُکرَهُ نایب فاعل : مجالسةُ

۲ باتقواترین مردم کسی است که حق را در آنچه به سود و زیان اوست، گفت.

اسم تفضیل : أتقی مفعول به : الحقّ

۳ حق را بگو هرچند تلخ باشد.

مفعول به : الحقّ

۴ ستاینده مرد به آنچه در او نیست، ریشخندکننده اوست!

اسم فاعل : مادح (ثلاثی مجرد) / مُستَهزئ (اسم فاعل از باب استفعال)

۵ آنچه را نمی‌دانی نگو بلکه همه آنچه می‌دانی را (هم) نگو.

مضارع منفی : لا تعلمُ فاعل مستتر : همه افعال دارای ضمیر «أنتَ» مستتر هستند

یعنی فعل‌های لاتقل، لاتعلم، تعلم همگی دارای فاعل ضمیر مستتر هستند.

تمرین سوم : جواب صحیح را انتخاب کن.

۱ ابراهیمَ (مجرور به حرف جرّ است اما چون جزء اسامی انبیا و علم غیرعربی است، غیرمنصرف بوده و اعرابش مجرور فرعی به فتحه است.)

۲ ذو (زیرا خبر مفرد و مرفوع به واو فرعی است.)

۳ ذی (زیرا مضاف الیه و مجرور به یاء فرعی است.)

۴ مصابیحَ (مجرور به حرف جرّ است اما چون بر وزن صیغه منتهی الجموع است، غیرمنصرف بوده و اعرابش مجرور فرعی به فتحه است.)

تمرین چهارم : برای اعراب و تحلیل صرفی!

۱ بالشّاکرین : مجرور به حرف جرّ فرعی به یاء

تحلیل صرفی :

بِـ : حرف عامل جرّ مبنی بر کسر

الشّاکرین : اسم جمع سالم مذکر حقیقی مشتق اسم فاعل از ثلاثی مجرد معرفه به ال معرب منصرف

(بأعلم هم مجرور به حرف جرّ فرعی به فتحه است. از آنجا که غیرمنصرف است خوب است اشاره شود)

۲ اسماعیل : مفعول به و منصوب به فتحه اصلی

تحلیل صرفی : اسم مفرد مذکر حقیقی جامد غیرمصدری معرفه به علمیّت معرب غیرمنصرف (علم غیرعربی)

۳ الصّالحات : مفعول به و منصوب فرعی به کسره

تحلیل صرفی : اسم جمع سالم مؤنث مجازی مشتق اسم فاعل از ثلاثی مجرد معرفه به ال معرب منصرف

۴ فرعون : فاعل و مرفوع به ضمه

تحلیل صرفی : اسم مفرد مذکر حقیقی جامد غیرمصدری معرفه به علمیّت معرب غیرمنصرف (علم غیرعربی)

(مصر هم مضاف الیه و مجرور فرعی به فتحه است. از آنجا که غیرمنصرف است خوب است اشاره شود)

۵ مریم : مضاف الیه و مجرور فرعی به فتحه

تحلیل صرفی : اسم مفرد مؤنث حقیقی لفظی–معنوی جامد غیرمصدری معرفه به علمیّت معرب غیرمنصرف(علم مؤنث)

تمرین پنجم : جواب صحیح را مشخص کن سپس آن را اعراب کن.

۱ المشرقَینِ مضاف الیه و مجرور به یاء فرعی است.

۲ المفسدینَ صفت و مجرور به یاء فرعی است. از آنجا که «قوم» دلالت بر معنای جمعی می‌کند، «المفسدَینِ» نیز نمی‌تواند انتخاب صحیح باشد چراکه مثنی است.

۳ السّیِّئاتِ مفعول به و منصوب به کسره فرعی است. «سیّئاتٍ» هم انتخاب درستی نیست زیرا این کلمه در جمله با «ال» همراه شده لذا نمی‌تواند تنوین بگیرد.

۴ المحسنین مضاف الیه و مجرور به یاء فرعی است. محسنون و محسنتان هردو مرفوع با اعراب فرعی هستند لذا انتخاب مناسبی برای این عبارت نیستند.

۵ المجرمون نایب فاعل و مرفوع به واو فرعی است. «مجرماتُ» نمی‌تواند بیاید زیرا فعل «یُعرفُ» مذکر است. «مجرمین» هم نمی‌تواند باشد زیرا منصوب است.

۶ أخاک مفعول به و منصوب فرعی به الف است. «أخوک» مرفوع به واو فرعی و «أخیک» مجرور به یاء فرعی است.

تمرین ششم : برای تحلیل صرفی!

فعل	ماضي مضارع/امر	مجرد مزید	باب	لازم متعدي	معلوم مجهول	معرب مبني
عَمِلُوا	ماضی	ثلاثی مجرد	.....	متعدی	معلوم	مبنی
اتَّخِذُوا	امر	ثلاثی مزید	افتعال	متعدی	معلوم	مبنی
تُكْرَهُ	مضارع	ثلاثی مجرد	.....	متعدی	مجهول	معرب
أُذْكُرْ	امر	ثلاثی مجرد	.....	متعدی	معلوم	مبنی
أَنْزِلْ	امر	ثلاثی مزید	افعال	متعدی	معلوم	مبنی

اسم	مفرد/مثنی/جمع	مذکر/مؤنث	معرفه/نکره	جامد/مشتق	معرب/مبني
الصَّالِحات	جمع سالم	مؤنث مجازی	معرفه بـأل	مشتق اسم فاعل	معرب
الْمُتَّقينَ	جمع سالم	مذکر	معرفه بـأل	مشتق اسم فاعل	معرب
ذلِكَ	مفرد/ اشاره به دور	مذکر	معربه به اشاره	.....	مبنی
الْكافِرينَ	جمع سالم	مذکر	معرفه بـأل	مشتق اسم فاعل	معرب
إبْراهيم	مفرد	مذکر حقیقی	معرفه به علم	جامدغیرمصدری	معرب

درس پنجم

هدف کلی : دانش‌آموز با اعراب تقدیری و محلی در اسم آشنا شود.

اهداف جزئی :

۱ دانش‌آموز معنا و مفهوم اعراب تقدیری را بیاموزد.
۲ دانش‌آموز اعراب اسم‌های مقصور، منقوص و مضاف به یاء متکلم وحده را یاد بگیرد.
۳ اسم‌های مبنی به دانش‌آموز یاد آوری شود.
۴ معنا و مفهوم اعراب محلی به دانش‌آموز آموزش داده شود.
۵ دانش‌آموز با اعراب اسامی مبنی آشنا شود.
۶ دانش‌آموز معنا و مفهوم اعراب محلّی را بیاموزد.

انتظارات عملکردی :

در پایان این درس انتظار می‌رود دانش‌آموز :

۱ بتواند معنا و مفهوم اعراب تقدیری را درک کند و تعریف دقیقی از آن ارائه دهد.
۲ اعراب تقدیری در اسامی مقصور، منقوص و مضاف به یاء متکلم را شناسایی کند.
۳ اعراب اصلی در اسم منقوص را بیابد.
۴ اسامی مبنی را به‌طور دقیق به خاطر بیاورد.
۵ بتواند معنا و مفهوم اعراب محلی را درک کند و تعریف دقیقی از آن ارائه دهد.
۶ اعراب اسامی مبنی را دریابد.
۷ تفاوت اعراب محلی را با مفاهیم مبنی بر فتح، ضم، کسر و سکون درک کند.

پیشنهادات آموزشی برای دبیر در ترجمه درس پنجم

در دروس پیشین به موضوعات اعراب اصلی و فرعی پرداختیم. در متن این درس کلماتی با اعراب‌های اصلی و فرعی داریم و نیز کلمات غیرمنصرف نیز وجود دارند. خوب است در هنگام ترجمه به بعضی از این موارد اشاره شود تا با تکرار، مطالب را به حافظه بلند مدت دانش‌آموزان ببریم.

در بخش واژگان نیز دانش‌آموزان را به مفرد و جمع کلمات توجه دهید :

غَصن جمعش أغصان و غُصون، بَدر جمعش بُدور، جِذع جمعش جُذوع، جزیرَة جمعش جُزُر، مَحصول جمعش مَحاصیل است.

در واژگان، چند مورد مترادف نیز مطرح شده است که دانستن آنها بسیار حائز اهمیت است :

أطیَب = أحسَن= أفضَل　　مُزارِع= زارِع = فَلّاح

شگفتی‌های درختان

پدیده‌های طبیعت یک حقیقت را ثابت می‌کند و آن، قدرت خداوند است. الان بعضی از این پدیده‌ها را توصیف می‌کنیم :

انگور برزیلی درختی است که با بقیه درختان جهان متفاوت است، در برزیل می‌روید و میوه‌هایش بر تنه‌اش رشد می‌کند و از مهم‌ترین ویژگی‌های این درخت، این است که در طول سال میوه می‌دهد.

درخت سکویا درختی از بلندترین درختان جهان در کالیفورنیا است، ارتفاع بعضی از آنها گاهی به بیش از صد متر می‌رسد و قطرش گاهی به نه متر می‌رسد و عمرش تقریباً تا سه هزار و پانصد سال افزایش می‌یابد.

درخت خفه کننده درختی است که در بعضی از جنگل‌های استوایی رشد می‌کند. زندگی‌اش را با پیچیده شدن دور تنه یک درخت و شاخه‌هایش شروع می‌کند، سپس آن را به تدریج خفه می‌کند. نوعی از آن در جزیره قشم که در استان هرمزگان واقع است، پیدا می‌شود.

درخت نان درختی استوایی است که در جزیره‌های اقیانوس آرام رشد می‌کند و در انتهای شاخه‌هایش میوه‌هایی همچون نان را حمل می‌کند. مردم مغز این میوه‌ها را می‌خورند.

درخت نفت درختی است که کشاورزان آن را همچون پرچین دور مزرعه‌ها به‌کار می‌گیرند

برای حمایت کردن محصولاتشان از حیوانات، زیرا بوی این درخت، بد است و حیوانات از آن فرار می‌کنند. دانه‌هایش حاوی مقداری از روغن‌هایی است که سوختن آنها باعث خروج هیچ گاز آلوده کننده‌ای نمی‌شود و تولید نفت از آنها ممکن است. نوعی از آنها به نام درخت مداد، در شهر نیکشهر در استان سیستان و بلوچستان پیدا می‌شود.

درخت بلوط از درختان کهن‌سال است و گاهی عمرش به دو هزار سال می‌رسد. جنگل‌های زیبایی از آنها در دو استان ایلام و لرستان پیدا می‌شود. سنجاب بعضی از دانه‌های سالم بلوط را زیر خاک دفن می‌کند و گاهی مکان آنها را فراموش می‌کند و در سال آینده (بعد) آن دانه رشد می‌کند و درخت می‌شود.

امام صادق علیه‌السلام فرمود: کشاورزی کنید و نهال بکارید،.... به خدا سوگند مردم کاری را حلال‌تر و خوب‌تر از آن، انجام نداده‌اند!

حل تمارین ناظر به متن

بر اساس متن درس، در جای خالی کلمه ای مناسب قرار بده!

۱ (الإلتفات) درخت خفه کننده زندگی اش را با پیچیدن دور تنه یک درخت و شاخه‌هایش شروع می‌کند.

۲ (غازات) سوختن روغن‌های درخت نفت سبب خروج هیچ گاز آلوده کننده ای نمی‌شود.

۳ (محافظتی/ در اصل محافظتَینِ بوده که به علت اینکه مضاف واقع شده است، نون آن حذف گردیده است.) جنگل‌های زیبایی از درختان بلوط در دو استان ایلام و لرستان پیدا می‌شود.

۴ (مئة) ارتفاع برخی از درختان سکویا گاهی به بیش از صد متر می‌رسد.

۵ (أغصانها) درخت نان میوه‌هایی همچون نان را در انتهای شاخه‌هایش حمل می‌کند.

۶ (جذع) میوه‌های انگور برزیلی بر روی تنه درختش رشد می‌کند.

موضوعات درس پنجم

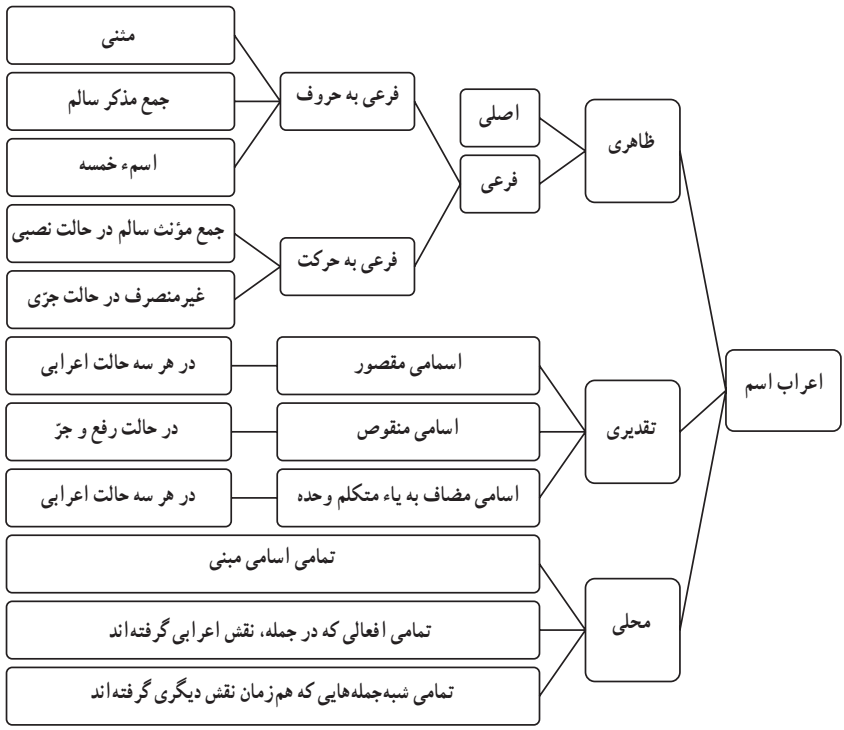
۱ اعراب تقدیری ۲ اسم مقصور و منقوص ۳ اعراب محلّی

مقدمه

در دروس گذشته پیرامون اعراب اسم سخن گفتیم و مطرح شد اسامی با توجه به نقشی که در جمله می‌گیرند، اعراب خاصی خواهند داشت و آن اعراب را به انحاء مختلف نشان می‌دهند. در دو درس قبلی اعراب ظاهری (اصلی و فرعی) را بررسی کردیم. در این درس اعراب تقدیری و محلی تبیین می‌گردد. دسته‌ای از اسامی اعراب تقدیری و دسته‌ای دیگر، اعراب محلی می‌گیرند که موضوع این درس است. پس از تدریس می‌توانید از متن درس کمک بگیرید زیرا در متن، هم اعراب تقدیری وجود دارد هم اعراب محلّی.

مرور مفاهیم اصلی درس

یک بار دیگر جدول کلی اعراب اسم را ببینیم اما این بار اندکی کامل‌تر :



اعراب تقدیری

اعراب تقدیری به چه معناست؟ یعنی آن اسم، اعرابی که به واسطه نقش خود گرفته را در ظاهرش نمی‌تواند آشکار کند و مانعی برای ظاهر شدنِ اعراب وجود دارد اما در واقع و باطنش آن اعراب را داراست.

اما کدام اسامی نمی‌توانند اعراب خود را آشکار کنند و مانعِ این امر چیست؟

۱ اسامی مقصور

۲ اسامی منقوص (به جز در حالت نصبی)

۳ اسامی مضاف به یاء متکلم وحده

اسامی مقصور

در پایه دهم گفته شد که اسامی که به الف ختم شوند (الف بدون همزه) مقصور نام دارند. این «الف» می‌تواند «الف کشیده» باشد مثل : «الدُنیا» یا «الف بر پایه حرف ی» مثل : «**الهُدَیٰ**». وجود «الف» در انتهای اسم، مانع از این می‌شود که آن اسم بتواند اعراب خود را نشان دهد لذا اسامی مقصور، اعرابشان در هر سه حالت، تقدیری است؛ به‌طور مثال : کلمه «الدّنیا» را در مثال‌های زیر ببینیم :

۱ إنّما الحیاةُ الدّنیا لعِبٌ و لهوٌ.

در این آیه، کلمه «الدّنیا» نقش صفت دارد و اعرابش به تبع کلمه «الحیاة»، مرفوع است اما نمی‌تواند حرکت ضمه را نشان دهد لذا دارای اعراب تقدیری است.

۲ اولئک الَّذینَ اشتَرَوُا الحَیاةَ الدُّنیا بِالآخِرَةِ

در این آیه، کلمه «الدّنیا» نقش صفت دارد و اعرابش به تبع کلمه «الحیاة»، منصوب است اما نمی‌تواند حرکت فتحه را نشان دهد لذا دارای اعراب تقدیری است.

۳ فَما جزاءُ مَن یَفعَل ذلِکَ مِنکُم إلاّ خِزیٌ فِی الحَیاةِ الدُّنیا

در این آیه، کلمه «الدّنیا» نقش صفت دارد و اعرابش به تبع کلمه «الحیاة»، مجرور است اما نمی‌تواند حرکت کسره را نشان دهد لذا دارای اعراب تقدیری است.

همان‌طور که دیدیم اسم مقصور در هر سه حالت رفع، نصب و جرّ دارای اعراب تقدیری بود و نمی‌توانست در ظاهر خود، علامتی را نشان دهد.

اما ببینیم که اسم مقصور به چه اشکالی می‌تواند در جمله بیاید؟

چنانچه به «الف کشیده» ختم شده باشد؛ نظیر «دنیا» چه معرفه باشد چه نکره و در هر حالت اعرابی باشد، به همین شکل می‌آید؛ در نمونه‌های فوق هم دیدیم. اگر «الف» بر پایه حرف «ی» باشد چنانچه معرفه به «الـ» باشد، آن را با همان حرف می‌بینیم مثل : «الهُدَیٰ» اما اگر به صورت نکره بیاید، همواره آن را با تنوین نصب یعنی به صورت «هُدًی»(تنوین نصب بر روی حرف دال) یا «هُدیً» (تنوین نصب بر روی حرف ی) می‌بینیم، البته قرائت و خوانش هردو یکسان است و فقط در رسم الخط به این صورت نوشته می‌شود. از سویی این تنوینی که در انتهای اسم مقصور قرار گرفته است، اصلاً نشانه اعرابی نیست و این اسم در هر سه حالت اعرابی ــ حتّی نصبی ــ دارای اعراب تقدیری است.

أشکال اسم مقصور	ال دار	بدون ال	
ختم به الف کشیده	الدُّنیا	دُنیا	هر کدام از این اشکال در هر حالت اعرابی باشند، اعرابشان تقدیری است.
ختم به الف بر پایه ی	الهُدَیٰ	هدًی	

اسامی منقوص

در پایه دهم آموزش دادیم که اگر یک اسم معرب به «یاء ماقبل مکسور و غیر مشدّد» ختم شود، منقوص نام دارد؛ مثل : «القاضِی». اسامی منقوص در حالت رفع و جرّ دارای اعراب تقدیری هستند اما در حالت نصبی علامت نصب خود را بروز داده و دارای اعراب ظاهری هستند. نمونه‌های زیر را ببینیم :

۱ جاء القاضی : در این جمله کلمه «القاضی» فاعل و مرفوع تقدیرا است.

۲ مَرَرتُ بالقاضی : در این جمله کلمه «القاضی» مجرور به حرف جر بوده و جرّش تقدیری است.

اما در این عبارت :

۳ رأَیتُ القاضِیَ : کلمه «القاضیَ» مفعول به و منصوب به فتحه ظاهری است.

پس اسامی منقوص اگر نقش‌های مرفوعی یا مجروری بگیرند، اعرابشان تقدیری خواهد بود اما هرگاه در نقش‌های منصوبی قرار گیرند، اعراب ظاهری و اصلی خواهند داشت.

دو نکته درباره اسم منقوص

۱ ماقبل مکسور بودن در اسامی منقوص بسیار مهم است. کلماتی مثل ظَبْی (آهو) یا سَعْی (تلاش) که به یاء ختم شده ولی ماقبل مکسور نیستند، بلکه ماقبل ساکن هستند، منقوص به شمار نمی‌روند و یک اسم صحیح الآخرند.

از سویی غیرمشدّد بودن نیز یکی از نکات بسیار مهم در اسامی منقوص است، چنانچه اسمی به یاء مشدّد ختم شود نظیر علیّ، نبیّ، عربیّ، ایرانیّ و... اصلا منقوص نیستند بلکه صحیح الآخرند و اعراب اصلی می‌گیرند.

۲ اسامی منقوص به سه شکل می‌توانند در جمله بیایند :

۱ همراه با «الـ» : هرگاه اسم منقوص به صورت معرفه بـأل بیاید، به صور زیر دیده می‌شود :

در حالت رفعی و جرّی : القاضی / در حالت نصبی : القاضیَ

۲ مضاف : هرگاه اسم منقوص مضاف واقع شود، به شکل‌های زیر می‌آید :

در حالت رفعی و جرّی : قاضِی المدینةِ (در این حالت شکل خوانش کلمه، با حذف حرف «ی» است یعنی به صورت «قاضِی المدینةِ» نوشته می‌شود اما به صورت «قاضِ المدینةِ» خوانده می‌شود.)/ در حالت نصبی : قاضِیَ المدینةِ

۳ بدون «الـ» و اضافه : هرگاه اسم منقوص نه ال داشته باشد و نه مضاف واقع شود و به عبارتی نکره بیاید، به اشکال زیر بکار می‌رود :

در حالت رفعی و جرّی : قاضٍ / در حالت نصبی : قاضِیًا

دیدیم که در حالت رفعی و جرّی حرف «ی» از انتهای اسم منقوص حذف می‌شود و به‌جای آن، یک تنوین جرّ قرار می‌گیرد. به این تنوین، عوض از حرف محذوف می‌گویند و اصلا حرکت و اعراب کلمه نیست، لذا همچنان اعرابش تقدیری خواهد بود.

یک بار دیگر مطالب فوق را در جدول زیر ببینیم :

اعراب	ال دار	مضاف	خالی از ال و اضافه
رفع / تقدیری	جاء القاضِی	جاء قاضِی المدینةِ	جاء قاضٍ
نصب/ ظاهری	رأیتُ القاضِیَ	رأیتُ قاضِیَ المدینةِ	رأیتُ قاضِیًا
جرّ / تقدیری	مَرَرتُ بالقاضِی	مَرَرتُ بقاضِی المدینَةِ	مَرَرتُ بِقاضٍ

صحیح الآخر و معتلّ الآخر

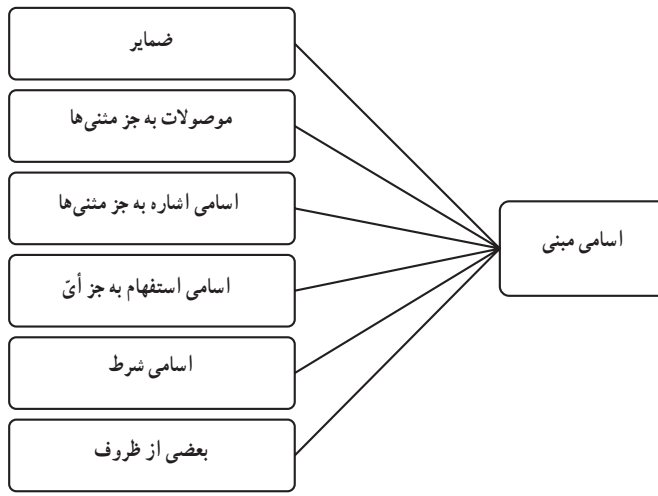
با اسامی مقصور و منقوص آشنا شدیم. این اسامی معتلّ الآخر نام دارند، زیرا به حرف علّه ختم می‌شوند؛ اسم مقصور به الف و اسم منقوص به یاء ماقبل مکسور ختم می‌شود. از این رو معتلّ به شمار می‌آیند؛ اما بقیه اسامی معرب، صحیح الآخر هستند. با توجه به آنچه تا کنون درباره اعراب اسم گفتیم، در می‌یابیم که دو دسته از اسامی هستند که در هر سه حالت، اعراب اصلی می‌گیرند :

۱ اسامی مفرد منصرف صحیح الآخر

۲ اسامی جمع مکسّر منصرف صحیح الآخر

اعراب محلّی

تاکنون هرآنچه آموزش دادیم، مربوط به اعراب اسامی معرب بود، اما اعراب محلّی مربوط به اسامی مبنی است. در پایه دهم اسامی مبنی آموزش داده شده بود. در ابتدای این کتاب نیز در بخش دوره پایه دهم، نکاتی عرض کردیم. اسامی مبنی، دارای حرکت ثابت هستند و در هر جایگاه اعرابی قرار بگیرند، حرکت انتهای آنها ثابت است و نمی‌توانند با توجه به نقششان اعراب‌های متفاوت را بروز دهند، لذا هنگامی که نقش‌های مختلف می‌گیرند، صرفاً می‌گوییم که در محلّ و جایگاه رفع، نصب یا جرّ قرار گرفته‌اند. یک بار دیگر اسامی مبنی را ببینیم :



به مثال‌های زیر با دقت نگاه کنید :

۱ هذا رجلٌ : کلمه «هذا» مبتدا و مرفوع است، اما نمی‌تواند رفع خود را به هیچ شکلی (اصلی، فرعی یا تقدیری) نشان دهد، لذا می‌گوییم در محلّ و جایگاه رفع قرار گرفته و محلاً مرفوع است.

۲ رأیتُ هذا الرّجُلَ : در این جمله، کلمه «هذا» مفعول‌به و منصوب است، لذا در محلّ و جایگاه نصب قرار گرفته و محلاً منصوب است.

۳ سمعتُ کلاماً عن هذا الرّجلِ : در این جمله، کلمه «هذا» مجرور به حرف جرّ است، لذا در محلّ و جایگاه جرّ قرار گرفته و محلاً مجرور است.

نمونه‌های دیگری را از متن درس، باهم ببینیم :

۱ تنمُو تلکَ الجَوزَة و تصیرُ شجرةً : اسم اشاره «تلکَ» در این جمله، فاعل و محلاً مرفوع است.

۲ تخنُقُـها تدریجیّاً : ضمیر «ها» در این جمله، مفعول‌به و محلاً منصوب است.

۳ یوجَدُ نوعٌ منها فی جزیرةِ قشم الّتی تقع فی مُحافظةُ هرمزجان : اسم موصول «الّتی» در این جمله، صفت و محلاً مجرور است.

کلمات رنگی را اعراب کن. (البته در این کتاب همه را اعراب می‌نماییم. دبیر محترم با توجه به سطح دانش‌آموزان، می‌تواند موارد بیشتری را مورد بررسی قرار دهد.)

۱ گفت : من یوسفم و این، برادرم است...

قال : فعل و فاعلش هو مستتر (جمله فعلیه) / أنا یوسف : جمله اسمیه و مفعول‌به برای فعل قال و محلاً منصوب/ أنا : مبتدا و محلاً مرفوع/ یوسف : خبر مفرد و مرفوع به ضمه اصلی/ و : حرف عطف/ هذا أخی : جمله اسمیه و معطوف و محلاً منصوب بالتّبعیّة/ هذا : مبتدا و محلاً مرفوع/ أخ : خبر مفرد و تقدیراً مرفوع/ ی : مضاف‌الیه و محلاً مجرور

۲ پروردگارا! سینه ام را برایم فراخ گردان!

ربِّ : منادای مضاف (در پایه دوازدهم آموزش داده می‌شود)/ اشرَح : فعل و فاعلش أنتَ مستتر/ لی : جار و مجرور محلاًّ صدر : مفعول‌به و منصوب تقدیراً/ ی : مضاف الیه و محلاً مجرور

۳ نماز را برای یاد من برپادار!

أقم : فعل امر و فاعلش أنتَ مستتر/ الصّلاةَ : مفعول‌به و منصوب به فتحه اصلی/ لذکر : جار

و مجرور تقدیراً/ ی : مضاف الیه و محلاً مجرور

نمودار اعراب اسم که در پایان این درس قرار گرفته است، بسیار مهم، مفید و جمع‌بندی عالی و مختصری است حتماً دانش‌آموزان را به آن ارجاع دهید تا ذهن آنها نظم بگیرد.

دانستنی‌های دبیر

«الف» حرفی است که قلب از «واو» یا «یاء» است، یعنی در اصل «واو» یا «یاء» بوده است. پس اسمی که به «الف» ختم شود، معتلّ الآخر است. حرف علّه اصلی‌ترین مانع در نشان دادن حرکت اعرابی اسامی مقصور است.

اینکه اسم مقصور نکره در حالت نصبی هم اعرابش تقدیری است، به‌خاطر قواعد اعلال است. بیایید یک نمونه را ببینیم :

کلمه «هدًی» را در حالت نصبی در نظر بگیرید. اصل این کلمه با حرف علّه و تنوین نصب به این شکل است : «هُدَیًا» اکنون تنوین را باز می‌کنیم و به صورت «هُدَیَنْ» می‌نویسیم. طبق قواعد اعلال «حرف علّه متحرّک ماقبل مفتوح قلب به الف می‌شود» پس با توجه به اینکه حرف «یَ» متحرک و ماقبل مفتوح است، آن را قلب به «الف» می‌کنیم. حالا «هُدانْ» داریم. اکنون التقاء ساکنین اتفاق افتاد زیرا حرف کشیده «ا» به حرف ساکن «نْ» رسیده است، پس حرف علّه را باید حذف کنیم، لذا «هُدَنْ» باقی می‌ماند. حال تنوین را جمع می‌کنیم و «هُدًَ» باقی می‌ماند اما چون تنوین نصب نیاز به پایه دارد، حرف «ی» را برای زینت می‌گذاریم و «هُدًَی» باقی می‌ماند. از شرح این نمونه دو نکته برای ما روشن می‌شود :

اولاً دیدیم که در اعراب تقدیری واقعا نشانه اعرابی وجود داشت و به‌خاطر قواعد اعلال در تقدیر رفت. بدین ترتیب مفهوم تقدیری بودن اعراب، روشن می‌شود. پیشنهاد می‌کنم این نمونه را برای دانش‌آموزان بیان کنید تا مفهوم «تقدیری» را بفهمند اما تأکید کنید که این قواعد اعلالی و مراحل اعلالی هرگز مورد پرسش نخواهد بود.

ثانیاً دیدیم که این تنوینی که در ظاهر کلمه می‌بینیم خودش نشانه اعرابی نیست بلکه به‌خاطر قوانین اعلالی بر کلمه عارض گشت.

در حالت جرّی و رفعی هم همین است. می‌توانیم در زیر مراحل آن را ببینیم :

«هدًی» در حالت رفعی= (اصل کلمه با اعراب رفع :) هُدَیُنْ ← (حرف علّه متحرک ماقبل مفتوح قلب به الف :) هُدانْ ← (التقاء ساکنین و حذف حرف علّه :) هُدَنْ ← (جمع کردن تنوین :) هُدً ← (افزودن پایه تنوین نصب :) هُدًی

«هدًی» در حالت جرّی= (اصل کلمه با اعراب جرّ :) هُدَیِنْ ← (حرف علّه متحرک ماقبل مفتوح قلب به الف :) هُدانْ ← (التقاء ساکنین و حذف حرف علّه :) هُدَنْ← (جمع کردن تنوین :) هُدً ← (افزودن پایه تنوین نصب :) هُدًی

دیدیم که در هر سه حالت یک روند پیش می‌رود و به همین خاطر است که شکل نهایی کلمه در هر سه حالت اعرابی یکسان است.

۳ اسامی مقصور فقط در حالتی که مفرد باشند دارای اعراب تقدیری هستند اما اگر مثنی یا جمع شوند تابع قواعد اسامی مثنی و جمع می‌گردند و گاهی هم درگیر تغییرات ظاهری می‌شوند؛ مثلاً مثنای «کُبریٰ» می‌شود : «کُبَریانِ/ کُبَرَیَینِ» که اعراب ظاهری و فرعی دارد و جمعش می‌شود :«کُبَریات» که اعراب ظاهری دارد.

۴ بیایید در اسامی منقوص هم ببینیم که اعرابشان به چه ترتیبی تقدیری می‌شود :

در حالت رفعی : قاضِیٌ (تنوین را باز می‌کنیم) ← قاضِیُنْ (ضمه بر حرف علّه ثقیل است، در ناقص‌ها حرف علّه، ساکن می‌شود) ← قاضِیْنْ (التقاء ساکنین و حذف حرف علّه) ← قاضِنْ (حالا تنوین را جمع می‌کنیم) ← قاضٍ

در حالت نصبی : قاضِیًا (تنوین را باز می‌کنیم) ← قاضِیَنْ (هیچ قاعده اعلالی اتفاق نمی‌افتد و به همین شکل باقی می‌ماند)

در حالت جرّی : قاضِیٍ (تنوین را باز می‌کنیم) ← قاضِیِنْ (کسره بر حرف علّه ثقیل است، در ناقص‌ها حرف علّه، ساکن می‌شود) ← قاضِیْنْ (التقاء ساکنین و حذف حرف علّه) ← قاضِنْ (حالا تنوین را جمع می‌کنیم) ← قاضٍ

۵ اسامی منقوص نیز فقط در حالتی که مفرد باشند دارای اعراب تقدیری هستند اما اگر مثنی یا جمع شوند تابع قواعد اسامی مثنی و جمع می‌گردند و گاهی هم درگیر تغییرات ظاهری می‌شوند؛ مثلاً مثنای «هادِی» می‌شود : «هادِیانِ/هادِیَینِ» و جمعش با قواعد اعلالی درگیر می‌شود و نهایتا «هادونَ وهادینَ» باقی می‌ماند در این احوالات نیز اعرابش را در ظاهر کلمه می‌بینیم و همچنان اعراب ظاهری و فرعی دارد.

۶ اسامی معرب بر اساس حرف آخرشان مبسوط تر از آن چیزی است که در کتاب درسی آمده است :

اسامی معرب به اعتبار حرف آخر :

معتلّ الآخر (اسامی هستند که به حرف علّه ختم می‌شوند و عبارتند از : مقصور، منقوص، ممدود)

شبه معتلّ الآخر (اسامی مثنی و جمع مذکر سالم وقتی مضاف واقع می‌شوند، نون آنها حذف می‌شود و در واقع به الف، واو، یاء ختم می‌شوند، از این رو شبه معتل الآخر نام دارند)

شبه صحیح الآخر (اسامی که به واو و یاء ماقبل ساکن ختم می‌شوند مثل : سَعْی)

صحیح الآخر (اسامی که هیچ کدام از سه قسم قبلی نباشند)

غیر از اسامی مبنی، در دو جایگاه دیگر هم شاهد اعراب محلّی هستیم.

هرگاه جمله، نقش خاصی بگیرد اعرابش محلّی خواهد بود؛ به‌طور مثال پیش تر آموختیم که یک جمله اسمیه علاوه بر اینکه خودش یک جمله است و دارای مبتدا و خبر است، می‌تواند خبری برای یک مبتدای دیگر باشد یا یک فعل می‌تواند ضمن اینکه فعل است، خبری برای یک مبتدا باشد. در چنین شرایطی این جمله، به واسطه نقش خبر، مرفوع است اما دیگر نمی‌تواند اعرابی که به واسطه نقش دارد را نشان دهد و صرفاً در جایگاه رفع قرار گرفته است. این نکته را در مثال روبه‌رو ببینیم : «ظواهرُ الطّبیعةِ تُثبِتُ حقیقةً واحدةً» در این جمله، «ظواهرُ» مبتدا و مرفوع به ضمه اصلی است و «تُثبِتُ» خبر از نوع جمله فعلیه و محلاً مرفوع است. چرا علی‌رغم اینکه در ظاهر «تُثبِتُ» علامت ضمه را داریم و این فعل، مبنی هم نیست، باز هم می‌گوییم اعرابش محلی است؟ زیرا یک فعل در هر شرایطی هر نقشی بگیرد، اعراب آن نقش را به صورت محلّی داراست هرچند در ظاهرش هم آن علامت را ببینیم. در واقع ضمه‌ای که بر لام الفعل «تثبتُ» قرار دارد به واسطه این است که یک فعل مضارع، در شرایط عادی، مرفوع است و این حرکت را به‌خاطر نقش خاصی نگرفته است؛ پس اگر نقش خاصی غیر از فعل بودن بگیرد، اعرابش محلّی خواهد بود.

هرگاه شبه جمله، علاوه بر اینکه ظرف یا جار و مجرور است، نقش دیگری بگیرد اعرابش محلّی خواهد بود؛ به‌طور مثال در پایه دهم گفتیم که یک شبه جمله می‌تواند خبر واقع شود. خبر مرفوع است اما ظرف، منصوب و جار و مجرور هم که واضح است، مجرور شده است؛ حال یک

شبه جمله چگونه اعراب خبر را نشان می‌دهد؟ امکان بروز این اعرابِ دوم وجود ندارد لذا صرفاً در جایگاه رفع قرار گرفته است و محلاً مرفوع خواهد بود.

اشتباهات رایج دانش‌آموزان و راهکار

۱ برخی از دانش‌آموزان از پایه دهم، اسم مقصور و ممدود را به درستی به خاطر نمی‌سپارند و نتیجتاً در پایه یازدهم در بحث اعراب تقدیری، متوجه نمی‌شوند کدامشان اعراب تقدیری دارد یا به اشتباه، اسامی ممدود را هم دارای اعراب تقدیری می‌پندارند.

راهکار : اولا به آنها یادآوری کنید که اسم مقصور به الف بدون همزه ختم می‌شود و چنانچه بعد از الف، همزه بیاید، اسم ممدود داریم. ثانیا یک اسم ممدود را در نظر بگیرید؛ مثلاً «العلماء». آیا مانعی برای بروز حرکات اعرابی وجود دارد؟ آیا نمی‌توانیم بگوییم : «العلماءُ / العلماءَ/ العلماءِ»؟ به راحتی می‌توان یک اسم ممدود را با حرکات مختلف تلفظ کرد اما در مقابل، کلمه «دنیا» را ببینید! هرگز نمی‌توانید آن را با حرکات ضمه، فتحه و کسره بخوانید و «الف» مانع این خوانش می‌شود؛ حالا دیگر به خاطر می‌سپارید که کدام‌یک دارای اعراب تقدیری است!

۲ برخی از دانش‌آموزان وقتی اسم مقصور نکره را در حالت نصبی می‌بینند، فکر می‌کنند اعرابش ظاهری است، در حالی‌که اسم مقصور مفرد در همه احوال دارای اعراب تقدیری است. شرح موضوع را با طرح سؤال و نمونه بیان می‌کنیم. در عبارت «و جعَلناهُ هُدًی لبنی اسرائیل » که کلمه «هدًی» نقش مفعول به دوم و منصوب را دارد، آیا نمی‌توانیم نصبش را ظاهری اصلی به تنوین نصب بگیریم؟ پاسخ، خیر است! این کلمه از آنجا که اسم مقصور است، در هر سه حالت اعرابی تقدیری است هرچند ظاهرا با تنوین نصب دیده شود. وجود تنوین نصب به خاطر قوانین اعلالی است و ظهور اعراب کلمه نیست پس در اینجا هم کلمه «هدًی» منصوب تقدیرا است. (می توان در اینجا به صورت گذرا و با بیانی روان، نکاتی که در بالا گفته شد، بیان کنیم تا به‌طور دقیق مفهوم شود.)

۳ «غیر مشدّد بودن» در اسم منقوص بسیار مهم است که غالباً در خاطر دانش‌آموزان نمی‌ماند و مغفول واقع می‌شود. می‌توانید با شرح مثالی نظیر کلمه «علیّ» که دارای یاء مشدد هست، مطلب را برای آنها قابل فهم کنید. چرا اگر اسمی به یاء مشدد ختم شود، دیگر منقوص نیست؟ به

کلمه «علیّ» دقت کنید. حروف اصلی کلمه «علیّ» چیست و بر چه وزنی است؟ حروف اصلی این کلمه «ع ل و» و بر وزن «فَعِیْل[۱]» است یعنی در اصل «عَلِیْو» بوده است و بر اساس قواعد اعلالی و برای رعایت تناسب، حرف «واو» به «یاء» تغییر کرده و «عَلِیْی» شده و نهایتا دوتا «یاء» در هم ادغام شده و مشدد گردیدند و «علیّ» به دست آمد؛ لذا دیدیم که این کلمه از اصل و اساس به «یاء ماقبل مکسور» ختم نشده است. کلمه دیگری که می‌توان به عنوان نمونه شرح داد «قَویّ» است. ریشه این کلمه «ق و ی» و وزنش «فَعِیْل» است یعنی «قَوِیْی» بوده سپس دوتا «یاء» درهم ادغام شده، مشدّد گردیده است و به «قَویّ» تبدیل شده است؛ در این حالت هم دیدیم که این کلمه به «یاء ماقبل ساکن» ختم شده است نه «یاء ماقبل مکسور» لذا منقوص نیست.

۴ برخی از اسامی مبنی به «الف» یا «یاء» ختم می‌شوند؛ مثل : «هذا» و «الّتی». برخی از دانش‌آموزان به این موضوع دقت نمی‌کنند که این اسامی، مبنی هستند و در هر سه حالت اعرابی، محلّی هستند و تنها به انتهای آنها می‌نگرند و اعرابشان را تقدیری می‌پندارند. تأکید بر این نکته ضروری می‌نماید که تمرکز بر اسامی مبنی داشته باشند تا به اشتباه، آنها را دارای اعراب تقدیری ندانند؛ به عبارتی این نکته باید مورد تأکید قرار گیرد که اعراب تقدیری مربوط به اسامی معرب و اعراب محلی مربوط به اسامی مبنی است. اسم در اعراب تقدیری، حرکتی که باید به واسطه نقش خود بگیرد را دارد اما به دلیل اختلالاتی که حرف علّه ایجاد می‌کند، قادر به نشان دادن آن حرکت نیست اما اسم، در اعراب محلّی اصلا آن حرکت را نگرفته و نمی‌تواند بگیرد و فقط در جایگاه‌های رفع، نصب و جرّ قرار دارد.

تمارین

تمرین اول : آنچه در عبارات زیر آمده را مشخص کن :

الف) اعراب رفع و نصب و جرّ

ب) علامت‌های اعراب

ج) نوع اعراب (اصلی، فرعی، تقدیری یا محلّی)

د) نوع اسم (جمع مذکر سالم و. . .)

۱ــ این نکته را نیز به دانش‌آموزان گوشزد کنید که عرب زبان‌ها «اِیْ» را «ای» می‌خوانند لذا وزن «فَعِیْل» که می‌گوییم وهمان است که دانش‌آموزان «فَعیل» می‌خوانند.

الكلمة	الاعراب	علامة الاعراب	نوع الاعراب	نوع الاسم
كُم	مفعول‌به	منصوب محلاً	محلي	مبنی / ضمير
تقوی	مجرور به‌حرف جرّ	مجرور تقديراً	تقديری	معرب/ مقصور
يومانِ	خبر مفرد	مرفوع به الف	ظاهری فرعی به حروف	معرب/ مثنی
يومٌ	خبر برای مبتدای محذوف	مرفوع به‌تنوين رفع	ظاهری اصلی به تنوين	معرب/ مفرد
ک	مجرور به حرف جرّ	مجرور محلاً	محلّی	مبنی / ضمير
اولئکَ	مبتدا	مرفوع محلاً	محلّی	مبنی / اشاره
هدًی	مجرور به حرف جرّ	مجرور تقديراً	تقديری	معرب/ مقصور
ربّ	مجرور به حرف جرّ	مجرور به كسره	ظاهری اصلی به كسره	معرب/مفرد
هم	مضاف اليه	مجرور محلاً	محلّی	مبنی / ضمير
المفلحونَ	خبر مفرد	مرفوع به واو	ظاهری فرعی به حروف	معرب/ جمع مذكر

بقيه اسامی كه در عبارات وجود دارند اما در جدول نيستند :

۱ نظمِ : معطوف و مجرور به كسره اصلی ــ أمرِ : مضاف اليه و مجرور به كسره اصلی ــ كم : مضاف اليه و محلاً مجرور (اسم مبنی/ضمير)

۲ الدّهرُ : مبتدا و مرفوع به ضمه اصلی ــ يومٌ : دو نوع ديدگاه وجود دارد؛ برخی می‌گويند در چنين مواضعی، يومٌ بدل و مرفوع بالتّبعيّة است و برخی ديگر می‌گويند يومٌ خبر مفرد برای مبتدای محذوف است يعنی در اصل «هو يومٌ لک...» بوده است. در هر دو صورت مرفوع به ضمه اصلی است. ــ يومٌ (دومی) : معطوف و مرفوع به تنوين رفع

۳ هم : ضمير فصل است كه در دايره آموزشی دانش‌آموزان نيست. ضمير فصل بين مبتدا و خبر معرفه می‌آيد و هيچ محلّی از اعراب ندارد.

تمرين دوم : آيات و احاديث را ترجمه كن سپس كلمات رنگی را اعراب كن.

۱ آيا سخن موسی به تو رسيد؟

و / هل : هردو حرف هستند و نقش اعرابی ندارند. ـ أتا : فعل ـ کَ : مفعول‌به و محلاً منصوب ــ حديث : فاعل و مرفوع به ضمه اصلی ـ موسی : مضاف اليه و مجرور تقديرا (اسم مقصور)

۲ بگو بی گمان هدایت (حقیقی) هدایت خداوند است.

قل : فعل و فاعلش أنتَ مستتر ـ إنّ : حرف است و نقش نمی‌پذیرد ـ الهدَی : اسم إنّ و منصوب تقدیراً ــ هدَی : خبر مفرد إنّ و منصوب تقدیراً =اللهِ : مضاف الیه و مجرور به کسره اصلی

۳ و قرار بده برایم یاوری از خانواده‌ام.

و : حرف است و نقش نمی‌پذیرد ــ اجعل : فعل و فاعلش أنتَ مستترــ لی : جار و مجرور محلاً ــ وزیراً : مفعول‌به و منصوب به تنوین نصب ــ من أهل : جار و مجرور تقدیراً ــ ی : مضاف الیه و مجرور محلاً

۴ ای قومم‌ان! دعوت کننده خداوند را اجابت کنید!

یا : حرف ندا است و نقش نمی‌پذیرد ــ قوم : منادا مضاف و منصوب به فتحه است اما دانش‌آموزان هنوز نخوانده اند ــ نا : مضاف الیه و مجرور محلاً ــ أجیبوا : فعل و فاعلش ضمیر بارز واو ـ داعیَ : مفعول به و منصوب به فتحه اصلی ــ اللهِ : مضاف الیه و مجرور به کسره اصلی

۵ فروتنی نعمتی است که بر آن حسادت نمی‌شود!

التواضع : مبتدا و مرفوع به ضمه اصلی ــ نعمةٌ : خبر مفرد و مرفوع به تنوین رفع ــ لا یُحسَد : فعل مجهول و نایب فاعلش ضمیر مستتر هو ــ علیها : جار و مجرور محلاً

تمرین سوم : جملات را ترجمه کن سپس جدول زیر را کامل کن.

۱ شناخت خداوند سبحان برترین شناخت‌هاست.

۲ دین قوی ترین ستون است.

۳ هرکس دینش را فاسد کند، آخرتش را فاسد کرده است.

الکلمة	موقع الکلمة	الاعراب	علامة الاعراب
مَعْرِفَةُ	مبتدا	رفع	الضمة
اللَّهِ	مضاف الیه	جرّ	کسره
أَعْلَی	خبر مفرد	رفع	تقدیری
أَقْوَی	خبر مفرد	رفع	تقدیری
عِمَادٍ	مضاف الیه	جرّ	تنوین جرّ

الكلمة	موقع الكلمة	الاعراب	علامة الاعراب
مَنْ	مبتدا	رفع	محلّی
«ه» فی مَعَادَهِ	مضاف الیه	جرّ	محلّی

اعراب بقیه کلمات موجود در جملات :

۱ سبحان : مفعول مطلق محذوف العامل (هنوز خوانده نشده) و منصوب به فتحه اصلی / ـه : مضاف الیه و مجرور محلاً / المعارفِ : مضاف الیه و مجرور به کسره

۲ الدّینُ : مبتدا و مرفوع به ضمه اصلی

۳ أفسَدَ : فعل و فاعلش هو مستتر/ دینَ : مفعول‌به و منصوب به فتحه اصلی/ ـه : مضاف الیه و مجرور محلاً / معادَ : مفعول‌به و منصوب به فتحه اصلی/ کل عبارت «أفسَدَ ....» خبر جمله برای «مَن» و محلاً مرفوع

تمرین چهارم : جملات زیر را ترجمه کن سپس آنها را اعراب کن.

۱ اخلاص برترین ایمان است.

۲ اندک دینداری بهتر از بسیارِ دنیا است.

۳ تشخیص دادنِ جاودان از نابود شدنی، از شریف‌ترین دیدگاه‌هاست.

اعراب :

الْإِخْلَاصُ	أَعْلَى	الْإِيمَانِ		
مبتدا مرفوع به ضمه اصلی	خبر مفرد و تقدیرا مرفوع	مضاف الیه و مجرور به کسره اصلی		
يَسِيرُ	الدِّينِ	خَيْرٌ	مِنْ كَثِيرِ	الدُّنْيَا
مبتدا مرفوع به ضمه اصلی	مضاف الیه و مجرور به کسره اصلی	خبر مفرد و مرفوع به تنوین رفع	جار و مجرور به کسره اصلی	مضاف الیه و مجرور تقدیراً
تَمِيزُ	الْبَاقِي	مِنَ الْفَانِي	مِنْ أَشْرَفِ	النَّظَرِ
مبتدا مرفوع به ضمه اصلی	مضاف الیه و مجرور تقدیراً	جارّ و مجرور تقدیراً	جارّ و مجرور تقدیراً خبر شبه جمله محلاً مرفوع	مضاف الیه و مجرور به کسره اصلی

تمرین پنجم : برای تحلیل صرفی!

فعل	ماضي مضارع/امر	مجرد مزيد	باب	لازم متعدي	معلوم مجهول	معرب مبني
تَحْمِلُ	مضارع	مجرد	.....	متعدی	معلوم	معرب
أَفْسَدَ	ماضی	مزید	افعال	متعدی	معلوم	مبنی
اجْعَلْ	امر	مجرد	.....	متعدی	معلوم	مبنی
يُحسَدُ	مضارع	مجرد	.....	متعدی	مجهول	معرب

اسم	مفرد/مثنی/جمع	مذکر/مؤنث	معرفه/نکره	جامد/مشتق	معرب/مبني
الْمُفْلِحُونَ	جمع	مذکر سالم	معرفه بألـ	مشتق اسم فاعل	معرب
أُولئِكَ	جمع	مشترک	معرفه به اشاره	.....	مبنی
ذَهَاب	مفرد	مذکر	نکره	جامد مصدر ثلاثی مجرد	معرب
الْبَصِيرَة	مفرد	مؤنث	معرفه بألـ	جامد مصدر ثلاثی مجرد	معرب
الْإِخْلَاص	مفرد	مذکر	معرفه بألـ	جامد مصدر باب افعال	معرب

درس ششم

هدف کلی : دانش‌آموز با انواع اعراب فعل مضارع « ظاهری (اصلی و فرعی) و محلّی» آشنا شود.

اهداف جزئی :

۱ دانش‌آموز با انواع اعراب‌هایی که یک فعل مضارع می‌گیرد (رفع و نصب و جزم) آشنا شود.

۲ دانش‌آموز معنا و مفهوم اعراب ظاهری (اصلی،فرعی) در فعل مضارع را بیاموزد.

۳ دانش‌آموز افعال مبنی را به‌خاطر بیاورد و معنا و مفهوم اعراب محلّی در فعل مضارع را بیاموزد.

انتظارات عملکردی :

در پایان این درس انتظار می‌رود دانش آموز :

۱ علامت‌های اعرابی فعل مضارع یعنی (ـُـِـَ) و حذف نون را به درستی یاد گرفته باشد.

۲ اعراب اصلی، فرعی در فعل مضارع را تشخیص دهد.

۳ با درک معنای بناء در فعل، اعراب محلّی در افعال را به درستی شناسایی کند.

پیشنهادات آموزشی برای دبیر در ترجمه درس ششم

متن این درس نسبت به سایر دروس، کوتاه تر است لذا می‌توان بر قواعدی که در متن نهفته است و کمک کننده برای آموزش است، تمرکز و توجه بیشتری کرد. با توجه به اینکه موضوع قواعد این درس و دو درس بعدی، ناظر به اعراب فعل مضارع است، لازم است دانش آموزان، افعال معرب و مبنی را به خاطر بیاورند؛ لذا شایسته است در هنگام ترجمه متن، از آنها بخواهید افعال را به لحاظ معرب و مبنی بررسی کنند و در افعال معرب، به حرکت و حالت انتهای افعال توجه کنند.

در بخش واژگان فقط یک مورد مترادف آمده است : نحو = إلی

بر این اصطلاح نیز توجه دهید : فی هذه الأثناء : در این میان / بکلّ سرور : با خوشحالی! (این یک اصطلاح در تعارفات است که معادل «با خوشحالی» در فارسی است.)/ کلمه «قائلین» به صورت حال مفرد به‌کار رفته است؛ این واژه به لحاظ لغوی به معنای «گویندگان» است اما اگر در متن به این شکل ترجمه شود، اصلاً روان و رسا نیست لذا به صورت فعلی ترجمه شده است.

حاکم فروتن

مردی از شام به مدائن روی آورد و به سوی بازار رفت. همراه او بار خرما و چیزهای دیگری بود. با خودش گفت : «خدایا! چه کسی به من کمک می‌کند؟» در این میان نگاهش به مردی افتاد که او را فقیر پنداشت و به او گفت : «آیا مرا در حمل کردن این بار کمک می‌کنی؟» آن مرد به او گفت : «بله، خوشحال می‌شوم!»

پس آن را حمل کرد و باهم رفتند؛ در راه بعضی از مردم آن دو را دیدند و بر آن مردی که بار را حمل می‌کرد، سلام کردند و به سوی او شتافتند تا بار را از او بگیرند درحالی‌که به او می‌گفتند : «ای امیر! به ما اجازه بده که این بار را حمل کنیم به‌جای تو!» اما او نپذیرفت.

پس مرد شامیّ تعجب کرد و از مردم پرسید : «این کیست؟» به او پاسخ دادند : «او حاکم مدائن، سلمان فارسی است.»

مرد شامیّ خجالت کشید و از او عذرخواهی کرد و خواست که بار را از او بگیرد اما سلمان نپذیرفت و به او گفت : «آن را تا جایی که می‌خواهی حمل خواهم کرد.»

پس مرد شامیّ از فروتنی حاکم شگفت زده شد.

حل تمارین ناظر به متن

درست و نادرست را بر اساس متن درس مشخص کن.

۱ سلمان حاکم شهر بصره بود. نادرست (شهر مدائن)

۲ مرد شامیّ از سلمان عذرخواهی کرد. درست

۳ مرد شامیّ از لباس‌های سلمان تعجب کرد. نادرست (از تواضع او تعجب کرد)

۴ سلمان نپذیرفت که به مرد شامی کمک کند. نادرست (پذیرفت)

۵ مردم به سوی سلمان شتافتند تا بار را از او بگیرند. درست

موضوعات درس ششم

اعراب فعل مضارع

مقدمه

در درس گذشته با اعراب اسم آشنا شدیم. در این درس و دو درس بعدی، به معرفی اعراب فعل مضارع می‌پردازیم. افعال ماضی و امر حاضر مبنی هستند، لذا بحثی بر اعراب آنها باقی نمی ماند اما افعال مضارع (به‌جز صیغه‌های جمع مؤنث) معرب هستند و در حالت رفع، نصب و جزم قرار می‌گیرند و این اعراب‌ها را به‌صورت اصلی، فرعی، تقدیری و محلّی نمایش می‌دهند. موضوع این درس، معرفی این موضوع است.

مطالب مطرح شده در این درس، کم و کوتاه است، لذا در صورتی که بنیه علمی دانش‌آموزان یاری کند، می‌توان با سرعت بیشتری پیش برد و به‌جای تکمیل درس در سه جلسه، آن را در دو جلسه، جمع‌بندی کرد و زمان بیشتری را به درس هشتم ــ که مطالب بیشتری را پوشش داده است ــ اختصاص دهیم.

مرور مفاهیم اصلی درس

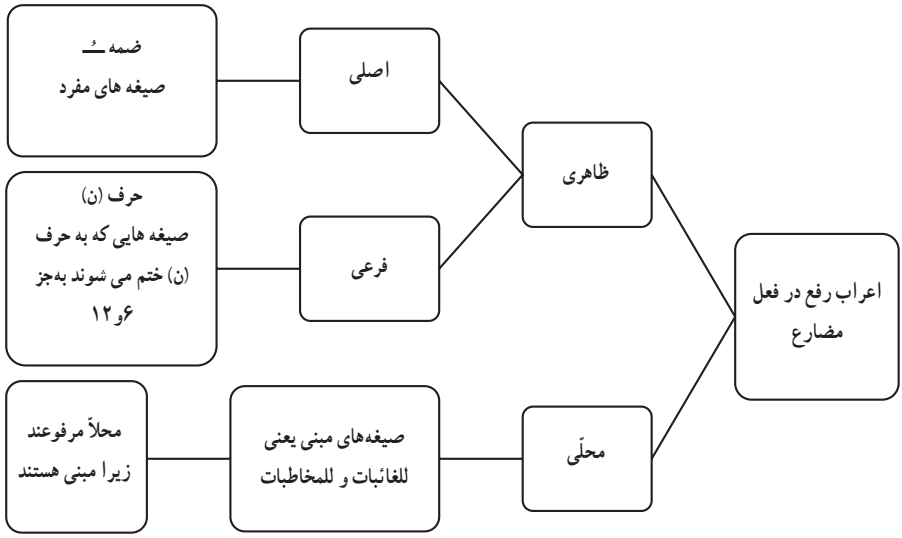
اعراب فعل مضارع

در سه درس گذشته آموختیم که اسم در نقش‌های مختلف، اعراب‌های رفع، نصب و جرّ می‌گیرد و این اعراب‌ها را به‌صورت‌های ظاهری (اصلی، فرعی)، تقدیری و محلّی نشان می‌دهد. اکنون می‌خواهیم درمورد فعل سخن بگوییم. ابتدا افعال معرب و مبنی را به خاطر بیاوریم. در پایه دهم گفتیم همه افعال ماضی و شش صیغه امر مخاطب (امر حاضر) مبنی هستند اما افعال مضارع (به‌جز دو صیغه جمع مؤنث) معرب هستند لذا اعراب‌های مختلف می‌گیرند. اعراب‌هایی که فعل مضارع می‌گیرد رفع، نصب و جزم است و افعال مضارع هم اعراب‌های خود را به صورت‌های ظاهری (اصلی، فرعی)، تقدیری و محلّی نشان می‌دهند. در این درس می‌خواهیم مفاهیم ظاهری (اصلی، فرعی) و محلّی در فعل را توضیح دهیم[1] و در دو درس بعدی عواملی که باعث مرفوع، منصوب و مجزوم شدن فعل مضارع می‌شوند را نام می‌بریم و توضیح می‌دهیم.

۱ــ اعراب تقدیری در افعال، مربوط به معتلات است که در پایه دوازدهم آموزش داده می‌شود.

مضارع مرفوع

به نمودار زیر توجه فرمایید :



نکته : غرض از صیغه‌های مفرد، صیغه‌های بدون (ن) است.

فعل مضارع با «ـُـ» مرفوع به اعراب اصلی است و با «ن» مرفوع به اعراب فرعی است لذا در صیغه‌هایی که به «ن» ختم می‌شوند، مرفوع به نون عوض رفع است، به‌جز صیغه‌های للغائبات و للمخاطبات؛ زیرا این دو صیغه مبنی هستند و اعرابشان محلّی است؛ پس «ن» در انتهای آنها چیست؟ یادآوری می‌کنیم که این «ن» ضمیر فاعلی است نه نشانه اعرابی! پس در پنج صیغه، اعراب اصلی داریم، در هفت صیغه، اعراب فرعی و در دو صیغه، اعراب محلّی. فعل مضارع در حالت نصب و جزم هم همین‌طور است و این اعراب اصلی و فرعی و محلّی در صیغه‌ها، ثابت است.

اکنون یک فعل مضارع را صرف می‌کنیم تا اعراب رفع و نحوه بروزش را در همه صیغه‌ها ببینیم :

صیغه	فعل	نشان اعراب رفع	نوع اعراب
للغائب	يفعلُ	ضمه	ظاهری اصلی
للغائبَينِ	يفعلانِ	ن	ظاهری فرعی
للغائبينَ	يفعلونَ	ن	ظاهری فرعی
للغائبة	تفعلُ	ضمه	ظاهری اصلی
للغائبَتَينِ	تفعلانِ	ن	ظاهری فرعی
للغائبات	يفعلنَ	.....	محلاً مرفوع
للمخاطب	تفعلُ	ضمه	ظاهری اصلی
للمخاطَبَينِ	تفعلانِ	ن	ظاهری فرعی
للمخاطبينَ	تفعلونَ	ن	ظاهری فرعی
للمخاطبة	تفعلينَ	ن	ظاهری فرعی
للمخاطبَتَينِ	تفعلانِ	ن	ظاهری فرعی
للمخاطبات	تفعلنَ	.....	محلاً مرفوع
للمتكلم وحده	أفعلُ	ضمه	ظاهری اصلی
للمتكلم مع الغير	نفعلُ	ضمه	ظاهری اصلی

مضارع منصوب

فعل مضارع با «ـَـ» منصوب به اعراب اصلی است و با حذف «ن» منصوب به اعراب فرعی است لذا در صیغه‌هایی که به «ن» ختم می‌شوند، چنانچه «ن» حذف شده باشد، ممکن است منصوب به حذف نون عوض رفع باشد به‌جز صیغه‌های للغائبات و للمخاطبات که همچنان مبنی و محلاً منصوب هستند.

صیغه	فعل	نشان اعراب رفع	نوع اعراب
للغائب	أن یفعلَ	فتحه	ظاهری اصلی
للغائبَین	أن یفعلا	حذف ن	ظاهری فرعی
للغائبینَ	أن یفعلوا	حذف ن	ظاهری فرعی
للغائبة	أن تفعلَ	فتحه	ظاهری اصلی
للغائبَتَین	أن تفعلا	حذف ن	ظاهری فرعی
للغائبات	أن یفعلنَ	.....	محلاً منصوب
للمخاطب	أن تفعلَ	فتحه	ظاهری اصلی
للمخاطَبَین	أن تفعلا	حذف ن	ظاهری فرعی
للمخاطبینَ	أن تفعلوا	حذف ن	ظاهری فرعی
للمخاطبة	أن تفعلی	حذف ن	ظاهری فرعی
للمخاطبَتَین	أن تفعلا	حذف ن	ظاهری فرعی
للمخاطبات	أن تفعلنَ	.....	محلاً منصوب
للمتکلم وحده	أن أفعلَ	فتحه	ظاهری اصلی
للمتکلم مع الغیر	أن نفعلَ	فتحه	ظاهری اصلی

مضارع مجزوم

فعل مضارع با «ـْـ» مجزوم به اعراب اصلی است و با حذف «ن» مجزوم به اعراب فرعی است لذا در صیغه‌هایی که به «ن» ختم می‌شوند، چنانچه «ن» حذف شده باشد، ممکن است مجزوم به حذف نون عوض رفع باشد به‌جز صیغه‌های للغائبات و للمخاطبات که مبنی و محلاً منصوب هستند.

صیغه	فعل	نشان اعراب رفع	نوع اعراب
للغائب	لم یفعلْ	ساکن	ظاهری اصلی
للغائبَینِ	لم یفعلا	حذف ن	ظاهری فرعی
للغائبینَ	لم یفعلوا	حذف ن	ظاهری فرعی
للغائبة	لم تفعلْ	ساکن	ظاهری اصلی
للغائبَتَینِ	لم تفعلا	حذف ن	ظاهری فرعی
للغائبات	لم یفعلنَ	.....	محلاً مجزوم
للمخاطب	لم تفعلْ	ساکن	ظاهری اصلی
للمخاطَبَینِ	لم تفعلا	حذف ن	ظاهری فرعی
للمخاطبینَ	لم تفعلوا	حذف ن	ظاهری فرعی
للمخاطبة	لم تفعلی	حذف ن	ظاهری فرعی
للمخاطبَتَینِ	لم تفعلا	حذف ن	ظاهری فرعی
للمخاطبات	لم تفعلنَ	.....	محلاً مجزوم
للمتکلم وحده	لم أفعلْ	ساکن	ظاهری اصلی
للمتکلم مع الغیر	لم نفعلْ	ساکن	ظاهری اصلی

جمع‌بندی

اعراب	اصلی	فرعی	محلّی
رفع	ـُ مثل : یکتبُ	ن مثل : یکتبانِ	محلاً مرفوع مثل : یکتبنَ
نصب	ـَ مثل : لن یکتبَ	حذف نون مثل : لن یکتبا	محلاً منصوب مثل : لن یکتبنَ
جزم	ـْ مثل : لم یکتبْ	حذف نون مثل : لم یکتبا	محلاً منصوب مثل : لم یکتبنَ
صیغه‌های هر نوع اعراب	صیغه‌های ۱،۴،۷،۱۳،۱۴ معروف به صیغه‌های مفرد	صیغه‌های۲،۳،۴،۵،۸،۹،۱۰،۱۱ صیغه‌های دارای ن عوض رفع	صیغه‌های ۶ و ۱۲ صیغه‌های مبنی

دانستنی‌های دبیر

اعراب تقدیری در افعال مضارع، مربوط به افعال معتلّ ناقص (سومین حرف اصلی اش حرف علّه ــ واو/یاءــ است)، در صیغه‌های مفرد است که در پایه دوازدهم آموزش داده می‌شود. در اینجا اجمالاً برای دبیر محترم عرض می‌کنیم.

در بخش اعراب اسم گفتیم اعراب تقدیری به این معناست که آن کلمه، اعراب مدنظر را گرفته است اما به دلیل وجود یک حرف علّه قادر به نشان دادن آن نیست؛ به‌طور مثال فعل «یَهدِی» یک فعل مضارع مرفوع است که در اصل «یَهدِیُ» بوده است اما به دلیل اینکه ضمه بر حرف علّه ثقیل است، قاعده اسکان اتفاق می‌افتد و ضمه تبدیل به ساکن می‌شود و نهایتا «یَهدِی» باقی می‌ماند.

اشتباهات رایج دانش‌آموزان و راهکار

با توجه به اینکه در افعال خمسه (یعنی پنج صیغه‌ای که نون در آنها علامت اعرابی است) علامت نصب و جزم فعل مضارع، مشترکاً حذف نون است، دانش‌آموزان گاهی به مشکل برمی‌خورند که اکنون این فعل را مضارع منصوب لحاظ کنند یا مضارع مجزوم؟! در صیغه‌های جمع مؤنث هم که اعراب، محلّی است همین مشکل وجود دارد.

با توجه به اینکه هدف این درس، آموزش ادوات تأثیرگذار بر اعراب فعل مضارع نیست، می‌توانیم این مشکل را با مختصر توضیحاتی رفع کنیم :

به دانش‌آموزان یادآوری می‌کنیم که در اعراب اسم نیز مشترکاتی وجود داشت. به‌طور مثال حرف «ی» در مثنی و جمع مذکر سالم، هم نشانه نصب بود هم جرّ. راهکار تشخیصش این بود که به نقش آن اسم توجه کنیم تا دریابیم که این «ی» نشانه نصب است یا جرّ. در افعال مضارع نیز عواملی باعث نصب یا جزم می‌شوند که را ه تشخیص مضارع منصوب از مجزوم هستند. اکنون صبوری کنیم تا در دو درس بعدی با این عوامل آشنا شویم. فعلاً لازم است دریابیم که فعل مضارع، مرفوع است یا خیر. در دروس بعدی با یادگرفتن عوامل نصب و جزم بر بقیه موضوع، اشراف کامل پیدا می‌کنیم.

تمارین

تمرین اول : آنچه در عبارات زیر می‌آید را مشخص کن.

الف) اعراب رفع، نصب، جرّ و جزم

ب) علامت‌های اعراب

ج) نوع اعراب «اصلی، فرعی، تقدیری یا محلّی»

الكلمة	الاعراب	علامة الاعراب	نوع الإعراب
إِمْرُؤٌ	فاعل و مرفوع	تنوین رفع	اصلی
يَسْعَدُ	رفع	ضمه	اصلی
تُسْتَنْزَلُ	رفع	ضمه	اصلی
يُحِبُّ	رفع	ضمه	اصلی
الَّذينَ	مفعول به و منصوب	.....	محلّی
يُقاتِلُونَ	رفع	نون	فرعی
الْهُدى	مجرور بحرف جرّ	.....	تقدیری
يُظْهِرَ	نصب	فتحه	اصلی
الْمُشْرِكُونَ	فاعل و مرفوع	واو	فرعی

بقیه کلماتی که در این تمرین می‌توان از آنها استفاده کرد :

۱ طاعةِ : مجرور به حرف جرّ و علامت جرّ کسره اصلی/ اللهِ : مضاف الیه و مجرور به کسره اصلی

۲ ذکرِ : مجرور به حرف جرّ و علامت جرّ کسره اصلی/ اللهِ : مضاف الیه و مجرور به کسره اصلی/ الرّحمةُ : نائب فاعل و مرفوع به ضمه اصلی

۳ فی سبیلِ : مجرور به حرف جرّ و علامت جرّ کسره اصلی/ ـه : مضاف الیه و مجرور محلاً (نقش بقیه کلمات خوانده نشده)

۴ هو : مبتدا و مرفوع محلاً/ الّذی : خبر مفرد و مرفوع محلاً/ أرسلَ : جمله صله، فعل و فاعلش هو مستتر، فعل/ رسولَ : مفعول به و منصوب به فتحه اصلی/ الحقِّ : مضاف الیه و مجرور به کسره اصلی/ الدّینِ : مضاف الیه و مجرور به کسره اصلی/ ـه : مضاف الیه و مجرور محلاً/ کرِهَ : فعل (نقش بقیه کلمات خوانده نشده)

تمرین دوم : جملات زیر را ترجمه کن سپس آنها را اعراب نما و علامت اعراب را بیان کن.

۱ به وسیله طاعت، بهشت به پرهیزگاران نزدیک می‌شود.

۲ درد مجازات، شیرینی گناه را تباه می‌کند.

۳ آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، خداوند را تسبیح می‌کند.

اعراب :

	بِالطَّاعَةِ	تُزْلَفُ	الْجَنَّةُ			لِلْمُتَّقِينَ	
الإعراب	جارومجرور	فعل	نایب فاعل و مرفوع			جارومجرور	
علامةُ الإعرابِ	کسره	ضمه	ضمه			ی	
	اصلی	اصلی	اصلی		فرعی		
	حَلَاوَةُ	الْمَعْصِيَةِ	يُفْسِدُ	هَا	أَلِيمُ	الْعُقُوبَةِ	

	بِالطَّاعَةِ	تُزْلَفُ	الْجَنَّةُ		لِلْمُتَّقِينَ	
الإعراب	مبتدا و مرفوع	مضاف‌اليه و مجرور	خبر و محلاً مرفوع فعل مضارع	مفعول به و منصوب	فاعل و مرفوع	مضاف‌اليه و مجرور
علامةَ الإعرابِ	ضمه	كسره	ضمه	.....	ضمه	كسره
	اصلى	اصلى	اصلى	محلّى	اصلى	اصلى
	يُسَبِّحُ	لِلَّهِ	ما	فِى السَّماواتِ	ما	فِى الأَرْضِ
الإعراب	فعل مضارع مرفوع	جار و مجرور	فاعل و مرفوع	جار و مجرور	معطوف و مرفوع	جار و مجرور
علامةَ الإعرابِ	ضمه	كسره	.....	كسره	.....	كسره
	اصلى	اصلى	محلّى	اصلى	محلّى	اصلى

تمرين سوم : جملات را ترجمه كن سپس جدول بعدى را كامل كن.

١ مادران، فرزندانشان را دو سال كامل شير مى‌دهند.

٢ خداوند نمى خواهد كه بر شما دشوارى قرار دهد.

٣ اين (قرآن) بصيرت و هدايت و رحمتى براى مردم است.

الكلمة	الاعراب	علامة الاعراب
يُرْضِعْنَ	خبر و محلاً مرفوع فعل مضارع (مبنى)	محلاً مرفوع است لذا علامت اعراب ندارد
هُنَّ	مضاف اليه و مجرور	محلاً مجرور
حَوْلَيْنِ	ظرف و منصوب	ياء فرعى
كامِلَيْنِ	صفت و منصوب	ياء فرعى
يريدُ	فعل مضارع مرفوع	ضمه اصلى

الكلمة	الاعراب	علامة الاعراب
يجعلَ	فعل مضارع منصوب	فتحه اصلی
هذا	مبتدا و مرفوع	محلاً مرفوع
بصائرُ	خبر مفرد و مرفوع	ضمه اصلی

تمرین چهارم : ابیات زیر را ترجمه کن سپس جدول زیر را کامل نما :

چه بسیار لطف پنهانی که از جانب خداست!	که پنهان بودنش حتی از فهم انسان باهوش ظریف‌تر است (یعنی حتّی انسان‌های زیرک متوجه آن نمی‌شوند.)
و چه بسیار گشایشی که بعد از سختی آمد	پس اندوه قلب غمگین را برطرف کرد
و چه بسیار کاری که صبحگاه از آن ناراحت می‌شوی	پس شامگاه شادمانی به تو می‌رسد
هنگامی که یک روز شرایط بر تو تنگ آمد	پس بر یگانه بی همتای بلند مرتبه اعتماد کن
بر پیامبر متوسّل شو پس هر مشکل بزرگی	هنگامی که بر پیامبر توسّل شود، آسان می‌گردد
هنگامی که مشکلی دوباره پیش آمد، بی‌تابی نکن!	چه بسیار لطف پنهانی که از جانب خداست!

الكلمة	موقع الكلمه	علامة الاعراب	نوع الإعراب
يَدُقُّ	فعل مضارع مرفوع	ضمه	اصلی
خِفا	فاعل و مرفوع	.....	تقدیری
تُساءُ	فعل مضارع مرفوع	ضمه	اصلی
المَسَرَّةُ	فاعل و مرفوع	ضمه	اصلی
العلـــيِّ	صفت و مجرور	کسره	اصلی × دقت کنید یاء مشدد دارد لذا منقوص نیست.
يَهونُ	فعل مضارع مرفوع خبر جمله فعلیه و محلاً مرفوع	ضمه	اصلی

الكلمة	موقع الكلمه	علامة الاعراب	نوع الإعراب
لا تَجزَعْ	فعل مضارع مجزوم	ساكن	اصلی
خَطــبٌ	فاعل و مرفوع	تنوين رفع	اصلی
خفـــــيٍّ	صفت و مجرور	كسره	اصلی × دقت کنید یاء مشدد دارد لذا منقوص نیست.

تمرین پنجم : برای تحلیل صرفی! (این تمرین باید بر حسب کلمات تمارین قبلی انجام شود.)

فعل	ماضی مضارع/امر	مجرد مزید	باب	لازم متعدی	معلوم مجهول	معرب مبنی
يَسْعَدُ	مضارع	مجرد	.....	لازم	معلوم	معرب
تُسْتَنْزَلُ	مضارع	مزيد	استفعال	متعدی	مجهول	معرب
يُقاتِلُونَ	مضارع	مزيد	مفاعلة	متعدی	معلوم	معرب
أَرْسَلَ	ماضی	مزيد	افعال	متعدی	معلوم	مبنی
تُزْلَفُ	مضارع	مجرد	.....	متعدی	مجهول	معرب

اسم	مفرد/مثنی/جمع	مذكر/ مؤنث	معرفه/نكره	جامد/مشتق	معرب/مبنی
الْمُشْرِكُونَ	جمع سالم	مذكر	معرفه بأل	مشتق اسم فاعل	معرب
حَلَاوَة	مفرد	مؤنث	معرفه به اضافه	جامد مصدر ثلاثی مجرد	**معرب**
السَّماوات	**جمع سالم**	**مؤنث**	**معرفه بأل**	**جامد** غیرمصدری	**معرب**
الرَّحْمَة	**مفرد**	**مؤنث**	**معرفه بأل**	**جامد مصدر ثلاثی مجرد**	**معرب**
خَفــــّی	**مفرد**	**مذكر**	**نكره**	**مشتق صفت مشبهه**	**معرب**

بودجه‌بندی پیشنهادی ترم دوم

ماه	هفته	جلسه	کلاس
بهمن	اوّل	یک	**برنامه کلاس :** ۱ــ تدریس قواعد درس ۷ (با توجه به کم بودن حجم درس می‌توان ترجمه را نیز در همین جلسه ترجمه کرد و چنانچه تمام نشود، بقیه ترجمه به جلسه بعد موکول می‌گردد.) ۲ــ رفع اشکال ترجمه درس ۷ در قالب پرسش کلاسی **تکلیف :** حل تمارین درس ۷ به همراه یافتن لغات ناآشنا و شماره گذاری و حاشیه نویسی معنای واژه
		دو	**برنامه کلاس :** ۱ــ ادامه رفع اشکال ترجمه (اگر باقی مانده است) ۲ــ رفع اشکال تمارین درس ۷ در قالب پرسش کلاسی **تکلیف :** دوره درس ۷ برای امتحان
	دوم	سه	**برنامه کلاس :** ۱ــ کارگروهی بر روی درس ۷ (۳۰ دقیقه) ۲ــ امتحان کوتاه از درس ۷ (نهایتا بین ۳۰ تا ۴۰ دقیقه) **تکلیف :** ترجمه درس ۸ به همراه یافتن لغات ناآشنا و شماره گذاری و حاشیه نویسی معنای واژه
		چهار	**برنامه کلاس :** رفع اشکال ترجمه درس ۸ در قالب پرسش کلاسی **تکلیف :** ۱ــ افعال مضارع مرفوع و منصوب در متن درس ۷و ۸ پیدا شوند. ۲ــ پیش مطالعه قواعد درس ۸ تا پایان ادواتی که یک فعل را مجزوم می‌کنند.
	سوم	پنج	**برنامه کلاس :** ۱ــ تدریس موضوع ادوات جازم یک فعل از درس ۸ ۲ــ رفع اشکال تمرین اضافه‌ای که در جلسه قبل داده بودیم در قالب پرسش کلاسی **تکلیف :** ۱ــ حل تمارین اول و رابع و خامس همراه با یافتن لغات ناآشنا و شماره‌گذاری و حاشیه‌نویسی معنای واژه ۲ــ پیش مطالعه بقیه قواعد درس ۸
		شش	**برنامه کلاس :** ۱ــ رفع اشکال تمارین اول و رابع و خامس در قالب پرسش کلاسی ۲ــ تدریس بقیه درس ۸ **تکلیف :** ۱ــ حل بقیه تمارین درس ۸ همراه با یافتن لغات ناآشنا و شماره گذاری و حاشیه نویسی معنای واژه ۲ــ از متن درس ۷ و ۸ و ۹ افعال مضارع مجزوم شناسایی شوند.

ماه	هفته	جلسه	کلاس
بهمن	چهارم	هفت	**برنامه کلاس :** رفع اشکال بقیه تمارین درس ۸ و تمارین اضافه‌ای که داده بودیم در قالب پرسش کلاسی **تکلیف :** دوره کامل درس ۸ برای امتحان
		هشت	**برنامه کلاس :** ۱ــ کارگروهی بر روی درس ۸ (۳۰ دقیقه) ۲ــ امتحان کوتاه از درس ۸ (نهایتاً بین ۳۰ تا ۴۰ دقیقه) **تکلیف :** ۱ــ ترجمه درس ۹ به همراه یافتن لغات ناآشنا و شماره گذاری و حاشیه نویسی معنای واژه ۲ــ انتخاب جملات اسمیه از متن درس ۸ و پیدا کردن مبتدا و خبر در آنها بخاطر آمادگی یافتن برای آموزش درس ۹
اسفند	اوّل	نه	**برنامه کلاس :** ۱ــ رفع اشکال ترجمه درس ۹ در قالب پرسش کلاسی ۲ــ رفع اشکال تمرین اضافه ای که داده بودیم در قالب پرسش کلاسی **تکلیف :** ۱ــ حل تمرین سادس از درس ۹ ۲ــ پیش مطالعه قواعد درس ۹
		ده	**برنامه کلاس :** تدریس قواعد درس ۹ **تکلیف :** حل بقیه تمارین درس ۹ به همراه یافتن لغات ناآشنا و شماره گذاری و حاشیه نویسی معنای واژه
	دوم	یازده	**برنامه کلاس :** رفع اشکال تمارین درس ۹ در قالب پرسش کلاسی **تکلیف :** مرور کامل درس ۹ برای امتحان
		دوازده	**برنامه کلاس :** ۱ــ کارگروهی بر روی درس ۹ (۳۰ دقیقه) ۲ــ امتحان کوتاه از درس ۹ (نهایتاً بین ۳۰ تا ۴۰ دقیقه) **تکلیف :** ترجمه درس ۱۰ به همراه یافتن لغات ناآشنا و شماره‌گذاری و حاشیه‌نویسی معنای واژه
	سوم	سیزده	**برنامه کلاس :** رفع اشکال ترجمه درس ۱۰ در قالب پرسش کلاسی **تکلیف :** ۱ــ انتخاب جملاتی که شامل افعال ناقصه هستند از دروس قبلی، توسط دبیر و تشخیص اسم و خبر و اعراب آنها توسط دانش‌آموز ۲ــ پیش مطالعه قواعد درس ۱۰
		چهارده	**برنامه کلاس :** ۱ــ تدریس قواعد درس ۱۰ ۲ــ رفع اشکال تمرین اضافه‌ای که در جلسه قبل داده بودیم در قالب پرسش کلاسی **تکلیف :** حل تمارین درس ۱۰ به همراه یافتن لغات ناآشنا و شماره‌گذاری و حاشیه‌نویسی معنای واژه

ماه	هفته	جلسه	کلاس
اسفند	چهارم	پانزده	**برنامه کلاس :** رفع اشکال تمارین درس ۱۰ در قالب پرسش کلاسی **تکلیف :** مرور کامل درس ۱۰ برای امتحان
		شانزده	**برنامه کلاس :** ۱ــ کارگروهی بر روی درس ۱۰ (۳۰ دقیقه) ۲ــ امتحان کوتاه از درس ۱۰ (نهایتاً بین ۳۰ تا ۴۰ دقیقه) **تکلیف :** ۱ــ ترجمه درس ۱۱ به همراه یافتن لغات ناآشنا و شماره‌گذاری و حاشیه‌نویسی معنای واژه ۲ــ انتخاب جملاتی که شامل نواسخ هستند از دروس قبلی، توسط دبیر و تشخیص اسم و خبر و اعراب آنها توسط دانش‌آموز
فروردین	اوّل	هفده	**برنامه کلاس :** ۱ــ رفع اشکال ترجمه درس ۱۱ در قالب پرسش کلاسی ۲ــ رفع اشکال تمرین اضافه‌ای که داده بودیم در قالب پرسش کلاسی **تکلیف :** ۱ــ حل تمارین ثالث و خامس از درس ۱۱ به‌همراه یافتن لغات ناآشنا و شماره‌گذاری و حاشیه‌نویسی معنای واژه ۲ــ پیش مطالعه قواعد درس ۱۱
		هجده	**برنامه کلاس :** ۱ــ تدریس قواعد درس ۱۱ ۲ــ رفع اشکال تمارین ثالث و خامس از درس ۱۱ در قالب پرسش **تکلیف :** ۱ــ حل بقیه تمارین درس ۱۱ به‌همراه یافتن لغات ناآشنا و شماره‌گذاری و حاشیه‌نویسی معنای واژه ۲ــ انتخاب جملاتی که شامل نواسخ هستند از دروس قبلی، توسط دبیر و تشخیص اسم و خبر و اعراب آنها توسط دانش آموز
	دوم	نوزده	**برنامه کلاس :** ۱ــ رفع اشکال بقیه تمارین درس ۱۱ در قالب پرسش کلاسی ۲ــ رفع اشکال تمرین اضافه ای که داده بودیم در قالب پرسش کلاسی **تکلیف :** دوره کامل درس ۱۱ برای امتحان
		بیست	**برنامه کلاس :** ۱ــ کارگروهی بر روی درس ۱۱ (۳۰ دقیقه) ۲ــ امتحان کوتاه از درس ۱۱ (نهایتاً بین ۳۰ تا ۴۰ دقیقه) **تکلیف :** ۱ــ ترجمه درس ۱۲ به همراه یافتن لغات ناآشنا و شماره‌گذاری و حاشیه‌نویسی معنای واژه ۲ــ پیش مطالعه قواعد درس ۱۲ تا سر «بحث تفصیلی در افعال غیرسالم»

ماه	هفته	جلسه	کلاس
اردیبهشت	اول	بیست و یک	**برنامه کلاس :** ۱ــ رفع اشکال ترجمه درس ۱۲ در قالب پرسش کلاسی ۲ــ تدریس درس ۱۲ تا سر «بحث تفصیلی در افعال غیرسالم» **تکلیف :** ۱ــ حل تمارین ثالث و رابع به همراه یافتن لغات ناآشنا و شماره‌گذاری و حاشیه‌نویسی معنای واژه ۲ــ پیش مطالعه بقیه قواعد درس
		بیست و دو	**برنامه کلاس :** تدریس بقیه درس ۱۲ **تکلیف :** حل بقیه تمارین درس ۱۲
	دوم	بیست و سه	**برنامه کلاس :** رفع اشکال تمامی تمارین درس ۱۲ در قالب پرسش کلاسی **تکلیف :** دوره کامل درس ۱۲ برای امتحان
		بیست و چهار	**برنامه کلاس :** ۱ــ کارگروهی بر روی درس ۱۲ (۳۰ دقیقه) ۲ــ امتحان کوتاه از درس ۱۲ (نهایتاً بین ۳۰ تا ۴۰ دقیقه) **تکلیف :** دوره دروس ۱ تا ۳
	سوم	بیست و پنج	**برنامه کلاس :** دوره دروس ۱ تا ۳ **تکلیف :** دوره دروس ۴ تا ۶
		بیست و شش	**برنامه کلاس :** دوره دروس ۴ تا ۶ **تکلیف :** دوره دروس ۷ تا ۹
	چهارم	بیست و هفت	**برنامه کلاس :** دوره دروس ۷ تا ۹ **تکلیف :** دوره دروس ۱۰ تا ۱۲
		بیست و هشت	**برنامه کلاس :** دوره دروس ۱۰ تا ۱۲

نمونه سؤال امتحانی نوبت دوم

سؤالات آزمون نهایی درس عربی زبان قرآن (۲)	پایه یازدهم	رشته : علوم و معارف اسلامی
مدت آزمون : ۹۰ دقیقه	ساعت شروع : ۷: ۳۰ دقیقه به وقت تهران	نام و نام خانوادگی :
دانش آموزان روزانه، بزرگسالان، آموزش از راه دور، ایثارگران و داوطلبان آزاد (داخل و صبح خارج از کشور) ــ تیر و مرداد ۱۴۰۵	مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش و پرورش Azmoon.medu.ir	

ردیف	سؤالات	بارم
۱	تَرجِمِ الکلماتِ الّتی تحتَها خطٌّ : الف) هل تَراهُم خُلِقوا مِن نُحاسٍ. ب) أشارَت شیمِلُ فی إحدَی مُقابَلاتِها إلَی الأدعیةِ الإسلامیَّة.	۰/۵
۲	عیِّن فی العبارَتَینِ : الف) المترادف لکلمةِ «جُزُر» ب) المتضادّ لکلمةِ «خُشونَة» «عَوِّد لسانکَ لینَ الکلام» «هیهاتَ أن یَقودَنی جَشَعی إلی تَخَیُّرِ الأطعِمَة»	۰/۵
۳	الف) عیّن الکلمةَ الغریبةَ حسَبَ القواعدِ : أخطَر ــ أحسَن ــ أحوَل ــ أطوَع ب) عیّن الکلمةَ الغریبةَ حسَبَ المَعنَی : الجذع ــ المِظَلَّة ــ الغُصن ــ القِشر	۰/۵
۴	أُکتُب : الف) المفرد لکلمة «جُزُر» ب) الجمع لکلمة «طِمر» شجرةُ الخُبزِ تَنمو فی جُزُرِ المحیط الهادئ ــ إنّ إمامَکم قد اکتفَی مِن دنیاهُ بِطِمرَیه	۰/۵
۵	ترجِمِ العباراتِ التّالیة إلی الفارسیَّة : الف) «یَکادُ البرقُ یَخطَفُ أبصارَهم» ۰/۵ ب) «و لا تَقفُ ما لَیسَ لَکَ به عِلمٌ» ۰/۵ ج) الجَدیرُ بالذِّکرِ أنَّ المُسلِمینَ هُمُ الَّذینَ ابتَدَعوا علمَ الکیمیاء و الفیزیاءِ. ۰/۷۵ د) یَدفِنُ السِّنجابُ بَعضَ الجَوزاتِ البَلّوطِ السَّلیمَةِ تحتَ التُّرابِ. ۰/۵ هـ) زُملاءُ شیمل کانوا قد شَکَّلوا فریقاً للحوارِ الدّینیّ و الثَّقافیّ. ۰/۷۵ و) لم یُوافِقِ الأستاذُ أن یُؤَجِّلَ الإمتحانَ للطُّلّابِ. ۰/۵ ز) أظهَرَ اللهُ عَجزَهُم عَنِ الإتیانِ بِمِثلِ القُرآنِ. ۰/۵ ح) القرآنُ هوَ النّاصِحُ الّذی لا یَغُشُّ. ۰/۵ ط) لا تَجزَعْ إذا ما نابَ خَطبٌ. ۰/۵	۵

۶	انتخبِ التَّرجمَةَ الصَّحيحَة : الف) « وَ لَن تَرضَى عَنکَ اليَهودُ و لا النَّصارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُم» و هرگز یهودیان و مسیحیان از تو خشنود نخواهند شد تا اینکه از آیین آنان پیروی کنی. و هرگز تو از یهودیان و مسیحیان خشنود نخواهی شد تا اینکه از آیین تو پیروی کنند. ب) بِحُسنِ الطّاعةِ يُعرَفُ الأخيارُ. ۱ــ انسان‌های خوب با خوبی اطاعت و فرمانبرداری شناخته می‌شوند. ۲ــ انسان‌های خوب را با خوبی اطاعت و فرمانبرداری می‌شناسند.	۰/۵
۷	كَمِّلِ الفراغاتِ فی التَّرجمَةِ الفارسيَّةِ : الف) إنَّ لِكُلِّ مَأموم إمامًا يَقتَدی به و يَستَضیءُ بِنورِ عِلمِه. همانا هر پیروی پیشوایی دارد که از او پیروی می‌کند و از نور دانشش ..... ب) داؤُکَ مِنکَ و لا تَشعُرُ. ..... از تو است و تو احساس نمی کنی.	۰/۵
۸	تَرجِمِ الأفعالَ الّتی تَحتَها خطٌّ حَسَبَ العباراتِ : الف) إنْ هَرَبتِ مِنَ الواقعِ فَسَوفَ تُواجِهينَ مَشاكِلَ. ب) سودةُ بنتُ عُمارَة كانَت تُهَيِّجُ الأبطالَ عَلَى قِتالِ معاويةَ. ج) لا تُلَقِّبوا الآخَرينَ بِألقابٍ يَكرَهونَها. د) النّاسُ أسرَعوا نَحوَ رَسولِ اللهِ (ص).	۱
۹	عيِّن نَوعَ المَصادرِ الّتی تَحتَها خَطٌّ : الف) فَرِحتُ فی حياتی فَرَحَةً. ب) عَلَى كُلِّ النّاسِ أن يَتَعايَشوا مَعَ بعضِهِم تَعايُشاً سِلميًّا.	۰/۵
۱۰	عيِّن فی العبارات التّاليَةِ : الف) اسمَ الفاعل ب) اسمَ المبالغَة ج) اسم المَفعول رأَيتُ التّلميذَ الخَجولَ فی المَدرسَة. شجرَةُ البَلّوطِ هی مِنَ الأشجارِ المُعَمَّرَة. عَجِبتُ لِغَفلَةِ الحُسّادِ عَن سلامَةِ الأجساد.	۰/۷۵
۱۱	الف) انتَخِبِ الجَوابَ الصَّحيحَ : «وَ زَيَّنّا السَّماءَ الدُّنيا بِـ .....» الف) مَصابيح ب) مَصابيحَ ج) مَصابيحُ غَيِّروا ..... تَسهُلْ عَلَيكُمُ الطّاعاتُ. الف) العاداتِ ب) العاداتُ ج) العاداتَ ب) أُكتُب نَوعَ الإعرابِ فی الكلماتِ الّتی تَحتَها خَطٌّ : (محلّی–تقديریّ–فرعیّ) «وَ هَل أتاکَ حَديثُ موسَى» رُبَّ كَلام يَجلِبُ لَکَ المَشاكِلَ. الصِّدقُ أَخُو العَدلِ.	۱/۲۵
۱۲	عيِّن فی العباراتِ التّاليَة : الف) نَوعَ إعرابِ فعلِ المُضارِع ب) علامَةَ إعرابِه التّلميذاتُ يَلعَبنَ بالكُرَةِ عَلَى الشّاطِئ.	۰/۵

۱۳	أُكتُب نَوعَ إعرابِ الأفعالِ المُضارِعَةِ فی العباراتِ التّالیَة : (المرفوع ــ المنصوب ــ المجزوم) الف) «لا یَغتَبْ بَعضُكُم بَعضًا» ب) «لِكَیلا تَحزَنوا عَلَی ما فاتَكُم...»	۰/۵
۱۴	عیِّن فی العباراتِ التّالیَة : الف) فعلَ الشَّرطِ ب) جوابَ الشَّرطِ مَن أخلَصَ للهِ أربعینَ صَباحاً ظَهَرَت یَنابیعُ الحكمَةِ مِن قَلبِه عَلَی لِسانِه.	۰/۵
۱۵	انتَخِبِ الجَوابَ الصَّحیحَ : الف) «وَ اعلَموا أنَّ اللهَ ..... العِقابِ» ۱ــ شدیدُ ۲ــ شدیدٌ ۳ــ شدیدَ ب) مازالَ ..... للظّالِمینَ أعداءً. ۱ــ المؤمنینِ ۲ــ المؤمنینَ ۳ــ المؤمنونَ ج) لَیتَ لی ..... دینارٍ. ۱ــ الفُ ۲ــ الفِ ۳ــ الفَ د) فی الرَّبیعِ یَصیرُ كُلُّ مَكانٍ ..... بِالأزهارِ الجمیلَة. ۱ــ مملوءٌ ۲ــ مملوءً ۳ــ مملوءٍ	۱
۱۶	عیِّن فی العبارةِ التّالیَة : الف) اسمَ الأفعالِ المُقارَبَة ب) خبرَ الأفعالِ المُقارَبَة «عَسَی رَبُّكُم أن یَرحَمَكُم»	۰/۵
۱۷	الف) انتَخِبِ العبارَةَ الَّتی فیها «لا» النّافیَة للجنسِ : «أ لا تُحِبّونَ أن یَغفِرَ اللهُ لكم...» «لا تَلمِزوا أنفُسَكُم...» لا سَبیلَ أنجَی مِنَ الصِّدقِ. ب) أُكتُب «خبرَ» لا النّافیَة للجنس فی العبارةِ التّالیَة : «لا شَیءَ أحسَنُ مِن عقلٍ مَعَ علمٍ»	۰/۵
۱۸	عیِّنِ المطلوبَ منكَ : الف) المُضاعَف : ۱ــ تَنَزَّلَ ۲ــ حَطَّنا ۳ــ عَلَّمَت ب) مهموز الفاء : ۱ــ أحَبُّوا ۲ــ أرسِلوا ۳ــ خُذُوا	۰/۵
۱۹	اِملَأ الفراغاتِ بِالأفعالِ المُناسَبَةِ : الف) «لِـ ..... ذو سعةٍ مِن سَعَتِه» ۱ــ یُنفِقَ ۲ــ یُنفِقُ ۳ــ یُنفِقْ ب) أحِبُّنی لَن ..... شَرَّ النّاسِ. ۱ــ یُجالِسوا ۲ــ یُجالِسَ ۳ــ یُجالِسونَ ج) لا أستَطیعُ أن ..... الحاسوبَ. ۱ــ أستَخدمَ ۲ــ أستَخدمَ ۳ــ أستَخدمُ	۰/۷۵
۲۰	أُكتُب صیغَةَ الفعلِ الّذی تَحتَه خطٌّ : نُسَجِّلُ كُلَّ احتیاجاتی عَلَی وَرقَةٍ.	۰/۲۵

٢١	عيِّنِ الصّحيحَ فى التَّحليلِ لِلكلماتِ الّتى تحتها خطٌّ : الف) لا تُحَدِّثْ بِما تَخافُ تَكذيبَه : ١ــ فعلُ نهى، ثلاثىّ مزيد مِن باب تَفَعُّل، مبنىّ ٢ــ فعلُ نهى، ثلاثىّ مزيد مِن باب تَفعيل، معرب ب) جَعَلَ اللهُ مُعجِزَةَ موسَى إبطالَ السِّحرِ و يَدَه البَيضاءَ : ١ــ اسم، مؤنّث، معرَّف بأل، الصّفة المشبّهة، معرب ٢ــ اسم، مؤنّث، معرَّف بأل، الصّفة المشبّهة، معرب ج) بِالطّاعة تُزلَفُ الجنّةُ لِلمُتَّقينَ : ١ــ اسمٌ، مثنّى، مذكّرٌ، نكرة، معرب ٢ــ اسمٌ، جمعٌ مذكرٌ للسّالمٌ، معرَّف بأل، معرب	٠/٧٥
٢٢	أعرِبِ الكلماتِ الّتى تحتها خطٌّ : الف) التواضُعُ نِعمَةٌ لا يُحسَدُ عَلَيها. ب) قُلِ الحَقَّ و إن كانَ مُرًّا. ج) مَعرِفَةُ اللهِ سُبحانَه أعلَى المَعارِف.	٠/٧٥
٢٣	اِنتَخِبِ الكلمةَ المُناسَبَةَ لِلتَّوضيحاتِ التّالِيَة : (كلمتانِ زائدتانِ) «المُستَشرِق ــ المِكنَسَة ــ الإلتِفات ــ التَّجَسُّس ــ المِفتاح ــ سوء الظّنّ» الف) إتّهامُ شَخصٍ لِشَخصٍ آخَرَ بدونِ دليلٍ منطقيٍّ. ب) التَّجَمُّعُ و الدَّورانُ حَولَ شَيءٍ. ج) أداةٌ تُستَخدَمُ لِفَتحِ البابِ. د) عالِمٌ مِنَ الدُّوَلِ الغَربِيَّةِ و عارِفٌ بالثّقافَةِ الشَّرقيَّة.	١
٢٤	اِقرأِ النَّصَّ التّالى ثُمَّ أجِب عَنِ الأسئلَةِ التّالِيَة : فى ضَوءِ القرآنِ و المعارِفِ القرآنيَّةِ أخَذَ العُلَماءُ المُسلِمونَ مِن كُلِّ أُمَّةٍ أحسَنَ ما عِندها مِنَ العُلوم. مِن هؤلاءِ العُلَماءِ هُوَ ابنُ الهيثمِ الّذى وُلِدَ فى القَرنِ الرّابعِ فى البصرة. أَلَّفَ ابنُ الهيثمِ مُؤَلَّفاتٍ عديدَةً تَزيدُ عَلَى مِئَتَين. مِن أهَمِّها كِتابُ المَناظِرِ الّذى يَحوى آراءَ بَديعَةً فى عِلمِ الضَّوءِ. وَ قَد أصبَحَ هذا الكتابُ مَرجَعاً رَئيسيّاً لِهذا العِلمِ فى أُروبّا و تُرجِمَ إلى لُغاتٍ أُخرَى كاللّاتينيَّةِ و الإسبانيَّةِ و غَيرِهِما. وَ مؤَلَّفاتُه فِى الفَلَكِ تَبلُغُ أربَعَةً و عِشرينَ مُجَلَّداً كَتَبَ فيها عَنِ ارتِفاعِ النُّجومِ و أحجامِها و عَنِ الرَّصَدِ النُّجومىّ. الف) ماذا أخَذَ العُلَماءُ المُسلِمونَ مِن كُلِّ أُمَّةٍ؟ ب) ما هُوَ مَوضوعُ كِتابِ المَناظِرِ؟ اِنتَخِبِ الصَّحيحَ أوِ الخَطأَ حَسَبَ النَّصِّ : ج) مُؤَلَّفاتُ ابنُ الهَيثَمِ فى الفَلَكِ تَزيدُ عَلَى مِئَتَين. د) تُرجِمَ كتابُ المَناظِرِ إلَى لغاتٍ مُختَلِفَةٍ.	١
	مِن اللهِ التَّوفيق	٢٠

راهنمای تصحیح آزمون

راهنمای نمره‌گذاری آزمون نهایی درس عربی زبان قرآن (۲)	پایه یازدهم	رشته : علوم و معارف اسلامی
مدت آزمون : ۹۰ دقیقه	ساعت شروع : ۷:۳۰ دقیقه به وقت تهران	مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش و پرورش Azmoon.medu.ir

دانش آموزان روزانه، بزرگسالان، آموزش از راه دور، ایثارگران و داوطلبان آزاد (داخل و صبح خارج از کشور) ــ تیر و مرداد ۱۴۰۵

ردیف	راهنمای نمره‌گذاری	نمره
۱	الف) مس (درس ۱ ص ۳) ب) مصاحبه‌ها (مصاحبه) (درس ۸ ص ۹۵) هر مورد ۰/۲۵	۰/۵
۲	الف) جَشَع (درس ۹ ص ۱۱۲) ب) لینَ (درس ۵ ص ۵۸) هر مورد ۰/۲۵	۰/۵
۳	الف) أحوَل (درس ۲ ص ۲۰ و ۲۲) ب)المِظَلَّة (درس ۱۲ ص ۱۶۴) هر مورد ۰/۲۵	۰/۵
۴	الف) جزیرَة (درس ۷ ص ۸۶) ب)أطمار (درس ۹ ص ۱۱۲) هر مورد ۰/۲۵	۰/۵
۵	الف) نزدیک است که (۰/۲۵)برق دیدگانشان (چشمانشان) را برباید. (۰/۲۵) (درس ۱۰ ص ۱۳۶) ب) از آنچه که به آن دانشی (علمی) نداری(۰/۲۵)، پیروی نکن (تبعیت نکن) (۰/۲۵) (درس۵ ص۵۶) ج) شایان ذکر (شایسته ذکر) است که (۰/۲۵) مسلمانان کسانی بودند (هستند) که در علم شیمی و فیزیک (۰/۲۵) نوآوری کردند. (۰/۲۵) (درس ۱۱ ص ۱۳۹) د) سنجاب برخی (بعضی) از دانه‌های بلوط سالم را (۰/۲۵) زیر درخت دفن (پنهان) می‌کند. (۰/۲۵) (درس ۷ ص ۸۵) هـ) همکاران (همکلاسی‌های) شیمل گروهی (تیمی) (۰/۲۵) برای گفتگوی دینی و فرهنگی (۰/۲۵) تشکیل داده بودند (۰/۲۵). (درس ۸ ص ۹۵) و) استاد موافقت نکرد (قبول نکرد) که (۰/۲۵) امتحان را برای دانش‌آموزان به تأخیر (تعویق) بیندازد (۰/۲۵). (درس ۴ ص ۴۴) ز) خداوند ناتوانی آنان را از آوردن (۰/۲۵) مانند (مثل) قرآن آشکار کرد (ظاهر کرد، روشن نمود) (۰/۲۵). (درس ۲ ص ۱۶) ح) قرآن (همان) پند دهنده ای (نصیحت کننده‌ای) است (۰/۲۵) که گمراه نمی‌سازد (۰/۲۵). (درس ۲ ص ۱۶) ط) اگر مشکلی (ناراحتی)، (باز، دوباره) (به سوی تو) آمد (۰/۲۵)، ناله و بی‌تابی نکن (۰/۲۵). (درس ۶ ص ۸۱)	۵

۶	الف) ۱ (درس ۷ ص ۸۹) ب) ۱ (درس ۳ ص ۴۰) هر مورد ۰/۲۵	۰/۵
۷	الف) روشنایی می‌جوید (روشنایی را پیدا می‌کند) (درس ۹ ص ۱۱۰) ب) بیماری (درد، مرض) (درس ۱ ص ۲) هر مورد ۰/۲۵	۰/۵
۸	الف) مواجه (روبه رو) خواهی شد (درس ۴ ص ۴۴) ب) برمیانگیخت (تحریک می‌کرد) (درس ۳ ص ۲۸) ج) لقب ندهید (درس ۱۰ ص ۱۲۷) د) شتافتند (با عجله رفتند) (درس ۶ ص۷۳) هر مورد ۰/۲۵	۱
۹	الف) مصدر مرّة (درس۱ ص۱۰) ب) مصدر نوع (درس۱ ص۱۲) هر مورد ۰/۲۵	۰/۵
۱۰	الف) الحُسّاد (الحاسِد) (درس۲ ص۲۲) ب) الخَجول (درس۲ ص۲۳) ج) المُعَمَّرَة (درس ۷ ص ۸۵) هر مورد ۰/۲۵	۰/۷۵
۱۱	الف) ۱ــ ب (مَصابیحَ) (درس۴ ص۵۲) ۲ــ الف (العاداتِ) (درس۱ ص۱۴) هر مورد ۰/۲۵ ب) ۱ــ تقدیری (درس ۵ ص ۶۷) ۲ــ محلّی(درس۵ ص۵۷) ۳ــ فرعی (درس ۳ ص ۳۹)	۱/۲۵
۱۲	الف) فعل مضارع مرفوع (درس۹ ص ۱۲۱) ب) محلاً (درس۹ص۱۲۱) هر مورد ۰/۲۵	۰/۵
۱۳	الف) فعل مضارع مجزوم (درس۱۰ ص ۱۲۶) ب) فعل مضارع منصوب (درس۷ ص ۹) هر مورد ۰/۲۵	۰/۵
۱۴	الف) أخلَصَ (درس۸ ص۱۰۴) ب) ظَهَرَت (درس۸ص۱۰۴) هر مورد ۰/۲۵	۰/۵
۱۵	الف) ۱ــ شدیدُ (درس۱۰ ص۱۳۱) ب) ۳ــ المؤمنونَ (درس۹ ص۱۲۹) ج) ۳ــ الفَ (درس۱۰ ص۱۳۴) د) ۲ــ مملوءً (درس۹ ص ۱۲۰) هر مورد ۰/۲۵	۱
۱۶	الف) ربُّ (ربُّکم) (درس۱۰ ص ۱۳۶) ب) أن یَرحَمَ (یَرحَمَ، أن یَرحَمَکُم) (درس۱۰ ص ۱۳۶) هر مورد ۰/۲۵	۰/۵
۱۷	الف) ۳ــ لا سَبیلَ أنجَی مِنَ الصِّدقِ. (درس۱۱ ص۱۴۴) ب) أحسَنُ (درس۱۱ ص۱۴۳) هر مورد ۰/۲۵	۰/۵
۱۸	الف) ۲ــ حَطَّنا (درس۱۲ ص ۱۶۳) ب) ۳ــ خُذُوا (درس۱۲ ص ۱۶۳) هر مورد ۰/۲۵	۰/۵
۱۹	الف) ۳ــ یُنفِقُ (درس ۸ ص۱۰۴) ب) ۱ــ یُجالِسوا (درس۷ ص۹۱) ج) ۲ــ أستَخدِمَ (درس ۷ ص۹۰) هر مورد ۰/۲۵	۰/۷۵
۲۰	متکلّم مع الغیر (درس۷ ص۹۰) هر مورد ۰/۲۵	۰/۲۵

۲۱	الف) ۲ــ فعلُ نهی، ثلاثیّ مزید مِن باب تَفعیل، معرب (درس ۵ ص ۵۷) ب) ۱ــ اسم، مؤنّث، معرَّف بأل، الصّفة المشبّهة، معرب (درس ۱۲ ص ۱۵۰) ج) ۲ــ اسمٌ، جمعٌ مذکرٌ للسّالمٌ، معرَّف بأل، معرب (درس ۶ ص ۷۹) هر مورد ۰/۲۵	۰/۷۵
۲۲	الف) مجرور به حرف جرّ (درس۵ص۶۷) ب) مفعول به (درس ۴ ص ۵۲) ج) مبتدا (درس۵ص۶۷) هر مورد ۰/۲۵	۰/۷۵
۲۳	الف) سوء الظّنّ (درس ۱۰ ص ۱۲۷) ب) الإلتِفات (درس ۷ ص ۸۶) ج) المِفتاح (درس۲ ص ۲۱) د) المُستَشرِق (درس ۸ ص۹۶) هر مورد ۰/۲۵	۱
۲۴	الف) أخَذَ العُلَماءُ المُسلِمونَ مِن کُلِّ أُمَّةٍ أحسَنَ ما عِندها مِنَ العُلومِ. (درس ۱۱ ص ۱۳۸ و ۱۳۹) ب) یَحوی آراءَ بَدیعَةً فی عِلمِ الضَّوءِ. ج) غ د) ص هر مورد ۰/۲۵	۱
	مِن اللهِ التَّوفیق	۲۰

فایل پی دی اف این آزمون را می‌توانید با اسکن کد زیر دریافت کنید :

درس هفتم

هدف کلی : دانش‌آموز عوامل نصب فعل مضارع را بشناسد.

اهداف جزئی :

۱ دانش‌آموز با ادوات ناصبه فعل مضارع آشنا شود.

۲ دانش‌آموز تأثیر ادوات نصب بر ترجمه فعل مضارع را بیاموزد.

انتظارات عملکردی :

در پایان این درس انتظار می‌رود دانش‌آموز :

۱ تک‌تک ادوات ناصبه فعل مضارع را در جملات شناسایی کند.

۲ بتواند فعل مضارع منصوب را با توجه به اداتی که بر سرش آمده است، به‌درستی ترجمه کند.

پیشنهادات آموزشی برای دبیر در ترجمه درس هفتم

در درس قبل به موضوع اعراب فعل پرداختیم. در متن این درس افعالی با اعراب رفع، نصب و جزم وجود دارد. دانش‌آموزان تا پایان این درس با اعراب‌های رفع و نصب در فعل مضارع آشنا می‌شوند. خوب است در هنگام ترجمه به تغییرات اعرابی در افعال مضارع اشاره کنیم و پس از پایان تدریس یا ضمن تدریس، به این متن برگردیم و به بعضی از این موارد اشاره شود تا با تکرار، مطالب را به حافظه بلند مدت دانش‌آموزان ببریم.

در متن با مواردی مواجه هستیم که ممکن است مورد سؤال دانش‌آموزان قرار بگیرد؛ به‌طور مثال در حدیث «رُبَّ کلامٍ کالحُسام» ممکن است این سؤال پیش بیاید که این، یک جمله اسمیه است یا فعلیه؟ حرف «رُبَّ» حرف جرّ زائد است، لذا عباراتی که با «رُبَّ» شروع می‌شوند، اسمیه هستند و گویا آن اسمی که بعد از «رُبَّ» آمده است، در معنا مبتداست و جار و مجروری که بعد از آن است، خبر!

عبارت دیگری وجود دارد که با کلمه «طوبی» شروع شده است و شکل دعایی دارد. این جمله اسمیه است یا فعلیه؟ کلمه «طوبی» مصدر است، لذا اسم در صدر جمله است و جمله اسمیه داریم؛ پس «طوبی» مبتدا و تقدیرا مرفوع است و جار و مجروری که بعد از آن می‌آید، خبر!

در بخش واژگان نیز دانش‌آموزان را به مفرد و جمع کلمات توجه دهید :

تُهمَة جمعش تُهَم است. در میان واژگان کلمه «زَلَل» را می‌بینیم که مفرد و به معنای «لغزش» است. بسیاری از دانش‌آموزان از ظاهر این کلمه، آن را جمع مکسر می‌پندارند لذا حتما تأکید نمایید که به خاطر بسپارند این کلمه، مفرد است.

در واژگان، مترادف و متضاد نیز مطرح شده است که دانستن آنها بسیار حائز اهمیت است :

كَلَّمَ = حَدَّثَ　　مَخبوء = خَفيّ　　قِلَّة ≠ كَثرَة　　لَيِّن ≠ خَشِن　　لين≠ خُشونة

آداب سخن گفتن

ای کسانی که ایمان آورده اید، سخنی استوار بگویید. احزاب : ۷۰

سخن گفتن آدابی دارد که بر گوینده واجب است به آن عمل کند و مخاطبان را با کلامی زیبا به کاری شایسته دعوت کند و با مچ‌گیری با آنها بحث نکند؛ «با حکمت و اندرزی نیکو به راه پروردگارت فرا بخوان و با آنها به آنچه که بهتر است، بحث کن». (نحل : ۱۲۵)

واجب است (گوینده) به آنچه می‌گوید، عمل کننده باشد تا اینکه روش آنها (مخاطبان) را تغییر دهد؛ «برای چه می‌گویید آنچه را انجام نمی‌دهید؟!»

و واجب است که قبل از سخن گفتن، درود بفرستد؛ «سلام کردن قبل از سخن گفتن است.» (امام صادق علیه السلام)، همان‌طور که واجب است که سخنش نرم باشد و به اندازه عقل‌های شنوندگان باشد تا آنها را قانع کند و محبتشان را بدست آورد؛ «با مردم به اندازه عقل‌هایشان سخن بگو» (رسول خدا صلّی الله علیه و آله) و «زبانت را به نرمی کلام عادت بده». (امام علی علیه السلام)

بر اوست (واجب است) که در موضوعی دخالت نکند که خودش را در معرض تهمت‌ها قرار دهد؛ «از جایگاه‌های تهمت‌ها بپرهیز!» (رسول خدا صلّی الله علیه و آله)

گوینده با سخنش شناخته می‌شود؛ «سخن بگویید تا شناخته شوید، پس بی‌گمان انسان در زیر زبان خویش پنهان است». (امام علی علیه السلام)

برخی اوقات قدرت کلام از سلاح قوی‌تر است؛ «چه بسا سخنی همچون شمشیری برنده باشد!» (امام علی علیه السلام)

و چه بسا کلامی که مشکلاتی را برای تو جذب می‌کند! «بیندیش سپس سخن بگو تا از لغزش در امان بمانی». (امام علی علیه السلام)

دوری کردن از بیان گفته‌هایی که در آنها احتمال دروغ است، بر انسان واجب است؛«از آنچه از تکذیبش می‌ترسی سخن نگو». (امام علی علیه السلام)

خوشا به حال کسی که مردم از زبانش نمی‌ترسند؛ «هرکس مردم از زبانش بترسند، پس او از اهل آتش است». (رسول خدا صلّی الله علیه و آله)

و از جمله آداب کلام، کم بودنِ آن است؛ «بهترین کلام آن چیزی است که کم باشد و راهنمایی کند». (امام علی علیه السلام)

مردی زیبا رو جلوی سقراط ایستاد درحالی که به لباس‌ها و ظاهرش افتخار می‌کرد؛ پس سقراط به او گفت : «سخن بگو تا تو را ببینم!»

حل تمارین ناظر به متن

درست و نادرست را بر حسب متن درس مشخص کن.

۱ کسی که در آنچه نمی‌داند، سخن می‌گوید، در خطا می‌افتد. درست

۲ هرکس مردم از زبانش بترسند، پس او قوی است. نادرست

۳ بر ماست (واجب است) که دیگران را با زبانمان جریحه دار نکنیم. درست

۴ کسی که سخن نمی‌گوید، جایگاهش شناخته نمی‌شود. درست

۵ــ از آنچه از تکذیبش می‌ترسیم، سخن نمی‌گوییم. درست

موضوعات درس هفتم

عوامل نصب فعل مضارع : أن، لن، کی، حتّی، لِـ

مقدمه

در درس گذشته گفته شد که فعل مضارع می‌تواند اعراب‌های رفع، نصب و جزم را بگیرد و هرکدام از این اعراب‌ها در صیغه‌های مختلف به شکل اصلی، فرعی و محلّی خواهند بود. در این

درس می‌خواهیم بیاموزیم که تحت چه شرایطی فعل مضارع، منصوب می‌شود؟ برخی حروف هستند که هرگاه بر سر فعل مضارع بیایند آن را متأثّر کرده، منصوب می‌کنند. در این درس حروف ناصبه فعل مضارع معرفی می‌شوند.

مرور مفاهیم اصلی درس

عوامل نصب فعل مضارع

فعل مضارع به‌طور معمول، مرفوع است؛ یعنی وقتی هیچ ادات تأثیرگذاری بر سر آنها نیاید، مرفوعند. گفتیم که فعل مضارع در صیغه‌های مفرد با حرکت ضمه یعنی «ـُـ» مرفوع می‌شود و در افعال خمسه با حرف «ن» و در صیغه‌های شش و دوازده محلاً مرفوع خواهد بود. نوع اصلی، فرعی و محلّی بودن هر یک از صیغه‌ها در مرفوع، منصوب یا مجزوم شدن افعال فرقی نمی‌کند، یعنی همچنان در صیغه‌های مفرد با حرکت فتحه یعنی «ـَـ» منصوب، در افعال خمسه با حذف «ن» و در صیغه‌های شش و دوازده محلاً منصوب خواهد بود.

اما ادواتی که فعل مضارع را منصوب می‌کنند، کدامند؟ «أنْ، لَنْ، کَیْ، حتّی، لِـ» ادوات ناصبه فعل مضارع هستند و در اعراب و ترجمه فعل تأثیر می‌گذارند.

أنْ ناصبه

أنْ + فعل مضارع = فعل مضارع منصوب/ مضارع التزامی ← أنْ تصوموا خیرٌ لکم : اینکه روزه بگیرید، برای شما بهتر است.

در آیه فوق، حرف «أنْ» بر سر فعل «تصومونَ» آمده است و با حذف «نون» آن را منصوب کرده است و نهایتا «أنْ تصوموا» باقی مانده است. «تصومونَ» به معنای «روزه می‌گیرید» یک فعل مضارع اخباری است اما «أنْ تصوموا» به معنای «که روزه بگیرید» مضارع التزامی است؛ پس «أنْ» به معنای «که» ترجمه فعل مضارع را «مضارع التزامی» می‌کند.

ترجمه جملات زیر و تأثیر «أنْ» را ببینیم :

عَلَی الْعَالِمِ **أَنْ یَتَعَلَّمَ** مَا لَمْ یَعْلَمْ : بر دانشمند واجب است **که یاد بگیرد** آنچه را ندانسته است.

لَیْسَ الْخَیْرَ **أَنْ یَکْثُرَ** مَالُکَ وَ وُلْدُکَ : نیکی این نیست **که زیاد شود** مال و فرزندت،

إِنَّمَا الْخَيْرُ أَنْ يَكْثُرَ عِلْمُكَ وَ يَعْظُمَ حِلْمُكَ : نیکی فقط این است **که زیاد شود** دانشت و بزرگ گردد صبرت!

يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ : أَنْ يُخَاطِبَ الْجَاهِلَ مُخَاطَبَةَ الطَّبِيبِ الْمَرِيضِ : برای انسان عاقل شایسته است **که مخاطب قرار دهد** جاهل را همچون خطاب قرار دادنِ پزشک، مریض را!

أَعْجَبَنِي أَنْ تَعْلَمَ : **این که تو بدانی** مرا شگفت‌زده کرد.

لنْ ناصبه

لن + فعل مضارع = فعل مضارع منصوب / هرگز + مستقبل منفی ← **لن تنالوا** البِرَّ حتّى تنفقوا ممّا تُحِبّونَ : **هرگز** به نیکی **دست نخواهید یافت** تا اینکه از آنچه دوست می‌دارید، انفاق کنید!

در آیه فوق، حرف «لَنْ» بر سر فعل «تنالونَ» آمده است و با حذف «نون» آن را منصوب کرده است و نهایتاً «لَنْ تنالوا» باقی‌مانده است. «تنالونَ» به معنای «دست پیدا می‌کنید» یک فعل مضارع اخباری است اما «لَنْ تنالوا» به معنای «هرگز دست نخواهید یافت» نفی ابد و مستقبل منفی است؛ پس «لَنْ» به معنای «هرگز» ترجمه فعل مضارع را «مستقبل منفی» می‌کند. کلمه «هرگز» در ترجمه «لن» بسیار مهم است اما بعضا در تست‌های کنکوری رعایت نشده است اما «نخواهد» در ترجمه « لن + فعل مضارع» بسیار مهم است.

نکته : نفی مؤکّد یعنی فعل، با تأکید بسیار زیادی منفی شده است و نفی ابد یعنی آن فعل تا ابد اتفاق نخواهد افتاد.

کی ناصبه

کی + فعل مضارع = فعل مضارع منصوب/ مضارع التزامی ← جئتُکَ کی تُکرِمَنی : آمدم برای اینکه اکرام کنی مرا.

در عبارت فوق، حرف «کی» بر سر فعل «تُکرِمُ» آمده است و با حرکت فتحه آن را منصوب کرده است و نهایتا «کی تُکرِمَ» باقی مانده است. «تُکرِمُ» به معنای «اکرام می‌کنی» یک فعل مضارع اخباری است اما «کی تُکرِمَ» به معنای «برای اینکه اکرام کنی» مضارع التزامی است؛ پس «کی» به معنای «برای اینکه» ترجمه فعل مضارع را «مضارع التزامی» می‌کند.

همان‌طور که می‌بینیم «کی» علت را بیان کرده است و ترجمه «برای اینکه» دارد؛ از این رو به آن، حرف تعلیل می‌گویند.

لام تعلیل

لِـ + فعل مضارع = فعل مضارع منصوب/ مضارع التزامی ← جئتُکَ لِتُکرِمَنی : آمدم برای اینکه اکرام کنی مرا.

در جمله فوق، حرف « لِـ» بر سر فعل «تُکرِمُ» آمده است و با حرکت فتحه آن را منصوب کرده است و نهایتا «لِتُکرِمَ» باقی مانده است. «تُکرِمُ» به معنای «اکرام می‌کنی» یک فعل مضارع اخباری است اما «لِتُکرِمَ» به معنای «برای اینکه اکرام کنی» مضارع التزامی است؛ پس « لِـ » به معنای «برای اینکه» ترجمه فعل مضارع را «مضارع التزامی» می‌کند.

همان طور که می‌بینیم « لِـ » نیز علت را بیان کرده است و ترجمه «برای اینکه» دارد؛ از این رو به «لِـ» هم حرف تعلیل می‌گویند.

نمونه دیگری که کتاب بیان کرده است جمله «جئتُکَ لِأسئلَکَ : آمدم برای اینکه سؤال کنم از تو» است. در اینجا هم حرف « لِـ» فعل «أسئلُ» را متأثر کرده و نهایتا « لِأسئلَ» باقی مانده است.

حتّی ناصبه

حتّی + فعل مضارع = فعل مضارع منصوب/ مضارع التزامی ← سرتُ حتّی أبلُغَ الجبلَ : حرکت کردم تا به کوه برسم.

در جمله فوق، حرف «حتّی» بر سر فعل «أبلُغُ» آمده است و با حرکت فتحه آن را منصوب کرده است و نهایتا «حتّی أبلغَ» باقی مانده است. « أبلُغُ» به معنای «می رسم» یک فعل مضارع اخباری است، اما «حتّی أبلغَ» به معنای «تا برسم» مضارع التزامی است؛ پس «حتّی» به معنای «تا/ تا اینکه» ترجمه فعل مضارع را «مضارع التزامی» می‌کند و خودش «حرف غایت» نام دارد، چون نهایت و غایت یک فعل را نشان می‌دهد.

در آیه «و لن تَرضَی عنکَ الیهودُ و النَّصارَی حتّی تتَّبِعَ ملّتَهم» فعل «تتّبعُ» تحت تأثیر «حتّی» تبدیل به «حتّی تتّبعَ» و منصوب شده است و در واقع «حتّی» غایت را نشان می‌دهد. به ترجمه آیه دقت کنید : «یهود و نصارا هرگز از تو راضی نخواهند شد تا پیروی کنی از آیین (تحریف شده) آنها.

دانستنی‌های دبیر

۱ «إذن» نیز از ادوات ناصبه فعل مضارع است که در کتاب نیامده است. «إذن» برای جواب و جزا به‌کار می‌رود؛ مثلا در جواب کسی که می‌گوید : «سأنصُرُکَ : تو را یاری خواهم کرد» گفته می‌شود : «إذَن أشکُرَکَ : در این صورت سپاسگزارت خواهم بود.»[۱] و البته تأثیر گذاری «إذن» شروطی دارد که در صورت علاقه، می‌توانید به کتب تخصصی مراجعه نمایید.

۲ حروف دیگری هم به عنوان ادوات نصب فعل مضارع وجود دارند نظیر : «فَ ، أو، وَ» که در دل خود یک «أن» ناصبه پنهان دارند و بدین واسطه منجر به نصب فعل مضارع می‌شوند.

۳ لام ناصبه سه نوع است : لام علّت (که فقط این نوع، در آموزش کتاب ملاک است)، لام جحود و لام زائد.[۲]

۴ گاهی «کی» با حرف «لِ» ترکیب می‌شود و «لکی» بر سر فعل مضارع می‌آید. در این صورت نیز حرف ناصبه داریم و فعل همچنان مضارع التزامی ترجمه می‌شود.

۵ «أن» بر سر فعل مضارع مصدر مؤوّل می‌سازد یعنی فعل را به تأویل مصدر برده و آن را به‌نحوی تبدیل به اسم می‌کند لذا آن فعل، نقش‌های اسمی می‌گیرد و حتی می‌تواند ترجمه مصدری داشته باشد؛ به‌طور مثال در جمله «أُریدُ أن أدرُسَ» عبارت «أن أدرسَ» مصدر مؤوّل است و گویا «أُریدُ الدّراسةَ» بوده است پس «أن أدرسَ» نقش مفعول به برای فعل «أُریدُ» را دارد و به دو صورت قابل ترجمه است : «می خواهم درس بخوانم/ درس خواندن را می‌خواهم». موضوع مهمی که در اینجا وجود دارد این است که نباید مصدر مؤول برای دانش‌آموزان بیان شود زیرا در این مقطع هم مطلب دشواری برای آنهاست هم در تست‌های ترجمه کنکوری تمام گزینه‌هایی که این افعال را مصدری ترجمه کرده‌اند، نادرست گرفته شده‌اند، لذا بیان این مطلب، دانش‌آموزان را در تست‌های کنکوری به خطا می‌اندازد.

۱ــ آموزش نحو، عبدالرّسول کشفی، درس ۷، ص ۵۴
۲ــ. ر.ک. همان، ص ۵۵

اشتباهات رایج دانش‌آموزان

۱ــ در متن‌های عربی این ادوات پرکاربردند : «أنْ، أنّ، إنّ» گاهی دانش‌آموزانی که دقت پایین‌تری دارند متوجه تفاوت اینها باهم نمی‌شوند و حرف «أنْ» ناصبه را با «إنّ» و «أنّ» اشتباه می‌گیرند. لطفاً در هنگام تدریس دانش‌آموزان را به حرف ساکنی که در انتهای این حرف است توجه دهید. ضمناً اگر باز هم خلطی پیش آمد، این نکته را بازگو کنید که «أنْ» بر سر فعل مضارع می‌آید اما آن دو حرف، بر سر اسم می‌آیند.

۲ــ ترجمه «لن» مستقبل منفی است اما برخی از دانش‌آموزان آن را فقط منفی می‌کنند؛ به‌طور مثال «لن یذهبَ» به معنای «هرگز نخواهد رفت» را «هرگز نمی رود» ترجمه می‌کنند درحالی‌که «هرگز نمی‌رود» معادل «لا یذهبُ أبداً» است. به دانش‌آموزان تأکید کنید که مستقبل ترجمه‌کردنِ «لن» بسیار مهم است و در صورتی که این نکته را در ترجمه رعایت نکنند در واقع فقط «لا نفی فعل مضارع» را ترجمه کرده‌اند.

«حتّی» انواع مختلفی دارد. نباید دانش‌آموز گمان کند که هرکجا حرف «حتّی» دید ناصبه است لازم است به این نکته دقت کند که «حتّی» وقتی ادوات ناصبه به شمار می‌آید که بر سر فعل مضارع آمده باشد.

تمارین

تمرین اول : جملات زیر را ترجمه کن، سپس عامل نصب و علامت فعل مضارع را مشخص کن.

۱ حرکت کردم تا به کوه برسم.

سرتُ : فعل و فاعلش ضمیر بارز تُ/ حتّی أبلغَ : فعل و فاعلش ضمیر مستتر أنا/ الجبلَ : مفعول به و منصوب به فتحه اصلی

حتّی أبلغَ : فعل مضارع منصوب به وسیله حرف ناصبه حتّی و علامت نصبش فتحه اصلی

۲ خداوند هرگز برای کافرین علیه مومنین راهی قرار نخواهد داد.

لَنْ یَجعَلَ : فعل/ اللهُ : فاعل و مرفوع به ضمه اصلی/للکافرینَ : جار و مجرور فرعی به یاء/ علی المؤمنین : جار و مجرور فرعی به یاء/ سبیلاً : مفعولبه و منصوب به فتحه اصلی

لَنْ یَجعَلَ : فعل مضارع منصوب به وسیله حرف ناصبه لن و علامت نصبش فتحه

۳ و او را در کار من شریک کن تا اینکه تو را بسیار تسبیح کنم.

أشرِکْ : فعل و فاعلش ضمیر أنتَ مستتر/ ـه : مفعول‌به و محلاً منصوب/ فی أمر : جار و مجرور تقدیراً/ ی : مضاف الیه و محلاً مجرور/ کی نسبّحَ : فعل مضارع منصوب به وسیله حرف ناصبه کی و علامت نصبش فتحه اصلی/کَ : مفعول‌به و محلاً منصوب/ کثیراً : نایب مفعول مطلق نوعی و منصوب

کی نسبّحَ : فعل مضارع منصوب به وسیله حرف ناصبه کی و علامت نصبش فتحه اصلی

۴ بر دانشمند واجب است که بیاموزد آنچه را ندانسته است.

عَلَی الْعَالِمِ : جار و مجرور به کسره اصلی (البته اسم فعل است که دانش‌آموزان نخوانده‌اند)/ أَنْ یَتَعَلَّمَ : فعل و فاعلش ضمیر مستتر هو/ مَا : مفعولبه و محلاً منصوب/ لَمْ یَعْلَمْ : فعل و فاعلش ضمیر مستتر هو

أَنْ یَتَعَلَّمَ : فعل مضارع منصوب به وسیله حرف ناصبه أن و علامت نصبش فتحه اصلی/ لم یعلمْ : مضارع مجزوم به سکون

۵ برای انسان عاقل شایسته است که برای آخرت کار کند!

یَنْبَغِی : فعل/ لِلْعَاقِلِ : جار و مجرور به کسره اصلی/ أَنْ یَعمَلَ : فعل و فاعلش ضمیر مستتر هو (از آنجا که مصدر مؤوّل است، فاعل برای فعل ینبغی نیز هست)/ للمعادِ : جار و مجرور به کسره اصلی

أن یَعمَلَ : فعل مضارع منصوب به وسیله حرف ناصبه أن و علامت نصبش فتحه اصلی

تمرین دوم : جاهای خالی زیر را با ادوات ناصبه مناسب پر کن.

۱ ورزش کن برای اینکه زندگی سالمی داشته باشی.

با توجه به ترجمه در اینجا باید حرف تعلیل به‌کار رود لذا «کی» و «لِ» برای این عبارت مناسبند.

۲ فردا هرگز در محلّ کارم نخواهم بود به‌دلیل قرارم نزد پزشک.

با توجه به ترجمه در اینجا باید حرف منفی کننده به‌کار رود لذا «لن» مناسب است.

۳ همه نیازهایم را روی یک برگه می‌نویسم تا آنها را به‌خاطر بیاورم.

با توجه به ترجمه در اینجا باید حرف غایت به‌کار رود زیرا نهایت و غایت کار را بیان می‌کند،

لذا «حتّی» مناسب است.

۴ نمی‌توانم که از رایانه استفاده کنم.

با توجه به ترجمه در اینجا باید حرفی که پیوند دهنده جمله است به‌کار رود، لذا «أن» مناسب است.

۵ واجب است که مستمرّاً با نزدیکانت دیدار کنی.

با توجه به ترجمه در اینجا باید حرفی که پیوند دهنده جمله است به‌کار رود، لذا «أنْ» مناسب است.

تمرین سوم : آیه‌ها را ترجمه کن سپس افعال مضارع را اعراب نما.

۱ هرگز به نیکی دست نخواهید یافت تا اینکه از آنچه دوست دارید انفاق کنید.

لَنْ تَنالوا : فعل مضارع منصوب به‌وسیله حرف ناصبه لن و علامت نصبش حذف نون/حتّی تنفقوا : فعل مضارع منصوب به‌وسیله حرف ناصبه حتّی و علامت نصبش حذف نون / تُحِبّونَ : فعل مضارع مرفوع و علامت رفعش ن (فرعی)

۲ خداوند نمی‌خواهد بر شما تنگنایی قرار دهد.

یریدُ : فعل مضارع مرفوع و علامت رفعش ضمه/ لیجعلَ : فعل مضارع منصوب به وسیله حرف ناصبه لِـ و علامت نصبش فتحه

۳ برای اینکه ناراحت نشوید بر آنچه از دستتان رفت.

لکیلا تحزنوا : (لِـ + کی + لا/ نوع لا نافیه است و تأثیری بر اعراب ندارد فقط ترجمه را منفی می‌کند.) فعل مضارع منصوب به وسیله حرف ناصبه لِکی و علامت نصبش حذف نون

۴ صبر کنید تا خداوند میان ما داوری کند.

حتّی یحکمَ : فعل مضارع منصوب به‌وسیله حرف ناصبه حتّی و علامت نصبش فتحه

۵ می‌خواهند سخن خداوند را تغییر دهند.

یریدونَ : فعل مضارع مرفوع و علامت رفعش نون/ أن یبدّلوا : فعل مضارع منصوب به وسیله حرف ناصبه أن و علامت نصبش حذف نون

تمرین چهارم : جملات زیر را ترجمه کن.

۱ دوستانم! با بهترین مردم همنشینی کنید!

۲ صبر کن برای اینکه برادرت بنشیند!

۳ لطفاً! آنجا ننشینید!

۴ برگشتیم برای اینکه اینجا بنشینیم!

۵ هرگز آنجا نخواهند نشست.

۶ می‌خواهم که بنشینم.

تمرین پنجم : برای تحلیل صرفی!

فعل	ماضی مضارع/ امر	مجرد مزید	باب	لازم متعدی	معلوم مجهول	معرب مبنی
أَبْلُغُ	مضارع	مجرد	.....	متعدی	معلوم	معرب
تُنفقونَ	مضارع	مزید	افعال	متعدی	معلوم	معرب
تُكْرِمُ	مضارع	مزید	افعال	متعدی	معلوم	معرب
يَتَعَلَّم	مضارع	مزید	تفعّل	متعدی	معلوم	معرب

اسم	مفرد/مثنی/جمع	مذکر/مؤنث	معرفه/نکره	جامد/مشتق	معرب/مبنی
الْجَبَل	مفرد	مذکر	معرفه بأل	جامد	معرب
الْعَالِم	مفرد	مذکر	معرفه بأل	مشتق اسم فاعل	معرب
الْمَرِيض	مفرد	مذکر	معرفه بأل	مشتق صفة مشبهه	معرب
الطَّبِيب	مفرد	مذکر	معرفه بأل	جامد	معرب

درس هشتم

هدف کلی : دانش‌آموز با عوامل جزم فعل مضارع آشنا شود.

اهداف جزئی :

۱ دانش‌آموز با ادواتی که یک فعل مضارع را مجزوم می‌کند، آشنا شود.

۲ دانش‌آموز ساختار شرط را بیاموزد و با ادوات شرط آشنا شود.

۳ دانش‌آموز با ادوات شرط جازم و غیرجازم و تأثیراتشان در اعراب و ترجمه آشنا شود.

۴ دانش‌آموز ساختار طلب را یاد بگیرد.

۵ دانش‌آموز تأثیر حروف جازم بر ترجمه فعل مضارع را یاد بگیرد.

۶ دانش‌آموز با اجزاء جملات شرطیه و طلبیه آشنا شود.

انتظارات عملکردی :

در پایان این درس انتظار می‌رود دانش‌آموز :

۱ ادوات «لم، لمّا، لا نهی و لِـ امر» را بشناسد و جازم بودن آنها را دریابد.

۲ جملات شرطیه را شناسایی کند و ادوات جازم و غیرجازم در شرط را بداند.

۳ بتواند جملات طلبی را به دقت بررسی کند و فعل طلب و جواب طلب را شناسایی کند.

۴ بتواند افعال مضارع را با توجه به تأثیری که از حروف جازم پذیرفته‌اند، به درستی ترجمه کند.

۵ بتواند جملات شرطیه و طلبیه را به درستی ترجمه نماید.

۶ فعل شرط و جواب شرط را بشناسد.

پیشنهادات آموزشی برای دبیر در ترجمه درس اول

در متن این درس چند فعل مضارع مرفوع وجود دارد. می‌توانیم برای تمرین بیشتر، از دانش‌آموزان بخواهیم این افعال را تبدیل به مضارع منصوب کنند و پس از تدریس قواعد، مضارع

مجزوم هم بسازند تا به درک بهتری از موضوع اعراب فعل مضارع برسند.

پس از آموزش قواعد درس نهم نیز می‌توانید به این متن برگردید و در آموزش نواسخ از این متن کمک بگیرید زیرا شامل چندین مورد از نواسخ است.

در بخش واژگان نیز دانش‌آموزان را به این اصطلاحات توجه دهید :

کانت تلقی محاضرة : سخنرانی می‌کرد / ما یقارب : نزدیک به/ معجَبَة : شیفته

آنّه ماری شیمل

دکتر «آنّه ماری شیمل» از مشهورترین خاورشناسان به شمار می‌آید. در آلمان متولد شد و از کودکی اش مشتاق بود به هر آنچه به شرق مربوط است و شیفته ایران بود. سنّش ۱۵ سال بود هنگامی که شروع کرد به آموختن زبان عربی. درحالیکه در نوزده سالگی از عمرش بود، به مدرک دکترا در فلسفه و تحصیلات اسلامی دست یافت! زبان ترکی را یاد گرفت و در دانشگاه آنکارا تدریس کرد.

شیمل جهان غربی مسیحی را برای فهمیدن حقایق دین اسلامی و آگاهی یافتن از آن دعوت می‌کرد و این کار جایگاهش را در دانشگاه‌های کشورهای اسلامی بالا برد. پس از دانشگاه‌های سند، اسلام آباد، پیشاور، قونیه و تهران به دکترای افتخاری دست یافت.

او زبان‌های بسیاری از جمله فارسی، عربی، ترکی، انگلیسی، فرانسوی و اردو را یاد گرفت و به زبان فارسی سخنرانی می‌کرد. پس او نمونه‌ای برای این عبارت است :

انسان با هر زبانی یک انسان است!

شیمل بیش از صد کتاب و مقاله تألیف کرد، از جمله کتابی پیرامون شخصیت جلال‌الدّین رومی.

او زندگی در شرق را دوست می‌داشت، برای همین مدتی طولاتی در هند و پاکستان تدریس کرد و همچنین نزدیک به بیست و پنج سال در دانشگاه‌هاروارد تدریس کرد.

شیمل قبل از فوتش به دوستانش سفارش کرد که تیمی برای گفتگوی دینی و فرهنگی تشکیل دهند که هدف برترش «گسترش پل‌های صداقت و تفاهم بین اروپا و جهان اسلامی» و «اتحاد میان تمدن‌ها» باشد.

شیمل در یکی از مصاحبه‌هایش به دعاهای اسلامی اشاره کرد و گفت :

«من دعاها و احادیث اسلامی را به زبان عربی می‌خوانم و به ترجمه شان مراجعه نمی کنم.»

او وصیت کرد که این حدیث بر روی قبرش نوشته شود :
«مردم خوابند پس هنگامی که بمیرند، هشیار می‌شوند!»

حلّ تمارین ناظر به متن
به سؤالات زیر بر اساس متن درس پاسخ بده :

۱ شیمل دعاهای اسلامی را به کدام زبان می‌خواند؟
كانت تقرأُ الأدعيةَ الإسلاميّةَ باللّغة العربيّة.

۲ کدام حدیث بر قبر شیمل نوشته شد؟
النّاسُ نيامٌ فإذا ماتوا انتبهوا.

۳ شیمل چند کتاب و مقاله تألیف کرد؟
ألّفت شيملُ أكثرَ مِن مئة كتابٍ و مقالةٍ.

۴ شیمل دوستانش را به چه چیزی سفارش کرد؟
هی أوصت زملائها بتشكيل فريقٍ للحوار الدّينی و الثّقافیّ بأهدافٍ معيّنةٍ.

۵ شیمل کجا متولد شد؟
وُلدَت فی ألمانيا.

موضوعات درس هشتم

۱ عوامل جزم فعل مضارع ۲ جملات شرطیه ۳ جملات طلبیه

مقدّمه

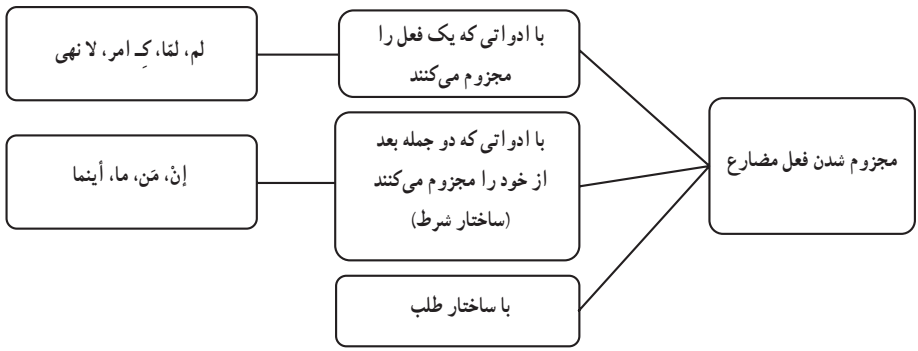
در درس گذشته دیدیم که فعل مضارع در شرایط عادی مرفوع است، اما با وارد شدن برخی ادوات، منصوب می‌شوند و با برخی ادوات و ساختارها مجزوم می‌شوند. در درس قبل، ادوات ناصبه را آموزش دادیم و در این درس ادوات جازمه و ساختار شرط و طلب را معرّفی می‌نماییم.

این نکته را یادآوری می‌کنیم که صیغه‌های مفرد، اعراب اصلی می‌گیرند؛ یعنی به‌طور مثال در حالت جزم، ساکن (ـْ) می‌گیرند، افعال خمسه با حذف نون مجزوم به اعراب فرعی می‌شوند و

صیغه‌های شش و دوازده محلاً مجزوم خواهند بود. اکنون با ادوات و شرایطی که عامل جزم هستند رو به رو می‌شویم.

مرور مفاهیم اصلی درس

عوامل جزم فعل مضارع



ادواتی که یک فعل را مجزوم می‌کنند

فعل امر

در دوره اول متوسطه امر صیغه‌های مخاطب آموزش داده شده است. اکنون دانش‌آموزان باید چگونگی ساخت فعل امر در صیغه‌های غایب و متکلم را بیاموزند.

یاد آوری می‌کنیم که فعل امر در صیغه‌های مخاطب از روی فعل مضارع و به این روش ساخته می‌شود :

۱ حذف حرف مضارعه

۲ درصورتی که فاء الفعل، ساکن باشد باید یک همزه برای سهولت در تلفظ به ابتدای فعل، افزوده شود و در غیر این صورت، نیازی به همزه نیست.

۳ بنابر اینکه حرکت عین الفعل چه باشد، همزه را متحرّک می‌کنیم، یعنی اگر عین الفعل کسره یا فتحه داشت، همزه را مکسور می‌کنیم و اگر عین الفعل، ضمه داشت همزه را مضموم می کنیم.

نکته : تنها امری که ابتدایش همزه مفتوح می‌گیرد، امر باب افعال است.

۴ انتهای فعل را مجزوم می‌کنیم یعنی در صیغه للمخاطب، ضمه را تبدیل به ساکن می‌کنیم،

در صیغه للمخاطبات تغییری ایجاد نمی‌شود و در چهار صیغه‌ای که در این میان هستند، نون حذف می‌شود.

اما ساختار امر در صیغه‌های غایب و متکلم آسانتر است زیرا مراحل کمتری دارد :

۱ ابتدای فعل مضارع یک لام مجرور یعنی «لِ» می‌گذاریم.

۲ انتهای فعل را مجزوم می‌کنیم؛ یعنی در صیغه‌های بدون «ن» حرکت ضمه را به ساکن تبدیل می‌کنیم، در صیغه للغائبات تغییری ایجاد نمی شود، در بقیه صیغه‌ها«ن» از انتهای فعل حذف می‌شود.

یک نمونه صرف فعل امر اعم از امر غایب و متکلم و مخاطب را در جدول زیر می‌بینیم :

فعل مضارع مجزوم (امر صیغه‌های غایب و متکلم)		امر مخاطب (امر حاضر)	
لِيَفتَحْ	مجزوم به سکون	إفتَحْ	مبنی بر سکون
لِيَفتَحا	مجزوم به حذف نون	إفتَحا	مبنی بر حذف نون
لِيَفتَحوا	مجزوم به حذف نون	إفتَحوا	مبنی بر حذف نون
لِتَفتَحْ	مجزوم به سکون	إفتَحی	مبنی بر حذف نون
لِتَفتَحا	مجزوم به حذف نون	إفتَحا	مبنی بر حذف نون
لِيَفتَحْنَ	محلاً مجزوم	إفتَحْنَ	مبنی بر سکون
لِأَفتَحْ	مجزوم به سکون		
لِنَفتَحْ	مجزوم به سکون		

نکته (۱) : فعل امر در صیغه‌های للغائب، للغائبة، للمتکلم وحده و للمتکلم مع الغیر مجزوم اصلی به سکون است و در صیغه للغائبات ــ به‌دلیل مبنی بودن ــ محلاً مجزوم است اما در صیغه‌های للغائبَینِ و للغائبَتَینِ و للغائبینَ مجزوم به اعراب فرعی یعنی حذف نون است.

نکته (۲) : از پایه‌های قبلی می‌دانستیم فعل امر حاضر مبنی است اما اینکه مبنی بر چه علامتی است، مطرح نشده بود. در جدول فوق با این موضوع نیز مواجه هستیم. برای تشخیص نوع بناء در فعل امر حاضر، در صیغه هفتم (للمخاطب) و دوازدهم (للمخاطبات) به حرکت لام الفعل

نگاه می‌کنیم که هردو ساکن است : إفتَحْ / إفتَحْنَ اما در صیغه‌های میان این دو، مبنی بر حذف نون به شمار می‌آیند؛ نظیر : إفتَحا/ إفتَحوا/ إفتَحی/ إفتَحا

نکته (۳) : لام امر باعث می‌شود که فعل مضارع را به‌صورت مضارع التزامی ترجمه نماییم؛ مثل : «لِأفتَحْ : باید بگشایم»

نکته (۴) : در ترجمه افعال امر غایب و متکلم کلمه «باید» می‌آید؛ نظیر : «لِیَفتَحوا : باید بگشایند» اما در امر حاضر استفاده از کلمه «باید» ممنوع است و لازم است خود فعل را مضارع التزامی ترجمه نماییم؛ نظیر : «إفتَحوا : بگشایید!»

فعل نهی

دانش‌آموزان در دوره اول متوسطه با نفی فعل مضارع آشنا شده‌اند. یعنی غالباً «لا» بر سر فعل مضارع را منفی ترجمه می‌کنند. اکنون لازم است بیاموزند که «لا» انواع مختلفی دارد و لزوماً منفی کننده فعل مضارع نیست و ممکن است معنای نهی داشته باشد. چنانچه «لا» دربردارنده معنای نهی باشد، مجزوم کننده فعل مضارع خواهد بود، برخلاف «لا نفی» که هیچ تأثیری بر ظاهر فعل ندارد. فعل نهی و نفی را در جدول زیر می‌بینیم :

صیغه	فعل نفی	ترجمه	فعل نهی (مضارع مجزوم)	ترجمه
للغائب	لا یذهبُ	نمی‌رود	لا یذهبْ	نباید برود
للغائبَینِ	لا یذهبانِ	(آن دو) نمی‌روند	لا یذهبا	(آن دو) نباید بروند
للغائِبینَ	لا یذهبونَ	(آنها) نمی‌روند	لا یذهبوا	(آنها) نباید بروند
للغائبة	لا تذهبُ	نمی‌رود	لا تذهبْ	نباید برود
للغائبَتَینِ	لا تذهبانِ	(آن دو) نمی‌روند	لا تذهبا	(آن دو) نباید بروند
للغائبات	لا یذهبنَ	(آنها) نمی‌روند	لا یذهبنَ	(آنها) نباید بروند
للمخاطب	لا تذهبُ	نمی‌روی	لا تذهبْ	نرو
للمخاطبَینِ	لا تذهبانِ	(شما دو نفر) نمی‌روید	لا تذهبا	(شما دو نفر) نروید
للمخاطِبینَ	لا تذهبونَ	(شما) نمی‌روید	لا تذهبوا	(شما) نروید

صیغه	فعل نفی	ترجمه	فعل نهی (مضارع مجزوم)	ترجمه
للمخاطبة	لا تذهبینَ	نمی‌روی	لا تذهبی	نرو
للمخاطبَتَینِ	لا تذهبانِ	(شما دو نفر) نمی‌روید	لا تذهبا	(شما دو نفر) نروید
للمخاطبات	لا تذهبنَ	(شما) نمی‌روید	لا تذهبنَ	(شما) نروید
للمتکلم وحده	لا أذهبُ	نمی‌روم	لا أذهبْ	نباید بروم
للمتکلم معالغیر	لا نذهبُ	نمی‌رویم	لا نذهبْ	نباید برویم

نکته (۱) : فعل نهی بر خلاف فعل امر، در ساخت مخاطب و غایب و متکلم تفاوتی وجود ندارد و همگی با «لا» و مجزوم شدنِ آن فعل، نهی می‌شوند.

نکته (۲) : در ترجمه افعال نهی غایب و متکلم کلمه «نباید» می‌آید؛ نظیر : «لا نکتُبْ : نباید بنویسیم» اما در صیغه‌های مخاطب استفاده از کلمه «نباید» ممنوع است و لازم است خود فعل را به صورت نهی ترجمه نماییم؛ نظیر : «لا تکتبوا : ننویسید!»

لم و لمّا

«لم» و «لمّا» از دیگر ادوات جازم فعل مضارع هستند که تنها یک فعل بعد از خود را مجزوم می‌کنند. هرگاه «لم» بر سر فعل مضارع بیاید، در ترجمه فعل تأثیر می‌گذارد و علی‌رغم اینکه فعل، مضارع است معنای ماضی می‌دهد. حرف «لم» ترجمه فعل مضارع را معادل ماضی ساده منفی یا ماضی نقلی منفی می‌کند مثل : لم یذهبْ= نرفت (ماضی ساده منفی)/ نرفته است (ماضی نقلی منفی). دقت کنید که «لم یذهبْ» مترادف با «ما ذَهَبَ» است.

«لمّا» بر سر فعل مضارع نیز علاوه بر مجزوم کردن، بر ترجمه هم تأثیر می‌گذارد. حرف «لمّا» به معنای «هنوز» است و به آن، حرف «توقّع» می‌گویند یعنی وقتی «لمّا» بر سر فعل می‌آید، آن فعل، محقّق نشده ولی انتظار می‌رود که در آینده اتفاق بیفتد؛ به‌طور مثال «لمّا یذهبْ» یعنی «هنوز نرفته است». «لمّا» مثل «لم» نیست که ماضی ساده منفی هم ترجمه شود. این نکته، بسیار مهم است.

اختبر نفسک : «لَمْ + فعل مضارع = ماضی ساده / ماضی نقلی»

«لَمْ أَعْلَمْ» = «ندانستم / ندانسته‌ام»

«**لَمْ أَكْتُبْ**» = «ننوشتم / ننوشته‌ام»
«**لَمْ أَجْلِسْ**» = «ننشستم/ ننشسته‌ام»
«**لَمْ أَحْتَرِمْ**» = «احترام نگذاشتم/ احترام نگذاشته‌ام»

ادواتی که دو فعل را مجزوم می‌کنند
جملات شرطیه

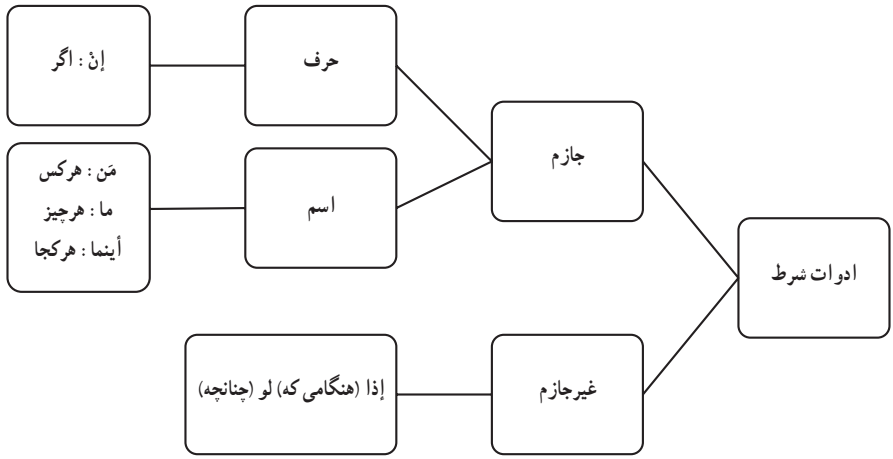
به این آیه توجه کنید : «إن تُطیعوهُ تَهتَدوا : اگر از او اطاعت کنید، هدایت می‌شوید» در این آیه می‌بینیم که «هدایت شدن» مشروط به «تبعیت از او» بیان شده است. چنین جملاتی که تحقّق بخش دوم مشروط به تحقّق بخش اول است، شرطی به‌شمار می‌آیند. همان‌طور که می‌بینیم جملات شرطی دارای سه بخش هستند :

۱ــ ادوات شرط : ادوات شرط یعنی آن کلمه‌ای که جمله را از ساختار خبری به شرطی تبدیل کرده است. این ادوات خود بر دو قسم‌اند؛ یک قسم که مجزوم‌کننده هستند و عبارت‌اند از : «إنْ، مَنْ، ما، أینَما» و قسم دوم، غیرجازم‌اند، یعنی به جمله معنای شرطی می‌دهند اما جازم نیستند و عبارتند از : «إذا و لو»

از میان ادوات شرط جازم «إنْ» حرف و «مَن، ما، أینما» اسم‌اند. «إنْ» به معنای «اگر» است و چون حرف است هیچ گاه نقش نمی پذیرد. «مَن» به معنای «هرکس» و «ما» به معنای «هر چیز» هردو در جمله نقش مبتدا دارند. «أینما» به معنای «هرکجا» همواره نقش «ظرف» در جمله دارد. نکته در «أینما» این است که در واقع «أینَ» + «ما» شده است و «ما» در اینجا زائده است.

از میان ادوات شرط غیرجازم «إذا» اسم و در نقش «ظرف» است و «لو» به معنای «چنانچه» حرف است.

از آنجا که بخشی از آنها حرف و بقیه اسم‌اند، تعبیر به ادوات شرط می‌شود، زیرا کلمه «ادوات» شامل اسم و حرف می‌شود.



۲ــ فعل شرط : فعلی که بلافاصله بعد از ادوات شرط قرار می‌گیرد، معروف به فعل شرط است و ضرورتاً یک جمله خبری است یعنی فعل ماضی یا مضارع است و هرگز به‌صورت فعل امر یا جمله اسمیه نخواهد بود. فعل شرط چنانچه از افعال معرب باشد با اعراب ظاهری مجزوم می‌شود و چنانچه مبنی باشد (ماضی یا دو صیغه جمع مونث مضارع) محلاً مجزوم می‌شود.

نکته دیگر در باب فعل شرط این است که حتما باید بر جواب شرط مقدم باشد و چنین چیزی امکان ندارد که جواب شرط بر فعل شرط مقدم گردد.

۳ــ جواب شرط : جواب شرط می‌تواند یک جمله فعلیه (اعم از فعل ماضی، مضارع و امر) یا اسمیه باشد. چنانچه جواب شرط فعل امر، نهی یا جمله اسمیه باشد ضرورتاً با حرف «فَ» شروع می‌شود که فاء جزاء نام دارد؛ پس فاء جزاء چیست؟ فائی که بر سر جواب شرط می‌آید. جواب شرط اگر فعل معرب باشد، ظاهراً مجزوم می‌گردد اما اگر فعل مبنی یا جمله اسمیه باشد، محلاً مجزوم خواهد بود.

ترجمه جملات شرطی

* هرگاه «لو» بر سر جمله بیاید، معمولاً فعل شرط و جواب شرط به صورت ماضی استمراری یا ماضی بعید ترجمه می‌شود، مثل : «لو اجتهدتَ نجحتَ» : ۱ــ چنانچه تلاش می‌کردی موفق می‌شدی! ۲ــ چنانچه تلاش کرده بودی موفق شده بودی/ موفق می‌شدی! پس گوینده این نکته را گوشزد می‌کند که در واقع تلاش نکرده‌ای و موفق هم نشده‌ای.

* ادوات شرط « إنْ، من، ما، أینما، إذا» بر سر جمله باعث می‌شوند که غالباً فعل شرط، مضارع التزامی و جوابش به‌صورت مضارع اخباری ترجمه شوند. چنانچه فعل شرط و جوابش

ماضی باشند نیز جایز است که به‌صورت مضارع ترجمه شوند.

بررسی نمونه‌ها و مثال‌های کتاب درسی در موضوع جملات شرطیه

* إِذَا قيلَ لَهُمْ لا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّما نَحْنُ مُصْلِحُونَ.

زمانی که به آنها گفته شود در زمین فساد نکنید؛ می‌گویند ما فقط اصلاح کننده‌ایم.

ادات شرط : إذا (نقش : ظرف و محلاً منصوب) فعل شرط : قيل جواب شرط : قالوا

«اذا» ادات شرط غیر جازم است لذا فعل شرط و جواب شرط، مجزوم نمی شوند.

* لَوْ كَانَ لِرَبِّكَ شَرِيكٌ لَأَتَتْكَ رُسُلُه.

اگر پروردگار تو شریکی داشت؛ قطعاً رسولان او به سوی تو می‌آمدند.

ادات شرط : لو (فاقد نقش است زیرا حرف است) فعل شرط : كان لربّک شريکٌ

جواب شرط :لأتتکَ

«لو» نیز ادات شرط غیرجازم است لذا فعل شرط و جواب شرط، مجزوم نمی‌شوند.

* من يحاولْ كثيراً يصِلْ إلى هدفه.

هرکس بسیار تلاش کند، به هدفش می‌رسد.

ادات شرط : من (نقش : مبتدا و محلاً مرفوع) فعل شرط : يحاولْ / مجزوم به سکون

جواب شرط : يصِلْ/ مجزوم به سکون خبر : برخی کل فعل شرط و جواب شرط را خبر می‌دانند و برخی دیگر فقط فعل شرط را، قول اول غالب است.

* ما تزرعْ فی الدّنيا تحصدْ فی الآخرة.

هرچه در دنیا به‌کاری در آخرت درو می کنی.

ادات شرط : ما (نقش : مبتدا و محلاً مرفوع) فعل شرط : تزرعْ/ مجزوم به سکون

جواب شرط : تحصدْ/ مجزوم به سکون خبر : کل فعل شرط تا آخر جمله

* ما فعلتَ من الخيرات وجدتَها ذخيرةً فی الآخرة.

هرچه از کارهای نیک انجام دهی آنها را اندوخته‌ای برای آخرتت می‌یابی.

ادات شرط : ما (نقش : مبتدا و محلاً مرفوع) فعل شرط : فعلتَ (محلاً مجزوم است زیرا

فعل ماضی و مبنی است.) جواب شرط : وجدتَ (محلاً مجزوم است زیرا فعل ماضی و مبنی است.) خبر : کل فعل شرط تا آخر جمله

* إن تزرعْ خیراً تحصدْ سروراً.

اگر نیکی به‌کاری شادی درو می‌کنی.

ادات شرط : إن (نقش : ندارد زیرا حرف است) فعل شرط : تزرعْ/ مجزوم به سکون

جواب شرط : تحصدْ/ مجزوم به سکون

* إن صبرتَ حصلتَ علی النّجاح فی حیاتک.

اگر صبر کنی در زندگی ات موفقیت به دست می‌آوری.

ادات شرط : إنْ (نقش : ندارد زیرا حرف است)

فعل شرط : صبرتَ (محلاً مجزوم است زیرا فعل ماضی و مبنی است.)

جواب شرط : حصلتَ (محلاً مجزوم است زیرا فعل ماضی و مبنی است.)

* أینما تکونوا یُدرکْکم الموت.

هرجا باشید مرگ شما را در می‌یابد.

ادات شرط : أینما (نقش : ظرف و محلاً منصوب) فعل شرط : تکونوا (مجزوم به حذف نون) جواب شرط : یُدرکْ (مجزوم به سکون)

* من تعلَّمَ علمَ.

هرکس آموزش ببیند می‌داند.

ادات شرط : من (نقش : مبتدا و محلاً مرفوع)

فعل شرط : تعلَّمَ(محلاً مجزوم است زیرا فعل ماضی و مبنی است.)

جواب شرط : علمَ(محلاً مجزوم است زیرا فعل ماضی و مبنی است.)

خبر : کل فعل شرط تا آخر جمله

* مَنْ لَمْ یَکْتَسِبْ بِالْعِلْمِ مَالًا اکْتَسَبَ بِهِ جَمَالاً

هر کس که با علم، مال جمع نکند، به وسیله‌ی آن زیبایی کسب می‌کند.

ادات شرط : من (نقش : مبتدا و محلاً مرفوع)

فعل شرط : لَمْ یَکْتَسِبْ (این فعل به واسطه حرف لم ظاهرا مجزوم شده است و به واسطه جایگاه فعل شرط، محلاً مجزوم است.)

جواب شرط : اکْتَسَبَ (فعل ماضی و محلاً مجزوم)

خبر : کل فعل شرط تا آخر جمله

* مَنْ خَلَا بِالْعِلْمِ لَمْ تُوحِشْهُ خَلْوَةٌ

کسی که با علم خلوت کند؛ تنهایی و خلوت او را وحشت زده نمی‌کند.

ادات شرط : من (نقش : مبتدا و محلاً مرفوع)

فعل شرط : خَلَا (فعل ماضی و محلاً مجزوم)

جواب شرط : لَمْ تُوحِشْ (این فعل به واسطه حرف لم ظاهرا مجزوم شده است و به واسطه جایگاه جواب شرط، محلاً مجزوم است.)

خبر : کل فعل شرط تا آخر جمله

* إِنْ لَمْ تَكُنْ حَلِيماً فَتَحَلَّمْ

اگر خویشتن دار نیستی مانند (افراد خویشتن دار) رفتار کن.

ادات شرط : إِنْ (نقش : ندارد زیرا حرف است)

فعل شرط : لَمْ تَكُنْ(این فعل به واسطه حرف لم ظاهرا مجزوم شده است و به‌واسطه جایگاه فعل شرط، محلاً مجزوم است.)

جواب شرط : تَحَلَّمْ (این فعل، امر حاضر است لذا جزمش مربوط به ساختار امر است و مبنی است پس اعرابش به واسطه جواب شرط، محلاً مجزوم است.)

* و مَن یتوکَّلْ علی اللهِ فهو حسبُه

و هرکس بر خدا اعتماد کند او برای وی بس است.

ادات شرط : من (نقش : مبتدا و محلاً مرفوع)

فعل شرط : یتوکَّلْ (مجزوم به سکون)

جواب شرط : هو حسبُه (جواب شرط از نوع جمله اسمیه است لذا محلاً مجزوم است و نوع فاء، جزاست.)

خبر : کل فعل شرط تا آخر جمله

ساختار طلب

چنانچه در صدر یک جمله، فعل طلبی (امر یا نهی) قرار بگیرد سپس فعل مضارعی واقع

شود که نتیجه آن فعل طلبی را گفته باشد، فعل دوم ــ بدون اینکه ادات خاصی داشته باشد ــ مجزوم می‌شود به‌طور مثال «إرحَموا مَن فی الأرضِ یَرحَمْکم من فی السّماءِ» به معنای «به کسی که در زمین است رحم کنید تا کسی که در آسمان است، به شما رحم کند.» در این حدیث فعل «إرحموا» یک فعل طلبی و امری است که در صدر جمله آمده است و بعد فعل «یرحمْ» آمده و نتیجه «إرحموا» را نشان داده است. در اینجا فعل «یرحمْ» بدون اینکه ادات جزمی بر سرش آمده باشد، مجزوم شده است زیرا «یرحمْ» جواب طلب و مجزوم است.

ترجمه طلب

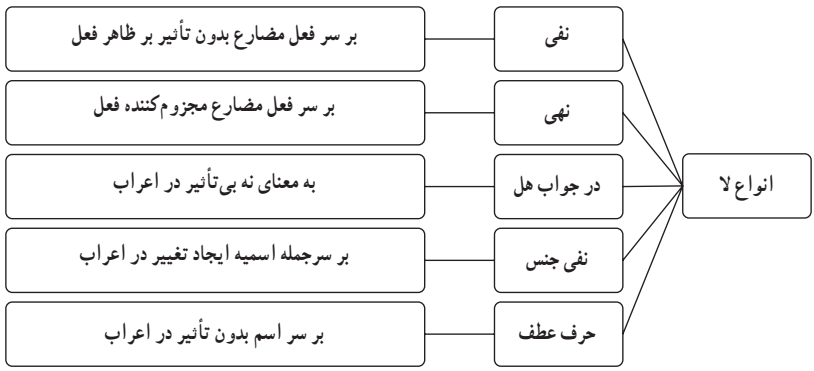
در ترجمه ساختار طلب کلمه «تا» می‌آید یعنی فعل امر یا نهی در ابتدای جمله مطابق آنچه هست ترجمه می‌شود سپس ترجمه جواب طلب با «تا» شروع می‌شود. به نمونه فوق توجه فرمایید!

دانستنی‌های دبیر

۱ هرگاه بخواهیم از فعل مجهول، امر بسازیم لازم است «لِ» امر را بر سر هر چهارده صیغه بیاوریم. به عبارتی در ساخت امر از افعال مجهول فرقی نمی کند که صیغه مخاطب داشته باشیم یا غایب و متکلم بلکه ساختار هر چهارده صیغه یکسان است و با لام امر مجزوم می‌شوند؛ به‌طور مثال :

امر فعل یُکتَبُ، لِیُکتَبْ، امر فعل تُکتَبینَ، لِتُکتَبی است.

۲ لا انواع مختلفی دارد که شناختن آنها می‌تواند کمک کننده باشد. البته باید دقت داشته باشیم که برخی از این موارد را هنوز نخوانده‌اند :



۳ «لو» در زبان عربی معمولاً برای شرط محال، غیرواقعی یا خلاف واقع در گذشته به کار می‌رود؛ از این رو معمولاً فعلی که بعد از آن می‌آید، به‌صورت ماضی استمراری یا ماضی بعید ترجمه می‌شود.

۴ فاء جزاء در موارد زیر واجب است که بر سر جواب شرط بیاید :

الف) اگر جواب شرط همراه با یکی از حروف «قد، سَـ ، سوفَ، ما، لن، لا ناهیه» باشد.

ب) اگر جواب شرط جمله اسمیه باشد.

ج) اگر جواب شد فعل امر باشد.

د) اگر جواب شرط فعل جامد باشد.

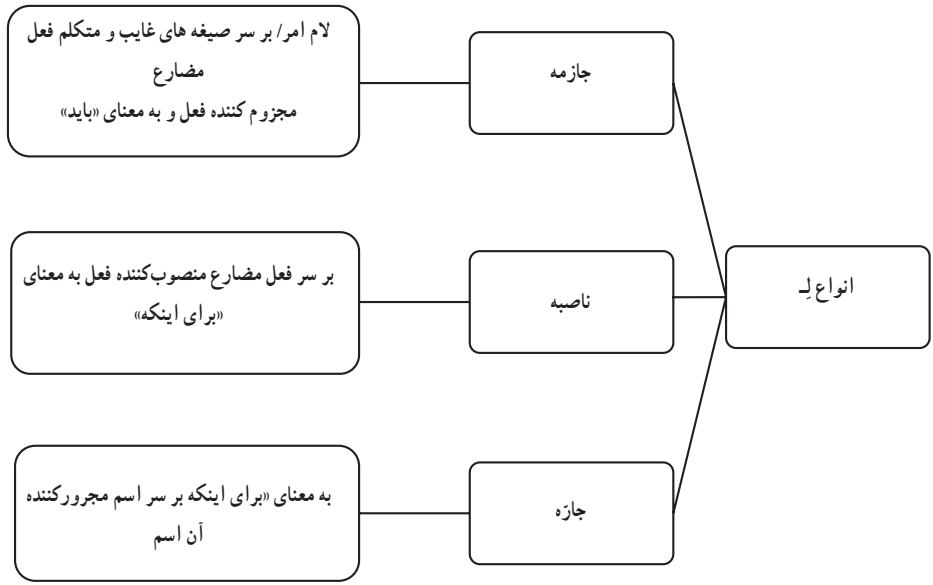
در مواضعی نیز استفاده از فاء جزاء جایز و گاهی نیز ممنوع است.

۵ ساختار طلب وقتی مجزوم کننده است که بر سر جواب طلب حرف «فَـ» به‌کار نرود. چنانچه «فَـ» بیاید، موجب منصوب شدن آن فعل می‌گردد مثل : اجتهِدْ فَتَنجَحَ

اشتباهات رایج دانش‌آموزان و راهکار

۱ در زبان عربی فعل امر مخاطب تحت عنوان یک ساختار فعلی شناخته می‌شود یعنی ساختار فعل به ماضی، مضارع و امر تقسیم می‌شود اما موضوع امر غایب و متکلم ذیل مضارع مجزوم قرار می‌گیرند نه ذیل امر. بسیاری از دانش‌آموزان و البته دبیران در این موضوع دچار ابهام و تردید هستند. باید بدانید که فعل امر حاضر مبنی است اما امر غایب و متکلم، مضارع مجزوم و معرب است و حتّی در صیغه شش هم بخاطر اینکه اساسا مبنی است، در حالت امر هم محلاً مجزوم می‌گردد نه به‌خاطر ساختار امر.

۲ با توجه به اینکه «لِـ» مشترک است میان ادوات ناصبه و جازمه، بسیاری از دانش‌آموزان به خطا می‌افتند و در شناخت این دو از یکدیگر دچار مشکل می‌شوند. «لِـ» انواع مختلفی دارد که شناختن آنها کمک کننده است :



در واقع اگر «لِـ» را در صیغه‌های مفرد دیدیم، حرکت انتهای فعل، روشنگر این است که لام ناصبه داریم یا جازمه مثل : لِیَذهبَ (برای اینکه برود)«ناصبه»/ لیذهبْ (باید برود) «جازمه». اما در سه حالت نمی توان از ظاهر فعل تشخیص دهیم که لام ناصبه داریم یا جازمه :

الف) حرکت نگذاشته باشد.

راهکار :

۱ چنانچه فعل در صیغه‌های مخاطب باشد، قطعاً لام ناصبه داریم زیرا لام جازمه بر سر صیغه‌های مخاطب نمی‌آید.

۲ اگر در صیغه‌های غایب و متکلم باشد باید به محتوا و معنای جمله توجه کنیم؛ درصورتی که معنای «برای اینکه» داشته باشد لام ناصبه و در صورتی که معنای «باید» بدهد، لام جازمه و امر است.

ب) در صیغه‌هایی باشد که علامت نصب و جزمشان مشترکاً حذف نون است.

راهکار : حتماً باید به معنای جمله دقت نماییم. در اینجا نیز اگر معنای «برای اینکه» داشته باشد لام ناصبه و در صورتی که معنای «باید» بدهد، لام جازمه و امر است. یک نکته کاربردی هم

این است که اگر آن فعل، در ابتدای جمله آمده باشد غالباً فعل امر است.

ج) در صیغه‌های مبنی یعنی صیغه‌های جمع مؤنث

راهکار : اگر صیغه للمخاطبات بود، قطعا لام ناصبه است زیرا لام جازمه بر سر این صیغه نمی آید اما اگر صیغه للغائبات بود، بازم هم ضرورت رجوع به معنا وجود دارد.

۳ برخی دانش‌آموزان در ترجمه امر حاضر هم از کلمه «باید» استفاده می‌کنند به‌طور مثال فعل «إفتحوا» را «باید بگشایید» ترجمه می‌کنند که نادرست است. تأکید نمایید که «باید» در شش صیغه مخاطب جایگاهی ندارد.

۴ یکی از خطاهای شایع در ساختار نهی این است که دانش‌آموز هنگام تحلیل صرفی آنها را امر به‌شمار می‌آورد زیرا بار معنایی امری دارد. حتماً این نکته گوشزد شود که ساختار «لا+مضارع مجزوم» ابداً امر به شمار نیامده و نهی است. از سویی نهی با نفی فرق می‌کند و لازم است به ظاهر و معنا توجه داشته باشیم.

۵ در مورد اعراب جواب شرط این سؤال برای دانش‌آموزان پیش می‌آید که اگر یک فعل نهی جواب شرط واقع شود، جزمش را وابسته به ادات نهی بدانیم یا ساختار شرط؟ آن فعل، مجزوم به واسطه لا نهی است و اما به واسطه ادات شرط، محلاً مجزوم خواهد بود.

۶ به دانش‌آموزان تأکید کنید که «أنْ» و «إنْ» و «أنّ» و «إنّ» باهم متفاوت‌اند زیرا در این موارد، خطا زیاد رخ می‌دهد. «أنّ» به معنای «که» و «إنّ» به معنای «بی گمان» و کاربردشان را در دروس آینده خواهیم خواند. «أنْ» به معنای «که» منصوب کننده فعل مضارع و «إنْ» به معنای «اگر» مجزوم کننده فعل مضارع است.

تمارین

تمرین اول : جاهای خالی زیر را با ادوات جزم مناسب پر کن. (لم، لمّا، لا، لِـ)

۱ «لا» / ترجمه : ناراحت نباش (فعل نهی) بی‌گمان خداوند با ماست.

۲ «لِـ» / ترجمه : توانگر باید انفاق کند (فعل امر غایب) از ثروتش.

۳ جای خالی اول : هم «لم» معنا می‌دهد هم «لمّا» البته در آیه «لم» به‌کار رفته است/ جای خالی دوم : «لمّا» / ترجمه : اعراب گفتند ایمان آوردیم، بگو ایمان نیاورده‌اید (لم)/ هنوز ایمان نیاورده‌اید (لمّا) اما بگویید اسلام آوردیم و هنوزداخل نشده است (لمّا) ایمان در دل‌هایتان.

۴ «لا» / ستم نکن (فعل نهی) همان طور که دوست نداری به تو ستم شود.

۵ «لِـ» / ترجمه : ثروتمندان باید غذا بدهند (فعل امر غایب) به تهیدستان. (نکته : کسره‌ای که انتهای لیطعم قرار گرفته است، علامت اعرابی نیست زیرا فعل اصلاً مجرور نمی‌شود بلکه کسره عارضی است. هرگاه ساکن به اسم ال دار برسد، برای وصل و پیوند میان این دو و قابل خواندن شدن، ساکن تبدیل به کسره می‌شود و به آن، کسره عارضی می‌گویند. لذا حرکت کسره ما را مطمئن می‌کند که این فعل، مجزوم است.)

۶ سه تا از حروف جازم در این قسمت می‌توانند قرار بگیرند. هر سه را با ترجمه می‌نویسیم :

الف) «لا» / معلم با عقب انداختن امتحان نباید موافقت کند (فعل نهی).

ب) «لم»/ معلم با عقب انداختن امتحان موافقت نکرد (ماضی منفی).

ج) «لمّا»/ معلم با عقب انداختن امتحان هنوز موافقت نکرده است (ماضی نقلی منفی).

تمرین دوم : جملات زیر را ترجمه کن سپس فعل شرط و جوابش را مشخص و آن دو را اعراب نما.

۱ اگر خداوند را یاری کنید، شما را یاری می‌کند.

فعل شرط : تنصُروا مجزوم فرعی به حذف نون جواب شرط : یَنصُرْ مجزوم اصلی به سکون

۲ هرآنچه از خیر برای خودتان از پیش بفرستید، آن را نزد خداوند می‌یابید.

فعل شرط :تُقَدِّموا مجزوم فرعی به حذف نون جواب شرط :تَجِدوا مجزوم فرعی به حذف نون

۳ هرآنچه از نیکی انجام دهید، آن را خداوند می‌داند.

فعل شرط : تَفعَلوا مجزوم فرعی به حذف نون جواب شرط : یَعلَمْ مجزوم اصلی به سکون

۴ هرکس چهل صبح برای خداوند اخلاص بورزد، چشمه‌های حکمت از قلبش بر زبانش ظاهر می‌گردد.

فعل شرط : أخلَصَ محلاً مجزوم زیرا ماضی و مبنی است.

جواب شرط : ظَهَرَت محلاً مجزوم زیرا ماضی و مبنی است.

تمرین سوم : آیات و احادیث را ترجمه کن سپس افعال مضارع را اعراب نما.

۱ او می‌خواهد شما را از سرزمینتان بیرون کند، پس چه دستوری می‌دهید؟

یریدُ : مضارع مرفوع به ضمه اصلی أن یُخرِجَ : مضارع منصوب به فتحه اصلی
تأمُرونَ : مضارع مرفوع به ثبوت نون

۲ می‌ترسم که گرگ او را بخورد درحالی‌که شما از او غافل هستید.

أخافُ : مضارع مرفوع به ضمه اصلی أن یأکُلَ : مضارع منصوب به فتحه اصلی

۳ آیا دوست ندارید که خداوند برای شما بیامرزد (گناهانتان را)؟

لا تحبّونَ : مضارع مرفوع به ثبوت نون (نوع لا : نافیه) أن یغفِرَ : مضارع منصوب به فتحه اصلی

۴ بی‌گمان خداوند متعال زیبایی است که زیبا بودن را دوست دارد.

یحبُّ : مضارع مرفوع به ضمه اصلی (دقت کنید که فعل تعالی، ماضی باب تفاعُل در صیغه للغائب است)

۵ اولین چیزی که بنده به‌وسیله آن مورد حسابرسی قرار می‌گیرد، نماز است. اگر پذیرفته شود، سایر کارهایش پذیرفته می‌شود و هنگامی که رد شود، سایر اعمالش به او بازگردانده می‌شود.

یحاسبُ : مضارع مرفوع به ضمه اصلی

بقیه افعال ماضی هستند. قبلَت فعل شرط است و در محلّ جزم قرار گرفته و قُبلَ نیز جواب شرط و محلاً مجزوم است. اما افعال ردَّت و رُدَّ محلّی از جزم ندارند چون بعد از اذا آمده اند و إذا شرط غیرجازم است.

تمرین چهارم : ترجمه احادیث نبوی را کامل کن.

۱ هرکس شرّی را به‌کارد آن را درو می‌کند.

فعل شرط : یزرع جواب شرط : یحصد

۲ هرکس برای چیز اندک تشکر نکند، برای چیز فراوان تشکر نمی کند.

فعل شرط : لم یشکر جواب شرط : لم یشکر

۳ هرکس کار نیکش او را شاد کند و کار بدش او را ناراحت کند، مومن است.

فعل شرط : سرّت جواب شرط : هو مومن

۴ هرکس دانشی را یاد بدهد، پاداش کسی که به آن عمل کرده از آنِ اوست و از پاداش عمل کننده کم نمی گردد. فعل شرط : علَّمَ جواب‌شرط : فله‌أجرمن‌عمل‌به

۵ هرکس برای برادر مسلمانش نیازی را برآورده کند، پاداشی دارد همانند کسی که همه عمرش را به خدا خدمت کرده است. فعل شرط : قضی جواب شرط : کان له من الأجر...

تمرین پنجم : برای تحلیل صرفی!

فعل	ماضی مضارع/امر	مجرد مزید	باب	لازم متعدی	معلوم مجهول	معرب مبنی
يُوافِقُ	مضارع	مزید	مفاعله	متعدی	معلوم	معرب
يَدْخُلُ	مضارع	مجرد	.....	لازم	معلوم	معرب
لِيُنفِقْ	مضارع	مزید	افعال	متعدی	معلوم	معرب
أَخْلَصَ	ماضی	مزید	افعال	لازم	معلوم	مبنی
تُقَدِّمونَ	مضارع	مجرد	.....	متعدی	معلوم	معرب

اسم	مفرد/مثنی/جمع	مذکر/مؤنث	معرفه/نکره	جامد/مشتق	معرب/مبنی
الفقراء	جمع مکسّر	مذکر	معرفه بأل	مشتق صفة مشبهه	معرب
صباح	مفرد	مذکر	نکره	جامد غیرمصدری	معرب
الکثیر	مفرد	مذکر	معرفه بأل	مشتق صفة مشبهه	معرب
مُؤمِن	مفرد	مذکر	نکره	مشتق اسم فاعل	معرب
الجمال	مفرد	مذکر	معرفه بأل	جامد مصدر ثلاثی مجرد	معرب

درس نهم

هدف کلی :دانش آموز با افعال ناقصه و عملکردشان آشنا شوند.

اهداف جزئی :

۱ دانش آموز با معنا و مفهوم ناسخه بودن حروف و افعال آشنا شود.

۲ دانش آموز افعال ناقصه را بیاموزد و با عملکرد آنها در جمله آشنا شود.

۳ دانش آموز مفهوم متصرف یا غیرمتصرف بودن یک فعل را بیاموزد.

۴ دانش آموز صرف افعال ناقصه را در صیغه‌های چهارده گانه و ماضی مضارعشان ببیند.

۵ دانش آموز با ترجمه افعال ناقصه آشنا شود.

۶ دانش آموز یاد بگیرد که «کان» بر سر جمله چه تأثیری در ترجمه دارد.

انتظارات عملکردی

در پایان این درس انتظار می‌رود دانش آموز :

۱ بداند غرض از ناسخه بودن حروف و افعال چیست و یک دید کلی نسبت به موضوع نواسخ پیدا کند.

۲ از میان نواسخ افعال ناقصه را شناخته باشد و بتواند آنها را بر سر جمله اسمیه وارد کند و عملکردشان را نشان دهد.

۳ بتواند فعل متصرف را از غیرمتصرف تشخیص دهد.

۴ هرگاه افعال ناقصه را در هر صیغه ای دید، شناسایی کند.

۵ هرگاه افعال ناقصه را در هر ساختاری ــ چه ماضی و چه مضارع ــ دید، بشناسد.

۶ بتواند افعال ناقصه را به درستی ترجمه کند.

۷ بتواند هرکجا «کان» را دید، تأثیرش بر ترجمه جمله را دریابد و ترجمه دقیقی ارائه دهد.

پیشنهادات آموزشی به دبیر در ترجمه درس نهم

متن این درس برگرفته از نهج البلاغه است. معمولاً نهج البلاغه متن‌های سنگین‌تر و سخت‌تری نسبت به دیگر متون دارد لذا باید با دانش آموزان همراهی کنید و قدم به قدم پیش بروید تا بتوانند خودشان ترجمه مناسبی ارائه دهند. لازم است ابتدا کلماتی که در متن وجود دارد و برای دانش آموزان ناآشناست، به دقت به خاطر سپرده شوند و جملات اسمیه و فعلیه تفکیک شوند و نقش کلمات در نظر گرفته شود تا بتوانند به خوبی ترجمه کنند.

در بخش واژگان نیز دانش آموزان را به مفرد و جمع کلمات توجه دهید :

قِرْن جمعش أقران، کبِد جمعش أکباد، شُجاع جمعش شُجعان، طِمر جمعش أطمار، غَرثان جمعش غَرثَی، فَتَی جمعش فِتیَة است.

در میان واژگان کلماتی هستند که مفرد و جمعشان به شدت مورد فراموشی و غفلت قرار می‌گیرد مثلاً بسیاری از دانش آموزان فراموش می‌کنند که غَرثان و مِبطان مفرد هستند و آنها را با مثنی یا جمع اشتباه می‌گیرند، به‌طور خاص غَرثی که جمع غرثان است، شبیه به مفردهاست و دانش‌آموزان را به خطا می‌اندازد لذا باید دبیر گرامی تکیه بیشتری بر این کلمات کند. همین طور کلمه «حَرّی» که مذکرش «حَرّان» است؛ دقت کنید که این کلمه، صفت مشبهه است که مذکرش فَعلان «حَرّان» و مؤنثش فَعلی «حَرّی» است.

به خاطر سپردن این اصطلاحات نیز بسیار مهم است :

أبیتُ : شب را به روز می‌آورم/ أرقّ جلوداً : پوست نازکتر/ أصلب عوداً : سخت چوب تر

در واژگان، مترادف و متضاد نیز مطرح شده است که دانستن آنها بسیار حائز اهمیت است :

جَشَع = حِرص　　عائل = فقیر = مِسکین　　فِتیَة = شباب / فَتَی = شابّ

قَعَدَ بِـ = أجلَسَ　　قوت = طعام

نامه چهل و پنجم از نهج‌البلاغه

اما بعد ای پسر حنیف! به من (گزارش) رسیده است که مردی از جوانان اهل بصره تو را به سفره میهمانی دعوت کرده و تو به سرعت به سوی آن(سفره مهمانی) شتافته‌ای.

من گمان نمی‌کردم که به غذای قومی جواب‌دهی که فقیرشان رانده شده و ثروتمندشان دعوت

شده‌اند! آگاه باش! هر پیرُوی، پیشوایی دارد که از او پیرَوی می‌کند و از نور دانشش روشنایی می‌جوید. آگاه باش! بی‌گمان امام شما از دنیایش به دو جامه کهنه‌اش و از غذایش به دو قرص نانش اکتفا کرده است.

آگاه باش! قطعاً شما بر آن، قادر نیستید اما مرا با پرهیزگاری، تلاش عفت و درستی یاری دهید. هیهات که هوا و هوس من بر من غلبه کند و حرصم مرا به دنبال انتخاب غذاها بکشد در حالی‌که شاید در حجاز یا یمامه کسی باشد که هیچ امیدی در قرص نان ندارد و هیچ پیمانی با سیری ندارد؛ یا من با پرخوری شب را به روز آورم در حالی‌که در اطرافم شکم‌هایی گرسنه و کبدهایی سوزان باشد؟! یا آنچنان باشم که آن گوینده (شاعر) گفته است :

این درد تو را بس که شب را به صبح آوری با پرخوری　　در حالی که در اطراف تو جگرهایی آرزو می‌کنند پوست پاره‌ای را

آیا از خودم به این قانع باشم که گفته شو : این، امیرالمؤمنین است؟ و با آنان در سختی‌های روزگار شرکت نکنم یا الگویی برای آنان در تلخکامی زندگی باشم؟

گویا (می‌بینم) سخنگوی شما می‌گوید : چنانچه این (دو قرص نان)، غذای پسر ابوطالب است پس ضعف او را از جنگیدن با همتایان و رویارویی با دلاوران می‌نشانَد! آگاه باشید! درخت بیابانی سخت چوب‌تر (محکم‌تر) است و درختان سرسبز پوست نازک‌تر (کم دوام‌تر)!

حل تمارین ناظر به متن

درست و نادرست را بر اساس متن درس مشخص کن!

۱ پوست‌های چوب درخت بیابانی نازک است.　نادرست (أصلب عودا : سخت چوب‌تر)

۲ درختان سرسبز در صحرا می‌رویند و ساقه شان قوی است. نادرست (أرقّ جلوداً : پوست نازک‌تر)

۳ مردی از جوانان اهل کوفه ابن‌حنیف را به سفره مهمانی دعوت کرده. نادرست (اهل بصره)

۴ ابن‌حنیف دعوت قومی که تهیدستشان رانده شده و ثروتمندشان دعوت شده است را پذیرفت.　درست

۵ امام (ع) از مردم اسراف نکردن در لباس و غذا را خواست.　نادرست (ورع و اجتهاد و عفت و سداد)

موضوعات درس نهم

۱ نواسخ ۲ افعال ناقصه و معانی آنها ۳ جایگاه اسم و خبر
۴ صرف افعال ناقصه ۵ ماضی استمراری و ماضی بعید

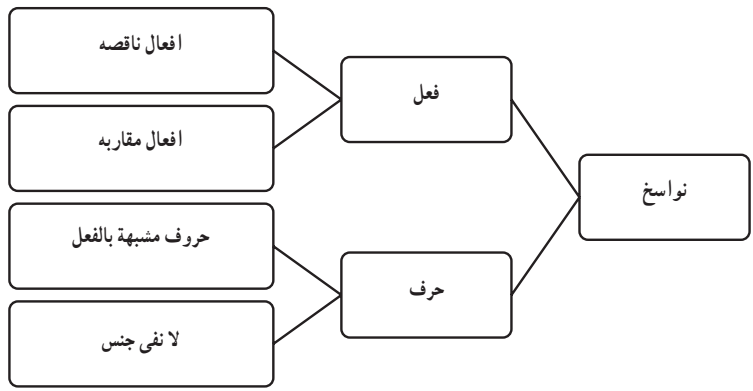
مقدمه

در پایه دهم جمله اسمیه آموزش داده شد. گفتیم ارکان اصلی جمله اسمیه، مبتدا و خبر است که هر دو مرفوع هستند اما افعال و حروفی وجود دارند که بر سر جمله اسمیه می‌آیند و عملکرد آن را تغییر می‌دهند یعنی یا مبتدا را منصوب می‌کنند یا خبر را؛ از این‌رو به این حروف و افعال، نواسخ می‌گویند. در این درس با افعال ناقصه که یک دسته از نواسخ هستند، آشنا می‌شویم.

مرور مفاهیم اصلی درس

نواسخ مبتدا و خبر

افعال و حروفی بر مبتدا و خبر وارد می‌شوند؛ پس مبتدا را اسم و خبر را خبری برای خود قرار می‌دهند و بر اعراب آنها نیز تأثیر می‌گذارند و نواسخ نامیده می‌شوند. کلمه «ناسخه» به معنای «باطل‌کننده عملکرد» است، از این روست که به این افعال و حروف، نواسخ می‌گویند. این نواسخ بر ترجمه جمله اسمیه هم تأثیرگذارند.



در این درس افعال ناقصه را معرفی می‌کنیم و در دروس بعدی با بقیه آنها رو به رو خواهیم شد.

افعال ناقصه

افعال ناقصه سیزده فعل هستند (البته از این میان، فقط پرکاربردها آموزش داده می‌شود) که هرگاه بر سر جمله اسمیه بیایند، مبتدا مرفوع باقی می‌ماند و اسم آنها می‌شود اما خبر را منصوب می‌کنند و تبدیل به خبر آنها می‌گردد. علت اینکه به این افعال، ناقصه می‌گویند این است که معنایشان با فاعل یا نایب فاعل کامل نیست و برای تکمیل معنا نیاز به اسم و خبر دارند. معروف‌ترینِ آنها «کان» است لذا این افعال به «کان و أخَواتش» نیز معروفند و غرض، افعالی است که عملکردشان همچون «کان» است. این افعال عبارتند از :

۱ کانَ (بود) ۲ صارَ (شد/گردید) ۳ أصبَحَ (وارد صبح شد/ شد) ۴ أمسَی (وارد غروب شد/ شد)

۵ أضحَی (وارد ظهر شد/ شد) ۶ ظَلَّ (در طول روز ماند/ شد) ۷ باتَ (در طول شب ماند/ شد)

۸ لَیسَ (نیست) ۹ مادامَ (تا وقتی که) ۱۰ مازالَ (دائماً/ همواره)

نمونه‌های کتاب را با ترجمه ببینیم :

جمله	ترجمه	اسم افعال ناقصه	خبر افعال ناقصه
کان علیٌّ عالِماً	علی دانشمند بود.	علیٌّ / مرفوع اصلی به تنوین رفع	عالماً/ خبر مفرد و منصوب اصلی به تنوین
أصبَحتُ نادماً	پشیمان شدم. (پشیمان صبح کردم)	ضمیر تُ/ محلاً مرفوع	نادماً / خبر مفرد و منصوب اصلی به تنوین
أمسَی علیٌّ تَعِباً	علی خسته شد. (علی با خستگی وارد غروب شد)	علیٌّ / مرفوع اصلی به تنوین رفع	تعِباً/ خبر مفرد و منصوب اصلی به تنوین
أضحَی علیٌّ جائِعاً	علی گرسنه شد. (علی با گرسنگی وارد ظهر شد)	علیٌّ / مرفوع اصلی به تنوین رفع	جائعاً/ خبر مفرد و منصوب اصلی به تنوین

جمله	ترجمه	اسم افعال ناقصه	خبر افعال ناقصه
ظَلَّ علیٌّ صائِماً	علی در طول روز روزه ماند.	علیٌّ / مرفوع اصلی به تنوین رفع	صائماً/ خبر مفرد و منصوب اصلی به تنوین
باتَ علیٌّ مُصَلیّاً	علی در طول شب نمازگزار بود.	علیٌّ / مرفوع اصلی به تنوین رفع	مصلیّاً / خبر مفرد و منصوب اصلی به تنوین
مازالَ علیٌّ مُتَّقیاً	علی همواره پرهیزکار بود.	علیٌّ / مرفوع اصلی به تنوین رفع	متّقیّاً / خبر مفرد و منصوب اصلی به تنوین
أجلِسُ مادُمتَ جالِساً	تا وقتی نشسته باشی می‌نشینم.	ضمیر تَ/ محلاً مرفوع	جالساً / خبر مفرد و منصوب اصلی به تنوین
لیسَ لهم مِن دونِهِ ولیٌّ	غیر از او سرپرستی ندارند.	ولیٌّ / مرفوع اصلی به تنوین رفع	لهم/ خبر شبه جمله و محلاً منصوب

همان طور که می‌بینید فعل «مازالَ» استمرار را نشان می‌دهد و به معنای «همواره و دائماً» هستند و افعال «أصبَحَ، أمسَی، أضحَی، ظَلَّ و باتَ» گاهی در معنای «صار : شد» هستند. نمونه‌هایی از آیات قرآن را ببینیم :

آیه مبارکه	ترجمه	اسم افعال ناقصه	خبر افعال ناقصه
و فُتِحَتِ السَّماءُ فکانَت أبواباً	آسمان گشوده شد پس به صورت درب‌هایی گشت.	ضمیر هی مستتر/ محلاً مرفوع	أبواباً / خبر مفرد و منصوب اصلی به تنوین
حَبِطَت أعمالُهُم فأصبَحوا خاسِرینَ	اعمالشان تباه شد پس زیانکار گردیدند.	ضمیر واو/ محلاً مرفوع	خاسِرینَ/ خبر مفرد و منصوب فرعی به ی
لا یُمسی صَدیقی عَدُوّی	دوستم دشمنم نمی‌شود.	صدیق / مرفوع تقدیراً	عدوّ/ خبر مفرد و منصوب تقدیراً
و إذا بُشِّرَ أحَدُهُم بِالأُنثَی ظَلَّ وجهُهُ مُسوَدّاً	هنگامی که به یکی از آنها بشارت داده شد، صورتش سیاه شد.	وجهُ / مرفوع اصلی به ضمه	مُسوَدّاً / خبر مفرد و منصوب اصلی به تنوین

نکات افعال ناقصه

۱ اسم افعال ناقصه، همچون فاعل در جمله به سه صورت می‌تواند بیاید : اسم ظاهر، ضمیر بارز و ضمیر مستتر

۲ خبر افعال ناقصه نیز به سه صورت می‌تواند بیاید : مفرد، جمله (اسمیه و فعلیه)، شبه جمله

۳ تمامی احکامی که میان فعل و فاعل برقرار است در افعال ناقصه و اسمشان نیز جاری است مثلاً :

الف) اسم با خود فعل ناقصه به لحاظ جنس (مذکر/مؤنث) متناسب می‌آید.

ب) چنانچه اسمشان اسم ظاهر باشد باید فعل ناقصه مفرد بیاید.

ج) اسمشان بر آنها مقدم نمی‌گردد.

۴ تمامی احکامی که میان مبتدا و خبر برقرار است در افعال ناقصه و اسم و خبرشان نیز جاری است مثلاً :

الف) خبر مفرد و جمله با اسم فعل ناقصه به لحاظ جنس (مذکر/ مؤنث) متناسب می‌آید.

ب) خبر مفرد و جمله با اسم فعل ناقصه به لحاظ تعداد (مفرد/ مثنی/ جمع) متناسب می‌آید.

ج) خبر از نظر جایگاهش در جمله، توسّع پذیر است یعنی می‌تواند بر اسم مقدم گردد و حتّی گاهی بر خود فعل ناقصه نیز مقدم می‌گردد.

اکنون با دقت در نکات فوق، مثال‌های کتاب را ببینیم :

کان علیٌّ عالِماً : اسم :علیٌّ/ خبر : عالماً. کان با علی از نظر جنس مطابقت دارند و هردو مذکرند. علی و عالم نیز به لحاظ تعداد و جنس باهم متناسب‌اند و هردو مفرد مذکرند.

کان علیٌّ یذهبُ إلی المدرسةِ : اسم : علی/ خبر : یذهبُ. کان، علی، یذهبُ به لحاظ جنس باهم متناسب‌اند و علی بر کان مقدم نشده است.

کان علیٌّ فی الصّفِّ : اسم : علیٌّ/ خبر : فی الصّفّ. اسم افعال ناقصه به صورت اسم ظاهر آمده و خبرش از نوع شبه جمله

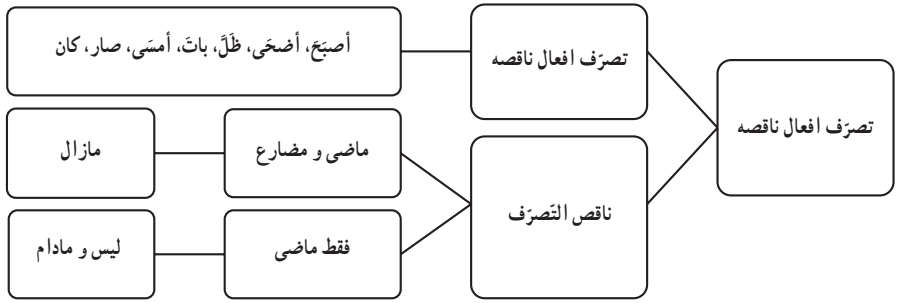
۵ یکی از کارهایی که می‌تواند این موضوع را برای دانش آموزان مفهوم کرده و بر آن، اشراف و تسلط پیدا کنند این است که جملات اسمیه به آنها بدهید و بخواهید یکی از افعال ناقصه را بر آن وارد کنند و تأثیرش را در ظاهر و اعراب و ترجمه نشان دهند. کتاب درسی شامل چنین تمارینی نیست زیرا نباید در امتحانات پایانی سؤالاتی به این شکل طراحی شود اما شما می‌توانید

هنگام تدریس از این روش استفاده کنید. مثلاً این جملات را به دانش آموز بدهید و از آنها بخواهید «کان» را بر جمله وارد کنند :

* الحسینُ عالمٌ ⟸ کانَ الحسینُ عالِماً (خبر مفرد و منصوب)
* فاطمةُ تسجُدُ ⟸ کانَتْ فاطمةُ تسجُدُ (خبر جمله فعلیه و محلاً منصوب)
* زینبُ صبرُها مشهورٌ ⟸ کانَتْ زینبُ صبرُها مشهورٌ (خبر جمله اسمیه و محلاً منصوب)
* الحسنُ فی المسجدِ ⟸ کانَ الحسنُ فی المسجِدِ (خبر شبه جمله و محلاً منصوب)

صرف افعال ناقصه

همان طور که در نمونه‌های گذشته دیدیم افعال ناقصه قابل صرف کردن هستند اما تصرّف آنها دو گونه است؛ برخی از آنها کامل التّصرّف هستند و برخی ناقص التّصرّف. کامل التّصرّف یعنی اینکه آن فعل، ماضی، مضارع، امر، مصدر و اسم فاعل هم دارد. ناقص التّصرّف ها گاهی فقط ماضی و مضارع دارند و امر و مصدر و اسم فاعل ندارند گاهی مضارع هم ندارند و فقط ماضی دارند اما همان ماضی‌شان در چهارده صیغه صرف می‌شود.



امکان یا عدم امکان تصرّف افعال فوق را در جدول زیر می‌بینیم :

امکان تصرّف	ماضی	مضارع	امر
کامل التّصَرُّف	کان	یَکونُ	کُنْ
	أصبَحَ	یُصبِحُ	أصبِحْ
	أضحَی	یُضحِی	أضحِ
	ظَلَّ	یَظَلُّ	ظَلَّ
	باتَ	یَبیتُ	بِتْ
	أمسَی	یُمسِی	أمسِ
	صارَ	یَصیرُ	صِرْ
ناقص التّصَرُّف ماضی و مضارع	مازال	لا یَزالُ / لم یَزَلْ	.....
ناقص التّصَرُّف فقط ماضی	لیس	.....	.....
	مادامَ	.....	.....

در تصرّف این افعال، شناخت ماضی و مضارع آنها برای دانش آموزان کفایت می کند و نیازی به دانستن امر، مصدر یا اسم فاعل آنها نیست زیرا بجز «کانَ، یکونُ، کُنْ» بقیه موارد کم کاربردند.

اکنون صرف این افعال در ساختار ماضی و مضارع را می‌بینیم. برخی از این افعال، معتلّ هستند و در سال آینده موضوع معتلات آشنا خواهیم شد اما اکنون فقط شناختن این فعل ها ملاک است.

صیغه	ماضی	مضارع	ماضی	مضارع	ماضی	مضارع	ماضی	مضارع	ماضی	مضارع	ماضی	مضارع
۱	کانَ	یکونُ	صارَ	یَصیرُ	أصبَحَ	یُصبِحُ	أمْسَی	یُمسِی	أضحَی	یُضحِی
۲	کانا	یکونانِ	صارا	یَصیرانِ	أصبَحا	یُصبِحانِ	أمْسَیا	یُمسِیانِ	أضحَیا	یُضحِیانِ
۳	کانوا	یکونونَ	صاروا	یَصیرونَ	أصبَحُوا	یُصبِحونَ	أمْسَوا	یُمسونَ	أضحَوا	یُضحُونَ
۴	کانَتْ	تکونُ	صارَتْ	تَصیرُ	أصبَحَتْ	تُصبِحُ	أمْسَتْ	تُمسِی	أضحَتْ	تُضحِی
۵	کانَتا	تکونانِ	صارَتا	تَصیرانِ	أصبَحَتا	تُصبِحانِ	أمْسَتا	تُمسِیانِ	أضحَتا	تُضحِیانِ

صیغه	ماضی	مضارع	ماضی	مضارع	ماضی	مضارع	ماضی	مضارع	ماضی	مضارع	ماضی	مضارع
۶	كُنَّ	يَكُنَّ	صِرْنَ	يَصِرْنَ	أصبَحنَ	يُصبِحنَ	أمْسَينَ	يُمسِينَ	أضحَينَ	يُضحِينَ
۷	كُنتَ	تكونُ	صِرْتَ	تَصيرُ	أصبَحتَ	تُصبِحُ	أمْسَيتَ	تُمسِي	أضحَيتَ	تُضحِي
۸	كُنتُما	تكونانِ	صِرْتُما	تَصيرانِ	أصبَحتُما	تُصبِحانِ	أمْسَيتُما	تُمسِيانِ	أضحَيتما	تُضحِيانِ
۹	كُنتُم	تكونونَ	صِرْتُم	تصيرُونَ	أصبَحتُم	تُصبِحونَ	أمْسَيتُم	تُمسونَ	أضحَيتم	تُضحونَ
۱۰	كُنتِ	تكونينَ	صِرْتِ	تَصيرينَ	أصبَحتِ	تُصبِحينَ	أمْسَيتِ	تُمسِينَ	أضحَيتِ	تُضحِينَ
۱۱	كُنتُما	تكونانِ	صِرْتُما	تَصيرانِ	أصبَحتُما	تُصبِحانِ	أمْسَيتُما	تُمسِيانِ	أضحَيتما	تُضحِيانِ
۱۲	كُنتُنَّ	تَكُنَّ	صِرْتُنَّ	تَصِرْنَ	أصبَحتُنَّ	تُصبِحنَ	أمْسَيتُنَّ	تُمسِينَ	أضحَيتُنَّ	تُضحِينَ
۱۳	كُنتُ	أكونُ	صِرْتُ	أصيرُ	أصبَحتُ	أُصبِح	أمْسَيتُ	أُمسِي	أضحَيتُ	أُضحِي
۱۴	كُنّا	نكونُ	صِرْنا	نَصيرُ	أصبَحْنا	نُصبِح	أمْسَينا	نُمسِي	أضحَينا	نُضحِي

صیغه	ماضی	مضارع	ماضی	مضارع	ماضی	مضارع	ماضی	مضارع	ماضی	ماضی
۱	ظَلَّ	يَظِلُّ	باتَ	يَبيتُ	مازالَ	لايَزالُ	مادامَ	لَيسَ
۲	ظَلَا	يَظِلّانِ	باتَا	يَبيتانِ	مازالا	لايَزالانِ	مادامَا	لَيسَا
۳	ظَلُّوا	يَظِلُّونَ	باتُوا	يَبيتُونَ	مازالُوا	لايَزالُونَ	مادامُوا	لَيسُوا
۴	ظَلَّتْ	تَظِلُّ	باتَتْ	تَبيتُ	مازالَتْ	لاتَزالُ	مادامَتْ	لَيسَتْ
۵	ظَلَّتَا	تَظِلّانِ	باتَتا	تَبيتانِ	مازالَتا	لاتَزالانِ	مادامَتا	لَيسَتا
۶	ظَلَلْنَ	يَظْلِلْنَ	بِتْنَ	يَبِتْنَ	مازِلْنَ	لايَزِلْنَ	مادُمْنَ	لَسْنَ
۷	ظَلَلْتَ	تَظِلُّ	بِتَّ	تَبيتُ	مازِلْتَ	لاتَزالُ	مادُمْتَ	لَسْتَ
۸	ظَلَلْتُما	تَظِلّانِ	بِتُّما	تَبيتانِ	مازِلْتما	لاتَزالانِ	مادُمْتما	لَسْتما
۹	ظَلَلْتُم	تَظِلُّونَ	بِتُّم	تَبيتُونَ	مازِلْتم	لاتَزالُونَ	مادُمْتم	لَسْتم
۱۰	ظَلَلْتِ	تَظِلّينَ	بِتِّ	تَبيتينَ	مازِلْتِ	لاتَزالينَ	مادُمْتِ	لَسْتِ
۱۱	ظَلَلْتُما	تَظِلّانِ	بِتُّما	تَبيتانِ	مازِلْتما	لاتَزالانِ	مادُمْتما	لَسْتما

صیغه	ماضی	مضارع	ماضی	مضارع	ماضی	مضارع	ماضی	ماضی
۱۲	ظَلَلْتُنَّ	تَظلِلْنَ	بِتُّنَّ	تَبِتنَ	مازِلْتُنَّ	لاتَزِلْنَ	مادُمْتُنَّ	لَسْتُنَّ
۱۳	ظَلَلْتُ	أَظِلُّ	بِتُّ	أَبِيتُ	مازِلْتُ	لاأَزالُ	مادُمْتُ	لَسْتُ
۱۴	ظَلَلْنا	نَظِلُّ	بِتْنا	نَبِيتُ	مازِلْنا	لانَزالُ	مادُمْنَا	لَسْنا

ترجمه کان

۱ «کانَ» غالباً به معنای «بود» است اما گاهی نیز در معنای «است» به‌کار می‌رود. هرگاه دلالت بر صفات خداوند یا دلالت بر استمرار زمانی داشته باشد مثل پدیده‌های طبیعی، «است» ترجمه می‌شود به‌طور مثال :

* کان اللّهُ سمیعاً بصیراً : خداوند شنوای بیناست.
* کان الرّبیعُ مخضَرَّة : بهار سرسبز است.

۲ هرگاه «کانَ» بر سر فعل مضارع بیاید، زمان آن فعل را به ماضی استمراری تبدیل می‌کند؛ به‌طور مثال :

کانا یلعبان = بازی می‌کردند / «یلعبانِ» به تنهایی به معنای «بازی می‌کنند» است اما از آنجا که با «کانا» همراه شده است، زمانش تغییر یافته و به معنای «بازی می‌کردند» شده است.

۳ هرگاه «کانَ» بر سر فعل ماضی بیاید، زمان آن فعل را از ماضی ساده به ماضی بعید تبدیل می‌کند؛ در میان «کان» و فعل ماضی نیز گاهی «قد» می‌آید و گاهی نمی‌آید اما این امر تغییری در معنا ایجاد نمی‌کند؛ به‌طور مثال : کان قد ذهب = رفته بود/ « ذهب» به تنهایی به معنای «رفت» است و «قد ذهب» نیز به معنای «رفته است» اما از آنجا که با «کان» همراه شده است، زمانش تغییر یافته و به معنای «رفته بود» شده است.

۴ هرگاه خبر «کانَ» مجرور به حرف «لِ» باشد یا «عندَ» خبر واقع شود، به معنای «داشتن» خواهد بود مثل :

کانَ لی کتابٌ = کتابی داشتم / کانَ عندی کتابٌ = کتابی داشتم

در اینجا تفاوت «لِ» با «عندَ» در ملکیت است. هرگاه «لِ» خبر را مجرور کرده باشد به معنای این است که آن شیء مال خود شخص است لذا در مثال «کانَ لی کتابٌ» کتاب مال خود من است اما

هرگاه «عندَ» خبر واقع شود به معنای این است که آن شیء فقط نزد شخص است ولی ممکن است مال خود او نباشد لذا در مثال «کانَ عندی کتابٌ» من کتابی داشتم که مال خودم نیست.

دانستنی‌های دبیر

۱ یک دسته دیگر از نواسخ هستند به نام افعال قلوب که در پایه دوازدهم آموزش داده می‌شود.

۲ دسته دیگری از نواسخ را داریم که حروفی هستند که عملکردشان شبیه به «لیس» است یعنی هم «سلب نسبت و نفی» دارند هم اسمشان مرفوع و خبرشان منصوب است. تفاوتشان در این است که «لیس» فعل است ولی این‌ها حرفند. این حروف عبارتند از : «ما، لا، إنْ، لاتَ» که به «حروف شبیه به لیس» معروفند.

۳ افعال ماانْفَکَّ (دائماً / همواره) ،ما فَتِئَ (دائماً / همواره)، ما بَرِحَ (دائماً / همواره) نیز از جمله افعال ناقصه هستند و عملکردشان همچون (کانَ) است. نمونه‌های آن را در جدول زیر می بینیم :

جمله	ترجمه	اسم افعال ناقصه	خبر افعال ناقصه
مابَرِحَ علیٌّ مُتَّقیاً	علی همواره پرهیزکار بود.	علیٌّ / مرفوع اصلی به تنوین رفع	مُتّقیاً/ خبر مفرد و منصوب اصلی به تنوین
ما فَتِئَ علیٌّ مُتَّقیاً	علی همواره پرهیزکار بود.	علیٌّ / مرفوع اصلی به تنوین رفع	مُتّقیاً/ خبر مفرد و منصوب اصلی به تنوین
ما انفَکَّ علیٌّ مُتَّقیاً	علی همواره پرهیزکار بود.	علیٌّ / مرفوع اصلی به تنوین رفع	مُتّقیاً/ خبر مفرد و منصوب اصلی به تنوین

۴ افعال ماانْفَکَّ، ما فَتِئَ، ما بَرِحَ ناقص التصرّف هستند یعنی فقط ماضی و مضارع دارند اما امر ندارند. صرف این افعال را در جدول زیر می‌بینیم :

صیغه	ماضی	مضارع	ماضی	مضارع	ماضی	مضارع
۱	ماانْفَکَّ	لایَنفَکُّ	مافَتِئَ	لایَفْتَؤُ	مابَرِحَ	لایَبرَحُ
۲	ماانْفَکَّا	لایَنفَکّانِ	مافَتِئَا	لایَفْتَؤانِ	مابَرِحَا	لایَبرَحانِ
۳	ماانْفَکُّوا	لایَنفَکُّونَ	مافَتِئُوا	لایَفْتَؤُونَ	مابَرِحُوا	لایَبرَحُونَ

صیغه	ماضی	مضارع	ماضی	مضارع	ماضی	مضارع
۴	ماانْفَكَّ	لاتَنفَكُّ	مافَتِئَ	لاتَفتَؤُ	مابَرِحَ	لاتَبرَحُ
۵	ماانْفَكَّا	لاتَنفَكّانِ	مافَتِئَا	لاتَفتَؤانِ	مابَرِحَا	لاتَبرَحانِ
۶	ماانْفَكَكْنَ	لايَنفَكِكْنَ	مافَتِئْنَ	لايَفتَؤْنَ	مابَرِحْنَ	لايَبرَحْنَ
۷	ماانْفَكَكْتَ	لاتَنفَكُّ	مافَتِئتَ	لاتَفتَؤُ	مابَرِحْتَ	لاتَبرَحُ
۸	ماانْفَكَكْتُما	لاتَنفَكّانِ	مافَتِئتما	لاتَفتَؤانِ	مابَرِحْتما	لاتَبرَحانِ
۹	ماانْفَكَكْتُم	لاتَنفَكُّونَ	مافَتِئتم	لاتَفتَؤُونَ	مابَرِحْتم	لاتَبرَحُونَ
۱۰	ماانْفَكَكْتِ	لاتَنفَكّينَ	مافَتِئتِ	لاتَفتَؤينَ	مابَرِحْتِ	لاتَبرَحينَ
۱۱	ماانْفَكَكْتُما	لاتَنفَكّانِ	مافَتِئتما	لاتَفتَؤانِ	مابَرِحْتما	لاتَبرَحانِ
۱۲	ماانْفَكَكْتُنَّ	لاتَنفَكِكْنَ	مافَتِئتُنَّ	لاتَفتَؤْنَ	مابَرِحْتُنَّ	لاتَبرَحْنَ
۱۳	ماانْفَكَكْتُ	لاأَنفَكُّ	مافَتِئتُ	لاأَفتَؤُ	مابَرِحْتُ	لاأَبرَحُ
۱۴	ماانْفَكَكْنا	لانَنفَكُّ	مافَتِئْنا	لانَفتَؤُ	مابَرِحْنَا	لانَبرَحُ

۵ افعال «مازال، مابَرِحَ، ماانفَكّ و مافَتِئَ» ضرورتا با حرف «ما» منفی می‌شوند و در غیر این صورت اساساً فعل ناقصه به شمار نمی‌روند. این افعال در ساختار مضارع می‌توانند با «ما» یا ادات نفی دیگری همچون «لا، لَن، لیسَ» منفی شوند؛ مثل : لن نبرَحَ علیه عاکفینَ.

۶ در صیغه‌های مفرد (بدون نون) اگر بعد از «کانَ» مجزوم، ضمیر متصل نصبی یا همزه وصل نباشد، می‌توان «نون» را حذف کرد مثل : لم نکُ مِنَ المُصَلّینَ

۷ افعال ناقصه (به‌جز لیس، مازال، مافتئ) به صورت تامّ نیز کاربرد دارند لذا به جای اسم و خبر، فاعل می‌گیرند. رایج‌ترین این فعل ها همراه با معانی تامّشان چنین هستند :

الف) «کان» به معنای «پدید آمدن و وجود داشتن» مثل : إنّما أمرُه إذا أرادَ شیئاً أن یقولَ لَه کُنْ فَیَکونُ.

ب) «أصبح، أضحَی، أمسَی» به معنای داخل صبح، ظهر و شب شدن مثل : فسُبحانَ اللّهِ حینَ تُمسونَ و حینَ تُصبِحونَ

ج) «باتَ» به معنای «شب را به روز آوردن» مثل : باتَ عليٌّ فی بيتِنا

اشتباهات رایج دانش آموزان و راهکار

۱ مهم‌ترین مشکلی که دانش آموزان در بحث افعال ناقصه دارند، این است که یادشان می‌رود اسم مرفوع و خبر منصوب است یا برعکس. راحت‌ترین راهی که پیش پای دانش آموز است این است که به یادشان بیاوریم در آیات قرآن، مکرّراً شنیده‌اند : «كانَ اللّهُ ...» با توجه به این‌که با دانش آموزان معارف روبه‌رو هستیم و این دانش آموزان با آیات قرآن زیاد سروکار دارند، می‌توانیم از شنیدار آنها کمک بگیریم. وقتی فقط یک نمونه «كانَ اللّهُ ...» را به خاطر بسپارند، درمی‌یابند که اسم کان و اخواتش مرفوع است، خبرشان برعکس یعنی منصوب است.

۲ دانش آموزان در موارد متعددی نحوه ترجمه «کان+ماضی» و «کان+مضارع» را فراموش می‌کنند. این موضوع بسیار مهم است و هم در امتحانات نهایی هم در کنکور معمولاً مورد سؤال قرار می‌گیرد پس نیاز به تمرین و تکرار بیشتر دارد. پیشنهاد می‌کنم از این درس به بعد در تمامی امتحانات از ترجمه «کان» سؤال بدهید حتی در قالب سؤال امتیازی. بدین ترتیب این موضوع با تمرین و تکرار بلند مدت، در ذهن دانش آموز تثبیت می‌گردد.

تمارین

تمرین اول : جملات زیر را ترجمه کن سپس اعراب نما!

۱ بنده همواره با مستحبّات به سوی من نزدیکی می‌جوید تا این‌که من او را دوست داشته باشم.

مازال : فعل ناقصه العبدُ : اسم مازال و مرفوع به ضمه اصلی

يتقرّبُ : خبر جمله فعليه و محلاً منصوب و فاعلش ضمير مستتر هو إلَیّ : جار و مجرور محلاً بالنّوافل : جار و مجرور به کسره اصلی حتّی أُحبَّ : فعل مضارع منصوب و فاعلش ضمير مستتر أنا ـه : مفعول‌به و منصوب محلاً

۲ اعمالشان تباه شد پس زیانکار گردیدند.

حبطَت : فعل أعمالُ : فاعل و مرفوع به ضمه اصلی ـهم : مضاف اليه و محلاً مجرور

فَـ : حرف است و نقش ندارد أصبحوا : فعل ناقصه و اسمش ضمير بارز واو و محلاً مرفوع

خاسرین : خبر مفرد أصبحوا و منصوب به یاء فرعی

۳ مرا تا وقتی زنده هستم به نماز و زکات سفارش کرد.

أوصانی «أوصا+ن+ی» : فعل و فاعلش ضمیر مستتر هو/ نون وقایه فاقد محلّ اعرابی/ ی : مفعول‌به و منصوب محلاً بالصّلوة : جار و مجرور به کسره اصلی و : حرف و فاقد محل اعرابی الزّکاةِ : معطوف و مجرور به کسره اصلی (البته نقش معطوف را هنوز نخوانده اند)

مادمتُ : فعل ناقصه و اسمش ضمیر بارز تُ و محلاً مرفوع حیّاً : خبر مفرد و منصوب به تنوین نصب

۴ آیا در جهنّم جایگاهی برای متکبّران نیست؟

أ : حرف و فاقد محلّ اعرابی لیس : فعل ناقصه فی جهنّمَ : خبر شبه جمله برای لیس و محلاً منصوب/ جار و مجرور به فتحه فرعی مثوًی : اسم لیس و مرفوع تقدیراً (مقصور است) للمتکبّرین : جار و مجرور به یاء فرعی

۵ گردن‌هایشان برای آن (عذاب الهی) خاضع گردید.

فـ : حرف و فاقد محلّ اعرابی ظلّت : فعل ناقصه أعناقُ : اسم ظلّت و مرفوع به ضمه اصلی ـهم : مضاف الیه و مجرور محلاً لها : جار و مجرور و محلاً مرفوع خاضعینَ : خبر مفرد و منصوب به یاء فرعی

تمرین دوم : آنچه از تو خواسته شده را از متن درس بیرون بیاور.

ترجمه شعر در متن درس اول است و بیان شده است.

۱ دواء : مبتدا و مرفوع به ضمه اصلی

۲ اسم تفضیل : الأکبَر

۳ أکفاء/ آدم/ حوّاء : هر سه خبر مفرد و مرفوع به اعراب اصلی (به ترتیب برای این مبتداها : النّاسُ/ أبو/ الأمّ)

۴ ضمیر مستتر هو : اسم کان

۵ لا تطلب : فعل نهی و مجزوم به سکون

۶ الفاخِر : اسم فاعل از ثلاثی مجرد

۷ خُلِقُوا : فعل مجهول و نایب فاعلش ضمیر بارز واو

۸ تَرا : فعل مضارع
۹ لعقلٍ : جار و مجرور اصلی به تنوین جرّ

تمرین سوم : اسم و خبر افعال ناقصه را مشخص کن سپس آن دو را اعراب‌گذاری کن.

۱ هر مکانی در بهار پر از شکوفه‌های زیبا می‌شود.
یصیر : فعل ناقصه کلُّ : اسم یصیر و مرفوع به ضمه اصلی مملوء : خبر مفرد یصیر و منصوب
۲ ملّت تا وقتی که مشتاق برای طلب علم باشد، موفّق است.
مادام : فعل ناقصه ضمیر هو مستتر : اسم مادام و محلاً مرفوع مشتاقاً : مملوءً : خبر مفرد یصیر و منصوب
۳ رسول خدا (ص) الگویی نیکو برای جهانیان است. (ترجمه «است» برای اینکه این موضوع استمرار دارد.)
کان : فعل ناقصه رسولُ : اسم کان و مرفوع به ضمه اصلی اسوةً : خبر مفرد کان و منصوب
۴ دروغگو از کار زشتش پشیمان شد.
أصبَحَ : فعل ناقصه الکاذبُ : اسم أصبحَ و مرفوع به ضمه اصلی نادماً : خبر مفرد و منصوب
۵ نادان در نزد مردم محترم نیست.
لیسَ : فعل ناقصه الجاهلُ : اسم لیس و مرفوع به ضمه اصلی محترماً : خبر مفرد و منصوب
۶ هوا در روستای ما پیوسته سرد است.
لایزالُ : فعل ناقصه الجوُّ : اسم لایزال و مرفوع به ضمه اصلی بارداً : خبر مفرد و منصوب

تمرین چهارم : ترجمه صحیح را انتخاب کن سپس آنچه از تو خواسته شده را مشخص کن.

۱ (ب) لیسَ : فعل ناقصه علمٌ : اسم لیس (اسم ظاهر) و مرفوع به تنوین رفع لی : خبر شبه جمله لیس و منصوب محلاً
۲ (الف) کنتُ : فعل ناقصه تُ : اسم کنتُ (ضمیر بارز) و مرفوع محلاً تراباً : خبر مفرد و منصوب
۳ (الف) کانَ : فعل ناقصه الأطفال : اسم کان و مرفوع به ضمه اصلی

یلعبونَ : خبر جمله فعلیه کان و محلاً منصوب صاروا : فعل ناقصه واو : اسم صاروا (ضمیر بارز) و مرفوع محلاً

نشیطین : خبر مفرد صاروا و منصوب به یاء فرعی اللّعب : مضاف الیه و مجرور به کسره اصلی

۴ (ب) کنتُ : فعل ناقصه تُ : اسم کنتُ (ضمیر بارز) و مرفوع محلاً

ساکتاً : خبر مفرد برای اولی و منصوب لا أعرفُ : خبر جمله فعلیه برای دومی و محلاً منصوب

عن الموضوع : جار و مجرور

تمرین پنجم : اسم و خبر افعال ناقصه را مشخص کن سپس آنها را اعراب نما.

۱ خداوند به هر چیزی محیط است.

کان : فعل ناقصه اللّهُ : اسم کان و مرفوع به ضمه اصلی محیطاً : خبر مفرد کان و منصوب

۲ حرکت کردن در خیابان ها هنگام بارش برف سخت است.

یُصبحُ : فعل ناقصه السَّیرُ : اسم یُصبحُ و مرفوع به ضمه اصلی صعباً : خبر مفرد یُصبحُ و منصوب

۳ تا وقتی که باران فراوان است، در نزدیکی رود ننشین.

مادامت : فعل ناقصه الأمطار : اسم مادامت و مرفوع به ضمه اصلی (نکته : کسره حرف ت در انتهای مادامت، عارضی است لذا اسم مادامت، تِ نیست بلکه این حرف در اصل، ساکن بوده و فعل در صیغه للغائبة است) غزیرةً : خبر مفرد مادامت و منصوب

۴ مؤمنان همواره با ستمگران دشمن هستند.

مازال : فعل ناقصه المؤمنون : اسم مازال و مرفوع به واو فرعی أعداءً : خبر مفرد مازال و منصوب

۵ ساحل از اینجا دور نیست.

لیسَ : فعل ناقصه الشّاطئ : اسم لیس و مرفوع به ضمه بعیداً : خبر مفرد لیس و منصوب

۶ حق برای ما روشن گشت.

صارَ : فعل ناقصه الحقَّ : اسم صار و مرفوع به ضمه واضحاً : خبر مفرد صارَ و منصوب

تمرین ششم : کلمات جدول زیر را ترجمه کن.

ماضی	مضارع	امر و نهی	مصدر
قد أحسَنَ : نیکی کرده است	یُحسِنُ : نیکی می کند	أحسِنْ : نیکی کن	إحسان : نیکی کردن
إقتَرَبَ : نزدیک شد	یَقتَرِبونَ : نزدیک می‌شوند	لاتقتَرِبوا : نزدیک نشوید	اِقتراب : نزدیک شدن
اِنکَسَرَ : شکسته شد	سَیَنکَسِرُ : به زودی شکسته خواهد شد	لاتَنکَسِرْ : شکسته نشو	اِنکِسار : شکسته شدن
اِستَغفَرَ : آمرزش خواست	یَستَغفِرُ : آمرزش می‌خواهد	اِستَغفِرْ : آمرزش بخواه	اِستِغفار : آمرزش خواستن
ما سافرتُ : سفر نکردم	لایُسافِرُ : سفر نمی کند	لاتُسافِرْ : سفر نکن	مُسافَرَة : سفر کردن
تَعَلَّمَ : یاد گرفت	یَتَعَلَّمانِ : یاد می گیرند	تَعَلَّمْ : یاد بگیر	تَعَلُّم : یاد گرفتن
تَبادَلتُم : عوض کردید	تَتَبادَلونَ : عوض می کنید	لاتَتَبادَلوا : عوض نکنید	تَبادُل : عوض کردن
قد عَلَّمَ : آموزش داده است	سوفَ یُعَلِّمُ : آموزش خواهد داد	عَلِّمْ : آموزش بده	تَعلیم : آموزش دادن

درس دهم

هدف کلی : دانش آموز با افعال مقاربه و حروف مشبهة بالفعل و عملکردشان در جمله آشنا شود.

اهداف جزئی :

۱ دانش آموز با عملکرد افعال مقاربه آشنا شود.
۲ دانش آموز جایگاه و اعراب اسم و خبر افعال مقاربه در جمله را بیاموزد.
۳ دانش آموز با معنی افعال مقاربه و تأثیرشان در ترجمه جمله آشنا شود.
۴ دانش آموز موضوع تصرّف یا عدم تصرّف افعال مقاربه را یاد بگیرد.
۵ دانش آموز با عملکرد حروف مشبهه آشنا شود.
۶ دانش آموز جایگاه و اعراب اسم و خبر حروف مشبهه در جمله را بیاموزد.
۷ دانش آموز با معنی حروف مشبهه و تأثیرشان در ترجمه جمله آشنا شود.

انتظارات عملکردی

در پایان این درس انتظار می‌رود دانش آموز :

۱ عملکرد افعال مقاربه را یاد گرفته باشد و بتواند اسم و خبر آنها را در جمله را شناسایی کند.
۲ افعال مقاربه را به درستی ترجمه کند و تأثیرشان در ترجمه کل جمله را به خوبی نشان دهد.
۳ بداند کدام‌یک از افعال مقاربه متصرف و کدام‌یک غیرمتصرف هستند.
۴ عملکرد حروف مشبهه را یاد گرفته باشد و بتواند اسم و خبر آنها را در جمله را شناسایی کند.
۵ حروف مشبهه را به درستی ترجمه کند و تأثیرشان در ترجمه کل جمله را به خوبی نشان دهد.
۶ بداند افعال ناقصه و افعال مقاربه و حروف مشبهه با یکدیگر چه تفاوتی دارند که در دسته‌های جداگانه قرار گرفته‌اند.

پیشنهادات آموزشی برای دبیر در ترجمه درس دهم

در درس گذشته به موضوع افعال ناقصه پرداختیم. در متن این درس چند مورد فعل ناقصه داریم که می‌توانید ضمن ترجمه متن، دانش آموزان را به آنها توجه دهید و اسم و خبرشان را شناسایی کنید و تأثیرشان بر ترجمه جمله را نشان دهید. از سویی چند مورد از افعال مضارع منصوب و مجزوم نیز در متن وجود دارد که خوب است به اینها نیز توجه دهید تا مطلب دروس گذشته هم تکرار شود.

کبیرَة جمعش کَبائِر، لَحم جمعش لُحوم، مَیْت جمعش أموات و مَوتی است. در واژگان، مترادف و متضاد نیز مطرح شده است که دانستن آنها بسیار حائز اهمیت است :

إثم = ذَنْب عسی = رُبَّما أموات=مَوتَی خفیّ ≠ ظاهر مَیْت≠ حَیّ

از آیات اخلاق

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نباید گروهی گروه دیگر را مسخره کند، شاید آنها بهتر از ایشان باشند و نه زنانی زنانی (دیگر را نباید مسخره کند) چه بسا آنها بهتر از ایشان باشند و از خودتان عیب جویی نکنید و به یکدیگر لقب‌های زشت ندهید؛ بد نامی است فسق بعد از ایمان آوردن و هرکس توبه نکند، بی‌گمان ستمگر است! ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید بی‌گمان بعضی از گمان‌ها گناه است و جاسوسی نکنید و بعضی از شما از بعضی دیگر نباید غیبت کند. آیا کسی از شما دوست دارد گوشت برادرش را درحالی‌که مرده، بخورد؟ پس شما آن را ناپسند می‌دارید و از خداوند پروا کنید همانا خداوند بسیار توبه پذیر و بخشایشگر است».

گاهی بین مردم کسی است که از ما بهتر است پس بر ماست که از خودپسندی دوری کنیم و عیب‌های دیگران را با سخنی مخفی یا با یک اشاره ذکر نکنیم. امیرالمؤمنین علی (ع) فرموده‌اند : بزرگترین عیب این است که از آنچه مانندش در تو وجود دارد، عیب جویی کنی.

آیه‌ی اول ما را نصیحت می‌کند و می‌گوید از دیگران عیب جویی نکنید و به آنها لقب‌هایی که ناپسند می‌دارند ندهید. بدکاری است آلوده شدن به گناه! و هرکس آن را انجام دهد از ستمکاران است.

بنابراین خداوند متعال در این دو آیه حرام کرده است :

* مسخره کردن دیگران و نام‌های زشت بر آنها نهادن.
* بدگمانی و آن، اتّهام زدن شخصی به شخص دیگر بدون دلیل منطقی است.
* جاسوسی و آن تلاشی ناپسند است برای کشف اسرار مردم برای رسوا کردن آنها و آن در دین ما از گناهان بزرگ و از اخلاق زشت می‌باشد.
* غیبت و آن از مهم‌ترین علت‌های قطع پیوند بین مردم است.
* بعضی مفسّران، سوره‌ی حُجرات را که این دو آیه در آن آمده است، سوره اخلاق نامیده‌اند.

حل تمارین ناظر به متن

درست و نادرست را بر اساس متن درس مشخص کن.

۱ بعضی از مفسران سوره حجرات را عروس قرآن نامیده‌اند. نادرست (سوره اخلاق نامیده‌اند)

۲ خداوند در این دو آیه فقط مسخره کردن و غیبت کردن را حرام کرده است. نادرست (چندین مورد نام برده شده است.)

۳ غیبت کردن این است که برادر و خواهرت را به آنچه نمی‌پسندند یاد کنی. نادرست (این، استهزاء است)

۴ خداوند مردم را از مسخره کردن یکدیگر نهی می‌کند. درست

۵ تلاش برای شناخت اسرار دیگران امری زیباست. نادرست (تجسس امری ناپسند است)

موضوعات درس دهم

۱ افعال مقاربه و معنای آنها ۲ خبر افعال مقاربه ۳ تصرّف افعال مقاربه
۴ حروف مشبهه و معنای آنها ۵ جایگاه اسم و خبر

مقدمه

در درس قبل گفتیم که نواسخ بر سر جمله اسمیه می‌آیند، مبتدا را اسم خود و خبر را خبر خود می‌گردانند و بر اعراب آنها تأثیر می‌گذارند. دسته دومی که از نواسخ تدریس می‌شود افعال مقاربه و دسته سوم حروف مشبهة بالفعل است که موضوع این درس را شکل دهند.

مرور مفاهیم اصلی درس

افعال مقاربه

افعال مقاربه دسته ای از نواسخ هستند که اسم خود را مرفوع و خبر را منصوب می‌گردانند البته خبرشان در ظاهر و لفظ، گاهی مرفوع و گاهی منصوب به «أنْ» است. این افعال، خود به سه دسته تقسیم می‌شوند که عبارتند از :

۱ افعال قُرب : این افعال دلالت بر نزدیکی وقوع فعل می کنند و شامل فعل‌های «کادَ و أوشَکَ» می‌شود.

۲ افعال رجاء : این افعال دلالت بر امید بر وقوع فعل می کنند و فقط فعل «عَسَی» در کتاب معرفی شده است.

۳ افعال شروع : این افعال دلالت بر شروع فعل می کنند و شامل فعل‌های «أخَذَ، بدأ و جَعَلَ» می‌شود.

دیدیم که یک دسته از این افعال، قُرب نام دارند. اینکه به کل این افعال که عملکرد یکسانی دارند در مجموع، افعال مقاربه می‌گویند. این نام گذاری از باب «تسمیه کل به اسم جزء» است یعنی نام یکی از اجزا را بر روی کل آنها بگذاریم.

معانی افعال مقاربه : «کادَ و أوشَکَ» به معنای «نزدیک بود» و مضارعشان یعنی «یَکادُ و یُوشِکُ» به معنای «نزدیک است» می‌باشد؛ نظیر : «کادَ المطرُ یَنزِلُ : نزدیک بود باران ببارد.» و «یوشِکُ المطرُ ینزلُ : نزدیک است باران ببارد.»

«عسی» به معنای «امید است» می‌باشد مثل : «عسی المطرُ ینزلُ : امید است باران ببارد.»

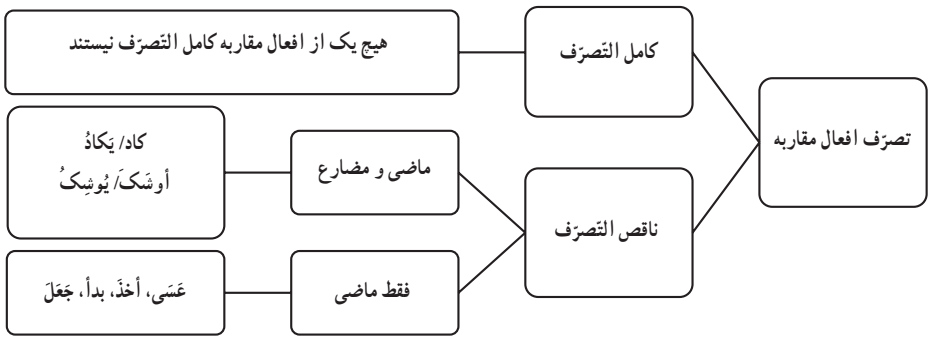
«أخَذَ، بدأ و جَعَلَ» به معنای«شروع کرد» است و خبرشان ــ علی‌رغم اینکه ظاهراً فعل است ــ معمولاً به‌صورت مصدر ترجمه می‌شود همچون : «أخَذَ المطرُ ینزلُ : باران شروع کرد به باریدن»

خبر افعال مقاربه : با توجه به اینکه افعال مقاربه اسم را مرفوع و خبر را منصوب می کنند؛ پس تفاوتشان با افعال ناقصه چیست؟ مهم‌ترین تفاوتشان در این است که خبر افعال مقاربه حتماً و قطعاً یک فعل مضارع است. درباره افعال ناقصه آموخته بودیم که خبرشان در هر سه شکلِ مفرد، جمله، شبه جمله می‌آید اما خبر افعال مقاربه فقط از نوع جمله فعلیه و آن هم فقط فعل مضارع

خواهد بود لذا همواره محلاً منصوب است. این فعل مضارع گاهی با «أنْ» منصوب می‌شود گاهی خیر و یادآوری کنیم که اگر در ظاهر با «أنْ» منصوب شود هم به لحاظ اینکه خبر افعال مقاربه است، محلاً منصوب خواهد بود.

تصرّف افعال ناقصه

در درس قبلی گفتیم افعال یا متصرفند یا غیرمتصرف. متصرف یعنی آن فعل، ماضی و مضارع و امر دارد و غیرمتصرف برخی از این ساختارها را ندارد. اکنون قابل تصرّف بودن افعال مقاربه را در نمودار زیر می‌بینیم :



افعال فوق همگی در چهارده صیغه صرف می‌شوند بجز عَسی که شرایط خاصی دارد و از اهداف آموزشی نیست. صرف افعال مقاربه را در جدول زیر می‌بینیم :

صیغه	ماضی	مضارع	ماضی	مضارع	ماضی	ماضی
۱	کادَ	یَکادُ	أوشَکَ	یُوشِکُ	أخَذَ	جَعَلَ	بَدَأَ
۲	کادا	یَکادانِ	أوشَکَا	یُوشِکانِ	أخَذَا	جَعَلَا	بَدَأَا
۳	کادوا	یَکادُونَ	أوشَکُوا	یُوشِکُونَ	أخَذُوا	جَعَلُوا	بَدَأُوا
۴	کادَتْ	تَکادُ	أوشَکَتْ	تُوشِکُ	أخَذَتْ	جَعَلَتْ	بَدَأَتْ
۵	کادَتا	تَکادانِ	أوشَکَتا	تُوشِکانِ	أخَذَتا	جَعَلَتا	بَدَأَتا
۶	کِدْنَ	یَکِدْنَ	أوشَکْنَ	یُوشِکْنَ	أخَذْنَ	جَعَلْنَ	بَدَأْنَ

صیغه	ماضی	مضارع	ماضی	مضارع	ماضی	ماضی	ماضی
۷	كِدْتَ	تَكادُ	أوشَكْتَ	تُوشِكُ	أخَذْتَ	جَعَلْتَ	بَدَأْتَ
۸	كِدْتُما	تَكادانِ	أوشَكْتُما	تُوشِكانِ	أخَذْتُما	جَعَلْتُما	بَدَأْتُما
۹	كِدْتُم	تَكادُونَ	أوشَكْتُم	تُوشِكُونَ	أخَذْتُم	جَعَلْتُم	بَدَأْتُم
۱۰	كِدْتِ	تَكادِينَ	أوشَكْتِ	تُوشِكِينَ	أخَذْتِ	جَعَلْتِ	بَدَأْتِ
۱۱	كِدْتُما	تَكادانِ	أوشَكْتُما	تُوشِكانِ	أخَذْتُما	جَعَلْتُما	بَدَأْتُما
۱۲	كِدْتُنَّ	تَكَدْنَ	أوشَكْتُنَّ	تُوشِكْنَ	أخَذْتُنَّ	جَعَلْتُنَّ	بَدَأْتُنَّ
۱۳	كِدْتُ	أكادُ	أوشَكْتُ	أُوشِكُ	أخَذْتُ	جَعَلْتُ	بَدَأْتُ
۱۴	كِدْنا	نَكادُ	أوشَكْنا	نُوشِكُ	أخَذْنا	جَعَلْنا	بَدَأْنا

نکات افعال مقاربه

■ گفتیم افعال «أخَذَ، بَدَأَ، جَعَلَ» مضارع ندارند. ممکن است مورد سؤال دانش آموزان قرار بگیرد که پس فعل‌های «يَأخُذُ، يَبدَأُ، يَجعَلُ» که بسیار کاربرد دارند، چیست؟

این افعال دو دسته هستند :

۱ یک دسته از آنها تامّه هستند یعنی معنایشان با فاعل کامل می‌شود و نیازی به اسم و خبر ندارند. در این صورت اساساً فعل مقاربه نیستند و افعال مضارع مربوط به این دسته است. «أخَذَ» به معنای «گرفت» تامه است و مضارعش «يَأخُذُ» است. «بَدَأَ» به معنای «شروع کرد» و مضارعش «يَبدَأُ» است. « جَعَلَ» به معنای «قرار داد» و مضارعش «يَجعَلُ» است.

۲ دسته دوم ناقصه هستند. ناقصه نه به معنای آنچه در نواسخ آمد بلکه به این معنا که فاعل نمی‌گیرند و معنایشان با اسم و خبر کامل می‌شود. این دسته، افعال مقاربه هستند و خبرشان فعل مضارع است لذا بعد از آنها حتماً یک فعل مضارع می‌آید. «أخَذَ، بَدَأَ، جَعَلَ» هر سه در معنای «شروع کرد» هستند و اساساً مضارع ندارند.

مثال‌های کتاب را ببینیم :

* أخَذَ البيتُ يَسقُطُ : خانه شروع کرد به ویران شدن.

أخذَ : فعل مقاربه (شروع) البيت : اسم أخذ و مرفوع به ضمه

يسقط : خبر أخذ از نوع جمله فعليه و محلاً منصوب/ فعل و فاعلش ضمير مستتر هو

* أخذَ عليٌّ الكتابَ : علی کتاب را گرفت.

أخذَ : فعل تامّه عليٌّ : فاعل و مرفوع به تنوين رفع الكتابَ : مفعول به و منصوب به فتحه

* الكريمُ مَن بدأ بالإحسان : بزرگوار کسی است که احسان را آغاز کند.

بدأَ : فعل تامّه و فاعلش ضمير مستتر هو بالإحسان : جار و مجرور (اصلاً اسم و خبر ندارد و بعدش هم فعل مضارع نيامده است.)

* بدأ عليٌّ يكتُبُ : علی شروع کرد به نوشتن.

بدأ : فعل مقاربه (شروع) عليٌّ : اسم بدأ و مرفوع به ضمه يكتبُ : خبر بدأ از نوع جمله فعليه و محلاً منصوب/ فعل و فاعلش ضمير مستتر هو

■ نکته ديگری که درباره افعال مقاربه وجود دارد اين است که احکام مبتدا و خبر در اينجا بدين ترتيب جاری است :

۱ اسم افعال مقاربه می‌تواند اسم ظاهر، ضمير بارز و ضمير مستتر باشد.

۲ خبرشان فقط در يک شکل جمله فعليه می‌آيد.

۳ خبر افعال مقاربه هرگز نمی‌تواند بر اسمش مقدم شود.

۴ اسم و خبر با خود افعال مقاربه از جهت جنس تناسب دارند.

حروف مشبهة بالفعل

حروف مشبهة بالفعل حروفی هستند که بر سر جمله اسميه می‌آيند، مبتدا را اسم خود و خبر را خبر خود می‌گرداند از اين رو بر اعراب آنها تأثير می‌گذارند و اسم را منصوب و خبر را مرفوع می‌کنند. اين حروف عبارتند از : «إنَّ، أنَّ، كَأنَّ، لكِنَّ، لَيتَ و لَعَلَّ». نمونه‌های کتاب را ببينيم :

جمله اصلی	جمله با حروف مشبهه	اسم حروف مشبهه	خبر حروف مشبهه
اللهُ علیمٌ خداوند داناست.	إنَّ اللَّهَ عَلیمٌ بی‌گمان خداوند داناست.	اللَّهَ : منصوب به فتحه	عَلیمٌ : خبر مفرد و مرفوع به تنوین رفع
علیٌّ عالمٌ علی دانشمند است.	لیتَ علیاً عالمٌ ای کاش علی دانشمند باشد.	علیاً : منصوب به فتحه	عالمٌ : خبر مفرد و مرفوع به تنوین رفع
الساعةُ قریبٌ قیامت نزدیک است.	لَعَلَّ السَّاعَةَ قَریبٌ شاید قیامت نزدیک باشد.	السَّاعَةَ : منصوب به فتحه	قَریبٌ : خبر مفرد و مرفوع به تنوین رفع
الشَّیاطینُ کافرونَ شیطان ها کافرند.	لکِنَّ الشَّیاطینَ کافرونَ اما شیطان ها کافرند.	الشَّیاطینَ : منصوب به فتحه	کافرونَ : خبر مفرد و مرفوع فرعی به واو
اللَّهُ شَدیدُ الْعِقابِ خداوند سخت عذاب دهنده است	وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدیدُ الْعِقابِ و بدانید که خداوند سخت عذاب دهنده است	اللَّهَ : منصوب به فتحه	شَدیدُ : خبر مفرد و مرفوع به ضمه
فی أُذُنَیْهِ وَقْرٌ در گوش هایش سنگینی است.	کَأَنَّ فی أُذُنَیْهِ وَقْراً گویا در گوش هایش سنگینی است.	وَقْراً : منصوب به تنوین نصب	فی أُذُنَیْهِ : خبر شبه جمله و محلاً مرفوع

معانی حروف مشبهه

در نمونه‌های جدول فوق معنای حروف مشبهه را نیز دیدیم. کاربرد معنایی حروف مشبهه در جملات از این قرار است :

۱ «إنّ» در جمله برای تأکید بر جمله اسمیه می‌آید و با کلمات «همانا، قطعاً، بی‌گمان و...» ترجمه می‌شود گرچه در سال‌های اخیر، عرب زبان‌ها این کلمه را ترجمه نمی‌کنند و عدم ترجمه اش جمله را نادرست نمی‌کند؛ به‌طور خاص در تست‌های کنکور نباید عدم ترجمه «إنّ» را نادرست بگیریم.

۲ «أنّ» برای پیوند میان دو جمله به کار می‌رود و در دل خود نیز مفهوم تأکیدی دارد و معادل «که» در فارسی است. عدم ترجمه «أنّ» پیوند میان دو جمله را از بین می‌برد لذا اگر ترجمه نشود قطعاً نادرست است.

۳ «لیتَ» در جمله برای بیان «آرزو و تمنّی» به کار می‌رود و به معنای «کاش» و «ای کاش» است. اگر خبر «لیت» فعل ماضی باشد به صورت ماضی استمراری یا ماضی بعید ترجمه می‌شود مثل : «لیت المطرُ نزلَ غزیراً : کاش باران، فراوان باریده بود/ می‌بارید» و اگر خبرش فعل مضارع

باشد، مضارع التزامی ترجمه می‌شود مثل : «لیتَ المطرُ ینزلُ غزیراً : کاش باران، فراوان ببارد».

۴ «لعلّ» در جمله برای بیان امید و ترجّی به کار می‌رود و معادل «امید است، باشد که، شاید و...» در فارسی است. اگر خبر «لعلّ» فعل مضارع باشد به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود مثل : «لعلّکم تعقلونَ : باشد که بیندیشید»

۵ «کأنّ» غالباً برای بیان تشبیه به کار می‌رود و معمولاً معادل «مانند، گویا، مثل اینکه، انگار که و...» ترجمه می‌شود نظیر : «کأنَّ السّماءَ سقفٌ محفوظٌ : انگار که آسمان، سقفی محفوظ است»

۶ «لکنّ» به معنای «امّا، ولی» برای جبران نقص یا رفع ابهام از عبارت قبل استفاده می‌شود.

احکام حروف مشبهة بالفعل

احکام اسم و خبر حروف مشبهه این چنین است :

۱ اسم حروف مشبهه فقط می‌تواند اسم ظاهر یا ضمیر بارز باشد و چون فعل نیست هرگز نمی‌تواند ضمیر مستتر بیاید.

۲ خبر حروف مشبهه به هر سه شکل مفرد، جمله و شبه جمله می‌آید.

۳ اسم و خبر حروف مشبهه هرگز نمی‌توانند بر خود حروف مشبهه مقدم شوند.

۴ اسم و خبر از جهت جنس با یکدیگر تناسب دارند.

مرتبه (جایگاه) اسم و خبر حروف مشبهه

در موارد فوق گفتیم اسم و خبر حروف مشبهه هرگز نمی‌توانند بر خود حروف مشبهه مقدم شوند اما خبر حروف مشبهه چنانچه از نوع شبه جمله باشد می‌تواند بر اسمش مقدم شود. یک بار دیگر مثال «کأنَّ فی اُذُنَیهِ وَقراً» نگاه کنیم. در این آیه کلمه «وقراً» اسم و «فی اُذُنَیهِ» خبر شبه جمله است و بر اسم خود مقدم گردیده است.

دانستنی‌های دبیر

۱ افعال مقاربه بیش از موارد نام برده در کتابند. باقی این افعال عبارتند از : کَرَبَ (قُرب)، حَرَی و اِخلَولَقَ (رجاء)، شَرَعَ و أنشَأ و طَفِقَ (شروع) و البته افعال کم کاربردتر دیگری نیز وجود دارد که از نام بردن آنها می‌پرهیزیم.

۲ خبر افعال قرب و رجاء می‌تواند با «أنْ» همراه شود و می‌تواند در لفظ و ظاهر مرفوع باشد اما خبر افعال شروع باید بدون «أنْ» بیاید. چنانچه با «أنْ» همراه شود، آن فعل دیگر مقاربه نیست و «أنْ+مضارع» به تأویل مصدر می‌رود و تبدیل به فاعل برای آن فعل می‌شود.

۳ «إنَّما» و «أنّما» ساختاری هستند مرکّب از «انّ+ما». نوع این «ما» کافّه است به معنای «بازدارنده». ما کافّه باعث می‌شود عملکرد «إنّ» و «أنّ» از بین برود و اسم و خبر به همان نقش و اعراب پیشین خود یعنی مبتدا و خبر مرفوع برگردند. تنها خاصیت این ما، این است که مفهوم انحصار و تأکید را می‌رساند.

۴ موارد استفاده از «إنّ» :

در آغاز کلام، بعد از مشتقّات «قول»، بعد از فعل طلب، بعد از واو حالیه، بعد از قسم، بعد از موصول[۱]

۵ موارد استفاده از «أنّ» آنجاست که در جایگاه فاعل، مفعول، مجرور به حرف جرّ یا مضاف الیه قرار گیرد. «أنّ» با اسم و خبرش به تأویل مصدر می‌روند و یک اسم را تشکیل می‌دهند مثل : «بَلَغنی أنَّکَ مجتهدٌ» که در تأویل مصدر، « بَلَغنی اجتهادُکَ» است. در این صورت نقش می‌گیرد یعنی کلّ « أنَّکَ مجتهدٌ» فاعل برای فعل «بلغ» و محلاً مرفوع است.

اشتباهات رایج دانش آموزان و راهکار

۱ بسیار پیش آمده است که دانش آموزان حرکت عین الفعل در «یُوشِکُ» را نادرست به‌کار می‌برند و به خطا فکر می‌کنند که «یُوشَکُ» صحیح است. بیان این نکته می‌تواند کمک کننده باشد. دقت کنید که این فعل اگر «یُوشَکُ» بود، ساختارش مجهول می‌شد درحالی‌که این فعل ناقص است و اصلاً نایب فاعل نمی‌گیرد که بتواند مجهول شود پس یادتان باشد «یُوشِکُ» صحیح است. از سویی این فعل در ساختار باب اِفعال است که وزن آن «أفعَلَ یُفعِلُ» است.

۲ یکی از اشتباهات رایج در اینجاست که «فعل ناقصه» به معنای «کان و أخواتش» را با «فعل ناقصه» در مقابل «فعل تامّه» اشتباه می‌گیرند. دقت داشته باشید که «فعل ناقصه» در مقابل «فعل تامّه» اعم از «فعل ناقصه» به معنای «کان و أخواتش» است یعنی «کان و أخواتش» هم از این جهت که فاعل ندارند و اسم و خبر می‌گیرند جزء افعال ناقصه به شمار می‌آیند. شاید هم عنوان افعال

۱ــ آموزش نحو، عبدالرسول کشفی، درس ۱۳، صص ۱۱۳ و ۱۱۴

ناقصه بر آنها از باب «تسمیه جزء به اسم کلّ» باشد.

۳ خبر افعال مقاربه محلاً منصوب است اما از آنجا که گاهی در لفظ و ظاهر با «أنْ» منصوب می‌شود، دانش آموزان به خطا می‌افتند و فراموش می‌کنند که نقش اعرابی آنها، خبر جمله فعلیه و محلاً منصوب است پس به‌طور جدی تأکید کنید و نمون‌ها و مثال‌هایی با «أنْ» ناصبه بیاوریم و بر اعراب محلی اش تأکید کنید تا مطمئن شوید مورد غفلت دانش آموز قرار نمی‌گیرد.

۴ گفتیم شرط است که خبر افعال مقاربه فعل مضارع باشد. برخی دانش آموزان همین نکته را فراموش می‌کنند و برخی دیگر، افعال ماضی باب‌های تفاعل و تفعّل که با حرف «ت» شروع می‌شوند را با فعل مضارع اشتباه می‌گیرندو دقت به ماضی بودنِ آنها نمی‌کنند و لذا یک نکته مهم را از دست می‌دهند. پیشنهاد می‌شود نمونه‌های متعددی را با استفاده از افعال این دو باب ارائه دهید تا هردو نکته جا بیفتد؛ مثلاً :

آیا عبارت « کاد الطائرُ تَنَزَّلَ» صحیح است؟ خیر، «تَنَزَّلَ» فعل ماضی است اما خبر افعال مقاربه باید مضارع باشد. مضارع این فعل، «یَتَنَزَّلُ» است لذا جمله صحیح « کاد الطائرُ یَتَنَزَّلُ» است.

۵ یکی دیگر از اشتباهات رایج، خلط میان «أخَذَ، بَدَأَ، جَعَلَ» تامه و ناقصه است؛ به عبارتی دانش آموزان بعضا سردرگم می‌شوند که این فعل را تامّه بگیرند یا مقاربه؛ به‌طور خاص وقتی این اتفاق می‌افتد که ترجمه جمله را نمی‌دانند. بهترین راهکار این است که نگاه کنید ساختار جملاتی با فعل مقاربه را داریم یا خیر. این ساختار عبارت است از «فعل مقاربه + اسم مرفوع + فعل مضارع» مثل : «أخَذَ البیتُ یَسقُطُ» البته ممکن است اسمشان به شکل ضمیر بارز یا مستتر هم بیاید اما وجود فعل مضارع بعد از آن ضروری است پس اگر فعل مضارع نداشتیم یا اساساً خود فعل «أخَذَ، بَدَأَ، جَعَلَ» را به صورت مضارع به‌کار برده بود، قطعاً با یک فعل تامّه روبه‌رو هستیم.

۶ در میان حروف مشبهه بالفعل برخی برای دانش آموزان ایجاد خطا می‌کند مثلاً گاهی دانش آموزان «کَأنَّ» را با «کانَ» اشتباه می‌گیرند؛ به دانش آموزان تأکید کنید که آنچه جزء حروف مشبهه است مثل «إنَّ» ختم به تشدید می‌شود و حرف وسط «همزه» است نه «الف». همچنین برخی می‌پندارند که «لکِنْ» همان «لکِنَّ» است. «لکِنْ» حرف عطف است اما «لکِنَّ» حروف مشبهه بالفعل بوده و اسم و خبر می‌گیرد.

۷ وقتی نواسخ معرفی می‌شوند و دانش آموزان با انواع مختلفش آشنا می‌شوند دچار یک مشکل می‌شوند و آن هم اینکه اسم کدام‌یک منصوب و خبر کدام‌یک مرفوع بود؟ تعدّد مطالب ممکن

است آنها را دچار این سردرگم می‌کند. بهترین رمزگذاری کمک گرفتن از سماع و شنیدار دانش‌آموز است. دانش آموزان به کرّات عبارت «إنَّ اللهَ» را شنیده‌اند. از این مثال استفاده کنید و این نکات را بیان کنید :

اولاً یادتان باشد مطابق آنچه خواندیم اعراب اسم و خبر برعکس هم است یعنی یکی مرفوع و دیگری منصوب است.

ثانیاً عملکرد افعال یکسان است یعنی افعال ناقصه و افعال مقاربه هردو اسم را مرفوع و خبر را منصوب می‌کنند. از سویی عملکرد حروف نیز یکسان است یعنی حروف مشبهه و لا نفی جنس که در درس بعدی آمده است، اسم را منصوب و خبر را مرفوع می‌گردانند. پس عملکرد حروف و افعال هم برعکس هم است.

حالا یک مثال کافی است تا تمامی مطلب در ذهن بماند آن هم مثال معروفِ «إنَّ اللّهَ». در این مثال می‌بینیم که اسم حروف مشبهه منصوب است پس خبرش مرفوع است. در نتیجه عملکرد افعال در نواسخ هم برعکس است و اسم مرفوع و خبر منصوب است.

تمارین

تمرین اول : جاهای خالی را با «إنَّ، أنَّ، كَأنَّ، لكِنَّ، لَيتَ و لَعَلَّ» پر کن.

۱ شنیدم که برف در روستای ما می‌بارد. (أنَّ)

۲ معلّم گفت : قطعاً امتحان هفته آینده خواهد بود. (إنّ)

۳ خیلی با تو تماس می‌گیرم ولی تو اشغال هستی. (لكنّ)

۴ کسانی که زندگی دنیایی را می‌خواهند گفتند : ای کاش مثل آنچه به قارون داده شد، برای ما بود. (ليتَ)

۵ و ناامید نشو پس شاید ناامیدی کفر باشد پس همانا با اندک هم بی‌نیاز می‌گرداند. (لعلّ/ إنّ)

تمرین دوم : زیر آنچه صحیح می‌یابی خط بکش.

۱ــ مختلِفِينَ. زیرا فعل «لایزالون» جمع مذکر است پس خبرش هم باید جمع مذکر بیاید پس «مختلفَينِ» حذف می‌شود از سویی خبرش منصوب است پس نمی‌تواند «مختلفون» بیاید زیرا مرفوع به واو فرعی است.

۲ــ الفَ. زیرا اسم لیت و منصوب است. خبرش هم «لی» و از نوع شبه جمله و محلاً مرفوع است.

۳ــ ذا. زیرا خبر مادام است و باید منصوب به الف فرعی باشد. اسم مادام «هو مستتر» است که به «رجل» برمی گردد.

۴ــ شجاعٌ. زیرا خبر مفرد و مرفوع به تنوین رفع است/ بخیلاً. زیرا خبر مفرد لکنّ و منصوب به تنوین نصب است.

تمرین سوم : نواسخ و اسم و خبرش را در میان آنچه از جملات می‌آید، بیرون بیاور و اقسام خبرشان را مشخص کن.

۱ أنّ : حروف مشبهه اللّه : اسم أنّ و منصوب أنزل : خبر جمله فعلیه أنّ و محلاً مرفوع

تُصبِحُ : فعل ناقصه الأرضُ : اسم و مرفوع مخضرّة : خبر مفرد و منصوب

۲ لیت : حروف مشبهه ضمیر ی : اسم لیت و محلاً منصوب لم اشرک : خبر جمله فعلیه و محلاً مرفوع

۳ لن نبرح : فعل ناقصه ضمیر مستتر نحن : اسم لن نبرح عاکفین : خبر مفرد و منصوب به ی

۴ لا یزالونَ : فعل ناقصه ضمیر بارز واو : اسم لایزالون یُقاتلونَ : خبر جمله فعلیه و محلاً منصوب

۵ لعلّ : حروف مشبهه ـهم : اسم لعلّ و محلاً منصوب یتذکّرونَ : خبر جمله فعلیه و محلاً مرفوع

۶ إنّ : حروف مشبهه اللّهَ : اسم إنّ و منصوب یحبُّ : خبر جمله فعلیه محلاً مرفوع

کأنَّ : حروف مشبهه هم : اسم کأنَّ و محلاً منصوب بنیانٌ : خبر مفرد و مرفوع

۷ صارت : فعل ناقصه الدّنیا : اسم صارَت و تقدیرا مرفوع أملکَ : خبر مفرد و منصوب

۸ إنّ : حروف مشبهه السّاعَةَ : اسم إنّ و منصوب آتِیَةٌ : خبر مفرد و مرفوع (نکته : حرف لَـ که بر سر خبر آمده است هیچ تأثیری در اعراب ندارد و فقط برای تأکید است به عبارتی جارّه نیست.)

لکنَّ : حروف مشبهه أکثَرَ : اسم لکنّ و منصوب لا یؤمنون : خبر جمله فعلیه و محلاً مرفوع

تمرین چهارم : «إنّ» یا یکی از هم‌نوعانش را بر جمله‌های زیر وارد کن و آنچه نیاز به تغییر دارد را تغییر بده.

۱	الشعبُ غارقٌ فی الجَهلِ	إنّ الشعبَ غارقٌ فی الجَهلِ
۲	اخوک فاضلٌ	کأنّ أخاک فاضلٌ
۳	المسلِمونَ مُتفَرِّقُونَ	لکنّ المسلِمینَ مُتفَرِّقُونَ
۴	علیٌّ أخوک	کأنّ علیًّا أخوک
۵	هذانِ رجلانِ طبیبانِ	لیتَ هذَینِ رجلانِ طبیبانِ

تمرین پنجم : جملات زیر را ترجمه کن سپس آنها را اعراب نما و اسم و خبر افعال مقاربه را مشخص کن.

۱ (این) قوم مرا ضعیف شمردند و نزدیک بود مرا بکشند.

۲ امید است پروردگارتان شما را رحمت کند.

۳ نزدیک است برق، چشمانشان را برباید.

۴ گفتند بلکه شما مؤمن نبودید.

۵ بهترین امّتی بودید که برای مردم بیرون آورده شدید.

إنَّ	الْقَوْمَ	اسْتَضْعَفُوا	ی	کادُوا	یَقْتُلُونَ	ی
حروف مشبهه	اسم إنّ منصوب به فتحه	خبر جمله فعلیه محلاً مرفوع فاعلش ضمیر واو	مفعول به و محلاً منصوب	فعل مقاربه و اسمش ضمیر واو	خبر جمله فعلیه محلاً منصوب فاعلش واو	مفعول به و محلاً منصوب
عَسی	رَبُّ	کُمْ	أَنْ	یَرْحَمَ		کُمْ
فعل ناقصه	اسم و مرفوع	مضاف الیه و محلاً مجرور	حرف ناصبه	فعل و فاعلش هو مستتر		مفعول به و محلاًمنصوب
یَکادُ	الْبَرْقُ	یَخْطَفُ		أَبْصارَ		هُمْ

إِنَّ	الْقَوْمَ	اسْتَضْعَفُوا	ی	کادُوا	یَقْتُلُونَ	ی
فعل مقاربه	اسم و مرفوع	خبر جمله فعلیه محلاً منصوب فاعلش هو مستتر			مفعول به و محلاًمنصوب	مضاف الیه و محلاً مجرور
قالُوا	لَمْ	تَکُونُوا			مُؤْمِنِینَ	
فعل و فاعلش واو	حرف جازمه	فعل ناقصه و اسمش ضمیر بارز واو			خبر مفرد و منصوب فرعی به ی	
کُنْتُمْ		خَیْرَ	أُمَّةٍ	أُخْرِجَتْ		لِلنَّاسِ
فعل ناقصه و اسمش ضمیر بارز واو		خبر مفرد و منصوب	مضاف الیه و مجرور	فعل و نایب فاعلش ضمیر مستتر هی		جار و مجرور

درس یازدهم

هدف کلّی :

دانش آموز با لا نفی جنس و عملکردش آشنا شود.

اهداف جزئی :

۱ دانش آموز با لا نفی جنس آشنا شود.

۲ دانش آموز اسم و خبر لا نفی جنس و اعرابشان را بیاموزد.

۳ دانش آموز با تأثیر لا نفی جنس بر ترجمه جمله آشنا شود.

انتظارات عملکردی

در پایان این درس انتظار می‌رود دانش آموز :

۱ بتواند لا نفی جنس را از میان انواع لا شناسایی کند.

۲ اسم و خبر لا نفی جنس را شناسایی کند و بتواند به خوبی اعراب کند.

۳ جمله شامل لا نفی جنس را به درستی ترجمه نماید.

پیشنهادات آموزشی برای دبیر در ترجمه درس یازدهم

در متن این درس با انواع نواسخ اعم از افعال ناقصه، افعال مقاربه و حروف مشبهه را می‌بینیم. لازم است حتماً این جملات اعراب شوند و توجه شایانی به تأثیر نواسخ در ترجمه داشته باشیم.

در بخش واژگان نیز دانش آموزان را به مفرد و جمع کلمات توجه دهید :

مَسعَی جمعش مَساعی است. اصطلاحاتی نیز وجود دارد که توجه به آنها بسیار مهم است :

الجدیر بالذّکر : شایان ذکر است / یُمَثِّل العقل : نماینده خرد است

ابن هیثم

در نور قرآن و معارف قرآنی مسلمانان از هر امتی بهترین آنچه را از علوم داشتند گرفتند و در آن(علوم) نوآوری کردند.

همان‌گونه که می‌دانیم احادیث پیامبر (ص)، مسلمانان را تشویق کرد بر اینکه علم و حکمت را هر کجا یافتند بگیرند پس پیامبر خدا فرموده‌اند : «علم را بجویید هر چند در چین باشد».

و امیرالمؤمنین علی(ع) فرموده‌اند : حکمت را هر کجا هست بگیرید زیرا حکمت گمشدهٔ هر مؤمنی است.

به واسطه همهٔ این امور، مسلمانان شروع کردند به پیشرفت در علوم و فنون و امروزه می‌بینیم که بسیاری از علوم نتیجهٔ تلاش‌های مسلمانان در قرون گذشته است.

و ممکن است گفتنِ (می‌توان گفت) این که مسلمانان همان کسانی هستند که علم شیمی، فیزیک، پزشکی و ریاضیات را نوآوری کردند. و شایان ذکر است که دانشمندان مسلمان این ثروت‌های علمی را در دوره‌ای تحقق بخشیدند که جهان در حیات نادانی می‌زیست.

از جمله این دانشمندان همان ابن هیثم دانشمند فیزیکدان و ریاضی‌دان و ستاره‌شناس است. او در قرن چهارم در بصره در زمان حکومت آل بویه و در دوره‌ای متولد شد که عصر طلایی در تاریخ اسلام به شمار می‌آید. تاریخ دانان در نَسَب ابن هیثم که آیا از ریشه‌ای ایرانی بود یا عربی اختلاف نظر دارند.

ابن هیثم نوشته‌های متعددی بالغ بر دویست کتاب تألیف کرد. و دانشمندان از این نوشته‌ها قرن‌های طولانی استفاده کرده‌اند و از مهم‌ترین آنها کتاب المناظر است که شامل نظریاتی نو در علم نور است و این کتاب مرجع اصلی برای این علم در اروپا از قرن یازدهم میلادی شده است و به زبان‌های دیگری مانند لاتین و اسپانیایی و غیره ترجمه شد. و نوشته‌های او در ستاره شناسی به ۲۴ جلد می‌رسد که در آنها دربارهٔ ارتفاع ستارگان و حجم آنها و درباره حرکات ستارگان نوشته است.

حل تمارین ناظر به متن

درست و نادرست را بر اساس متن درس مشخص کن.

۱ ابن هیثم نوشته‌های متعددی را نگاشت که بالغ در دوهزار تا است. نادرست (بالغ بر دویست تا)

۲ نوشته‌های ابن هیثم در ستاره شناسی بالغ بر بیست و چهار جلد است. درست
۳ ابن هیثم در قرن پنجم در بصره در زمان حکومت آل بویه متولد شد. نادرست (در قرن چهارم)
۴ بسیاری از علوم نتیجه تلاش‌های مسلمانان در قرون گذشته است. درست
۵ احادیث پیامبر (ص) مسلمانان را بر گرفتن علم هرکجا یافتند، تشویق کرده است. درست

موضوعات درس یازدهم

۱ لا نفی جنس ۲ معنای لا نفی جنس ۳ شروط عمل لا نفی جنس
۴ حذف خبر لا نفی جنس

مقدمه

در دروس گذشته گفتیم نواسخ بر سر جمله می‌آیند و ضمن تأثیرگذاری بر اعراب مبتدا و خبر، بر ترجمه جمله هم تأثیر می‌گذارند. با سه دسته از نواسخ یعنی افعال ناقصه و افعال مقاربه و حروف مشبهه را تدریس کردیم. دسته آخری که در پایه یازدهم آموزش داده می‌شود لا نفی جنس است که موضوع این درس است.

با توجه به اینکه حجم این درس بسیار کمتر از دروس قبلی در نواسخ است، می‌توان از زمان این درس برای تثبیت و تمرین بیشتر در موضوع نواسخ بهره برد.

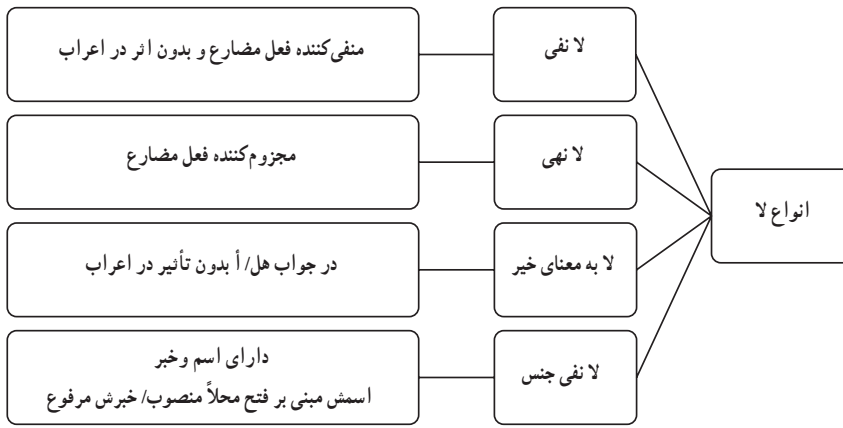
مرور مفاهیم اصلی درس

معنای «نفی جنس»

به مثال کتاب در این زمینه توجه کنید. در عبارت «ما جاء رجلٌ بل رجلانِ : یک مرد نیامد بلکه دو مرد آمدند» تعداد، نفی شده است و به وسیله ما نافیه، جمله منفی شده است؛ به چنین نفیی، نفی وحدت می‌گویند. در عبارت «لیس فی البیت رجلٌ : مردی در خانه نیست» در واقع «بودن یک مرد در خانه» که یک نسبت است، نفی شده است. به عبارتی سلب نسبت اتفاق افتاده است اما نفی

دیگری نیز وجود دارد که از نوع «نفی جنس» است. نفی جنس یعنی تمامی مصادیق یک شیء نفی شوند و معادل «هیچ» تأکیدی در فارسی است. در زبان عربی برای نفی جنس از واژه «لا» استفاده می‌کنند و به آن، «لا نفی جنس» می‌گویند. این نوع «لا» از دسته نواسخ است یعنی بر سر جمله اسمیه می‌آید و مبتدا را اسم خود و خبر را خبر خود می‌گرداند و اعرابشان را متأثر می‌کند. اسمش چنانچه مفرد باشد، به صورت مبنی بر فتح و محلاً منصوب می‌آید و خبرش مرفوع خواهد بود نظیر : «لا رجلَ فی الدّار : هیچ مردی در خانه نیست». کلمه «رجلَ» اسم لا نفی‌جنس، مبنی بر فتح و محلاً منصوب است و «فی الدّارِ» خبر شبه جمله و محلاً مرفوع است.

شایسته است در اینجا یک بار تمام انواع «لا» که تاکنون تدریس شده است را باهم بیاوریم و ویژگی‌هایشان را بگوییم تا کار شناسایی برای دانش آموز ساده‌تر شود :



شروط عمل کردن «لا نفی جنس»

گفتیم لا اسم را منصوب و خبر را مرفوع می‌گرداند پس عملکردش نظیر حروف مشبهه است و تفاوتشان در این است که اولاً اسم لا غالباً مبنی بر فتح و محلاً منصوب است ثانیاً تحت شروطی عمل می‌کند. این شروط عبارتند از :

۱ عمل در اسم‌های نکره : یعنی اسم لا نفی جنس حتماً نکره است.

۲ حفظ ترتیب اسم و خبر : پس اسم و خبر لا نفی جنس توسع پذیر نیستند و حتماً به ترتیب می‌آیند. لذا خبر لا هرگز بر اسم لا یا حتی خود لا مقدم نمی‌گردد.

به مثال کتاب توجه کنیم :

«لا الشّمسُ ینبغی لها أن تُدرِکَ القمرَ و لا اللّیلُ سابقُ النَّهارِ و کلٌّ فی فَلَکٍ یَسبحون : نه خورشید شایسته است برای آنکه ماه را درک کند نه شب پیشی گیرنده بر روز است و همگی در مداری شناورند.»

لا در این آیه مبارکه نمی‌تواند نفی جنس باشد. چرا؟ چون اسمی که بعد از آن آمده است معرفه است لذا لا قادر به عمل کردن نیست از این روست که الشمس و القمر مبتدا و مرفوع باقی مانده اند.

«لا فی الدّارِ رجلٌ : مردی در خانه نیست» در این عبارت «رجلٌ» مبتدا و «فی الدارِ» خبر شبه جمله است و از آنجا که خبر، مقدم شده است، لا بی تأثیر می‌شود و «رجلٌ» مرفوع باقی می‌ماند.

حذف خبر لا نفی جنس

خبر لا نفی جنس در دو موضع قابل حذف است :

۱ هرگاه قرینه‌ای وجود داشته باشد. به‌طور مثال اصطلاح «لا بأسَ» به معنای «مشکلی نیست» در زبان عربی بسیار پرکاربرد است. در اصل «لا بأسَ علیک» بوده که «بأسَ» اسم لا و «علیک» خبر آن است اما این اصطلاح به قدری رایج بوده که کم کم به گفتن «لا بأسَ» اکتفا شده و خبر حذف گردیده است؛ پس قرینه‌اش کثرت استعمال است.

۲ هرگاه بعد از لا نفی جنس، «إلاّ» بیاید خبر لا حذف می‌گردد و این موضع، پر تکرار است نظیر «لا إلهَ إلاّ اللّهَ» که «إلهَ» اسم لا و «موجودٌ» محذوف خبرش است یعنی در اصل «لا إلهَ موجودٌ إلاّ اللّهَ» بوده است.

جمع بندی نواسخ

نواسخ	اعراب اسم	اقسام اسم	اعراب خبر	اقسام خبر
افعال ناقصه	مرفوع	اسم ظاهر/ ضمیر بارز/ ضمیر مستتر	منصوب	مفرد/ جمله / شبه جمله
افعال مقاربه	مرفوع	اسم ظاهر/ ضمیر بارز/ ضمیر مستتر	منصوب	جمله فعلیه (فقط فعل مضارع)
حروف مشبهه	منصوب	اسم ظاهر/ ضمیر بارز	مرفوع	مفرد/ جمله/ شبه جمله
لا نفی جنس	منصوب	اسم ظاهر/ ضمیر بارز	مرفوع	مفرد/ جمله/ شبه جمله

دانستنی‌های دبیر

اسم لا نفی جنس به سه صورت می‌تواند بیاید : مفرد، مضاف و شبه مضاف. اینکه اسم لا مبنی است مربوط به اسم مفرد است. مفرد در اینجا در مقابل مثنی و جمع نیست بلکه در مقابل مضاف و شبه مضاف است. چنانچه اسم لا، مضاف یا شبه مضاف باشد، دیگر مبنی نخواهد بود و معرب به شمار می‌رود لذا منصوب می‌گردد.

معنای مضاف که واضح است یعنی مضاف الیه دارد اما شبه مضاف یعنی اینکه یکی از مشتقات یا مصادر باشد که فاعل، نایب فاعل، مفعول به، جار و مجرور یا ظرف گرفته باشد مثل : «لا مُهمِلاً درسَه ناجِحٌ : هیچ کسی که درسش را سهل انگار باشد، موفق نیست» در این عبارت «مهملاً» اسم فاعل و شبه مضاف است زیرا فاعلش هو مستتر و «درسَ» مفعول به آن است. از سویی «مهملاً» اسم لا نفی جنس است که به صورت معرب به‌کار رفته است و «ناجحٌ» نیز خبر مفرد است.

اینکه اسم لا مبنی بر فتح است نیز مربوط به اسمی است که از لحاظ تعداد نیز مفرد باشد یعنی اگر مثنی یا جمع باشد مبنی بر اعراب فرعی اش می‌گردد مثلاً در عبارت «لا ضدَّینِ مجتمعانِ» کلمه «ضدَّینِ» اسم لا و مبنی بر یاء فرعی و محلاً منصوب است.

اشتباهات رایج دانش آموزان و راهکار

۱ برخی دانش آموزان دقت نمی‌کنند که اسم لا نفی جنس درحالی‌که مفرد است، مبنی بر فتح است لذا با توجه به شروطی که گفتیم اسم لا «الـ و تنوین» نمی‌گیرد زیرا باید نکره و مبنی بر فتح باشد.

۲ «هیچ» در ترجمه لا نفی جنس بسیار مهم است. برخی دانش آموزان غفلت می‌کنند و جملات دارای لا نفی جنس را فقط با «نیست» ترجمه می‌کنند. این نکته را گوشزد کنید که «نیست» به تنهایی افاده «لیسَ» می‌کند و چنانچه لا نفی جنس باشد لازم است «هیچ .... نیست» در ترجمه بیاید.

تمارین

تمرین اول : جملات زیر را ترجمه کن سپس آنها را اعراب نما.

۱ هیچ راهنمایی موفق‌تر از دانش نیست.
۲ هیچ چیزی نیکوتر از عقل همراه با دانش نیست.
۳ هیچ لغزشی شدیدتر از لغزش عالِم نیست.
۴ هیچ عبادتی همچون سکوت نیست.
۵ هیچ دینی برای کسی که هیچ عقلی ندارد، نیست.

لَا	دَلِيلَ			أَنْجَحُ	مِنَ الْعِلْمِ
نفی جنس	اسم لا مبنی بر فتح محلاً منصوب			خبر مفرد لا و مرفوع به ضمه اصلی	جار و مجرور به کسره
لَا	شَيْءَ	أَحْسَنُ	مِنْ عَقْلٍ	مَعَ	عِلْمٍ
نفی جنس	اسم لا مبنی بر فتح محلاً منصوب	خبر مفرد لا و مرفوع به ضمه اصلی	جار و مجرور به کسره	ظرف و منصوب	مضاف الیه و مجرور
لَا	زَلَّةَ	أَشَدُّ		مِنْ زَلَّةِ	عَالِمٍ
نفی جنس	اسم لا مبنی بر فتح محلاً منصوب	خبر مفرد لا و مرفوع به ضمه اصلی		جار و مجرور به کسره	مضاف الیه و مجرور
لَا	عِبَادَةَ			كَالصَّمْتِ	
نفی جنس	اسم لا مبنی بر فتح محلاً منصوب			خبرشبه جمله و محلاً مرفوع و جار و مجرور به کسره	
لَا	دِينَ	لِمَنْ	لَا	عَقْلَ	لَهُ
نفی جنس	اسم لا مبنی بر فتح محلاً منصوب	خبر شبه جمله لا و محلاً مرفوع و جار و مجرور به کسره	نفی جنس	اسم لا مبنی بر فتح محلاً منصوب	خبر شبه جمله لا و محلاً مرفوع و جار و مجرور به کسره

تمرین دوم : جملات را ترجمه کن سپس جدول زیر را کامل نما.

۱ برای باقی ماندگان، در زندگی گذشتگان عبرتی است.
۲ کسی که هیچ عبرت گرفتنی ندارد هیچ اندیشه ای ندارد.
۳ هیچ راهی نجات بخش‌تر از راستگویی نیست.

کلمه	جایگاه کلمه	اعراب	علامت اعراب
لِلْبَاقِينَ	خبر شبه جمله	محلاً مرفوع	.....
	جار و مجرور	مجرور به اعراب فرعی	حرف ی
مُعْتَبَراً	اسم إنّ	منصوب	تنوین نصب
فِكْرَ	اسم لا نفی جنس	مبنی بر فتح محلاً منصوب	.....
اعْتِبَارَ	اسم لا نفی جنس	مبنی بر فتح محلاً منصوب	.....
سَبِيلَ	اسم لا نفی جنس	مبنی بر فتح محلاً منصوب	.....
أَنْجَى	خبر مفرد	تقدیرا مرفوع	.....

اعراب بقیه کلماتی که در جدول خواسته نشده است :

۱ بالماضین : جار و مجرور به یاء فرعی

۲ لِمَن : خبر شبه جمله محلاً مرفوع له : خبر شبه جمله محلاً مرفوع

۳ من الصّدقِ : جار و مجرور به کسره اصلی

تمرین سوم : جملات زیر را ترجمه کن سپس آنها را اعراب کن.

۱ عاقل‌ترین مردم کسی است که به عیب خود بیناست (عیب خود را می‌بیند).

۲ هرکس با حق عناد ورزد، خداوند دشمنش است.

۳ انسان بسیار دروغگو، امانتداری ندارد.

۴ بی‌گمان تو اگر خداوند را اطاعت کنی، تو را نجات می‌دهد.

۵ نجات یافتن، به وسیله صدق است.

أَعْقَلُ	النَّاسِ	مَنْ	كَانَ	بِعَيْبِ	ه	بَصِيراً
مبتدا و مرفوع به ضمه	مضاف الیه و مجرور به کسره	خبر مفرد و محلاً مرفوع	فعل ناقصه اسمش هو مستتر	جار و مجرور به کسره	مضاف الیه و مجرور محلاً	خبر مفرد و منصوب اصلی
مَنْ	عَانَدَ	الْحَقَّ	كَانَ	اللَّهُ	خَصْمَ	ه

مبتدا و مرفوع محلاً	فعل شرط محلاً مجزوم فاعلش هو مستتر خبر جمله	مفعول به و منصوب	جمله جواب شرط محلاً مجزوم	اسم کان و مرفوع به ضمه	خبر مفرد و منصوب به فتحه	مضاف الیه و مجرور محلاً
لَیْسَ	لِکَذُوبٍ			أَمَانَةٌ		
فعل ناقصه	خبر شبه جمله محلاً منصوب جار و مجرور به تنوین جر			اسم لیس و مرفوع به تنوین رفع		
إِنَّ	کَ	إِنْ	أَطَعْتَ	اللَّهَ	نَجَّا	کَ
حروف مشبهه	اسم إنّ محلاً منصوب	از اینجا تا آخر خبر إنّ/ ادات شرط	فعل شرط محلاً مجزوم فاعلش تَ	مفعول به و منصوب	جواب شرط محلاً مجزوم فاعلش هو	مفعول به و محلاً منصوب
تَکُونُ	النَّجَاةُ		بِالصِّدْقِ			
فعل ناقصه	اسم تکون و مرفوع به ضمه		خبر تکون از نوع شبه جمله محلاً منصوب/ جار و مجرور به کسره			

تمرین چهارم : کلمات رنگی را از بعضی ابیات قصیده فرزدق در مدح امام سجاد علیه السلام اعراب کن.

هَذَا	الَّذِی	تَعْرِفُ	الْبَطْحَاءُ	وَطْأَةَ	ـهُ	یَعْرِفُ	ـهُ
مبتدا محلاً مرفوع	خبر مفرد محلاًمرفوع	فعل	فاعل و مرفوع	مفعول به ومنصوب	مضاف الیه محلاً مجرور	فعل و فاعلش هو مستتر	مفعول به ومنصوب محلاً
		جمله صله					
قَالَ	لَا	فِی تَشَهُّدِ	ه	کَانَتْ	لَاؤُ	هُ	
فعل و فاعلش هومستتر	مفعول به محلاً منصوب	جار و مجرور	مضاف الیه محلاً مجرور	فعل ناقصه	اسم کانت و مرفوع به ضمه	مضاف الیه محلاً مجرور	
هَذَا	ابْنُ	فَاطِمَةَ		إِنْ	کُنْتَ	جَاهِلَ	
مبتدا محلاًمرفوع	خبر مفرد و مرفوع	مضاف الیه و مجرور فرعی به فتحه		ادات شرط	فعل ناقصه و اسمش ضمیر تَ	خبر مفرد کنتَ و منصوب	
ـهُ		بِجَدِّ	هِ	أَنْبِیَاءُ	اللَّهِ	خُتِمُوا	

مضاف الیه محلاً مجرور	جار و مجرور	مضاف الیه محلاًمجرور	مبتدا و مرفوع	مضاف الیه و مجرور	خبرجمله فعلیه محلاً مرفوع فاعلش واو
إِنْ	التُّقَى		كَانُوا	أَئِمَّةَ	هُمْ
ادات شرط	مضاف الیه و مجرور تقدیرا		فعل ناقصه و اسمش ضمیر واو	خبر مفرد کان و منصوب	مضاف الیه محلاًمجرور
			جواب شرط محلاً مجزوم		
مَنْ	خَيْرُ		أَهْلِ		الْأَرْضِ
خبر مفرد و مرفوع محلاً	مبتدای مؤخر و مرفوع		مضاف الیه و مجرور		مضاف الیه و مجرور

تمرین پنجم : برای تحلیل صرفی!

فعل	ماضی مضارع/امر	مجرد مزید	باب	لازم متعدی	معلوم مجهول	معرب مبنی
تَعْرِفُ	مضارع	مجرد	.....	متعدی	معلوم	معرب
كانَت	ماضی	مجرد	.....	لازم	معلوم	مبنی
خُتِمُوا	ماضی	مجرد	.....	متعدی	مجهول	مبنی
كَانُوا	ماضی	مجرد	.....	لازم	معلوم	مبنی

اسم	مفرد/ مثنی/ جمع	مذکر/ مؤنث	معرفه/ نکره	جامد/ مشتق	معرب/ مبنی
البطحاء	مفرد	مؤنث مجازی	معرفه به الـ	جامد	معرب
الحرم	مفرد	مذکر	معرفه به الـ	جامد	معرب
التَّشَهُّد	مفرد	مذکر	معرفه به الـ	جامد	معرب
فاطمة	مفرد	مؤنث حقیقی	معرفه به الـ	جامد	معرب
خیرُ	مفرد	مذکر	معرفه به اضافه	مشتق تفضیل	معرب

درس دوازدهم

هدف کلی :

دانش آموز با افعال مضاعف و مهموز و صرف آنها در صیغه‌های مختلف آشنا شود.

اهداف جزئی :

۱ دانش آموز با راهکار شناسایی افعال سالم از غیرسالم آشنا شود.

۲ دانش آموز صرف افعال مضاعف را بیاموزد.

۳ دانش آموز صرف افعال مهموز را یاد بگیرد.

۴ دانش آموز شناسایی افعال مضاعف در صیغه‌های مختلف را یاد بگیرد.

۵ دانش آموز مفهوم و معنای ادغام و فک ادغام در افعال مضاعف را بیاموزد.

۶ دانش آموز شناسایی افعال مهموز در صیغه‌های مختلف را یاد بگیرد.

۷ دانش آموز معنا و مفهوم تخفیف همزه را در افعال مهموز بیاموزد.

انتظارات عملکردی

در پایان این درس انتظار می‌رود دانش آموز :

۱ بتواند افعال سالم و غیر سالم را شناسایی کند.

۲ بتواند افعال مضاعف را به درستی صرف کند.

۳ بتواند افعال مهموز را به خوبی صرف کند.

۴ افعال مضاعف را در صیغه ها و ساختارهای مختلف شناسایی کند.

۵ بداند یک فعل مضاعف در کدام صیغه واجب الادغام، جایز الادغام یا ممتنع الادغام است.

۶ افعال مهموز را در صیغه ها و ساختارهای مختلف شناسایی کند.

۷ معنای تخفیف همزه در افعال مهموز را به درستی درک کند و بتواند آن را بر افعال مهموز جاری کند.

پیشنهادات آموزشی برای دبیر در ترجمه درس دوازدهم

در دروس گذشته به موضوع نواسخ پرداختیم و این مطلب را به پایان رساندیم. درواقع به فراخور دانش آموزان دبیرستانی، هرآنچه درمورد جمله اسمیه در زبان عربی باید گفته می‌شد، بیان شده و لازم است تمامی جملات این درس از نظر اسمیه یا فعلیه بودن و ارکان اصلی شان یعنی مبتدا و خبر، فاعل و نایب فاعل و مفعول‌به شناسایی شود ضمن نقش‌های دیگری که یاد گرفته‌اند نظیر جار و مجرور، مضاف الیه، صفت و ظرف. با توجه به اینکه متن این درس، کوتاه است می‌توان برای تثبیت مطالب گذشته در این راستا بهره ببریم.

معجزه پیامبران

مردی از امام رضا علیه‌السلام پرسید :

چرا خداوند معجزه(حضرت) موسی علیه‌السلام را باطل کردن سحر و دست سفیدش و معجزه (حضرت) عیسی علیه‌السلام را شفای بیماران و معجزه (حضرت) محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله را قرآن قرار داد؟

پس فرمود :

هنگامی که خداوند (حضرت) موسی علیه‌السلام را برانگیخت سحر، جایگاه عظیمی نزد مردم داشت پس سحرشان را با این معجزه باطل کرد و هنگامی که (حضرت) عیسی علیه‌السلام را برانگیخت پزشکی، به علت شیوع بیماریهای مختلف نقش مهمی در میان مردم داشت پس معجزه‌اش را با شفای بیماران و زنده کردن مردگان آشکار کرد.

و هنگامی که خداوند (حضرت) محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله را مبعوث کرد بیان و فصاحت (شیوایی سخن) اهمیت زیادی در بین مردم داشت پس خداوند قرآن را نازل کرد پس ناتوانی آنها را آشکار کرد از آوردن مثل آن، بلکه (آوردن) یک سوره مثل آن. در قرآن کریم آمده است :

«... بگو سوره‌ای مثل آن را بیاورید و هرکس غیر خداوند را توانستید فرابخوانید اگر راستگو هستید»

حل تمارین ناظر به متن

سؤالات زیر را بر اساس متن درس پاسخ بده.

۱ چرا هنگامی که خداوند (حضرت) عیسی علیه‌السلام را برانگیخت، پزشکی نقش بزرگی در میان مردم داشت؟

للطّبّ دورٌ کبیرٌ فی ذلک الوقت لشیوع الأمراض المختلفة.

۲ وقتی که خداوند (حضرت) موسی علیه‌السلام را برانگیخت جایگاه سحر در میان مردم چطور بود؟

لمّا بعث اللهُ موسی علیه‌السلام کانت للسّحر منزلة عظیمة بین الناس.

۳ معجزه (حضرت) عیسی علیه‌السلام چه بود؟

کانت معجزةُ عیسی علیه‌السلام شفاءَ المرضی و إحیاءَ الموتی.

۴ خداوند چه زمانی (حضرت) محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله را مبعوث کرد؟

حینما بعث اللهُ محمّداً کان للبیان و الفصاحة اهتمامٌ بالغ بین النّاس.

۵ معجزه دست سفید برای چه کسی بود؟

کانت معجزةُ موسی علیه‌السلام الیدَ البیضاءَ.

موضوعات درس دوازدهم

۱ تقسیم فعل به سالم و غیرسالم
۲ تقسیم غیرسالم به مهموز و مضاعف و معتل
۳ فعل مهموز و صرفش
۴ فعل مضاعف و صرفش

مقدمه

پس از چند درس با محتوای نحوی اکنون به درسی صرفی رسیده‌ایم و کتاب یازدهم را با صرف به پایان می‌بریم. دانش آموزان در پایه دهم با صرف فعل در ساختار ماضی، مضارع و امر آشنا شدند اما برخی از افعال به علت شرایطی که دارند، ظاهرشان تحت تأثیر قرار می‌گیرد و متفاوت می‌شوند. در این درس و دو درس ابتدایی کتاب دوازدهم به این افعال می‌پردازیم.

مرور مفاهیم اصلی درس

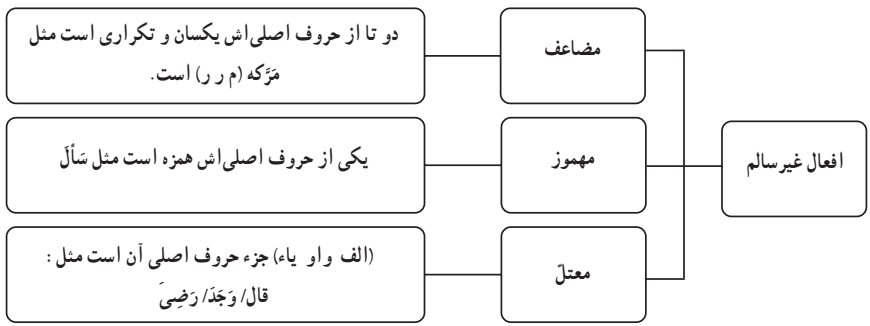
بحث اجمالی درباره افعال غیرسالم

در پایه دهم گفتیم فعل به لحاظ صرفی هشت دسته بندی دارد که عبارت است از :

تقسیمات فعل			
۱	ماضی	مضارع	امر
۲	ثلاثی	رباعی	
۳	مجرد	مزید	
۴	لازم	متعدی	
۵	معلوم	مجهول	
۶	سالم	غیرسالم	
۷	صحیح	معتل	
۸	معرب	مبنی	

دانش آموزان از این میان تا کنون با همه موارد آشنا شده اند به‌جز ردیف شش و هفت. ردیف ششم را در این درس و ردیف هفتم را در پایه دوازدهم آموزش می‌دهیم.

بحث سالم یا غیر سالم بودنِ یک فعل مربوط به حروف اصلی تشکیل دهنده یک فعل است. هر فعلی یا دارای سه حرف اصلی و ثلاثی است یا دارای چهار حرف اصلی و رباعی است. اگر یکی از حروف اصلی «همزه، واو، یاء، الف» باشد یا دوتا از حروف اصلی یکسان و تکراری باشند، با فعل غیرسالم مواجه هستیم. نمودار افعال غیرسالم را می‌بینیم :



اما چرا به این افعال، غیرسالم می‌گویند؟ زیرا وجود این شرایط در حروف اصلی‌شان باعث می‌شود در برخی ساختارها (ماضی، مضارع و امر) و برخی صیغه‌ها دستخوش تغییراتی شوند که ظاهرشان را بقیه افعال متفاوت می‌کند. این تغییرات تحت تأثیر قواعدی رخ می‌دهد که در افعال مضاعف موسوم به قاعده ادغام، در مهموزها قاعده تخفیف و در معتلات، قواعد اعلال نام دارد. در این درس با مضاعف و مهموز آشنا می‌شویم و معتلات را در کتاب پایه دوازدهم بررسی می‌کنیم.

بحث تفصیلی در افعال غیرسالم

فعل مضاعف : ریشه و حروف اصلی در فعل مضاعف به نحوی است که دو حرف از آنها یکسان و یا به عبارتی همجنس هستند مثل : «مَدَدَ=مَدَّ / مَرَرَ=مَرَّ / حَبَبَ=حَبَّ/ رَدَدَ=رَدَّ و...» می‌بینیم که همواره دو حرف همجنس در کنار یکدیگر و در جایگاه عین الفعل و لام الفعل هستند. چنانچه آن دو حرف به نحوی حرکت بگیرند که هردو متحرّک باشند یا اولی ساکن و دومی متحرّک باشند باعث می‌شود در یکدیگر ادغام شوند. ادغام یعنی حل شدن دو چیز در یکدیگر پس این دو حرف درهم ادغام شده و غلیظ و مشدّد می‌گردند.

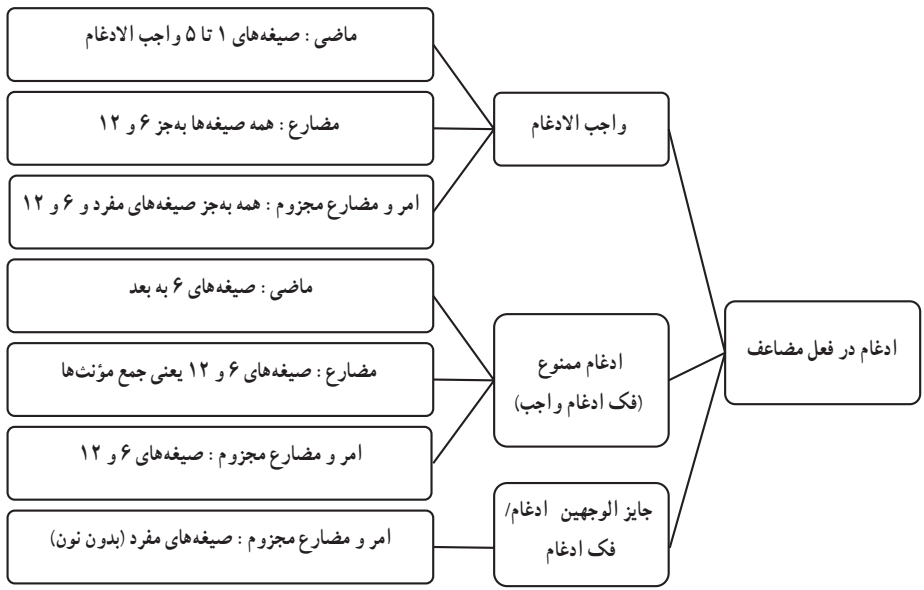
آیا در همه صیغه‌ها ادغام اتفاق می‌افتد؟ خیر، گاهی ادغام واجب است، گاهی ممنوع و گاهی جایز. اینکه در چه مواضعی ادغام کنیم یا خیر، قاعده‌مند است اما در سطح دبیرستان نیازی نیست تمامی این قواعد آموزش داده شود زیرا تعدّد آنها باعث سخت و سنگین شدن مطلب می‌شود اما از آنجا که این افعال پر تعداد و پرکاربرد هستند می‌توانیم با کمک از شنیدار دانش‌آموزان و دسته بندی کردن، آن را آموزش دهیم.

ابتدا صرف یک فعل مضاعف را ببینیم :

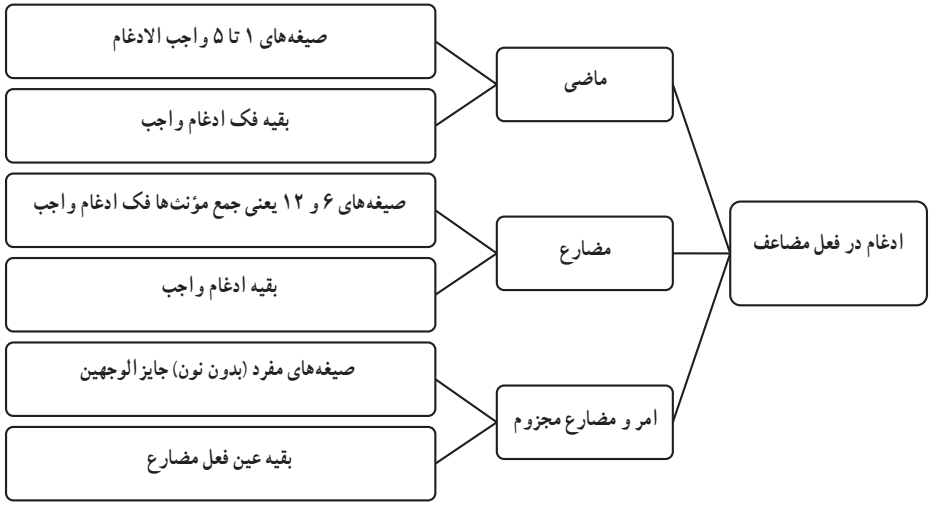
صیغه	ماضی	مضارع	امر
۱	رَدَدَ : رَدَّ	یَرُدُّ : یَرُدُّ	لِیَرُدَّ / لِیَرْدُدْ
۲	رَدَدَا : رَدَّا	یَرُدَّانِ : یَرُدَّانِ	لِیَرُدَّا
۳	رَدَدُوا : رَدُّوا	یَرُدُّونَ : یَرُدُّونَ	لِیَرُدُّوا
۴	رَدَدَتْ : رَدَّتْ	تَرُدُّ : تَرُدُّ	لِتَرُدَّ / لِتَرْدُدْ

صیغه	ماضی	مضارع	امر
۵	رَدَدَتا : رَدَّتا	تَرُدُّدانِ : تَرُدّانِ	لِتَرُدّا
۶	رَدَدْنَ	یَرُدُّدْنَ	لِیَرُدُّدْنَ
۷	رَدَدْتَ	تَرُدُّدُ : تَرُدُّ	رُدَّ / اُرْدُدْ
۸	رَدَدْتما	تَرُدُّدانِ : تَرُدّانِ	رُدّا
۹	رَدَدْتُم	تَرُدُّدُونَ : تَرُدّونَ	رُدُّوا
۱۰	رَدَدْتِ	تَرُدُّدُینَ : تَرُدّینَ	رُدّی
۱۱	رَدَدْتما	تَرُدُّدانِ : تَرُدّانِ	رُدّا
۱۲	رَدَدْتُنّ	تَرُدُّدْنَ	اُرْدُدْنَ
۱۳	رَدَدْتُ	أَرُدُّدُ : أَرُدُّ	لِأَرُدَّ / لِأَرْدُدْ
۱۴	رَدَدْنَا	نَرُدُّدُ : نَرُدُّ	لِنَرُدَّ / لِنَرْدُدْ

خلاصه احکام ادغامی که در جدول بالا دیدیم بدین ترتیب است :



یا این نمودار را به شکل دیگری نیز می‌توانیم ببینیم :



* به یک نکته در جدول فوق دقت کنید. هرگاه افعال امر یا مضارع مجزوم، در صیغه‌های مفرد باشند، چنانچه ادغام کنیم مثل : لِتَرُدَّ ، دیگر نمی‌توان ساکن را به عنوان علامت جزم به کار برد زیرا ساکن بر روی تشدید قابل خواندن نیست یعنی لِتَرُدْ نادرست است اما برای اینکه متوجه جزمش شویم، علامت فتحه را به عنوان اعراب فرعی می‌گذاریم یعنی لِتَرُدَّ مجزوم فرعی به فتحه است.

صرف فعل مضاعف در ابواب ثلاثی مزید

افعال مضاعف در ابواب ثلاثی مزید گاهی ساده و بدون ادغام هستند و گاهی مثل ثلاثی مجرد هستند؛ مثلاً در باب افعال و افتعال و استفعال و... چنین است. یک نمونه صرف مضاعف در این باب‌ها را در کنار ثلاثی مجردها ببینیم :

فعل ماضی :

صیغه	ثلاثی مجرد	باب افعال	باب افتعال	باب استفعال
۱	مَدَّ	أمَدَّ	اِمتَدَّ	اِستَمَدَّ
۲	مَدَّا	أمَدَّا	اِمتَدَّا	اِستَمَدَّا
۳	مَدُّوا	أمَدُّوا	اِمتَدُّوا	اِستَمَدُّوا

صیغه	ثلاثی مجرد	باب افعال	باب افتعال	باب استفعال
۴	مَدَّتْ	أمَدَّتْ	اِمتَدَّتْ	اِستَمَدَّتْ
۵	مَدَّتا	أمَدَّتا	اِمتَدَّتا	اِستَمَدَّتا
۶	مَدَدْنَ	أمدَدْنَ	اِمتَدَدْنَ	اِستَمدَدْنَ
۷	مَدَدْتَ	أمدَدْتَ	اِمتَدَدْتَ	اِستَمدَدْتَ
۸	مَدَدْتَما	أمدَدْتما	اِمتَدَدْتما	اِستَمدَدْتما
۹	مَدَدْتم	أمدَدْتم	اِمتَدَدْتم	اِستَمدَدْتم
۱۰	مَدَدْتِ	أمدَدْتِ	اِمتَدَدْتِ	اِستَمدَدْتِ
۱۱	مَدَدْتما	أمدَدْتما	اِمتَدَدْتما	اِستَمدَدْتما
۱۲	مَدَدْتنَّ	أمدَدْتنَّ	اِمتَدَدْتنَّ	اِستَمدَدْتنَّ
۱۳	مَدَدْتُ	أمدَدْتُ	اِمتَدَدْتُ	اِستَمدَدْتُ
۱۴	مَدَدْنا	أمدَدْنا	اِمتَدَدْنا	اِستَمدَدْنا

فعل مضارع :

صیغه	ثلاثی مجرد	باب افعال	باب افتعال	باب استفعال
۱	یَمُدُّ	یُمِدُّ	یَمتَدُّ	یَستَمِدُّ
۲	یَمُدّانِ	یُمِدّانِ	یَمتَدّانِ	یَستَمِدّانِ
۳	یَمُدُّونَ	یُمِدُّونَ	یَمتَدُّونَ	یَستَمِدُّونَ
۴	تَمُدُّ	تُمِدُّ	تَمتَدُّ	تَستَمِدُّ
۵	تَمُدّانِ	تُمِدّانِ	تَمتَدّانِ	تَستَمِدّانِ
۶	یَمْدُدْنَ	یُمْدِدْنَ	یَمْتَدِدْنَ	یَسْتَمْدِدْنَ
۷	تَمُدُّ	تُمِدُّ	تَمتَدُّ	تَستَمِدُّ
۸	تَمُدّانِ	تُمِدّانِ	تَمتَدّانِ	تَستَمِدّانِ

صیغه	ثلاثی مجرد	باب افعال	باب افتعال	باب استفعال
۹	تَمُدُّونَ	تُمِدُّونَ	تَمتَدُّونَ	تَستَمِدُّونَ
۱۰	تَمُدّینَ	تُمِدّینَ	تَمتَدّینَ	تَستَمِدّینَ
۱۱	تَمُدّانِ	تُمِدّانِ	تَمتَدّانِ	تَستَمِدّانِ
۱۲	تَمْدُدْنَ	تُمْدِدْنَ	تَمْتَدِدْنَ	تَسْتَمْدِدْنَ
۱۳	أَمُدُّ	أُمِدُّ	أَمتَدُّ	أَستَمِدُّ
۱۴	نَمُدُّ	نُمِدُّ	نَمتَدُّ	نَستَمِدُّ

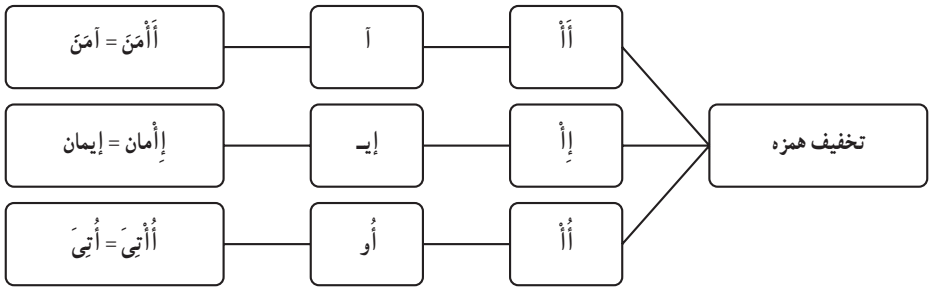
فعل امر حاضر و مضارع مجزوم :

صیغه	ثلاثی مجرد	باب افعال	باب افتعال	باب استفعال
۱	لِیَمْدُدْ / لِیَمُدَّ	لِیُمْدِدْ/ لِیُمِدَّ	لِیَمْتَدِدْ/ لِیَمتَدَّ	لِیَستَمْدِدْ/ لِیَستَمِدَّ
۲	لِیَمُدّا	لِیُمِدّا	لِیَمتَدّا	لِیَستَمِدّا
۳	لِیَمُدُّوا	لِیُمِدُّوا	لِیَمتَدُّوا	لِیَستَمِدُّوا
۴	لِتَمْدُدْ / لِتَمُدَّ	لِتُمْدِدْ/ لِتُمِدَّ	لِتَمْتَدِدْ/ لِتَمتَدَّ	لِتَسْتَمْدِدْ/ لِتَستَمِدَّ
۵	لِتَمُدّا	لِتُمِدّا	لِتَمتَدّا	لِتَستَمِدّا
۶	لِیَمْدُدْنَ	لِیُمْدِدْنَ	لِیَمْتَدِدْنَ	لِیَسْتَمْدِدْنَ
۷	أُمْدُدْ/ مُدَّ	أمْدِدْ/ أمِدَّ	اِمْتَدِدْ/ اِمتَدَّ	اِسْتَمْدِدْ/ لِتَستَمِدَّ
۸	مُدّا	أمِدّا	اِمتَدّا	لِتَستَمِدّا
۹	مُدُّوا	أمِدُّوا	اِمتَدُّوا	لِتَستَمِدُّوا
۱۰	مُدّی	أمِدّی	اِمتَدّی	لِتَستَمِدّی
۱۱	مُدّا	أمِدّا	اِمتَدّا	لِتَستَمِدّا
۱۲	أُمْدُدْنَ	أمْدِدْنَ	اِمْتَدِدْنَ	لِتَسْتَمْدِدْنَ
۱۳	لِأَمْدُدْ/ لِأَمُدَّ	لِأُمْدِدْ/ لِأُمِدَّ	لِأَمْتَدِدْ/ لِأَمتَدَّ	لِأَستَمْدِدْ/ لِأَستَمِدَّ
۱۴	لِنَمْدُدْ/ لِنَمُدَّ	لِنُمْدِدْ/ لِنُمِدَّ	لِنَمْتَدِدْ/ لِنَمتَدَّ	لِنَسْتَمْدِدْ / لِنَستَمِدَّ

فعل مهموز

گفتیم فعل مهموز فعلی است که یکی از حروف اصلی‌اش همزه است. ممکن است فاء الفعلش همزه باشد مثل : «أمِنَ» یا عین الفعلش مثل : «سأَلَ» یا لام الفعلش مثل : «قرأ»

قاعده‌ای که در برخی صیغه‌های افعال مهموز جاری می‌شود، قاعده تخفیف همزه است یعنی همزه تبدیل به حرف دیگری می‌شود. قاعده تخفیف همزه بدین ترتیب است :



می‌بینیم که از این میان آنچه معمولاً درگیر قاعده افعال مهموز می‌شود فعل‌های مهموزی است که فاء الفعلشان همزه است چرا که در این حالت دوتا همزه در کنار یکدیگر واقع می‌شوند. یک نمونه صرف فعل مهموز را ببینیم[1] :

صیغه	ماضی	ماضی مجهول	مضارع	مضارع مجهول	امر
۱	أمنَ	أُمِنَ	يَأمَنُ	يُؤْمَنُ	لِيَأمَنْ
۲	أمنَا	أُمِنَا	يَأمَنانِ	يُؤْمَنانِ	لِيَأمَنا
۳	أمنُوا	أُمِنُوا	يَأمَنُونَ	يُؤْمَنُونَ	لِيَأمَنُوا
۴	أمنَتْ	أُمِنَتْ	تَأمَنُ	تُؤْمَنُ	لِتَأمَنْ
۵	أمنَتا	أُمِنَتا	تَأمَنانِ	تُؤْمَنانِ	لِتَأمَنا

۱ــ فعل أَمِنَ یک فعل لازم است و از آن، مجهول ساخته نمی‌شود. در اینجا فقط به عنوان نمونه‌ای از مجهول آوردیم تا شکل ظاهری‌اش را ببینیم. البته افعال لازم گاهی مجهول می‌شوند اما این امر تنها در افعالی می‌شود که به اعتقاد برخی نحویون متعدی به حرف جرّ به‌شمار می‌آیند.

۶	أمنَّ	أُمِنَّ	يَأمَنَّ	يُؤْمَنَّ	لِيَأمَنَّ
۷	أمنْتَ	أُمِنْتَ	تَأمَنُ	تُؤْمَنُ	إِأْمَنْ : إيمَنْ
۸	أمنتما	أُمِنتما	تَأمَنانِ	تُؤْمَنانِ	إِأْمَنا : إيمَنا
۹	أمنتم	أُمِنتم	تَأمَنُونَ	تُؤْمَنُونَ	إِأْمَنوا : إيمَنُوا
۱۰	أمنتِ	أُمِنتِ	تَأمَنينَ	تُؤْمَنينَ	إِأْمَنى : إيمَنى
۱۱	أمنتما	أُمِنتما	تَأمَنانِ	تُؤْمَنانَ	إِأْمَنا : إيمَنا
۱۲	أمنتنَّ	أُمِنتنَّ	تَأمَنَّ	تُؤْمَنَّ	إِأْمَنَّ : إيمَنَّ
۱۳	أمنتُ	أُمِنتُ	أَأْمَنُ : آمَنُ	أُؤْمَنُ : اُومَنُ	لِآمَنْ
۱۴	أمنّا	أُمِنّا	نَأمَنُ	نُؤْمَنُ	لِنَأمَنْ

همان طورکه می‌بینیم فعل ماضی مهموز اعم از معلوم یا مجهول هیچ تغییری ندارد. در افعال مضارع معلوم فقط صیغه متکلم وحده تخفیف همزه به «الف» و در مجهول کردن همین فعل، تخفیف به «او» را می‌بینیم. در افعال امر حاضر نیز تخفیف همزه داریم. چنانچه عین الفعل فتحه یا کسره داشته باشد، تخفیف به «ایـ» مانند نمونه فوق «إيمَنْ» و چنانچه عین الفعل ضمه داشته باشد تخفیف به «اُو» مثل فعل امر از «تأمُرُ» که «اُومُرْ» می‌شود.

هرگاه فعل مهموز الفاء به باب افعال برود نیز قاعده تخفیف اتفاق می‌افتد. جدول صرف آن را ببینیم :

صیغه	ماضی	ماضی مجهول	مضارع	مضارع مجهول	امر
۱	أَأْمنَ : آمَنَ	اُأْمِنَ : اُومِنَ	يُؤْمِنُ	يُؤْمَنُ	لِيُؤْمِنْ
۲	أَأْمنَا : آمنَا	اُأْمِنَا : اُومِنَا	يُؤْمِنانِ	يُؤْمَنانِ	لِيُؤْمِنا
۳	أَأْمنُوا : آمنُوا	اُأْمِنُوا : اُومِنوا	يُؤْمِنُونَ	يُؤْمَنُونَ	لِيُؤْمِنُوا
۴	أَأْمنَتْ :آمنَتْ	اُأْمِنَتْ : اُومِنَتْ	تُؤْمِنُ	تُؤْمَنُ	لِتُؤْمِنْ
۵	أَأْمنَتا : آمنَتا	اُأْمِنَتا : اُومِنَتا	تُؤْمِنانِ	تُؤْمَنانِ	لِتُؤْمِنا

۶	أَأْمَنَّ :آمنَّ	اُأْمِنَّ : اُومِنَّ	يُؤْمِنَّ	يُؤْمَنَّ	لِيُؤْمِنَّ
۷	أَأْمنتَ :آمنْتَ	اُأْمِنتَ : اُومِنتَ	تُؤْمِنُ	تُؤْمَنُ	أَأْمِنْ : آمِنْ
۸	أَأْمنتُما :آمنتما	اُأْمِنتما : اُومِنتما	تُؤْمِنانِ	تُؤْمَنانِ	أَأْمِنا : آمِنا
۹	أَأْمنتم : آمنتم	اُأْمِنتم : اُومِنتم	تُؤْمِنُونَ	تُؤْمَنُونَ	أَأْمِنُوا : آمِنوا
۱۰	أَأْمنتِ : آمنتِ	اُأْمِنتِ : اُومِنتِ	تُؤْمِنينَ	تُؤْمَنينَ	أَأْمِنى : آمِنى
۱۱	أَأْمنتما : آمنَتما	اُأْمِنتما : اُومِنتما	تُؤْمِنانِ	تُؤْمَنانِ	أَأْمِنا : آمِنا
۱۲	أَأْمنتنَّ : آمنتنَّ	اُأْمِنتُنَّ : اُومِنتُنَّ	تُؤْمِنَّ	تُؤْمَنَّ	أَأْمِنَّ : آمِنَّ
۱۳	أَأْمنتُ : آمنتُ	اُأْمِنتُ : اُومِنتُ	اُؤْمِنُ : اومِنُ	اُؤْمَنُ : اومَنُ	لِاُومِنْ
۱۴	أَأْمنّا : آمنّا	اُأْمِنّا : اُومِنّا	نُؤْمِنُ	نُؤْمَنُ	لِنُؤْمِنْ

می‌بینیم که در ماضی باب افعال در هر چهارده صیغه تخفیف همزه به «الف» و در مجهولش تخفیف به «او» اتفاق می‌افتد. در مضارع معلوم و مجهول باب افعال تخفیف به «او» رخ داده و در امر حاضر هر شش صیغه تخفیف به «الف» و امر متکلم وحده تخفیف به «او» پیش آمده است.

اما در مهموز العین و مهموز اللام معمولاً اتفاق خاصی رخ نمی‌دهد.

نکته :

امر حاضر از فعل‌های «أمَرَ، أخَذَ، أكَلَ، سَأَلَ» اندکی متفاوتند. امر حاضر از فعل‌های «أكَلَ و أخَذَ» باید با حذف هردو همزه به‌کار رود. یعنی چه؟

مراحل امر از تَأْكُلُ ← اُأْكُل ← اُوكُلْ (تخفیف همزه) ← كُلْ (حذف هردو همزه)

مراحل امر از تَأْخُذُ ← اُأْخُذْ ← اُوخُذْ (تخفیف همزه) ← خُذْ (حذف هردو همزه)

اما امر حاضر از فعل‌های «أمَرَ و سأَلَ» جایز الوجهین است یعنی می‌توانیم با هر دو همزه یا با حذف همزه‌ها آن را بسازیم :

مراحل امر از تَأْمُرُ ← أَأْمُرْ ← أُومُرْ (تخفیف همزه)/ مُرْ (حذف هردو همزه)
مراحل امر از تَسأَلُ ← اِسأَلْ / سَلْ (حذف هردو همزه)

صرف این افعال را در جدول زیر می‌بینیم :

صیغه	أ خ ذ	أ ک ل	أ م ر		س أ ل	
۷	خُذْ	کُلْ	مُرْ	أُومُرْ	سَلْ	اِسأَلْ
۸	خُذا	کُلا	مُرا	أُومُرا	سَلا	اِسأَلا
۹	خُذوا	کُلُوا	مُرُوا	أُومُرُوا	سَلُوا	اِسأَلُوا
۱۰	خُذی	کُلی	مُری	أُومُری	سَلی	اِسأَلی
۱۱	خُذا	کُلا	مُرا	أُومُرا	سَلا	اِسأَلا
۱۲	خُذنَ	کُلنَ	مُرْنَ	أُومُرْنَ	سَلْنَ	اِسأَلْنَ

این نکته و قاعده فقط در این چهار فعل و تنها در امر حاضرشان جاری است و نباید آن را به بقیه افعال تعمیم دهیم.

دانستنی‌های دبیر

۱ فعل مضاعف در تغییراتی که دارد، دارای قواعد و قوانینی است که بیان تفصیلی آنها کار را بسیار دشوار می‌کند. برای آگاهی از این قوانین می‌توانید به کتاب صرف ساده یا آموزش صرف دکتر کشفی مراجعه کنید[1]. به نظر می‌رسد برای افعال مضاعف، استفاده از سماع و شنیدار کمک بیشتری می‌کند نسبت به حفظ قوانین.

۱ــ آموزش صرف، عبدالرسول کشفی، درس ۱۷، ص ۹۵

۲ گفتیم هرگاه فعل مضاعف در صیغه‌های مفرد، مجزوم شود، نمی‌توان جزمش را با ساکن نشان داد و لازم است فتحه به‌جای ساکن قرار بگیرد اما در اصل هرکدام از حرکات ضمه فتحه یا کسره جایز است. برای تشخیص مجزوم بودنش لازم است به ساختار جمله و معنای آن توجه کنیم. بخاطر دشواری این امر، در کتاب درسی برای دانش آموزان فقط به حرکت فتحه اشاره شده است.

اشتباهات رایج دانش آموزان و راهکار

۱ حفظ اینکه در کدام صیغه‌ها ادغام واجب یا فکّ ادغام واجب است یا کدام صیغه‌ها جایزالوجهین هستند، برای دانش آموزان دشوار است. این مسئله فقط با تمرین و تکرار میسّر می‌شود. فعل‌های مضاعف بسیاری هستند که می‌توانید آنها را هم در ثلاثی مجرد هم در باب‌های مختلف ببرید و صرفشان یا تشخیص صیغه‌ها را از دانش آموزان بخواهید به‌طور مثال می‌توانید از این فعل‌ها استفاده کنید : (ح ب ب / ر د د / م ر ر/ ض ر ر/ ک ر ر/ ق ر ر/ س ر ر)

۲ در تشخیص فعل مهموز گاهی الف با همزه خلط می‌شود و دانش آموز فعلی مثل قال را مهموز می‌پندارد. این نکته را گوشزد کنید که تخفیف همزه به الف در فعل‌های مهموز الفاء اتفاق می‌افتد پس اگر حرف الف را وسط یا آخر یک فعل دیدید مطمئن باشید با فعل مهموز روبه‌رو نیستید. الف نیز در افعال معتلّ هرگز در ابتدای فعل قرار نمی‌گیرد.

۳ تشخیص صیغه و ساختار فعل‌هایی نظیر «آمَنَ و آمنُ» برای دانش آموزان دشوار است. «آمَنَ» فعل ماضی للغائب باب افعال است و فعل «آمَنُ» فعل مضارع للمتکلم وحده ثلاثی مجرد است. اما چه راهی برای تشخیص این موضوع وجود دارد؟ توجه به حرکت آخرین حرف! فعل «آمَنَ» قطعاً یک فعل ماضی است که به فتحه ختم شده است زیرا فعل مضارع نمی‌تواند بدون ادوات ناصبه، به فتحه ختم شود؛ اما فعل «آمَنُ» یک فعل مضارع است که به ضمه ختم شده چراکه هیچ فعل ماضی به ضمه ختم نمی‌شود؛ از سویی در میان افعال مضارع فقط صیغه متکلم وحده است که ابتدایش همزه دارد بدین ترتیب صیغه فعل هم شناخته می‌شود.

دومین راهکار این است که فعل را به قبل از تخفیف همزه برگردانیم یعنی «آ» را به «أَأْ» تبدیل کنیم سپس وزن فعل را دربیاوریم. بدین ترتیب که «آمَنَ= أَأْمَنَ بر وزن أفعَلَ» اکنون واضح است این فعل ماضی للغائب باب افعال است. فعل «آمَنُ = أَأْمَنُ بر وزن أَفعَلُ» نیز واضح است که متکلم وحده مضارع ثلاثی مجرد است.

تمارین

تمرین اول : ابیات زیر برای «احمد شوقی» را ترجمه کن سپس افعال مهموز و مضاعف را مشخص کن.

آیا امتی را شناخته اید که در نادانیشان باشند درحالی‌که در شکوه، جامه‌ای زیبا بر تن داشته باشند؟

(کنایه از این که شکوه و عظمت با جهالت قابل جمع نیست)

نگویید روزگار ما را پایین آورده است این (روزگار به این معنا)، چیزی جز تخیّل شاعران نیست

دانش را از پرچمدارانش بگیرید و حکمت را نزد حکیمان بجویید

تاریخ‌تان را بخوانید و آن را حفظ کنید با فصاحت (و شیوایی) که از سخنوران به شما رسیده است

عظمت را بر روی زمین بجویید (اگر) آن (زمین) تنگ شد، آن (بزرگواری) را در آسمان بجویید

(تصویری خیالی از مصر)

افعال مهموز : خُذوا (امر للمخاطبین ریشه أ خ ذ) / اقرؤوا (امر للمخاطبین ریشه ق ر أ)/ جاء (ماضی للغائب ریشه ج ی أ)

افعال مضاعف : حَطَّ (ماضی للغائب ریشه ح ط ط)

تمرین دوم : در هر مجموعه از کلمات آنچه از تو خواسته شده را مشخص کن.

۱ مصدر باب مفاعله : المکاتَبَة

المُقاتِل : اسم فاعل الکمال : مصدر ثلاثی مجرد المجاهِدة : اسم فاعل

۲ مصدر باب تفعیل : التّهدید

التعارف : باب تفاعل التقدُّم : باب تفعُّل الإکراه : باب افعال

۳ مهموز الفاء : خُذوا (ریشه أخ ذ)

ابدؤوا : فعل امر للمخاطبین مهموز اللام (ریشه ب د أ) سَلوا : فعل امر للمخاطبین مهموز العین (ریشه س أ ل) أرسِلوا : فعل امر للمخاطبین سالم (ریشه رس ل)

۴ مضاعف : أحَبّوا (فعل ماضی للغائبینَ باب افعال ریشه ح ب ب)

علَّمَت : ماضی للغائبة باب تفعیل (ریشه ع ل م) تَنَزَّلَ : ماضی للغائب باب تفعّل (ریشه ن ز ل)

أکَّدنا : ماضی للمتکلم مع الغیر باب تفعیل (ریشه أ ک د)

تمرین سوم : الف) آنچه از تو خواسته شده را مشخص کن. (ترجمه‌ها را برای آگاهی دبیر محترم آورده‌ایم. نباید مورد سؤال امتحانی پایه یازدهم قرار بگیرد)

۱ به روستایی سفر کردم که عکسش را در روزهای کودکی‌ام دیده بودم.

مجرور به حرف جرّ : قرية　　مفعول به : صورة

۲ بادهای شدیدی وزید که خانه‌ای در کنار ساحل دریا را خراب کرد.

فاعل : رياحٌ فاعل عصفت / هی مستتر فاعل خرّبت مفعول‌به : بيتاً (نقش جنباً ظرف است)

۳ برنامه‌ای را پیدا کردم که مرا در یادگیری عربی کمک می‌کرد.

مفعول به : برنامجاً برای وجدتُ / ضمیر ی برای يساعد　　مضاف اليه : العربيّة

۴ کتاب دوستی است که تو را از مصیبت نادانی نجات می‌دهد.

مبتدا : الكتاب　　خبر : صديقٌ (از نوع مفرد)

۵ خوشم می‌آید از عیدی که تهیدستان در آن خوشحالند./ عیدی که تهیدستان در آن خوشحالند مرا شگفت زده می‌کند. (هردو ترجمه درست است زیرا در دروس گذشته اصطلاح یعجبنی به صورت خوشم می‌آید ترجمه شده است.)

جمع مكسر : الفقراء　　نون وقايه : يعجبنی

* نکته‌ای وجود دارد و آن اینکه تمامی این عبارات شامل جمله وصفیه هستند اما دانش‌آموزان هنوز با این ساختار آشنا نشده‌اند. هرگاه در جمله، فعلی اسم نکره پیش از خود را توضیح دهد، چنانچه آن فعل، در نقش خبر نباشد، جمله وصفیه است و قطعاً تحت تأثیر ماقبل خود قرار می‌گیرد. ساختار ترجمه‌اش بدین ترتیب است :

۱ ماضی + ماضی (جمله وصفیه) = ماضی بعید یا ساده

۲ ماضی + مضارع (جمله وصفیه) = ماضی استمراری

۳ مضارع + مضارع(جمله وصفیه) = مضارع التزامی

مثال‌های هرکدام را در تمرین فوق می‌بینیم.

ب) از میان این فعل هایی‌که در جملات پیشین آمده‌اند، فعل متعدی را مشخص کن.

سافرتُ : لازم　　شاهدتُ : متعدی　　عصفت : لازم　　خرّبت : متعدی

تمرین چهارم : در هر مجموعه کلمه بیگانه را با ذکر دلیل مشخص کن.

۱ النحاس : مس الدّاء : درد الحدید : آهن الذّهب : طلا

دلیل : همگی از انواع فلزات هستند اما داء یک مفهوم حسی است.

۲ الرّداء : جامه بلند القمیص : پیراهن البرنامج : برنامه العباءة : عبا

دلیل : همگی پوشاکند به‌جز برنامج.

۳ القشر : پوست الجذع : تنه الغصن : شاخه المظلّة : چتر

دلیل : همگی اجزاء گیاهند اما مظلّة وسیله و ابزار است.

۴ الرّمل : شن الجناح : بال الطّین : گِل التّراب : خاک

دلیل : همگی منابع خاکی هستند اما الجناح اعضای بدن حیوان است.

۵ السِّنّ : دندان الزّیت : روغن الفَم : دهان اللّسان : زبان

دلیل : همگی اعضای بدن انسان است اما الزیت ماده‌ای خوراکی است.

تمرین پنجم : برای تحلیل صرفی :

فعل	ماضی/ مضارع/ امر	مجرد مزید	باب	لازم متعدی	معلوم مجهول	معرب مبنی	سالم غیرسالم
عَلِمْتُمْ	ماضی	ثلاثی مجرد	....	متعدی	معلوم	مبنی	سالم
خُذُوا	امر	ثلاثی مجرد	....	متعدی	معلوم	مبنی	مهموز
اُطْلُبوا	امر	ثلاثی مجرد	....	متعدی	معلوم	مبنی	سالم
ضاقَ	ماضی	ثلاثی مجرد	....	لازم	معلوم	مبنی	معتلّ
یُحِبُّ	مضارع	ثلاثی مزید	افعال	متعدی	معلوم	معرب	مضاعف

اسم	مفرد/ مثنی/ جمع	مذکر/ مؤنث	معرفه/ نکره	جامد/ مشتق	معرب/ مبنی
المجد	مفرد	مذکر	معرفه بأل	جامد مصدر ثلاثی مجرد	معرب
الإکراه	مفرد	مذکر	معرفه بأل	جامد مصدر باب افعال	معرب
الشّعراء	جمع مکسّر	مذکر	معرفه بأل	مشتق اسم فاعل	معرب
القمیص	مفرد	مذکر	معرفه بأل	جامد غیرمصدری	معرب
الید	مفرد	مؤنث معنوی	معرفه بأل	جامد غیرمصدری	معرب

منابع و مآخذ دانش افزایی

۱ الشرتونی، رشید، مبادی العربیّة، ج ۳، موسسه انتشارات دارالعلم، قم
۲ الشرتونی، رشید، مبادی العربیّة، ج ۴، بخش صرف، موسسه انتشارات دارالعلم، قم
۳ الشرتونی، رشید، مبادی العربیّة، ج۴، بخش نحو، موسسه انتشارات دارالعلم، قم
۴ کشفی، عبدالرسول، آموزش صرف، کتاب طه، قم
۵ کشفی، عبدالرسول، آموزش نحو، کتاب طه، قم
۶ محمدی، حمید، زبان قرآن (علم نحو)، موسسه انتشارات دارالعلم، قم